

# استبداد، استعمار و بهائیت

استبداد، استعمار و بهائیت

امیرعلی حسنلو



**Despotism, Colonialism & Bahā'iyat**

روند تاریخی شکل‌گیری بهائیت، بیانگر آن است که این جریان در سایه حمایت حکومت‌های استبدادی و با هدف تخریب دین و اعتقاد به منجی، تضعیف نهاد مرجعیت و برهم‌زدن انسجام امت اسلامی پدید آمده‌است؛ دولت‌های استعماری نیز با فراهم ساختن زمینه‌ها و بسترهای ترویج این فرقه ضاله، علاوه بر برنامه‌ریزی جهت مقابله با یکپارچگی دینی و فرهنگ امیدبخش مهدویت، تأمین منافع مادی و گسترش استیلای روزافزون خود بر کشورهای اسلامی را با بکارگیری این جریان خواستارند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ









# فهرست مطالب

مقدمه ..... ۹

## فصل اول: مفاهیم، پیشینه و کلیات

مفهوم شناسی ..... ۱۳

الف) باب ..... ۱۳

ب) بهاء ..... ۱۶

ج) استبداد ..... ۱۷

د) استعمار ..... ۱۷

پیشینه مدعیان دروغین باییت ..... ۱۸

الف) مدعیان باییت در دوره غیبت صغری ..... ۱۹

ب) مدعیان باییت در دوره غیبت کبری ..... ۲۱

زمینه‌های شکل‌گیری بهائیت ..... ۲۸

۱. نگاهی به وضع ایران معاصر در دوره قاجاریه ..... ۲۹

۲. ویژگی حاکمان قاجاریه ..... ۳۶

## فصل دوم: نقش استبداد در پیدایش بهائیت

حاکمان قاجاریه و بهائیت ..... ۴۴

الف) بنیان بهائیت در عهد قاجار ..... ۴۶

ب) همسویی بهائیت با استبداد و استعمار در انحراف مشروطه ..... ۵۴

پهلوی‌ها و بهائیت ..... ۵۷

- الف) ویژگی پهلوی‌ها ..... ۵۸  
 ب) اوضاع فرهنگی ..... ۶۰  
 ج) بهائیت در دوره پهلوی‌ها ..... ۶۳  
 د) رشد فعالیت‌های تبلیغی بهائیت در عصر پهلوی ..... ۶۹

### فصل سوم: نقش استعمار در پیدایش و ترویج بهائیت

- الف) رویارویی با توسعه قلمرو اسلامی ..... ۸۴  
 ۱- فرهنگی ..... ۸۴  
 ۲- نظامی ..... ۸۵  
 ب) طرح‌های راهبردی ..... ۸۵  
 ۱. تجزیه قلمرو جهان اسلام ..... ۸۶  
 ۲. بحرانهای پایدار مرزی ..... ۸۷  
 ۳. تشدید اختلافات نژادی، قومی و فرهنگی ..... ۸۸

### روسیه و بهائیت ..... ۹۲

- الف) سیاست بیگانگان و زمینه‌های انحراف ..... ۹۴  
 ب) روسیه و پیدایش بهائیت ..... ۱۰۱  
 ۱. باب، در پناه عامل روس ..... ۱۰۱  
 ۲. تصویربرداری از جسد باب ..... ۱۰۲  
 ۳. حفظ جسد باب ..... ۱۰۲  
 ۴. یاری جستن بایبان زنجان از روس‌ها ..... ۱۰۲  
 ۵. دشمنی با امیرکبیر ..... ۱۰۳  
 ۶. گزارش هدف دارآشوب‌ها ..... ۱۰۴  
 ۷. کوشش برای نجات باب و بها از اعدام ..... ۱۰۶  
 ۸. اظهار خوشنودی از توهین بابی‌ها به علمای شیعه ..... ۱۰۸  
 ۹. جذب نیرو برای باب ..... ۱۰۸  
 ۱۰. اقرار بهاء به حمایت روس تزار ..... ۱۱۰  
 ۱۱. مجوز تأسیس مشرق‌الاذکار و آزادی تبلیغ در خاک روسیه ..... ۱۱۰  
 ۱۲. استقبال روس‌ها از بهائیان ..... ۱۱۲



۱۳. تلاش سفیر روس، برای آزادی بهاء از زندان..... ۱۱۲
۱۴. نام‌گذاری فرقه با پسوند بهیّه (بهاء)..... ۱۱۴
۱۵. پناه‌دادن سفارت روس به بهاء و وابستگی خاندان بهاء به روس‌ها..... ۱۱۵
۱۶. جاسوسی بهاء برای دولت روس و همراهی سفیر با او در تبعید..... ۱۱۶
۱۷. حفظ آثار..... ۱۱۷
- ج) علت حمایت روس‌ها از بهائیت..... ۱۱۸
۱. ایجاد خدشه در وحدت تشیع..... ۱۱۸
۲. حذف کارگزاران استعمارستیز..... ۱۱۹
۳. محو فرهنگ امید..... ۱۱۹
۴. وهن جایگاه مرجعیت..... ۱۲۰
۵. قداست زدایی از معارف و ارزشهای دینی..... ۱۲۱
۶. توسعه ارضی و راه‌یابی به آب‌های آزاد..... ۱۲۲
- ۱۲۵ انگلیس و بهائیت**.....
۱. سلطه‌جویی انگلیسی‌ها در ایران..... ۱۲۶
۲. انگلیس و پیدایش بهائیت..... ۱۳۱
۳. تعامل بهائیت با انگلیس..... ۱۳۷
۴. گسترش بهائیت و استعمار پیر..... ۱۴۹
۵. بهائیسیم و صهیونیسم، دست‌ساخته انگلیس..... ۱۵۲
- ۱۶۰ فرانسه و بهائیت**.....
- ۱۶۶ آمریکا و بهائیت**.....
- الف) نگاهی به تاریخ آمریکا و رابطه با ایران..... ۱۶۷
۱. پیدایش آمریکا..... ۱۶۷
۲. سلطه‌جویی آمریکا در ایران..... ۱۷۰
۳. رابطه ایران و آمریکا..... ۱۷۱
- ب) گونه‌های تعامل آمریکا با بهائیت..... ۱۷۶
۱. پیدایش بهائیت و آمریکا..... ۱۷۸
۲. ستیز با همبستگی اسلامی..... ۱۸۱

۳. هم‌گرایی در شعارها..... ۱۸۵
۴. راه‌اندازی تشکیلات بهائیت در آمریکا..... ۱۸۸
۵. همکاری در سرقت آثار تاریخی..... ۱۹۴
۶. جاسوسی بهائیان برای آمریکا..... ۱۹۶
۷. ترویج بهائیت با ترویج مفاسد اخلاقی..... ۱۹۹
۸. حمایت‌های سیاسی آمریکا در مجامع بین‌المللی..... ۲۰۴
- توصیه و راهکارها..... ۲۱۶
- منابع و مأخذ..... ۲۲۱**

## مقدمه

بی تردید ارزش‌های دینی در طول تاریخ از خطر تحریف در امان نبوده است، حتی توحید که اصل اولیّه تمام ادیان آسمانی است، در مقاطعی مورد هجوم مدعیان دروغین خدایی قرار گرفته است و قرآن با بیان سخن فرعون در سوره نازعات، که گفت «انا ربکم الاعلی»، به صراحت بر این امر گواهی می‌دهد. نبوت و امامت نیز که از اصول و ارکان دین هستند، از این خطر، مصون نبوده‌اند؛ امامت به دلیل اهمیتش در استمرار احکام دینی، بیش از همه، مورد طمع‌ورزی و دست‌یازی مدعیان دروغین قرار گرفته است؛ مهدویت که استمرار امامت است نیز، هم قبل و هم بعد از تولد امام مهدی علیه السلام مدعیان فراوانی داشته که به علل و انگیزه‌های مختلف، فرقه‌سازی کرده و باعث انحراف عقیدتی در جامعه گردیدند.

پس از غیبت صغری، عده‌ای مدعی بابت امام‌زمان علیه السلام شدند که با هشیاری شیعیان، سرکوب گردیدند؛ پس از غیبت کبرا، مدعیان فراوانی به انحراف و فرقه‌سازی پرداختند که در نهایت در قرن سیزدهم، با ظهور پدیده شوم استعمار و تقارن حضور آن‌ها در کشورهای اسلامی، فرقه منحرف شیخیه شکل گرفت و بابت مورد حمایت استبداد و استعمار، از آن جوانه زد و در نهایت، بهائیت در دامن استبداد و زیر چتر استعمار، از رسوب بابت بوجود آمد.

این پژوهش با توضیح واژه «باب» که بنیان و اساس فرقه بهائیت است و نیز تاریخچه و معانی آن آغاز شده است و در ادامه با بحثی اجمالی از مدعیان بابت در دوره غیبت صغری و کبری به زمینه‌های شکل‌گیری بهائیت و بررسی نقش استبداد و استعمار و اهداف آنها در دامن زدن به فرقه‌گرایی با بهره‌گیری از شیوه‌های تأثیرگذار؛ پرداخته است. بررسی حمایت عوامل قاجار، پهلوی، روس،

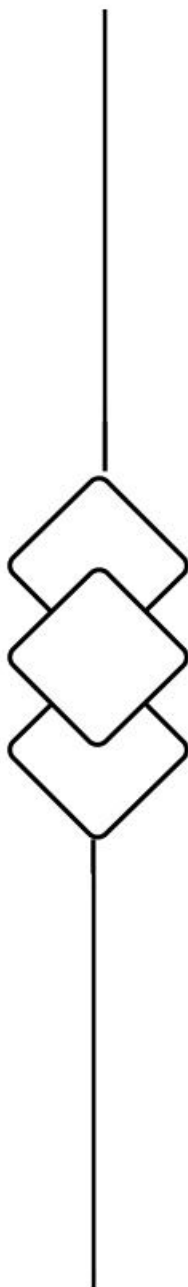
انگلیس، صهیونیسم، فرانسه و آمریکا از بهائیت، نیز در این پژوهش مغفول نمانده است و از آنجا که بستر حوادث تاریخی، جامعه و تحولات آن است، بررسی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... در رویش اندیشه باییت و رشد بهائیت نیز، در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

به هر حال روند تاریخی شکل‌گیری بهائیت، بیانگر آن است که این جریان از برنامه‌های بیگانگان بوده و با هدف تخریب دین، اعتقاد به منجی، نهاد مرجعیت به عنوان کانون وحدت و انسجام اسلامی، صورت پذیرفته است. دولت‌های استعماری بیگانه نیز از این راه، جهت آسیب زدن به فرهنگ غنی و امیدبخش مهدویت در شیعه، از تمام امکانات خود، سود جستند تا از وجود وابستگان بهائیت، منافع مادی خود را تامین نمایند.

در پایان بر خویش لازم می‌دانم از محقق محترم حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو و از همه عزیزانی که در شکل‌گیری این اثر تلاش نموده‌اند، به ویژه حجت‌الاسلام علیرضا روزبهانی و دکتر سیدحسین فلاح‌زاده، تقدیر و تشکر نمایم.

حسن رضایی‌مهر

رئیس مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات



فصل اول

مفاهیم، پیشینه و کلیات



## مفهوم شناسی

تحقیق پیش‌رو دربردارنده مفاهیم و اصطلاحاتی است که به تبیین و توضیح آنها پرداخته می‌شود:

### الف) باب

«باب» واژه‌ای عربی است، به معنای «در»، ورودگاه منزل، قلعه و مانند آن، به طوری که نتوان به جز از آن وارد شد.<sup>۱</sup> این واژه، معانی دیگری هم دارد، از جمله به برخی از چیزها که در جامعه رواج می‌یابد، «باب شدن» یا «مُد شدن» می‌گویند.<sup>۲</sup> در این تحقیق، منظور از باب علی‌محمد شیرازی است که مدعی باییت امام عصر علیه السلام بود.

درباره معانی اصطلاحی باب و اینکه به چه کسی اطلاق شده و چه کسی شایستگی آن را دارد، باید گفت باب به کسی گفته می‌شود که مراجعات مردم جهت ارتباط با مقام عالی‌رتبه با اجازه او صورت گیرد، اما در دین اسلام، «نبوت» بالاترین مقامی است که می‌تواند متضمن چنین معنایی و باب الی‌الله محسوب شود،<sup>۳</sup> نبوت، دری به سوی ماورای طبیعت است و به اصطلاح، عالم ملکوت به وسیله باب نبوت با هستی فروتر از خود، مرتبط شده است. خداوند نیز این مقام عالی را بر عهده برخی بندگان شایسته خود نهاده است تا از این

۱. فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۱۰؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۵۰.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۷۸۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۷.

طریق راهی به عالم بالا، برای بندگان زمینی باز شود.<sup>۱</sup> در حقیقت، پیامبران الهی، باب و وحی الهی هستند. بعد از مرتبه نبوت، مرتبه امامت قرار دارد، مقام شامخ امیرمؤمنان پس از رتبه پیامبر خاتم است، رسول خدا بر اساس روایت متواتر درباره علی علیه السلام چنین فرمودند:

«يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»؛<sup>۲</sup> «ای علی! نسبت تو به من، همانند نسبت هارون به موسی است» و فرمود: «أنا مدينةُ العلمِ و علی بأبها»؛<sup>۳</sup> «من شهر علم هستم و علی در آن است». در جایی دیگر فرمودند: «اهل بیت معدن علم و درهای حکمت هستند و روشنائی از آنها است».<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود: «درهای حکمت و نور، ما اهل بیت هستیم»<sup>۵</sup> وقتی اهل بیت خود را باب علوم و حکمت الهی معرفی می کنند، دیگر نیازی به باب ندارند و تنها باب العلوم، خود ائمه هستند؛ آنها، هر ادعای بابی گری را با این بیانات، باطل کرده اند. غیر اهل بیت، نمی توانند باب العلم الالهیه باشند، از این رو باب علم، انبیاء، امیرمؤمنان و اهل بیت هستند. غیر از این سه گروه، دیگران به دروغ، مدعی باب علوم الهی و باب ائمه می باشند. ائمه، وکیل، نایب و نماینده داشته اند، اما هیچ گاه «باب» نداشته اند. اصطلاح باب، در روایات به ائمه اطلاق شده و این مقام از سوی خداوند به آنها داده شده است.<sup>۶</sup>

در تمام معارف، علوم هستی و ماورای طبیعت بر روی اهل بیت باز است؛ از این رو امام علی علیه السلام در صدد معرفی و بیان شمه ای از فضایل خویش، برای

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. درباره حدیث منزلت ر.ک: سیدجعفر مرتضی عاملی، الغدير و المعارضون، ص ۶۶-۶۷؛ محمدبن مشهدی، المزار، ص ۷۴؛ احتجاج، ص ۱۵۵.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۳۳؛ بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۲۰۲؛ المزار، ص ۵۷۶.

۴. «عِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مَعَالِقُ الْعِلْمِ وَ أَتْيَابُ الْحُكْمِ وَ ضِيَاءُ الْأَمْرِ»؛ صفارقمی، بصائر الدرجات، ص ۳۶۲.

۵. نهج البلاغه ص ۱۷۷؛ ارشاد، ج ۱، ص ۲۴۱.

۶. نظیر آنچه در دعای ندبه درباره امام زمان علیه السلام آمده «أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يَأْتِي» در روایت دیگر آمده است «نَحْنُ بَابُ اللَّهِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۵.



اینکه روزنه‌ای از حقیقت برای جویندگان دانش، معلوم باشد و از درک آن بی‌بهره نباشند، می‌فرماید: «تَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُ تَبْلِيغَ الرِّسَالَاتِ وَإِتْمَامَ الْعِدَاتِ وَتَمَامَ الْكَلِمَاتِ»<sup>۱</sup> «به خدا سوگند، دانش تبلیغ آئین‌ها و وفای به همه وعده‌ها و تفسیر کلمات وحی به من [توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] آموخته شده است.»

بنابراین اگر نبوت، باب وحی و علم پیوسته به دریای بی‌کران است، امامت باب و ورودگاه منحصر به فرد آن است. از آنجا که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، پیوسته با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیسته و در حضور او علم آموخته است، باب علم نبوی به‌شمار می‌رود و اهل بیت عصمت و طهارت هم، ابواب حکمت‌ها معرفی شده‌اند و آنچه به پیامبران رسیده و به تمام وعده‌ها، آموختنی‌ها و علوم، آگاه هستند.

از منظر معارف اسلامی و در مبانی معرفتی، مهم‌ترین منابع شناخت اهل بیت، ادعیه و نیایش‌های دقیق، بلند و ژرف هستند؛ در این ادعیه ائمه با واژه‌های رسا و کاملی معرفی شده‌اند، یکی از نمونه‌های عالی آن، زیارت جامعه کبیره است که از نظر سند و محتوا، اعتبار قطعی دارد؛ در بخشی از این زیارت، ائمه چنین معرفی شده‌اند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبَوَةِ... وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ... أَنْتُمْ الصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ... وَ الْبَابُ الْمَبْتَلَى بِه النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى وَ...»<sup>۲</sup> «درود بر شما ای خاندان نبوت و درهای ایمان، شما صراط مستقیم‌اید و تنها دروازه نجات مردم و هرکس به سوی شما آید نجات یابد.»

بر اساس بسیاری از اخبار و احادیث، باب حکمت الهی و علوم نبوی که متصل به وحی است، در هر زمانی وجود دارد، او همان حجت و خلیفه الهی بر روی زمین است که هستی به وجود او وابسته است؛ بنابراین «باب» خاستگاه دینی دارد و مخصوص مقام و مرتبه معصوم است و حقیقتاً کسی غیر از معصوم نمی‌تواند چنین ادعایی نماید؛ چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اولین امام را به‌صراحت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰، ص ۲۳۳.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، زیارت جامعه کبیره، ج ۶، ص ۹۶.

معرفی نمود که من شهر علم و این علی، دروازه شهر دانش است.<sup>۱</sup> در عصر ما نیز این باب الهی به دوازدهمین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله (حجة بن الحسن) اختصاص دارد که او را با این نیایش می‌جویم: «أینَ بابُ الله الذی منه یؤتی»،<sup>۲</sup> کجاست آن باب خداوندی که با آن به خدا می‌رسیم؟» چنان‌که در زیارت جامعه آمده است، ائمه باب‌هایی هستند که ورود و رسیدن به ایمان از طریق آنها میسر است.

بنابراین، واژه باب، از مقدس‌ترین القاب پیامبران الهی و ائمه به‌شمار می‌رود، بدین معنا که آنها درِ ورودی سعادت و کمال، معرفی شده‌اند، اما فردی به نام سیدعلی محمد شیرازی در دوره حکومت قاجاریه به دروغ خود را باب امام عصر علیه السلام نامید و ابتدا مدعی بابت بود اما بعد ادعای امامت و مهدویت کرد و سرانجام توبه‌نامه‌ای از همه گفتارهایش نوشت.

## ب) بهاء

واژه «بهاء» که به معنای نور و روشنایی است، برگرفته از دعای سحر و ادعیه دیگر و از نام‌ها و اوصاف خداوند است.<sup>۳</sup> مؤسسان فرقه بهائیت و پیش از آنها، علی محمد شیرازی، به هرکس لقب خاص می‌داد؛ از این رو سران این فرقه، خود را بهاء‌اله و عبدالبهاء ... نامیدند. میرزا حسینعلی نوری، لقب «بهاء‌الله» را در دشت بدشت به خود اطلاق کرد؛<sup>۴</sup> یا اینکه قره العین<sup>۵</sup> این لقب را به او داد.

۱. ارشاد، ج ۱، ص ۳۳؛ امیرمؤمنان در نهج البلاغه خطبه ۱۵۴ می‌فرماید: «نحنُ الشعارُ و الأَصحابُ و الخَزَنَةُ و الأبوابُ و لا تُؤتی البیوتُ الا من أبوابها فمن آتاها من غیر أبوابها سُمی سارقاً؛ ای مردم، ما چونان پیراهن پیامبر و یاران راستین او و خزانه‌داران علوم و معارف الهی و درهای ورود به آن معارفیم که جز از طریق درهای آن، هیچ کس نمی‌تواند وارد خانه‌ها شود و در صورت ورود، دزد نامیده می‌شود».

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، (دعای ندبه: أینَ بابُ الله الذی منه یؤتی؛ زیارت جامعه کبیره: و البابُ المُبتلی به الناسُ)، المزار، ص ۵۷۹.

۳. میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه المراقبات، ج ۱، ص ۵۱۶.

۴. عبدالحمید اشراق خاوری، خلاصه تاریخ نبیل، ص ۲۶۹.

۵. درباره قره العین ر.ک: محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۳، ص ۹۹۷.

عبدالحسین نوائی، در مقالاتی که به ضمیمه کتاب «فتنه باب» منتشر نمود، گفته است: «این لقب در دشت بدشت به پیشنهاد قره العین به میرزاحسینعلی داده شد.»<sup>۱</sup> نوائی در این باره گفته است: «نویسنده کواکب الدریه، تردید دارد و معتقد است خود میرزاحسینعلی این لقب را به خود داد، چون هیچ سندی دال بر داده شدن این لقب توسط باب یا قره العین نیست؛ چرا که میرزاحسینعلی، پس از داستان بدشت، به این لقب معروف گردیده است»<sup>۲</sup> تا به ظاهر، اساس و بنیان و مشروعیتی برای مسلک خود دست و پا کند؛ نام این فرقه و حزب سیاسی، از این لقب، اقتباس و به آن شهره شده است؛ همان طور که فرقه‌های دیگر در طول تاریخ به نام مؤسسان آنها نامیده شده است مانند کیسانیه، فطحیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و...<sup>۳</sup>

### ج) استبداد

«استبداد» در لغت به معنای خودکامگی و رفتار خودسرانه است، در اینجا به معنای نوعی حکومت است که قدرت سیاسی در دست یک حاکم یا نظامی باشد که در آن نظام اختیارات نامحدود به شخص ظالمی همچون سلطان یا شاه واگذار شده باشد.<sup>۴</sup> حکومت ایران از دوره باستان تا پیروزی انقلاب اسلامی از این نوع بود که با پیروزی انقلاب اسلامی این سیستم حکومتی فروپاشید.

### د) استعمار

«استعمار» در لغت به معنای خواستاری آبادی و پیشرفت است؛ اما این کلمه امروزه از معنای اصلی خود، فاصله گرفته و به رفتار ظالمانه و غارتگرانه کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم استعمار گفته می‌شود؛ چرا که آنان ذخایر فرهنگی و مادی کشورهای جهان سوم را پس از تسلط بر آنان به

۱. اعتضادالسلطنه، فتنه باب، ص ۱۶۴؛ حسین رحمانی‌نوش آبادی، بیان‌الحق، ص ۱۱۸.

۲. فتنه باب، ص ۱۵۰.

۳. ر.ک: عبدالکریم، شهرستانی، ملل و نحل؛ محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق و مذاهب اسلامی.

۴. علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۷۶.

یغما بردند، به بیانی دیگر به سیاست مبتنی بر سودجویی از منابع طبیعی و برده‌داری و بهره‌کشی از مردم کشورهای کمتر رشد یافته، استعمار گفته می‌شود. قدرت‌های استعماری مانع رشد و پیشرفت فنی، اقتصادی و فرهنگی دیگر کشورها می‌شوند؛ جریانی قدرتمند که از طریق آن، کشورهای ضعیف، زیر سلطه سیاسی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن قرار گرفته و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> پس از تجزیه امپراطوری عثمانی، استعمارگرانی چون پرتغال، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و... اعمار عثمانی را جزء مستعمرات خود قرار دادند. در این کتاب به نقش استعمارگران در پیدایش بهائیت پرداخته می‌شود.

### پیشینه مدعیان دروغین بابت

در تاریخ اسلام، عده‌ای برای منحرف کردن مسیر حقیقت، هر نمادی از جمله خلافت و وصایت را تحریف کردند و با وجود مشخص بودن خلیفه و وصی رسول خدا ﷺ مدت‌ها غاصبانه بر مسند خلافت، تکیه زدند؛ به سبب همین انحراف، عترت رسول خدا ﷺ را از حق مسلم الهی، محروم و امویان و عباسیان خود را از عترت به‌شمار آورده و بر مسلمانان حکمرانی کردند.<sup>۲</sup>

گاهی تحریف‌گران در برابر امام‌حسن و امام‌حسین علیهما السلام که سرور جوانان بهشت هستند، دو پیر برای بهشت ساخته و حتی در پی آن بودند که «باب الی‌الله» را نیز که به صراحت نبوی، تجلی عینی آن در امامت است، تحریف کنند؛ به‌همین جهت همه مدعیان بابت و مهدویت، به رسوایی، تحقیر و فضاحت گرفتار شدند. در طول تاریخ اسلام مدعیان بابت به صورت فراوان سربرآورده‌اند؛ چنان‌که این واقع‌نمایی را عده‌ای که از هر لحاظ دارای مشکل بوده‌اند، مدعی شده‌اند و جمعی نیز گرد آنها جمع شده و بهره‌گیری مادی

۱. همان، ص ۱۱۰.

۲. ر.ک: ابن‌واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۱ و ۲؛ ابن‌قتیبه دینوری، الامامة و السياسة.

نموده‌اند و گروهی نیز در این راه گمراه شدند. بدون استثنا، هیچ یک از این مدعیان، شخصیت علمی و امتیاز ویژه‌ای نداشته‌اند بلکه برخی مانند علی محمد باب، متهم به خبط دماغ و خارج از اعتدال روحی و دارای مشکل روانی بودند.<sup>۱</sup> سعی مدعیان در آغاز، معرفی خود به‌عنوان رابط با امام بوده که این کار را با خواب و اوهام و تخیلات شروع می‌کردند؛ این افراد معمولاً قبل از آغاز انحراف، دچار افراط و تفریط بودند، برای مثال، عبادت‌ها و ریاضت‌هایشان خارج از چهارچوب دین بود و انزواطلب و گوشه‌گیر بوده‌اند، آنان برای جبران این مشکلات، به دروغ‌پردازی روی آوردند تا شناخته نشوند. ائمه اطهار علیهم‌السلام در عصر حضورشان، آنها را تکذیب نمودند. در زمان غیبت کبری نیز امام عصر علیه‌السلام به آخرین سفیر و نایب خود فرمود:

«پس از مرگ خویش نایب و جانشینی برای خود انتخاب نکن که غیبت کبری آغاز می‌شود و هر کس در این دوره طولانی، ادعای رؤیت یا نیابت خاصه نماید، دروغ‌گوست».<sup>۲</sup>

تکلیف مدعیان بابت با این پیش‌بینی حضرت ولی عصر علیه‌السلام روشن شد، اما همواره برخی از مردم، به‌علت پایین بودن سطح آگاهی و نداشتن شناخت کافی از حضرت حجت، اطراف مدعیان بابت و حتی مدعیان مهدویت گرد آمدند و برخی نیز برای رسیدن به اغراض دیگر، در این ناهنجاری‌های مذهبی شرکت کردند، حتی در زمان غیبت صغری، برخی مدعی بابت و ارتباط با آن حضرت شدند که آن حضرت آنان را لعن و طرد کرد.

### الف) مدعیان بابت در دوره غیبت صغری

۱. اولین فردی که در عصر غیبت صغری، ادعای بابت نمود، فردی به نام

۱. نوشته‌اند: علی محمد باب، بر بام‌ها برمی‌آمد و در برابر آفتاب با سر برهنه می‌ایستاد و او را [ورد و ذکر] مجعول می‌خواند و چندان بر این عمل مواظبت نمود که دماغش علیل و مغزش فاسد گشت. فتنه باب، ص ۱۱.

۲. «و لَأَتُوصَّ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ... أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّحِيحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ؟» شیخ طوسی، الغيبة، ص ۳۹۵.

«ابومحمد حسن شریعی» بود که خود را از اصحاب امام‌هادی و امام‌عسکری علیه‌السلام می‌دانست. از آنجا که این فرد به خداوند و ائمه علیهم‌السلام نسبت‌های ناروایی می‌داد، شیعیان به مقابله با او برخاسته، او را لعن نموده و ارتباط خویش را با او قطع کردند. از طرف حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام نیز، توقیعی در لعن و دوری از او صادر گردید.<sup>۱</sup>

۲. دومین فرد مدّعی باییت، «محمدبن‌نصیر النمری» بود که خود را از اصحاب امام‌عسکری علیه‌السلام می‌دانست. او پس از رحلت آن امام، ادعای ارتباط با حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام را مطرح کرده و مدعی شد که نایب اول ایشان است، ولی سرانجامش به فضاحت کشید. او حتی ادعای نبوت نمود و امام‌هادی علیه‌السلام را در مقام الوهیت دانست و خود را از طرف او پیامبر خواند.<sup>۲</sup> پس از او، طرف‌داران گمراه او، به فرقه‌های مختلفی تقسیم شدند.

۳. سومین مدّعی باییت، «احمدبن‌هلال کرخی» بود که از طرف نایب امام علیه‌السلام طرد شد.<sup>۳</sup>

۴. چهارمین نفر، «ابوطاهر محمدبن‌علی‌بن‌بلال» است او که اموالی را از مردم به‌عنوان وجوهات و سهم امام گرفته بود مدعی شد آن اموال از آن امام است و او نایب و راه ارتباط با امام به‌شمار می‌رود. البته مردم با دیدن این‌گونه ادعاها از او بیزاری جستند.<sup>۴</sup>

۵. پنجمین مدّعی باییت و وکالت، «حسین‌بن‌منصور حلاج» است که گاهی خود را شیعیان و زمانی از صوفیان می‌دانست.<sup>۵</sup>

۶. «ابوجعفر محمدبن‌علی شلمغانی» معروف به «ابن ابوالعزاقر» نیز بنابر اظهار شیخ‌طوسی، از جمله مدّعیان باییت بوده است. وی با سومین نایب خاص امام،

۱. الغیبة، ص ۲۶۷.

۲. همان، ص ۲۶۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۶۹.

۵. همان، ص ۲۷۲؛ ابن‌مسکویه، تجارب‌الأمم، ج ۵، ص ۵.

در دوره غیبت صغری، معاصر بوده که امام عصر علیه السلام او را لعن و طرد نمودند.<sup>۱</sup> ابوالقاسم بن روح نیز او را که می‌خواست عقیده‌اش را در بین پیروانش ترویج دهد، رسوا نمود.<sup>۲</sup>

### ب) مدعیان بابت در دوره غیبت کبری

ادعای بابت برای امام عصر علیه السلام از زمان غیبت صغری آغاز شده و این ادعاهای دروغین و انحرافی، تا عصر حاضر ادامه داشته است؛ بیش از پنجاه نفر، قبل از علی محمد باب، ادعای مهدویت کرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی از علمای بزرگ شیعه، نتیجه این ادعاهای را، با همه صدماتی که به اسلام و عقاید دینی داشته‌اند، مؤیدی برای وجود حضرت صاحب دانسته‌اند.<sup>۴</sup> مدعیان در آغاز، مدعی بابت و ارتباط با امام زمان علیه السلام بوده و در نهایت، ادعای مهدویت کرده و خود را مهدی معرفی کرده‌اند و به آشوب‌ها و اختلافات و درگیری‌ها دامن زده‌اند. در طول تاریخ غیبت کبری، مدعیان متعددی ظهور کرده‌اند که مهدی سودانی، و سنوسی و غلام‌احمد قادیانی (رهبر فرقه قادیانی‌گری) از آن جمله‌اند. پیش از علی محمد باب که خود را باب نامید، فردی در شیراز ادعای بابت کرد که با برخورد بازدارنده مردم روبرو گردید.<sup>۵</sup> علی محمد باب، از مهم‌ترین مدعیان بابت و مهدویت در قرن سیزدهم بوده است، او با این ادعا، بحران اجتماعی دامنه‌دار و شکاف عظیمی ایجاد کرد که علاوه بر خون‌ریزی، پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متعددی داشت.

معرفی اجمالی شخصیت سیدعلی محمد باب و دیگر بنیان‌گذاران بهائیت به شناخت عمق انحراف این جریانات کمک زیادی خواهد کرد.

۱. الغیبه، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۴-۲۷۸.

۳. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۴۸.

۴. الغیبه، ص ۲۸۱.

۵. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۶۰.

علی محمد باب، مدّعی بابت (۱۲۶۶-۱۲۳۵)<sup>۱</sup> فردی است که سیدکاظم رشتی،<sup>۲</sup> ظهور او را همواره به پیروان و نزدیکان خود وعده داده است؛<sup>۳</sup> وی در شهر شیراز متولد شد. از آنجا که در کودکی پدرش را از دست داده بود، دایی او سرپرستیش را به عهده گرفت، او هیچ علاقه‌ای به تحصیل نداشت، ولی به اجبار مدّت کوتاهی در مکتب‌خانه، به تحصیل پرداخت<sup>۴</sup> در دوران نوجوانی و جوانی به ریاضت‌های خشک روی آورد که این کار اختلال روحی و روانی او را در پی داشت.<sup>۵</sup> او پس از مدتی از شیراز مهاجرت کرده و در بوشهر که محلّ تجمع و رفت و آمد انگلیسی‌ها بود به مدت پنج سال به تجارت پرداخت،<sup>۶</sup> پس از آن برای زیارت عتبات، راهی عراق شد و سه سال در کلاس درس فردی به نام سیدکاظم رشتی حضور یافت.<sup>۷</sup> تنکابنی، از نزدیک او را در درس رشتی دیده و نوشته است که او ریش خود را کاملاً می‌تراشید<sup>۸</sup> که خلاف سنت و رسم طلبگی است و در زیارت نیز، روش خاصی، برخلاف روش علما و طلبه‌ها داشت.<sup>۹</sup> این‌گونه رفتارها نشان می‌دهد که وی تعادل روحی نداشته و پایبند

۱. نسخ‌التواریخ قاجاریه، ج ۲، ص ۸۲۸. این منبع به لحاظ معاصر بودن با علی محمد باب، اهمیّت بسیاری دارد.

۲. سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ‌احمد احسایی موسس شیخیه بود که پس از او بر این مسلک تأکید داشت؛ علی محمد باب مدتی در کلاس درس او حاضر شد و گفته‌های او را می‌نوشت. رک: قصص‌العلماء، ص ۵۹-۶۰.

۳. سیداحمد کسروی، بهائی‌گری، ص ۱۵ و ۱۹؛ اگرچه سیدکاظم به اسم تصریح نکرد، اما تلویحاً می‌گفت ظهور امام نزدیک است همین اظهارات او در رونق کار باب بین پیروان سیدکاظم موثر بود اگرچه ممکن است برخی بگویند قصد سیدکاظم او نبود، اما همین گفتار نامتوازن او از اسباب فتنه بود.

۴. تاریخ جامع بهائیت، ص ۶۰.

۵. فتنه باب، ص ۱۱؛ نسخ‌التواریخ قاجاریه، ج ۲، ص ۸۲۹-۸۳۰.

۶. لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۷۹۰.

۷. قصص‌العلماء، ص ۵۹. نویسنده کتاب قصص‌العلماء هم‌دوره علی محمد و خود از نزدیک شاهد حضور او در درس رشتی بوده و مدّتی نیز خودش شرکت داشته است.

۸. همان.

۹. نسخ‌التواریخ قاجاریه، ج ۲، ص ۸۴۰-۹۰۹؛ قصص‌العلماء، ص ۵۹.



شرعیات و سنن نبوده است. شرکت در درس سیدکاظم رشتی که از یک سو علما را سب کرده و ناسزا می‌گفت،<sup>۱</sup> و از سوی دیگر به تکرار و ترویج اندیشه و افکار شیخ‌احمد احساسی (۱۱۶۶-۱۲۴۲) می‌پرداخت فضای تربیتی خاصی را پیش روی سیدعلی محمد قرار می‌داد. تنها هنر و توانمندی برجسته علی محمد تندنویسی و نوشتن گفته‌های رشتی بود.<sup>۲</sup> رشتی با او مأنوس شد و نوشته‌هایش را اصلاح کرده، در تربیت او برای آینده و اجرای اهداف استعمارگران تلاش می‌نمود. بنابراین، افکار و برنامه‌های نامأنوس، ابداعی، بی‌سابقه و بدعت‌آلود احساسی، گفتارهای سیدکاظم رشتی (م ۱۲۵۹ق) آمدن سیدعلی محمد از شیراز به بوشهر (که سال‌ها پایگاه استعمارگران انگلیسی در جنوب ایران بود)، مسافرت او به عتبات، حضور در مجالس رشتی تا ادعای بابیت (۱۲۶۰ق) و همه این برنامه‌ها، در راستای اجرای پروسه دین‌سازی استعماری بود که می‌توان این روند را از گزارشات سفیر روس، نیکولای دالگورکف<sup>۳</sup> و دیگر سفرای کشورهای بیگانه، استنباط کرد؛ تعاملی که بین سران بهائیت و دولت‌های بیگانه به صورت مستند، گزارش شده است و رویدادهای دیگر که پس از وقایع مختلف پیش آمد، نتیجه داد و در تاریخ تشیع، گرایش به نام شیخیه با طرح رکن رابع و از دل آن فرقه‌ای موسوم به بابیت و بهائیت، شکل گرفت. به گفته آیتی: «تخم این فتنه (بابیت که به بهائیت انجامید) را بدون شک، سیدکاظم رشتی کشت»<sup>۴</sup> که آشوب فرهنگی گسترده و اغفال جوانان و آسیب‌رسانی به اندیشه ناب مهدویّت را در پی داشت. به انصاف می‌توان گفت، این جریان اتفاقی نبوده و همه با برنامه‌ریزی منظم، از سوی استعمارگران به وقوع پیوسته است.

۱. قصص العلماء، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۵۹. علی محمد در جلسه محاکمه علما در تبریز اظهار کرد: «من روزی دو هزار بیت کتابت می‌کنم»، همان، ص ۶۴.

۳. سیدمحمدباقر نجفی، بهائیان، ص ۶۱۹ به نقل از کتاب شورش بابیان در ایران؛ مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۹، ص ۵۰۵-۵۰۴.

۴. عبدالحسین آیتی، کشف الحیل، ص ۳۶۵.

پس از اینکه علی محمد شیرازی از سال ۱۲۶۰ به ترتیب مدّعی ذاکریت (مفسر)، بابیت، مهدویت، نبوت و در سال ۱۲۶۵ الوهیت شد، توسط علماء، محکوم و در تبریز محاکمه شد، گرچه او توبه‌نامه‌ای نوشته و از همه ادّعاهای خود، دست برداشت ولی در سال ۱۲۶۶ به اعدام محکوم گردید.<sup>۱</sup> پس از اعدام علی محمد شیرازی، دو برادر به نام‌های میرزایحیی<sup>۲</sup> (۱۲۴۶-۱۳۳۰ق) و میرزاحسینعلی نوری (۱۲۳۳-۱۳۰۹ق) از اهالی روستای تاکر از بخش نور مازندران<sup>۳</sup> که با روس و انگلیس ارتباط داشته، به دنبال جانشینی او بودند. آنان فرزندان میرزاعباس نوری (معروف به میرزای بزرگ، از منشیان و مستوفیان زمان محمدشاه قاجار) بودند. به ادّعای پیروان علی محمد شیرازی، او، میرزایحیی را جانشین خود کرد؛<sup>۴</sup> امّا حسینعلی (برادر بزرگ) گوی سبقت را از او ربود و خود را جانشین باب، معرفی نموده و برادر کوچک را از صحنه رقابت کنار زد. رقابت و درگیری بین دو برادر، با ادّعای «من یظهره الله» توسط میرزاحسینعلی،<sup>۵</sup> در ادرنه، سبب انشعاب در بابیت، به دو فرقه ازلّی (لقب میرزایحیی، صبح ازل بود) و بهائی (لقب میرزاحسینعلی، بهاء بود) گردید.<sup>۶</sup> هر یک از آنان، به نقطه‌ای از قلمرو عثمانی (قبرس و عکا) تبعید گردیدند. زرنگی میرزاحسینعلی سبب گردید که حمایت بیگانگان به سوی او جلب شده و مسلک او که بهائیت نامیده شده بود، رونق گرفته و در عکا و حیفا و نقاط دیگر، به ساختن معبد و ترویج بهائیت پردازد.

بهائیت تا آخر دوره قاجار با حمایت مالی انگلیس، روس و عثمانی در ایران و خارج از آن به حفظ هویت خود، جهت تفرقه در میان شیعیان پرداخت. رهبری

۱. اعتضادالسلطنه، المآثر و الآثار، ج ۶۳، ص ۶۲۹.

۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۴۳۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۳۴.

۴. فتنه باب، ص ۱۵۶.

۵. اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۸۳.

۶. شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۴۳۶.

این جریان، غیر از میرزا حسینعلی، بر عهده شخص دیگری نبود. پس از اعدام باب، بابیان با مشارکت در طرح ترور ناصرالدین شاه،<sup>۱</sup> می‌خواستند طرح‌های استعماری را در سایه آشوب کامل داخلی، با حذف شاه، سریع‌تر عملی کنند، اما در این نقشه ناکام ماندند و نتوانستند انتقام باب را از شاه بگیرند.<sup>۲</sup>

پس از قتل امیرکبیر و به صدارت رسیدن میرزا آقاخان نوری (همشهری میرزا حسینعلی) میرزا حسینعلی که از ایران به عراق رفته بود، به تهران برگشت، پس از آن غائله ترور شاه به پا شد که بر اساس شواهدی، همکاری میرزا حسینعلی، در این فتنه روشن گردید؛ از این رو اعدام او در نظر شاه قطعی بود، اما او با پناهندگی به سفارت روس و حمایت و جانب‌داری شخص سفیر روس از مرگ حتمی نجات یافت.<sup>۳</sup> سرانجام او را راضی به مهاجرت از ایران به بغداد کردند. بهاء‌الله<sup>۴</sup> از دولت روس و سفیر آن کشور، به دلیل این حمایت، بسیار قدردانی نمود؛ کنسول انگلیس، روسیه و فرانسه در بغداد با وی دیدار کردند و حمایت و همدلی خود را به این صورت از وی به عمل آوردند تا بهاء‌الله از پشتیبانی آنان مطمئن شود و با دل‌گرمی کامل، کار را تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه دهد.<sup>۵</sup> بابیان، پس از استقرار در بغداد، در شهرهای مقدس به ایجاد فتنه و آشوب پرداختند<sup>۶</sup> چندین نفر از بابیان که از متن کتاب بیان، آگاهی داشتند، مدعی مقام «من یظهره الله» شدند<sup>۷</sup> که برخی به تحریک میرزایحیی و

۱. بابیان در طرح ترور ناموفق ناصرالدین شاه که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری واقع گردید نقش داشتند. ر.ک: علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار و ناسخ التواریخ قاجاریه.

۲. شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳. همان ص ۴۳۶.

۴. ر.ک: انشعاب در بهائیت، ص ۳۸۷، سفیر روس از بهاء‌الله به امانت یاد می‌کند و به میرزا آقاخان نوری می‌نویسد: «در حفظ این امانت، بسیار کوشش نما، اگر آسیبی به او برسد تو مسئول هستی».

۵. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۱۲-۳۱۴.

۶. بهائیان، ص ۶۴۲.

۷. فتنه باب، ص ۱۶۲.

برادرش حسینعلی، به قتل رسیدند؛<sup>۱</sup> حضور بایبان در بغداد، جوئی از ناامنی و آشوب را در شهرهای مقدس نجف و کربلا پدید آورد که زائران عتبات مقدسه از موج این ناامنی‌ها در امان نماندند؛ دزدی و غارت زائران و راهزنی در این مسیر (شهرهای مرکزی) به شدت ادامه یافت.<sup>۲</sup> سرانجام دولت ایران از این وضع بحرانی، به دولت عثمانی شکایت کرد که به انتقال بایبان از عراق به استانبول انجامید. میرزایحیی رهبر بایبان نیز با آنان به استانبول رفت.<sup>۳</sup>

پس از اخراج بایبان از عراق، میرزاحسینعلی، در فضای به وجود آمده، مدعی مقام «من یظهره الله» شد.<sup>۴</sup> اگرچه غیر از او، هشت نفر دیگر نیز این ادعا را کردند، اما برخی از آنان با توطئه میرزاحسینعلی کشته شدند.<sup>۵</sup> بدین صورت، تجزیه و اختلاف بزرگ در بابت، با این حرکت آغاز شد و پیروان میرزایحیی که خود را به صبح ازل ملقب ساخته بود، معروف به ازلی شدند و پیروان میرزاحسینعلی بهاءالله را، بهائی نامیدند. با این انشقاق بزرگ، بهائیت به رهبری میرزاحسینعلی شکل گرفت؛ میرزاحسینعلی بایبان را به دین خود دعوت می‌کرد که پس از مدتی، دعوت او استقبال چشمگیری یافت؛ منازعات بین دو گروه، در درنه شدت گرفت و به کشتار، قتل، غارت و جنایت‌های بسیاری انجامید؛ اختلاف بین دو برادر بر سر دین خرافی برآمده از فساد و نقشه‌های استعماری، خون‌های بسیاری را به هدر داد. بهاءالله با نوشتن کتاب «بدیع»، منکر جانشینی برادرش صبح ازل شد و به او و پیروانش دشنام گفت؛ خواهرش نیز در مقام افشای بهاءالله، از رسوایی‌های او پرده برداشت و کتاب «تنبیه النائمین» را در این باره تحریر نمود. حکومت عثمانی برای پایان دادن به این غائله بهاءالله و

۱. همان.

۲. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۰۰-۳۰۲؛ بهائیان، ص ۶۴۱.

۳. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۰۳. ناصرالدین شاه از دولت عثمانی خواست که آنها را به مناطق دیگر، منتقل سازند. بهائیان، ص ۶۴۳-۶۴۲.

۴. فتنه باب، ص ۱۶۱.

۵. همان، ص ۱۶۲. از جمله، سیدبصیر هندی، اولین گرونده به باب.

پیروانش را از قلمرو خود، به عکا در فلسطین و میرزایحیی و ازلیان را به قبرس تبعید کرد.<sup>۱</sup>

بدین صورت، بهائیت بر اساس رسوب‌های آلوده فکری بابت و شیخیه، شکل گرفت و بهاء‌الله طی اقدامی فراگیر، با نوشتن نامه‌هایی به سران جهان، آنان را به دین جدید خود فراخواند و خود را پروردگار جهان معرفی کرد که ظهور کرده و دوره‌ای نوین از تاریخ انسانیت را آغاز نموده است.<sup>۲</sup> پیروان جاهل و نادانش نیز با باور ادعاهای او، به ترویج این اندیشه پرداختند. حسینعلی با گرفتار شدن در آشوب فکری و روحی، در نقض ادعاهای پیشین خود، به نوشتن کتاب جدید «اقدس» پرداخت و آن را نسخ‌کننده و مبطل تمام کتاب‌های پیشین انبیای الهی نامید که جامع تمام مصالح، مفاسد، اوامر و نواهی است؛ البته او در حال عدم تعادل فکری و غافل از اینکه گفته‌ها و ادعاهای او در معرض دید دیگران قرار گرفته است، نسخ کتاب علی‌محمد باب را منکر شد حال آنکه نبوت ادعایی او مستند به کتاب علی‌محمد است. وی با تناقض‌گویی‌های بسیار، گاهی مدّعی نبوت و گاهی مدّعی ربوبیت بود، تا بدین وسیله، بر اساس مأموریت استعماری که بر عهده او گذاشته شده بود، تمام ارزش‌های انسانی و ادیان را به استهزا گرفته و به وهن آنها پردازد، او نیز مثل علی‌محمد، معجزه خود را نوشتن و خط زیبا می‌دانست؛ غافل از اینکه اگر این دو ویژگی برای ادعای نبوت و الوهیت کافی بود، باید تمام خوش‌نویسان، خطاطان و قلم‌فرسایان، یا پیامبر و یا خدا می‌بودند؛ بدین سان، پوچ‌ترین و متزلزل‌ترین عقیده و مذهبی که در طول تاریخ انسان ظاهر گردیده، دستاورد علی‌محمد باب و جانشینان اوست که دستاویز خوبی برای دشمنان اسلام، جهت آسیب‌زدن به اساس دین اسلام و اندیشه‌های ناب شیعه گردیده است؛ به هر روی، حسینعلی نوری مازندرانی، در سال ۱۳۰۹ق در عکا در سن ۷۶ سالگی، پس از ادعاهای دروغین و نشر افکار باطل و گمراه کردن عده زیادی از مردم، از دنیا رفت؛ با اینکه او چندین

۱. فتنه باب، ص ۱۶۰-۱۶۴.

۲. تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۶۸.

فرزند پسر داشت، اما عباس افندی، معروف به عبدالبهاء (غصن اعظم) جانشین او شد. با این جانشینی، دومین درگیری و انشعاب در این مسلک روی داد، چرا که عده‌ای از برادرش که معروف به (غصن اکبر) بود، پیروی کردند. عباس افندی نیز در سال ۱۳۴۰ق، با وجود ادعای الوهیت، از دنیا رفت. پس از او، شوقی افندی، نوه دختری حسینعلی، بر جای او نشست؛ در این زمان نیز، اختلاف و انشعابی در بهائیت پدید آمد و رفتارهای ناشایست شوقی، سبب شد افراد زیادی از بزرگان بهائی، از این مرام و حزب جدا شده و به تشیع روی آورند و کتاب‌هایی علیه این مسلک بنویسند و از رسوایی‌های سران این مسلک استعماری سخن گفته و حقایقی را بیان نمایند. پس از شوقی، بهائیت به چند گروه تقسیم گردید<sup>۱</sup> و مرام بهائیت رسماً با تدبیر استعمارگران به شورایی موسوم به «بیت‌العدل»<sup>۲</sup> سپرده شد. این طرح توسط انگلیسی‌ها به شوقی، املاء گردید و او برای ادامه بهائیت، آن را اعلان نمود. از آن تاریخ به بعد، دولت‌های استعماری به صورت مستقیم، اداره بهائیت را عهده‌دار شده و برای توسعه آن در جهان، سرمایه‌گذاری کرده و به حمایت از آن پرداختند.

### زمینه‌های شکل‌گیری بهائیت

تمام حوادث و پدیده‌های اجتماعی، تحت تأثیر شرایط و اقتضانات خاص و در بستر جامعه، شکل می‌گیرد. پدیده‌ها یا معلول فرهنگ جامعه و اوضاع اجتماعی هستند یا نتیجه موقعیت‌ها و بسترهای مناسب سیاسی؛ عناصری چون فرهنگ، عقاید مذهبی، قدرت، حکومت، حاکمان و مردم، عناصر مهم تأثیرگذار در این

۱. فضل‌الله صبیحی مهندی، خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبیحی و تاریخ بایی‌گری و بهائی‌گری) ص ۱۳. اگرچه بابت نیز در بغداد و ادرنه و پس از آن غیربهائی‌ها و ازلی‌ها چندین فرقه شد؛ محمد محمدی‌اشتهاردی، بایی‌گری و بهائی‌گری، ص ۷۰.

۲. تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۷۶. «بیت‌العدل» نامی است که برای مرکز تشکیلات بهائیت که مانند دیگر سرقت‌های بهائیت از اخبار و روایات شیعه مبنی بر اینکه امام‌زمان علیه السلام ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل داد می‌کند، گرفته شده تا در جهت انحراف افکار، معادل‌سازی نمایند.

رویدادها هستند؛ دین، عقاید و ایدئولوژی جامعه نیز در شکل‌گیری فرهنگ و تحول آن نقش مستقیم و سازنده‌ای دارند.

از این‌رو، ارزش‌ها و باورهای دینی، اگر به درستی به جامعه عرضه نشود، فرهنگ جامعه و ارزش‌های آن در معرض آسیب‌های جدی قرار خواهند گرفت؛ لذا خداوند برای ابلاغ وحی، انسان‌هایی برمی‌گزیند که از خطا مصون باشند و برای استمرار دین، متولیان دارای شرایط خاص (مثل عصمت) قرار می‌دهد. در نگرش ارزشی شیعه، در دوره غیبت، متولیان دین، فقها و علمای شیعه هستند که حراست و تبیین دین را بر عهده دارند؛ وگرنه انحرافات بدعت‌گران، دین و فرهنگ دینی را وارونه خواهد کرد؛ بر این اساس متولیان فرهنگ و دین، باید با تمام نیرو در مقابل این انحرافات بایستند، آنها در بیان دقیق و منطقی باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی، مسئولیتی سنگین دارند که یکی از مهم‌ترین آنها، مسئله امامت است؛ جایگاه امامت و امام‌زمان باید به درستی به مردم معرفی شود، تا هر کسی نتواند مدعی این مقام خطیر شود و عده‌ای را منحرف سازد و نظم فرهنگی و اجتماعی را به هم بزند؛ فقدان معرفت منطقی و شناخت این ارزش‌ها، خسارات جبران‌ناپذیری به حوزه دین وارد خواهد کرد که متولیان باید زمینه‌های پیدایش این بحران‌ها را بررسی کنند.

### ۱. نگاهی به وضع ایران معاصر در دوره قاجاریه

حکومت قاجاریه مانند همه حکومت‌های گذشته ایران، از سوی مردم انتخاب نمی‌شد، بلکه حکومتی سلطنتی، مانند حکومت‌های پیش از اسلام بود. با ظهور پدیده استعمار، دوره جدیدی از حکومت‌های استبدادی، در ایران آغاز گردید؛ از این‌رو دوره قاجاریه را می‌توان دوره نوینی از استبداد دانست که با حضور و دخالت بیگانگان پررنگ شد.

استیلای طولانی ظلم و استبداد بر تاریخ ایران، از عوامل تأثیرگذار بر ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران است. از جمله موارد مهمی

که از سیطره استبداد بر تاریخ ایران، تأثیر منفی به خود گرفته و غیرواقعی نمایان شده، فرهنگ است که شامل دین نیز می‌شود. دین از عناصر مهم و یکی از لایه‌های حجیم فرهنگ‌ها محسوب می‌شود که همواره در طول تاریخ بشر خودنمایی کرده و در متن زندگی انسان‌ها بوده است؛ از سوی دیگر، حکومت‌ها در شکل‌گیری و تکامل فرهنگ‌ها تأثیر قابل توجه و انکارناپذیری دارند؛ چنانچه حکومت‌ها با فرهنگ و مسئله دین تعامل صحیح و منطقی داشته باشند، فرهنگ و لایه‌های آن رنگ و بوی دینی خواهند گرفت؛ اما اگر توجه به دین و آموزه‌های دینی از سوی حکومت‌ها صرفاً ابزاری برای حفظ حکومت آنها باشد، آنگاه فرهنگ چیز دیگری (غیردینی) خواهد بود. قاجاریه نیز از جمله حکومت‌هایی است که در پوشش دین، برای حفظ تاج و تخت کوشیده‌اند، اما برای حفظ دین، فرهنگ دینی و حراست از آموزه‌های تشیع، هیچ‌گونه تشویش ذهنی، دغدغه خاطر و برنامه‌های مصون‌بخش نداشته‌اند و از قدرت، حاکمیت و ثروت‌های مادی ایران، برای گسترش اندیشه دینی، بهره‌وری کامل نکرده‌اند.

از آن جهت که بنیان و اساس فرقه بهائیت در دوره قاجاریه، با ادعاهای و آشوب‌های علی‌محمد باب بنیان گذاشته شد، مناسب است عوامل سیاسی شکل‌گیری و رونق این فتنه بزرگ، مورد بررسی قرار گیرد و نقش استبداد سیاه شاهان قاجار، در این فرآیند، مورد بازبینی واقع شود. این دوره از تاریخ، به جهت شرایط و رویدادهای مهم جهانی، از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است، چرا که رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بزرگی در پیش‌روی ایران قرار داشت.<sup>۱</sup>

در دوره قاجاریه، هرگز اقتدار سیاسی دوره‌های پیشین تاریخ، بر ایران حاکم نشد،<sup>۲</sup> به‌ویژه آنکه وحدت و انسجام دوره صفوی، در ایران به وجود نیامد. علاوه بر این عامل که در ضعف اقتدار سیاسی، نظم اجتماعی و ترقی مؤثر بود،

۱. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۱۸.

۲. جورج کرزن، ایران و قضیه ایرانی، ج ۱، ص ۳۶۱.



تغییر وضع سیاسی و اقتصادی جهان نیز، در ضعف و دگرگونی سیاسی و اجتماعی ایران مؤثر بود؛ در این دوره، کشورهای غربی و اروپایی با رویکردی متفاوت و با اهداف مشخص، در عرصه بین‌المللی حضور یافتند. پس از آقامحمدخان که از اقتدار و همت بالاتری برخوردار بود، دیگر شاهان مستبد قاجار، در اداره امور کشور تدبیر نداشتند؛ فتحعلی‌شاه، به‌خاطر ضعف مدیریت، در اداره امور کشور ابتکاری نداشت، تنها امتیاز او در دوره حاکمیت خود، برخورداری از وزارت و مشاورت دانشمندی ادیب چون قائم‌مقام بود که در پیشرفت علم و دانش و ادبیات، با جذب شاعران و هنرمندان، گام‌های مؤثری برداشت.<sup>۱</sup> در تدبیر امور و تربیت نیرو نیز، قائم‌مقام اقدامات قابل‌توجه و تأثیرگذاری داشت که تربیت وزیر شایسته و صدراعظم لایقی چون امیرکبیر نمونه‌ای از آن است که توانست در مقطعی دربار قاجار را سامان بخشیده و اصلاحاتی که دامنه آن به اصلاح امور اجتماعی منتهی می‌شد، انجام دهد. محمدشاه قاجار، دیگر شاه ایرانی دارای ضعف مزاج و سست اراده بود؛ از این رو تدبیر امور در اختیار قائم‌مقام بود، او به‌خاطر محدود کردن درباریان، در بسیاری از امور، با دشمنی درباریان روبرو گردید. در این زمان، مدعیان تاج و تخت، دست به آشوب زدند و ظل‌السلطان که مدعی قدرت بود، نود روز حکومت یافت؛ اما تدبیر قائم‌مقام، قدرت را به ولیعهد برگرداند.<sup>۲</sup> محمدشاه، علی‌رغم اعتمادی که عباس‌میرزا به قائم‌مقام داشت، با تلاش اطرافیان به قتل قائم‌مقام تحریک شد.<sup>۳</sup> پس از قتل قائم‌مقام، رشته امور و تدبیر به دست افرادی افتاد که فاقد توانمندی و شایستگی لازم بودند؛ بنابراین چندین شورش در سراسر ایران روی داد، مثلاً آقاسی معلم دوران کودکی محمدشاه که مورد علاقه شدید وی بوده به گونه‌ای که در نامه‌هایش، با عباراتی چون «روحي فداک» مورد ملامت

۱. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۱۷۰-۱۷۲.

۲. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۱۲۵.

۳. همان، ص ۱۲۸.

قرار می‌داد<sup>۱</sup> سیزده سال، صدارت و اختیار تام داشت. در همین دوره ضعف اقتدار آقاخان محلاتی و در پی آن، فتنه باب آغاز شد.<sup>۲</sup> از این رو قدرت سیاسی ایران تحت تأثیر این ضعف سیاست و تدبیر داخلی و تحولات جهانی و کشورهای همسایه در نوسان بود.

پس از اینکه تاج و تخت به ناصرالدین شاه رسید، نفوذ درباریان و بیگانگان در امور ایران که از زمان صدارت آقاسی رو به فزونی بود، استمرار یافت. علاقه‌مندی ناصرالدین شاه به سفر و گشت‌و‌گزار در فرنگ باعث افول بیشتر اقتدار او و حاکمیت گردید و اسبابی را فراهم آورد تا بیگانگان به غارت کشور که نتیجه‌اش استیلا فقر و جهالت مردم بود، بپردازند و در این راستا، به گرفتن امتیازات بیشتر از دربار قاجار، حریص‌تر باشند.<sup>۳</sup> هم‌زمان با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه، بحران هرات با دخالت انگلیس روی داد که پیامد آن جداشدن افغانستان و هرات از ایران بود.<sup>۴</sup> از طرفی، تحولاتی که در امپراطوری عثمانی و کشورهای همسایه غربی به‌وقوع پیوست، در امور سیاسی ایران نیز تأثیر گذاشت.<sup>۵</sup> فزونی خواهی روس‌ها در ایران که از دیرباز راه‌یابی به آب‌های آزاد، از طریق ایران رؤیای آنها بود، سبب وقوع جنگ‌های بزرگی میان ایران و روس گردید.<sup>۶</sup> این تنش‌های نظامی، قدرت مرکزی ایران را دچار چالش جدی و ضعف نمود، در نتیجه ثبات و اقتدار سیاسی لازم حکومت ایران از بین رفت و دولت‌های روس، انگلیس و... برای رسیدن به مطامع خود، به ایران چشم طمع دوخته و بخش‌هایی از مرزهای شمالی و شمال غرب کشور را میدان تاخت و

۱. همان، ص ۱۳۰؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۳۹۸-۴۰۲؛ عباس قدیانی، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۱، ص ۳۱۰.
۲. حسن حبیبی، بررسی اسناد تاریخی بندرعباس، ص ۴۶۷؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۵۰۲؛ تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض، ج ۲، ص ۴۸۶.
۳. رک: ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری.
۴. عزیزالله بیات، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، ص ۵۱۴.
۵. همان، ص ۵۰۶.
۶. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۲۲-۶۳.

تاز خود قرار دادند.<sup>۱</sup>

از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز تحوّل بزرگی در ایران به دلیل تأثیرگذاری بیگانگان و افکار غرب‌گرایانه، در حال شکل‌گیری بود و اندیشه‌های مختلفی به نام تجلّد در ایران دیده می‌شد. علی‌رغم توصیه اسلام به خواندن و نوشتن، علم‌آموزی و تعلیم و تربیت، مردم ایران در این دوره از نظر آگاهی و تحصیلات، کمبود داشتند. از آنجا که در این دوره، بیشتر روحیه نظامی‌گری بر جوامع ایرانی حاکم بود و مردم بیشتر وقت خود را در اردوهای نظامی و دفاعی سپری می‌کردند، هرگز فرصت علم‌آموزی، برای عموم جامعه فراهم نبود. از طرفی، امکانات آموزشی نیز توسعه عادلانه نداشت؛ از این رو شاید بتوان گفت که بیشتر مردم ایران، از پایین‌ترین سطح علمی محروم بودند<sup>۲</sup> و امرار معاش، بیشتر از طریق اشتغال به امور نظامی و تا اندازه‌ای زراعت و دامداری بود. تحوّل کیفیت تعلیم و تربیت و نهاد آموزش و القای فرهنگ‌های غیربومی، سایه‌های فریبنده تمدن غرب و مدرنیته، در جامعه ایرانی، ناهمگونی فرهنگی را به بار آورد؛<sup>۳</sup> تا آنجا که احتمال جایگزینی فرهنگی، در سیر تاریخی ایران وجود داشت.<sup>۴</sup> فرهنگ غالب دوران قاجار، فرهنگ دینی بود که اقتدار مرجعیت و رهبران مذهبی در آن، بلامنازع بود و دولت روس و دیگر دولت‌ها، قدرت نفوذ همه‌جانبه مرجعیت را در جنگ‌های خود با ایران تجربه کرده و به انسجام و وحدت مردم، آگاه بودند. قدرت نفوذ مرجعیت نیز -چنان‌که ذکر شد- در جامعه ایران و حتی جهان اسلام، در سطح بسیار بالا و چشمگیری قرار داشت، به‌طوری که حکومت‌ها و سلاطین، برای پیدا کردن جایگاه اجتماعی و منزلت مردمی، همواره به این مراکز اقتدار و مشروعیت، توجه داشتند و برای مشروع نمودن خود، در برقراری روابط دوستانه با این نهاد، تلاش می‌نمودند.

۱. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۲۶۸-۲۹۹ و ج ۹، ص ۴۷۴.

۳. همان، ج ۸، ص ۵۴۵.

۴. اقبال قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجار، بنیان و پیشروان، ص ۸۰-۹۰ و ص ۲۴۹-۲۵۰؛

محمدرضا روحانی، فرهنگ‌نامه زنجان، ص ۵۴-۶۵.

از طرفی سطح معلومات و آگاهی مردم در زمینه مسائل سیاسی-اجتماعی و آموزه‌های دینی، محدود و کم بود. اما اعتقادات آنها به ارزش‌های دینی، بسیار مستحکم و استوار بود. از جمله عقاید مردم، اعتقاد دیرپا و استوار به امامت، مهدویّت، حیات امام‌زمان (عج) و آمدن او برای نجات مظلومان بود، اما آگاهی آنها از کیفیت وقوع این رویداد و اوصاف و شرایط منجی حقیقی، کم و گاهی غیرواقعی و آمیخته با موهومات و خرافات بود. «...عقیده به قرب ظهور، شاید از زیادی فساد بود که در آن روزگار، در ایران حکم‌فرما بود و مردم انتظار داشتند که حضرت ولی‌عصر، صاحب‌الزمان، ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید و همین انتظار مردم، وسیله‌ای به دست شیادانی مثل باب داد تا ادعای مهدویّت نماید...»<sup>۱</sup>

از دیگر سو، ظلم و سیطره فقر و محرومیت اقتصادی و استمرار آن در جامعه و وجود انواع محرومیت‌ها و بلایای اقتصادی مثل قحطی، خشکسالی، بیماری‌های واگیردار<sup>۲</sup> و فقدان بهداشت در جامعه<sup>۳</sup> برای قشرها و توده‌های عظیم مردمی، حرکت جمعی را برای پیدا کردن راه نجات برمی‌انگیخت و این عقیده را در مردم زنده می‌نمود که باید عدالت‌گستری که در جهان منتظر آمدنش هستند، بیاید و آنان را از ظلم‌رها سازد و این اجتماع آشفته و ستم‌دیده را نجات دهد. این انتظار و توقع، ناشی از اعتقاد مردم به مهدویت بود.

آنچه بر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران حکم‌فرما بود، هرگز از دید دولت‌های غربی و همسایگان ایران، پنهان نبود؛ چنان‌که گردشگران، در سفرنامه‌های خود به این امور، اشاره و گزارش‌های مفصل به دولت‌های تابعه خود، ارائه می‌کردند. سفرای کشورهای بیگانه نیز، از نزدیک بر این اوضاع آگاه بودند.<sup>۴</sup>

۱. فتنه باب، ص ۸۹.

۲. برای نمونه: وقتی علی محمد باب در شیراز ادعای بایبیت کرد، بیماری وبا، شیوع داشت.

۳. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۲۰۶.

۴. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۲۳؛ ایران و قضیه ایرانی، ج ۱، ص ۶۳۵-۶۴۰.

بنابراین، جامعه ایران در عصر قاجاریه، از هر لحاظ در وضعیتی قرار داشت که به راحتی آسیب‌پذیر و شکننده بود. چون آموزه‌های دینی، بر اساس منطق و با پشتوانه عقلی محکم، به مردم آموخته نشده بود؛ از این رو خرافات به راحتی در عقایدشان راه می‌یافت و جزء فرهنگشان می‌گردید. با تأسیس مدارس به سبک جدید، مخالفت و مبارزه شد و تنش‌ها و درگیری‌های فراوانی به وجود آمد.<sup>۱</sup> با مظاهر بهداشت، مثل لوله‌کشی، برق‌رسانی و حمام‌های جدید بهداشتی، مخالفت شدید بود. امر تعلیم و تعلم سنتی، متعلق به طبقه ویژه و جنسیت خاص بود و زنان عموماً از تحصیل علم محروم بودند.<sup>۲</sup> همچنین بیماری‌های واگیردار، مثل وبا، سرخک و... جان بسیاری را گرفت.<sup>۳</sup>

وقتی امیرکبیر برای ریشه‌کن کردن برخی از این بیماری‌ها، به واکسینه کردن کودکان اقدام نمود و از مردم خواست تا به مراکز درمانی مراجعه کنند، هیچ‌کس مراجعه نکرد. وی مجبور شد، با جریمه پنج تومانی که آن زمان مبلغ زیادی بود، مردم را به این کار وادار نماید؛ ولی مردم به حدی خرافی بودند که حاضر به پرداخت پنج تومان شدند تا از این دستور بهداشتی سرپیچی نمایند، تا جایی که امیرکبیر به علت این وضع، در پشت میز کارش به حال مردم گریست.<sup>۴</sup>

در چنین وضع فرهنگی و اجتماعی و دوری مردم از آگاهی‌های لازم دولت‌های استبدادی نه تنها تلاشی جهت بهبود اوضاع نداشتند، بلکه هزینه‌های زندگی آمیخته با تشریفات آنها و وابستگان سیاسی، نظامی، درباریان و... به مردم تحمیل می‌شد. از دیگر سو، هزینه جنگ‌ها، ویرانی‌ها و حوادث نیز به این مبلغ افزون می‌شد. اقتضای حاکمیت مستبدانه، آنان را وادار می‌کرد که مردم را در جهالت و زندگی فلاکت‌بار فقیرانه، نگه دارند، تا بتوانند آسوده بر آنان حکومت نمایند.

---

۱. فرهنگ‌نامه زنجان، ص ۶۵-۵۴.

۲. مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان، ص ۸۰ و ۱۲۷.

۳. تاریخ اجتماعی ایران، ص ۱۸۹.

۴. محمدرضا حکیمی، داستان‌هایی از زندگی امیرکبیر، ص ۱۸؛ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۱۱۲.

استعمارگران نیز با وجود چنین زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، به آسانی، اقدام به تأسیس فرقه انحرافی کردند و عواملی مانند پابندی سخت مردم به مهدویت، سادگی، محدود بودن آگاهی مردم درباره امام‌زمان و ناهنجاری‌های اجتماعی و طبیعی، بهترین زمینه را برای ترویج خرافات و ایجاد تفرقه فراهم ساخت و سبب گردید فرقه‌ای چون بابت شکل بگیرد. در ادامه، ناهنجاری‌های اجتماعی، اختلافات و خون‌ریزی‌های تفرقه‌افکنانه‌ای به راه افتاد و بحران‌های سیاسی، قومی و مذهبی به وجود آمد، تا بیگانگان به خواسته‌های شوم خود برسند.

## ۲. ویژگی حاکمان قاجاریه

پس از افول قدرت و انقراض سلطنت صفویان، رهبران و سران این ایل، در شغل نظامی‌گری، به خدمت نادرشاه درآمده و با او در به‌دست آوردن استقلال جغرافیایی و سیاسی ایران همکاری کردند و تا انحلال سلسله افشاریه به این شغل مهم ادامه دادند. آنان در کنار کریم‌خان زند، برای سامان‌دهی اوضاع ناامن کشور و بهبود ساختار سیاسی، تلاش کردند؛ بزرگان این سلسله، در این راه تا حدی می‌کوشیدند که گویی برای قدرت یافتن، در نوبت قرار گرفته‌اند. سرانجام آقامحمدخان، این آرزوی دیرینه را محقق نمود، او که در کنار کریم‌خان پرورش یافته بود، پس از درگذشت وی، با تضعیف جانشینان او، توانست با حمایت ایل بزرگ قاجار، حکومت فراگیری در ایران تشکیل داده و مرزها را پس از ناآرامی و اشغال مهاجمان شرق و غرب، بازیابد و سلسله قاجاریه را در ایران تأسیس کند که جانشینان او (شاهان قاجار)، بیش از یک قرن بر ایران حکومت کردند.

از ویژگی‌های مشترک شاهان قاجار، نداشتن پایگاه مردمی بود؛ چرا که خاستگاه حکومت آنان، ایل و قبیله بود و شاه با تکیه بر قدرت ایل بزرگ قاجار که از عهد صفوی در قدرت، سیاست و حاکمیت دست داشت، می‌توانست به مسند قدرت تکیه زند؛ قاجاریان یکی از هفت قبیله تأثیرگذار، در به قدرت

رسیدن صفویان و استمرار حکومت آنها بودند و یکی از شاخه‌های مهم نظامی صفویه، محسوب می‌شدند.<sup>۱</sup>

دیگر ویژگی مشترک، وابستگی آنان از نظر مدیریت به دیگران بود. اقتدار ذاتی در شاهان قاجار، به‌ویژه پس از مؤسس آن، در جانشینان کمتر دیده می‌شود؛ از این رو در این دوره، مدیریت کشور وابسته به لیاقت و تصمیم صدراعظم‌هایی است که به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و اداره‌کننده کشور، محسوب می‌شوند؛ لذا وقتی صدراعظمی لایق، کاردان و شایسته‌ای چون قائم‌مقام، در رأس امور است، تدبیر امور از نظم خاصی برخوردار است، وقتی فرد شایسته‌ای چون امیرکبیر، در رأس امور است، برنامه‌های اصلاحی برای ترقی و پیشرفت دارد، اما وقتی درباریان، چنین افراد شایسته‌ای را برناتافته و کنار می‌زنند و منصب صدارت به افرادی چون آقاسی، میرزا آقاخان و امثال آنها می‌رسد، سرنوشت کشور در همه ابعاد (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) دچار بحران شده و مردم گرفتار انواع نابسامانی‌ها می‌شوند. شاهان سست‌عنصر، برای اداره کشور، نه برنامه دارند و نه فرصت را به شایستگان می‌دهند. نخبه‌کشی از ویژگی‌های مشترک این دوره و برخی از ادوار استیلای استبداد بر ایران است.

پس از قرارداد ترکمن‌چای و گلستان که با دولت روسیه تزاری منعقد گردید، دولت قاجار استقلال سیاسی خود را از دست داده و قسمتی از خاک ایران، ضمیمه روسیه گردید. پس از این قرارداد بود که پادشاهان سلسله قاجاریه، به‌طور رسمی، با حمایت دولت روسیه انتخاب می‌شدند؛ چون روسیه طی این قرارداد ننگین، سلطنت عباس‌میرزا و جانشینان او را تعهد و تضمین نموده بود؛ عباس‌میرزا نیز پس از این، در فکر حفظ حکومت جانشینان خود بود؛ او به جای تکیه به نیروی معنوی مردم و علمای ایران، به روس‌ها پناهنده شد و با تحقیر و توهین، به سیدمحمد مجاهد<sup>۲</sup> بی‌حرمتی نمود. روس‌ها با تجاری‌گری که در

۱. قزوینی، لب التواریخ، ص ۳۹۲.

۲. سیدمحمد مجاهد (سیدمحمد طباطبائی) از مراجع جهان تشیع به حساب می‌آید که فتوای وی در جهاد با روس معروف است. در دوران زعامت آیت‌الله سیدمحمد طباطبائی، دوره دوم جنگ ایران و

جنگ‌ها و مسائل دیگر داشتند، از قدرت روحانیت و مرجعیت در دوره قاجار بیمناک بوده و دلخوشی نداشتند و پس از این واقعه بود که برنامه و طرح‌های استعماری خود را برای شکستن حرمت روحانیت پی‌ریزی و توسط عوامل داخلی، عملی نمودند.<sup>۱</sup>

ویژگی دیگر همه شاهان قاجاریه، این است که نماینده استعمارگران بودند تا از تاج و تخت خود محافظت نمایند. وابستگی به بیگانه، مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین ویژگی ایل قجر بود که بر این مبنا، هدف قاجاریان اقتضا می‌کرد تا برای استمرار سیطره استبدادی‌شان، تمام موانع را از سر راه خود بردارند و بر اساس میل و منافع بیگانگان حکومت کنند و در عزل و نصب مناصب حکومتی، تحت تأثیر و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم آنان باشند. این سیاست، در برهه‌ای از زمان می‌توانست روحانیت یا افراد لایقی چون قائم‌مقام و امیرکبیر را - که مانع راه نفوذ بیگانگان بودند- از میان بردارد؛ از این رو برای تضعیف دین و نفوذ بیشتر روس‌ها که رقبای زیادی در ایران داشتند، روحانیت به‌طور غیرمستقیم مورد تهاجم و توهین واقع شد. از طرفی دین و عقاید و باورهای دینی، از جمله توحید، قرآن، نبوت و امامت را با بدل‌سازی و جعل، به وهن کشیده و به سخره گرفتند؛<sup>۲</sup> اگرچه این بدل‌سازی و انحراف، پیش از این، در تاریخ اسلام بی‌سابقه نبوده است.<sup>۳</sup>

روسیه آغاز گردید و روحانیت به زعامت آن فقیه گرانقدر در آن نقش مؤثر را به عهده داشت و به همین سبب نیز ایشان به آیت‌الله مجاهد شهرت یافت. ر.ک: محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة‌الادب.

۱. محمدعلی خادمی، بهائیان دیگر چه می‌گویند، ص ۵۶-۵۸. اعتضاد السلطنه به صراحت از دلخوری میرزا آغاسی و منوچهرخان گرجی که حاکم اصفهان بود، از دست علما و مراجع اصفهان سخن گفته است. فتنه‌باب، ص ۹۶-۹۷.

۲. رضا سلطان‌زاده، سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۳۰.

۳. در دوره حکومت عبدالملک مروان که مکه در تصرف ابن‌زبیر بود، عبدالملک، جهت روی‌گردانی مردم از کعبه، در فلسطین و بیت‌المقدس، بدل کعبه را ساخت، تا مردم به سوی کعبه نروند و جذب ابن‌زبیر نشوند. اتفاقاً بهائیان نیز، قبله‌ای در همین سرزمین که قبله اول مسلمانان نیز بود، ساخته‌اند و قبر بهاء را، قبله معرفی می‌کنند، درحالی‌که قبله، کعبه و خانه خداست.



از ویژگی‌های دیگر شاهان قاجاریه، این است که برخی از آنان، علاقمند به تجلّد، نوگرایی، تمدّن غرب و پیشرفت‌های صنعتی در اروپا بودند که در این راستا، فرهنگ و تمدّن غرب، صنایع غربی و مدارس، به سبک غربی در ایران برقرار شد و سبک زندگی غرب، در زندگی مردم نمود پیدا کرد. زاییده این گرایش‌ها، غرب‌زدگی، نوگرایی و مصرف‌گرایی، گرایش به تشریفات و تجملات بود که عقل برخی از شاهان را ربوده و تسخیر کرده بود. بر همین اساس، برخی از آنان، سفرهای مکرر به غرب داشته و هزینه‌های هنگفتی صرف کردند.<sup>۱</sup>

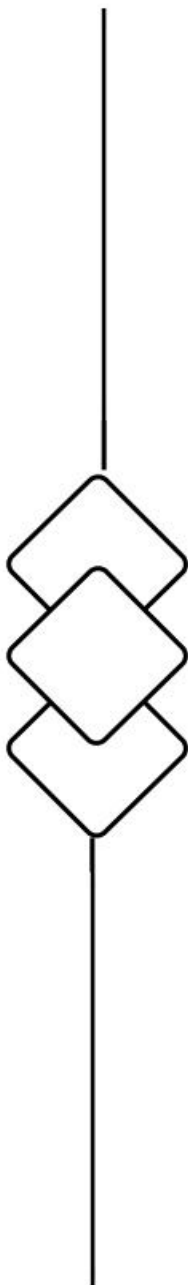
این ویژگی‌ها و ویژگی‌های دیگری چون دخالت زنان قجری در امور کشورداری، اوصاف فردی چون وابستگی به حرم‌سرا و تفرج، درگیری‌ها و اختلافات خانوادگی و درباری، هزینه‌های خوشگذرانی، القاب‌محوری، تملّق‌جویی و... عواملی بودند که در سوء مدیریت کشور و در نتیجه در بروز پدیده‌های ناهنجار اجتماعی، امنیتی و فرهنگی، مؤثر بودند.<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: مهدی فراهانی منفرد، اصلاحات میرزا حسین‌خان سپهسالار.

۲. ر.ک: فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ناصر افشارمهر، بررسی دو کتاب القاب رجال دوره قاجاریه و سفرنامه اصفهان.





فصل دوم

نقش استبداد در پیدایش بهائیت



دولت‌ها و حاکمان سیاسی مستبد، در پایه‌گذاری فرقه‌ها و مذاهب مختلف، نقش‌های پنهان و پیدا و گاهی ناخودآگاه، ایفا کرده‌اند؛ چرا که تشکیل و گسترش فرقه و انجمن، بدون اذن و تأیید دولت حاکم، امکان‌پذیر نیست. برخی فرقه‌ها، در دوره‌های مختلف تاریخ، با حمایت کامل حاکمان سیاسی، موجودیت یافته‌اند. مذاهب چهارگانه اهل سنت، نمونه بارزی از این سیاست‌بازی‌ها است که آنان را در مقابل ائمه اطهار علیهم‌السلام و شیعه، برجسته کرده‌اند و به آنان رسمیت داده‌اند. منصور عباسی و حاکمان پس از او، در تأسیس این مذاهب، نقش مهمی داشته‌اند؛ آنان گاهی رهبران فرقه‌های اهل سنت را به زور، به فتوا و حکم وادار کرده‌اند<sup>۱</sup> و گاهی کتاب‌های آنان را، در بین مردم ترویج داده‌اند که منجر به تأسیس این مذاهب شده است.<sup>۲</sup> بی‌تردید، اگر در عهد حکومت قاجاریان و حاکمیت پهلوی‌ها، برخورد مناسب و محدودکننده، با فتنه‌علی محمد و مدعیان جانشینی وی وجود داشت، انحرافات و آشوب‌ها بعدی، صورت نمی‌گرفت؛ بادرنگ در مورد نوع کنش‌های حاکمان، درباریان و کارگزاران، در برخورد با این فتنه بزرگ فرهنگی و اجتماعی، می‌توان به نقش این حاکمان در نضج و روند شکل‌گیری این فرقه پی برد.

---

۱. مثلاً منصور عباسی ابوحنیفه را به زور و با شلاق مجبور به این کار کرد. شیخ مؤمن شبلبغی، نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۷. هارون به مالک گفت: من با کتاب موطاء کاری می‌کنم که عثمان با قرآن کرد و آن را ترویج می‌دهم.

## حاکمان قاجاریه و بهائیت

دین اسلام و ادیان پیش از آن در طول تاریخ ایران همواره مورد استفاده ابزاری حکومت‌های استبدادی بوده است. قبل از اسلام، دین زرتشت ابزاری برای مشروع جلوه دادن حکومت‌های شاهنشاهی بود، پس از ورود اسلام به ایران، ریشه‌های استبداد خشکانده نشد، بلکه در اشکال دیگر ادامه یافت تا به صورت دولت‌های مستقل از خلافت مرکزی شکل گرفت و پس از انقراض خلافت عباسی، ایران به صورت حکومت‌های ایلخانی تحت سیطره مغولان بود. پس از انقراض مغول و برچیده شدن حکومت‌های محلی توسط تیمور گورکانی و سپس ضعف تیموریان، دولت صفوی روی کار آمد و ایران یکپارچه و متحد شکل گرفت. حکومت صفویان نیز استبدادی بود؛ اگرچه در آن استقلال سیاسی وجود داشت و سیطره بیگانگان و دخالت آنها در امور سیاسی، یا وجود نداشت یا محسوس نبود.

حکومت نسبتاً طولانی قاجار در ایران، از مصادیق حکومت‌های استبدادی است که با سستی و اهمال و نوع برخورد با سران فرقه بابت در زمینه‌سازی، پیدایش و رشد این فرقه، سهم و مؤثر بود،<sup>۱</sup> تا جایی که شعله‌های این آتش، تمام ایران را فرا گرفت و فرقه بهائیت از آن به وجود آمد؛ از این روی می‌توان نتیجه گرفت که دولت استبدادی ایران، در پیدایش بابت و بهائیت نقش اساسی داشته است.

یکی از برنامه‌های آشوب‌برانگیز استعمارگران برای تأمین منافع خود و سست کردن عقاید دینی مردم و تضعیف روحیه اطاعت‌پذیری از روحانیون و علمای واقعی، راه‌اندازی و معرفی فرقه‌های منحرف بود. آنان فردی بی‌سواد<sup>۲</sup> که

۱. برای نمونه، آقاسی که با علما و روحانیت، میانه خوبی نداشت، به عمد نخواست زودتر جلوی باب را بگیرد. فتنه باب، ص ۹۶.

۲. قصص العلماء، ص ۶۰ درباره بی‌سوادی باب نوشته است: علی محمد شیرازی، در نامه‌ای که به من نوشته لوطی را با تاء منقطه نوشته بود و از من خواسته بود که نام او را در مآذنه‌ها بگویند.

به ظاهر لباس علمای شیعه و سادات را به تن داشت<sup>۱</sup> و منتسب به حوزه علمیه بود،<sup>۲</sup> را انتخاب کردند که او ابتدا ادعای باب امام‌زمان بودن، سپس ادعای نزول کتاب آسمانی بر خود و بعدها ادعای خدایی کرد<sup>۳</sup> و بدین‌وسیله، به وهن توحید، امامت، قرآن و دیگر کتب آسمانی پرداخت. استعمارگران نیز کتاب او را به زبان عربی منتشر ساختند.<sup>۴</sup> او با ادعای پیامبری، وهن نبوت نموده، تا آن را در انظار مردم بی‌ارزش جلوه داده و بدین‌وسیله، دین اسلام را از اساس و بنیان تخریب کند.<sup>۵</sup> همچنین وی ادعای امامت نمود و مدعی شد که آخرین امام موعود است<sup>۶</sup> تا افکار مردم را نسبت به اندیشه امیدآفرین مهدویت در شیعه که نشان‌دهنده منزلت رفیع علمای شیعه است، تخریب و منحرف کند. آنان کعبه را که تنها قبله دین مبین اسلام است، با قبله قرار دادن قبر حسینعلی نوری، به سخره گرفتند.<sup>۷</sup> تمام ارزش‌ها و اصول و فروع دینی و احکام شرعی را با نوشتن و جعل اکاذیب و کتاب‌هایی نظیر بیان و... استهزاء نمودند. با توجه به انجام چنین اقدامات ناشایستی که با عقاید و افکار دینی مردم مرتبط بود، لازم

- 
۱. همه منابع تاریخی، تحصیلات وی را منحصر به چند دوره می‌دانند: ۱. دوره مکتب‌خانه در شیراز ۲. دوره دو ساله حضور در درس سیدکاسم رشتی در کربلا بود؛ از این‌روی وی از روحانیت و علوم حوزوی، تنها لباس آن را سرقت و به تن کرده بود تا ابزار دست استعمار برای ضربه زدن به مکتب اهل بیت باشد؛ اگرچه به حسب فرهنگ پوشش آن زمان، لباس او همان لباس سادات بود که هنوز نیز برخی از سادات، لباس بلند شبیه لباس روحانیت می‌پوشند.
  ۲. حوزه علمیه شیعه، نهادی است علمی، دیرین و مقدس که توسط پیامبر اسلام ﷺ، اهل بیت و ائمه اطهار علیهم‌السلام بنیان‌گذاری شده است؛ از این‌روی جایگاهی دیرین و رفیع بین مسلمانان داشته است.
  ۳. گفتار خوش یارقلی، ص ۴۵؛ یوسف فضایی، شیخی‌گری، بابی‌گری، ص ۸۸ به نقل از حبیب‌لوی، تاریخ جامعه یهودیان ایران، ج ۳، ص ۶۰۲؛ امان‌الله شفا، نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۸۵-۲۶۵.
  ۴. دکتر مهدی‌خان، در مفتاح باب و الابواب نوشته است: «اگر شما ادعای نبوت می‌کنید، چرا به زبان خودتان به شما وحی نازل نشده است، در حالی که تمام پیامبران به زبان قوم خود کتاب آورده‌اند، نه اینکه مانند باب، زبان عربی را غلط بدانند. فتنه باب، ص ۹۹؛ به نقل از مهدی زعیم‌الدوله، مفتاح باب و الابواب، ص ۱۹۳-۱۹۷.
  ۵. فتنه باب، ص ۹۷؛ میرزاآقاسی از مقاصد باب و ادعای نبوت او سخن گفته است.
  ۶. المآثر ولاتار، ص ۱۰۶-۱۰۴؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۵۶ و ۲۸۵.
  ۷. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۵۷.

بود حاکمیت سیاسی در این نابسامانی فرهنگی، برای حفظ همبستگی و نظم اجتماعی اقدامی شایسته و پیشگیرانه انجام دهد، تا گرفتار بحران‌های داخلی نگردد، اما برخورد قاطعی از طرف عوامل استبدادی و کارگزاران دیده نشد؛ چرا که شاهان مستبد قاجار پس از ناکامی‌هایی که در جنگ‌های روس با ایران نصیب آنها شده بود از نظر اقتدار سیاسی به روس‌ها و استعمارگران وابسته شدند و روس‌ها در قبال تسلط به بخش‌هایی از خاک ایران، متعهد شدند از حاکمیت و تاج و تخت شاهزادگان قاجاری حمایت داشته باشند؛ از این‌رو پایگاه اجتماعی مقتدرانه‌ای نداشتند، تا قاطعیت چشمگیری در قبال فرونشاندن فتنه باب از خود نشان دهند و ریشه این فتنه، هرچه زودتر خشکانده شود؛ بلکه کارگزاران حکومتی اسبابی فراهم کردند تا این آشوب‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر گردد؛ لذا از رسوبات اندیشه و خاکستر باب، میرزا حسینعلی نوری و فرقه دیگری موسوم به «بهاء»، سر برآورد و بهائیت را تأسیس کرد تا همواره در جامعه شیعی، دامنه و زمینه آشوب، تشویش و بحران، پا برجا باشد.<sup>۱</sup>

### الف) بنیان بهائیت در عهد قاجار

برخی شواهد تاریخی، بیانگر ایفای نقش مستقیم یا غیرمستقیم شاهان قاجار و کارگزاران آن در شکل‌گیری بهائیت است که در این گفتار مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. عبدالحسین آیتی که از مبلغان درجه اول بهائیت بود، درباره نقش برجسته دولت قاجار در پیدایش بهائیت می‌نویسد: «در ابتدای پیدایش باب، دو نفر از دولتیان سوء، سیاستی بروز دادند که هر یک از جهتی خسارت کلی به این ملت وارد کردند و قضیه باب را کاملاً به موقع، اهمیت گذاشتند. اول، حاجی میرزا به صورت مخالفت؛ دوم، منوچهرخان معتمدالدوله به صورت موافقت...».<sup>۲</sup>

۱. احمد سروش، ملّعیان مهدویت، ص ۱۷۴.

۲. کشف الحیل، ص ۳۶۴.



۲. معتمدالدوله<sup>۱</sup> که از طرف دولت استبدادی قاجار، حاکم اصفهان بود نه تنها باب را پنهانی از زندان حاکم شیراز که قصد داشت او را مجازات کند به اصفهان فراری داد،<sup>۲</sup> بلکه برای اولین بار پس از شنیدن سخنان باب، چنین گفت: «چنان آیات باب در وجودم تأثیر و کارگر افتاد که تاکنون به دیانت اسلام، قلباً معتقد نبودم، با بیانات این جوان، قلبم به اسلام متحوّل و متأثر شد و به تصدیق باطنی به آن معترف شدم».<sup>۳</sup> چون معتمدالدوله از علما و روحانیون اصفهان، دلخوشی نداشت و علما را مانع حکومت مطلقه خود می‌دید، حضور باب و ادعاهای او را برای شکستن علمای اصفهان مناسب دید و باب را با تجلیل پذیرفت<sup>۴</sup> و در جای امنی پناه داد و [به دروغ] گفت: او را از شهر اصفهان بیرون کردم.

۳. میرزا آقاسی، وزیر اعظم دربار قاجار، به جای برخورد جدی با این آشوب فراگیر فرهنگی و خطر اجتماعی، در پی آن بود که باب را به سلامت از ایران خارج کرده و به دولت‌های بیگانه تحویل دهد تا جان او از خطر مرگ به دور ماند. او که مرامی صوفی‌مسلك داشت، از علما و فقهاء - خصوصاً فقهای اصفهان که صاحب نفوذ بودند- دلخوشی نداشت و می‌خواست که علی‌محمد، با این ادعای بزرگ، مایه وحشت علما و اضطراب آنان را فراهم سازد،<sup>۵</sup> او چون می‌ترسید که با آمدن باب به تهران، شاه عصبانی و برانگیخته شده و مقام صدارت را از او بستاند،<sup>۶</sup> دستور تبعید باب را صادر کرد<sup>۷</sup> و سبب شد او، مدت‌ها زنده بماند و مردم نسبت به او حساس شده و مریدانش به دیدار او

۱. منوچهرخان گرجی مسیحی که تظاهر به اسلام می‌کرد.

۲. فتنه باب، ص ۱۷.

۳. اشراق خاوری، خلاصه تاریخ نبیل، ص ۱۸۸؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۱۷۰.

۴. فتنه باب؛ ص ۹۶-۹۵.

۵. همان، ص ۹۶.

۶. خلاصه تاریخ نبیل، ص ۱۰۶.

۷. فتنه باب، ص ۹۷.

مشتاق باشند؛<sup>۱</sup> چنان‌که ناصرالدین‌شاه، در سخنی به امیرکبیر دربارهٔ خیانت بزرگ آقاسی، پرده از تعمد او برداشته است.<sup>۲</sup>

۴. عوامل دولت استبدادی قاجار، به جای اینکه بی‌درنگ با چنین غائله و آشوبی که شخص علی‌محمد باب از جنوب ایران برپا کرده بود، برخورد قاطع نماید، او را به شهرهای مختلف تبعید و حبس کردند<sup>۳</sup> حال آنکه حبس او بر ابهتش می‌افزود و محبوب‌تر می‌شد.<sup>۴</sup>

گرچه باب در حضور بسیاری از علما، ادعای خود مبنی بر امام‌زمان بودن را ادعایی واهی دانسته که می‌بایست با او برخورد قاطع می‌شد، اما با سهل‌انگاری دولت، توانست حدود یک‌سال به فعالیت خود ادامه دهد. او در زندان‌های مختلف، اجازه داشت تا با مریدان و همفکران خود از جمله میرزا حسینعلی (مؤسس بهائیت) که با روس‌ها مرتبط بود، ملاقات داشته و بعدها همین ملاقات دستاویزی برای جانشینی میرزا حسینعلی شد. علی‌محمد باب، در این ملاقات‌ها، طرف‌داران خود را به قیام و آشوب ترغیب می‌نمود، اما دولت باز هم نسبت به اعدام او تعلل می‌ورزید و این سهل‌انگاری باعث شده بود تا طرف‌داران باب در شهرهای مختلف آزادانه به خرابکاری و آشوب روی آورند؛ حاکمان محلی نیز چون شاهد کوتاهی دولت‌مردان در برخورد با پیروان باب بودند، سستی کرده و برخورد جدی با آنها نداشتند؛ تنها، زمانی برخورد جدی و درگیری بین دولت و طرف‌داران باب روی داد که اکثر شهرهای ایران گرفتار این آشوب شده بود. اگر دولت در ابتدای این آشوب، با شخص علی‌محمد باب برخورد قانونی و شرعی می‌کرد، دامنهٔ این طغیان به شهرهای مازندران، زنجان، آذربایجان، قزوین، خراسان و... گسترش نمی‌یافت.

۱. همان، ص ۹۸؛ مفتاح باب و الابواب، ص ۱۹۲-۱۹۰.

۲. همان، بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۱۸۵.

۳. کشف الحیل، ص ۳۶۷.

۴. سیداحمد کسروی، بای‌گری، ص ۹۰.

۵. چنان‌که در برخی از منابع تحقیقی گزارش شده است یکی از عوامل مهم ترویج بابیت، کوتاهی و سهل‌انگاری میرزا آقاسی وزیر دولت وقت بود؛ چرا که او جای اینکه با آشوب علی‌محمد شیرازی برخورد مناسب داشته باشد و به غائله او در شیراز قبل از انتشار خبر<sup>۱</sup> خاتمه دهد، پس از انتشار خبر ظهور او، او را با حبس، از انظار دیگران دور داشت و با این کار، مردم بیشتر متوجه او شدند. این برخورد سست، مردم را بیشتر در حیرت فرو برد که نکند او امام‌زمان باشد! اگر او در بین مردم حضور داشت، چهره واقعی و نادانی او برای مردم، بیشتر شناخته شده و پوچی ادعاهایش معلوم گشته و کسی به او متمایل نمی‌شد، چرا که هیچ یک از علائمی که در احادیث، برای امام غایب توصیف شده است، در او وجود نداشت و این مسئله، با محاکمه او توسط علما در مقابل دیدگان مردم، روشن می‌شد.<sup>۲</sup> این اشتباه دولت وقت، به جایی منجر شد که دولت امیرکبیر با تمام قوا به سرکوب این غائله گرفتار شد و این مسئله، بسیار مهم جلوه کرد و شهرت جهانی یافت که این امر نیز در موفقیت بهائیت و ترویج افکارشان تأثیرگذار بود.<sup>۳</sup>

۶. استبداد قاجاری، نه تنها با این آشوب برخورد جدی نکرد، بلکه امیرکبیر را که توانست با برخورد قاطعش این آشوب‌ها را مهار کند، از صدارت عزل و او را به قتل رساند.<sup>۴</sup>

۷. از جمله تأثیرگذارترین عوامل استبداد در شکل‌گیری بهائیت در عهد قاجار، میرزا آقاخان نوری بود که وابسته و مورد حمایت شدید انگلیس بود.<sup>۵</sup> از آنجا که

---

۱. زمانی که علمای تبریز او را محاکمه می‌کردند، نوشته‌ها و آثار او به شکل گسترده منتشر شده بود، وقتی از او پرسیدند: این نوشته‌ها از تو است؟ جواب داد: از خدا است. قصص‌العلماء، ص ۶۱.

۲. مشروح محاکمات او در کتاب‌های مختلف، از جمله در کتاب فتنه باب از ص ۱۶ به تفصیل ذکر شده است.

۳. فتنه باب، ص ۱۰۱.

۴. دست داشتن دولت قاجار با تحریکات انسان‌های سست عنصری چون میرزا آقاسی و میرزا آقاخان نوری، عامل استعمار، چیزی روشن و قطعی است. رک: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۴۵-۴۵۹؛ فتنه باب، ص ۲۶.

۵. عباس اقبال آشتیانی، میرزاتقی‌خان امیرکبیر، ص ۱۰۶-۱۰۷. خاندان نوری، اساساً با انگلیس سر و سرّ

او با میرزا حسینعلی نوری هم‌تبار بوده و خویشاوندی داشت، با حمایت و دلجویی او، میرزا حسینعلی که به دستور امیرکبیر تبعید شده بود به ایران برگشت.<sup>۱</sup> بازگشت او به ایران، فتنه‌ها را زنده نمود و دوباره افکار آشفته و انحرافی علی‌محمد باب در چهره‌ای جدید و با تندیس ابلسی دیگر نمایان شد. با برگشت برخی دیگر از سران بایان، غائله در تهران دوباره شکل گرفت. میرزا آقاخان نوری فردی نبود که درد دین داشته باشد و در فکر حفظ اساس کشور و همبستگی فرهنگی و ملی باشد؛ بلکه او هرگز درک و فهم چنین مسائلی را نداشت؛ بنابراین بدبختی ایرانیان در دوره قاجار، تنها گرفتار شدن به استبداد قاجاریان نبود، بلکه گرفتاری بزرگ و مشکل دیگر مردم ایران، این بود که امورشان را چنین افراد نالایقی تدبیر می‌کردند. صدراعظم کشور، بر اساس سیستم حکومت قاجاری به تمام امور سیاسی و نظامی رسیدگی می‌کرد. بیگانگان به دلیل وجود چنین آدم ساده‌لوحی، به‌طور کامل و آزادانه، در تغییر امور کشور به سود خود مداخله همه‌جانبه می‌نمودند و او با صدای طبل روس و انگلیس می‌رقصید.<sup>۲</sup>

سران بهائی هرگز از میرزا آقاخان نوری شکایت نمودند، بلکه در کتاب‌های تاریخ و محافل خود قصه‌ها و داستان‌های شیرین از خاطرات آقاخان نوری می‌گفتند و همیشه یاد او را زنده می‌داشتند. این تمجیدها، بیانگر آن است که این صدراعظم، با حمایت از رهبران بهائیت، خدمت بزرگی به تأسیس آن در ایران کرده است؛<sup>۳</sup> او همشهری خوبی برای میرزا حسینعلی و میرزایحیی نوری بود و روابط خانوادگی نزدیکی با پدر او داشت و حمایت‌های بی‌دریغی نیز از بهاء‌الله نمود.<sup>۴</sup>

داشتند. در خاطرات میرزا فضل‌الله، برادر میرزا آقاخان نوری به این مسئله تصریح شده است.

۱. جمال ابهی، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۲. رک: خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری) ص ۱۶۱-۱۶۳.

۳. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۶۰.

۴. تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۵۶؛ فتنه باب، ص ۱۵۲.

۸. پس از اینکه ناصرالدین شاه توسط بابیان مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور شد، اعمال نفوذ برخی از درباریان و تصمیم نادرست شخص شاه باعث شد تا به جای اعدام سران این فرقه (یحیی و حسینعلی) آنها را تبعید کنند در صورتی که با اعدام آنان این فرقه قلع و قمع و ریشه کن شده و از بین می‌رفت.<sup>۱</sup> از این رو باید اساس شکل‌گیری بهائیت را در ناکارآمدی و برخوردهای غیرمسئولانه و غیرجدلی دولت استبدادی و رئیس حکومت (ناصرالدین شاه) دانست که همت ریشه‌کن ساختن آشوبگران را نداشتند.

۹. حکومت طولانی ناصرالدین شاه، کهولت سن و سستی اراده مظفرالدین شاه، باعث شده بود تا او چندان در جریان اداره کشور نباشد. این تساهل قهری شاه، عرصه را برای آشوبگران، فرصت طلبان و وابستگان انگلیس و غرب، مانند عین‌الدوله، امین‌السلطان و... مهیا کرده بود. بهائیان، علاوه بر اینکه در آشوب‌های مشروطه و درگیری‌ها و نا امنی‌ها، آتش‌بیار معرکه بودند و از فعالیت‌های سیاسی و جاسوسی کم نمی‌گذاشتند، همچنان در دربار قاجاریه حضور و با درباریان مرتبط بوده و در کنار تخت مظفرالدین شاه نیز نفوذی‌هایی چون وزیر همایون و دیگر فراماسون‌ها را داشتند که پشتیبان بهائیان بودند. پدر همایون، از درباریان قدیمی قجری و عضو فراماسون‌ها بود که در حبس و عزل امیرکبیر و همچنین در جدایی افغانستان از ایران، نقش برجسته و کلیدی داشت و از خائنان به تمامیت ارضی ایران، به‌شمار می‌رود. وزیر همایون، در مقابله با علمای شیعه نیز فعال بود؛ او در زمان مظفرالدین شاه که از سوی عین‌الدوله مستبد، به حکومت زنجان منصوب شده بود با مجتهد برجسته و فقیه بانفوذ، مرحوم آخوند ملاقربانعلی زنجانی درگیر شد.<sup>۲</sup> او، علاوه بر عضویت موروثی که در فراماسونری داشت، در اواخر عمر خود، گرفتار دام بهائیت شد؛<sup>۳</sup> برخی از اسناد

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. بهائیت آن‌گونه که هست، ص ۴۱.

۳. همان.

مربوط به زمان مظفرالدین شاه نشان می‌دهد که بر اساس بخشنامه‌ای، کسی حق تعرض و کشتار بهائیان را نداشت؛ این مطلب، نشان می‌دهد که دولت تا چه اندازه، مراقب و حافظ بهائیان بوده است.<sup>۱</sup>

۱۰. استبداد دوره قاجار، به همان میزان که در شکل‌گیری بابت نقش داشت، در شکل‌گیری بهائیت نیز مؤثر بود؛ به‌همین دلیل سران بهائی، در تمجید و به افتخار، از آل‌قجر و ناصرالدین‌شاه، الواحی سیاهه نموده<sup>۲</sup> و در دعا به محمدعلی‌شاه مستبد بیانیه صادر می‌کردند.<sup>۳</sup> علی‌رغم حمایت استبداد، مبارزه علمای شیعه، با این فرقه، به شدت ادامه داشت که گاهی نیز به سرکوبی آنها می‌انجامید؛ از این‌رو رهبران و مبلغان بهائی، برای در امان ماندن از مبارزه علمای شیعه و رشد و گسترش بهائیت، به تبلیغ آئین خود در بین مسلمانان دیگر کشورها پرداختند<sup>۴</sup> و نیز فعالیت‌هایشان را در ایران، هرگز قطع نکردند. بهائیان پس از آنکه از ایران به استانبول، ادرنه و سپس به عکا و کشورهای دیگر منتقل شدند، در وقایع سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران که کانون قدرت تشیع بود، به‌طور پنهانی دخالت کرده و از هر فرصتی، برای تخریب علمای شیعه استفاده نموده و جنبش‌هایی را که دینی بوده و یا قصد حمایت از دین را داشتند، سرکوب می‌کردند. آنان، علاوه بر دوره حضورشان در استانبول که برای بیگانگان هم جاسوسی و هم خرابکاری می‌کردند، در عتبات نیز، به اعتراف خودشان،<sup>۵</sup> علاوه بر سرقت از زائران امام حسین (علیه‌السلام) و آزار آنان، ابزاری در خدمت استعمارگران بودند. آنگونه که از اظهارات خود بهائیان برمی‌آید آنان به فساد و تباهی در بین مردم و حاکمان دنیا، معروفند، میرزا حسینعلی، خود در این‌باره نوشته است: «...جمیع ملوک، این طایفه را اهل فساد می‌دانند، چه که

۱. کشف الحیل، ص ۶۵۳.

۲. بهائیان، ص ۶۵۵.

۳. همان، ص ۳۶۷.

۴. رک: خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابتی‌گری و بهائی‌گری)، ص ۳۲ و ۳۵.

۵. بهائیان، ص ۶۴۲؛ عباس شوقی ربانی، قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۷۱.

فی الحقیقه در اوائل اعمالی... در اموال ناس تصرف من غیر اذن ... غارت و سفک دماء را حسنه می‌شمردند...<sup>۱</sup> در ایران نیز، علاوه بر عضویت در انجمن‌های مخفی و فراماسونری، در سرکوب مشروطه‌خواهی و نمایندگان مشروطه‌خواه نیز فعالیت داشتند، آنان در طرحی از پیش تعیین شده، ترور مراجع بزرگ شیعه خصوصاً علمایی مثل آخوند خراسانی را که در پیشبرد اهداف مشروطه تأثیرگذار بوده‌اند در دستور کار خود داشته و نسبت به آن اقدام کرده‌اند.<sup>۲</sup> البته سوابق تروریستی آنها از قبل روشن بود، چنان‌که در ترور امیرکبیر و ناصرالدین‌شاه نیز نقش داشتند.<sup>۳</sup>

۱۱. انقلاب مشروطه در پی خواسته‌های علمای بزرگ برای محدود کردن قدرت استبدادی شاهان در ایران شکل گرفت،<sup>۴</sup> از سویی قدرت‌های استعماری چون مشروطه را خطری برای منافع خود تلقی می‌کردند با دسیسه و فتنه اقدام به انحراف این انقلاب نمودند؛ روس‌ها طرفدار استبداد و انگلیسی‌ها مخالف حضور علما بودند؛ از این روی هر دو به نوعی در انحراف مشروطه نقش داشتند. جریان استبداد نیز برای مقابله با مشروطه از آشوب‌های ضد مشروطه حمایت می‌کرد، لذا روس‌ها بایان را برای حمایت از استبداد و انحراف مشروطه به کار گرفتند و دست‌های مرموز انگلیس از آستین عده‌ای به نام روشنفکر بیرون آمده و باعث انحراف این جریان گردید. پس از این انحراف برخی از علمای بزرگ شیعه چون شیخ فضل‌الله نوری و حجت‌الاسلام آخوند ملاقربان‌علی زنجانی، در مقابل مشروطه غیرمشروعه مخالفت کردند؛ چرا که هر کدام به نوعی به

---

۱. بهائیان، ص ۶۴۳، به نقل از میرزااحسینعلی نوری، مائده آسمانی، ص ۱۳۰؛ ر.ک: عبدالحمید اشراقی خاوری، مجموعه الواح بهاء‌الله.

۲. خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایب‌گری و بهائی‌گری)، ص ۳۲۵.

۳. تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۴۳-۲۵۴؛ حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴. مشروطه به رهبری و حمایت علمای بزرگی چون آخوند خراسانی، نائینی، طباطبائی، بهبهانی و شاگردان آنها و... و پشتیبانی کسبه و تجار پیروز شد. چنان‌که ستارخان و باقرخان، خود را پیرو علمای اسلام و انگیزه خود را حمایت از خواست علما و رهایی از استبداد اعلام کردند. بنابراین، مشروطه با حکم مظفرالدین شاه، پذیرفته و پیروز شد؛ اما توسط استعمارگران و مهره‌های آنان مثل بهائیت، منحرف شد.

مشروطه غربی بدین بوده و آن را توطئه استعمارگران روس و انگلیس می‌دانستند.<sup>۱</sup> بهائیان و همفکران آنان، بازیگران این نقشه و سناریو بودند که به هر روی، برای شکستن حریم علمای شیعه تلاش می‌کردند و با این موضع‌گیری، هدف نهایی ایجاد فرقه بهائیت را مشخص می‌نمودند؛ این مسئله نیز از همکاری بین استبداد و بهائیت سرچشمه می‌گرفت.

۱۲. باییت و سپس بهائیت، از ابتدا بر نابودی مرجعیت دینی و روحانیون شیعه، تأکید می‌نمودند. استبداد نیز به‌خاطر مسائل مختلفی چون مخالفت علما با دادن امتیازات و عقد برخی قراردادها با خارجی‌ها، از علمای شیعه ناخرسند بود، چنان‌که استعمارگران پس از درک قدرت بلامنازع مرجعیت شیعه و نفوذ روحانیون در طبقات اجتماعی ایران و چشیدن طعم تلخ شکست در غارت ذخایر ایران، با فتوای میرزای شیرازی و همچنین برخوردهای قبل از آن، به فکر از بین بردن این جایگاه بودند؛ از این‌رو فرقه‌های دست‌ساز آنها، همواره در رأس برنامه‌های خود، مبارزه و تخریب چهره مقبول روحانیون را دنبال می‌کردند؛ استبدادگران با برآمدن باییت گمان می‌کردند که جهت محدود کردن علمای شیعه امواجی است که باید بهره بگیرند لذا هماهنگی آنها شاید با هماهنگی استعمارگران صورت می‌پذیرفت.

### ب) همسویی بهائیت با استبداد و استعمار در انحراف مشروطه

مشروطه، انقلابی مردمی به رهبری روحانیت و مراجع دینی بود که برای انحراف آن استبداد و استعمار همکاری و هم‌گرایی داشتند؛ استعمار شرق برای تخریب بنیان مشروطه که عامل مهم همراهی مردم با مشروطه بود برنامه داشت، استعمار غرب نیز برای انحراف مشروطه همسو با مقاصد خود

۱. مرحوم آخوند زنجانی که در زنجان و نواحی آن، مرجع تقلید و متصدی امر روحانیت بود، به مشروطه بدبین بوده و احتمال می‌داد که مسئله‌ای همسو با سیاست دولت‌های بیگانه و خارجی باشد، به‌همین خاطر با مشروطه‌خواهان همراهی نمی‌کرد. سیداحمد زنجانی، الکلام یجرالکلام، ج ۱، ص ۱۱۷؛ علی ابوالحسنی، سلطنت علم و دولت فقر، دفتراول، ص ۲۹۲؛ ابوالفضل شکوری، خط سوم در انقلاب مشروطه، ص ۱۷۱-۱۷۲.



برنامه داشت، وجه مشترک اهداف آنها تخریب بنیان مشروطه و عامل پیوند آن با مردم بود؛ از این رو تخریب روحانیت و حلقه اتصال بدنه اجتماع با انقلاب مشروطه در صدر برنامه‌های آنان بود، استبداد نیز روحانیت را عامل اصلی محدودیت اقتدار خود می‌دانست؛ از این رو هم‌گرایی سه عنصر برای از بین بردن وجاهت و مقبولیت و جایگاه اجتماعی علما و مراجع به راه افتاد و اقداماتی در این راستا صورت گرفت که بهائیت به‌عنوان ابزار استبداد و استعمار بازیگر نقش‌هایی تخریبی بود از جمله:

۱. پوشیدن لباس روحانیون و ظاهر شدن در میان مردم با سیما و قیافه آنان، با هدف صدمه و آسیب‌رسانی به وجاهت و جایگاه مردمی روحانیت.<sup>۱</sup>
۲. اغفال طلبان جوان و جذب آنها به سمت خود، با تطمیع، تظاهر به تجدد، نوگرایی، مدرنیته، فراماسونری و...<sup>۲</sup>
۳. نفوذ دادن افراد خود در حوزه‌های علمیه و کسب علوم حوزوی و آشنایی با متون دینی، با هدف تحریف و تخریب این متون و تأویل آنها به سود خود. آنها، از روایات ائمه، تفسیرهایی سودجویانه نموده و در رسانه‌های خود، ضد ائمه و شیعه، جهت برهم زدن وحدت ملی ایرانیان و انحراف جوانان، استفاده کردند و ائمه را ضد ایرانی معرفی نمودند.
۴. استفاده از زبان عربی برای بازگویی ادعاهای سخیف و پوشالی باب و بهاء به مردم.

زبان عربی (زبان قرآن) قرن‌ها در بین تمام مسلمانان، به‌عنوان زبان علمی جهان اسلام شناخته شده و تمام عبادات و احکام شرعی، به این زبان انجام می‌گیرد، علمای اسلام و مراجع شیعه نیز، با این زبان آثار خود را به جوامع علمی ارائه می‌دهند؛ براین اساس فرقه گمراه باب و بهائیت، برای لطمه‌زدن به تمام آثار دینی و ایجاد شبهه و تردید در آنها، عقاید و افکار باطل خود را با این

---

۱. تصاویری از مبلغان و مؤسسان این فرقه، مانند شوقی افندی و... موجود است که در هیئت علمای شیعه، خود را به نمایش گذاشته‌اند. این مسئله، بدون هدف و برنامه نبوده است.  
۲. فتنه باب، ص ۱۲۲.

زبان و با زبان فارسی که دومین زبان جهان اسلام و تشیع است، نوشته و القا کرده‌اند. این رویکرد را می‌توان توطئه‌ای برای صدمه زدن به قداست اسلام، مرجعیت و متون دینی، مثل قرآن دانست، چنان‌که یکی از برگشتگان از فرقه بهائیت به این مطلب اشاره می‌کند که، هر پیامبری به زبان قوم خود برانگیخته می‌شود و علت اینکه باب و بهاء به زبان عربی غیرفصیح و خودساخته به ادعاهای دروغین اقدام می‌کردند، نامعلوم است.<sup>۱</sup> اگر زبان‌شان فارسی است، چرا به عربی خودساخته و بی‌قاعده و پر از غلط می‌نویسند و ... .

آنان در سرکوبی مشروطه و رهبران روحانی آن، ترور و اعدام شیخ فضل‌الله نوری و سیدعبدالله بهبهانی با نفوذ و تشکیل کمیته مجازات و اموری از این قبیل، نقش داشتند؛ چون اعضای تشکیل‌دهنده کمیته مجازات، از پیروان بهائیت بودند<sup>۲</sup> و وابستگی آنها به انگلیس و جاسوسان غرب نیز روشن است.<sup>۳</sup>

بهائیان برای ایجاد آشوب و وحشت، شب‌نامه‌هایی در تهران پخش می‌کردند،<sup>۴</sup> تا امنیت اجتماعی را خدشه‌دار ساخته و حمایت مردم از مشروطه را متزلزل و این انقلاب مردمی را از مردم گرفته و در راه اهداف استعمارگران قرار دهند. روند قدرت‌گیری پهلوی در ایران، پس از قاجاریه، مؤید این نظریه است. بدین‌سان، بهائیت، فرقه دست‌نشانده استعمار، دست خود را در قضیه مشروطه، به‌عنوان نهضتی برخاسته از میان مردم و به رهبری علمای شیعه، رو می‌کند. برخی در بدو پیدایش، تردید دارند که زمینه‌های تشکیل آن را به بیگانگان نسبت بدهند، اما اگر عملکرد این فرقه و نقش بسیار منفی آن را در سرکوب صدای آزادی و عدالت‌خواهی ایران، مورد بازبینی و مدنظر قرار دهند، روشن خواهد شد که این گروه، برای ایجاد آشوب در میان مردم و انحراف

۱. مفتاح باب و الابواب، ص ۱۹۳؛ فتنه باب، ص ۹۹.

۲. عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی‌گری، فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷، ص ۴۵-۶۷.

۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۴۰. ارفع و وابستگان به او، در احزاب وابسته به انگلیس فعال بودند. افرادی چون رشتی نیز عضو وابسته آنها بودند.

۴. علی‌اکبر ارداقی، اسراری از کمیته مجازات (خاطرات علی‌اکبر ارداقی تبریزی)، ص ۵۰-۵۱.

صدای عدالت اجتماعی مردم ایران که با انقلاب مشروطه درصدد پیروزی بود، توسط دولت‌های استعماری شرق و غرب به وجود آمد. دست استعمار در آغاز پیدایش به قدری پنهان بود که عده‌ای از اهل پژوهش، به دلیل نبود مدرک معتبر، تردید می‌کردند که این فرقه‌ها را به استعمارگران نسبت دهند؛ اما گذشت زمان ثابت کرد که روس و انگلیس، بابت و بهائیت را بنیان نهاده‌اند. مشروطه نخست با طرح عدالت‌خانه، توسط علمای بزرگ شیعه شروع شد که با تحصن می‌خواستند سخن خود را به کرسی بنشانند ولی هر لحظه که پیروزی نزدیک می‌شد، صف علما و مشروطه‌خواهان دچار تزلزل می‌گشت. ترور، کشتار و موضع پنهانی بهائیت، علت اصلی در قلع‌و‌قمع مشروطه بود و انگلیس، پشت صحنه این سناریوی از پیش طراحی شده، به‌شمار می‌رفت. این‌ها، همه زمینه را برای قدرت‌گیری مهره جدید استبدادی دست‌نشانده انگلیس، آماده می‌کرد، تا جامعه ایرانی نیز با استقبال از قدرت‌گیری رضاخان، قدرت او را مشروع بدانند. این طرح در نوع خود تا حدی موفق شد و رضاخان در سال ۱۹۱۹ میلادی، با کودتای تدریجی، قدرت را در ایران به‌دست گرفت.<sup>۱</sup> بدون تردید، بهائیان به‌عنوان مهره‌های انگلیس، در کودتای رضاخان نقش داشتند.<sup>۲</sup>

## پهلوی‌ها و بهائیت

بی‌گمان، رشد بهائیت در دوره پهلوی بدون حمایت و توجه ویژه از سوی سلاطین و کارگزاران این دوره ممکن نبود، زمینه‌ها و بسترهای رویش بهائیت، در سایه استبداد سیاه، فراهم گردید و توسعه و پایداری آن نیز در سایه ظلمانی استبداد دوره پهلوی و با حمایت‌های درباریان و مهره‌های نفوذی دستگاه استبداد پهلوی که در تمام نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور حضور داشتند، تحقق یافت.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ۲۳۰-۲۳۵.

۲. احمد الهیاری، بهائیان در عصر پهلوی، ص ۳۳.

## الف) ویژگی پهلوی‌ها

رضاخان میرینج سوادکوهی، از طبقه گمنام و غیراصیل ایران در مازندران<sup>۱</sup> و از قرآق‌های اواخر دوره قاجار و از ژاندارم‌هایی بود که دوره جوانی خود را تحت تعلیم سخت نظامی، گذرانده بود و از سوی انگلیسی‌ها، در دوره نظامی‌گری و قرآقی، به‌لحاظ برخورداری از روحیاتی چون جاه‌طلبی، تکبر و...، جهت کودتا در ایران، علیه حکومت قاجاریه، از میان سی نفر کانیدها، انتخاب گردید.<sup>۲</sup> چنان‌که، گفته شده است عین‌الملک، پدر هویدا که از بهائیان و مریدان عباس‌افندی، جانشین بهاء‌الله بود، رضاخان را به انگلیسی‌ها، جهت سلطنت ایران و کودتا معرفی کرد.<sup>۳</sup> انگلیسی‌ها، او را در کابینه سیدضیاء، نفوذ دادند و رضاخان در قبال این خدمت، متعهد شد، فرقه بهائیت را مورد توجه قرار دهد. گفته شده است علاوه بر عین‌الملک، برخی دیگر از بهائیان مانند موقرالذوله و حسن‌نیکو، در کودتایی که منجر به قدرت رسیدن رضاخان شد، در معرفی او به انگلیسی‌ها نقش داشتند.<sup>۴</sup> رضاخان فردی مستبد و مغرور بود که از طرفی، در آغاز کار، تظاهر به اصلاح کشور و نجات مردم از فقر و فلاکت و از دیگر سو، تظاهر به دین‌داری و حمایت از اسلام می‌کرد، تا بدین‌وسیله، خود را در دل‌ها جای دهد و به اهداف خود که همانا رسیدن به سلطنت بود، نایل شود.

درباره ویژگی‌های فردی وی نوشته‌اند: به ظاهر نظم خاص نظامی‌گری، در زندگی او نمایان بود، شب‌ها، بالای سرش یک لیوان شراب قرمز و یک لیوان شراب سفید بود که هرگاه خوابش نمی‌گرفت، از آنها می‌آشامید، غذای پرچرب می‌خورد، او شیفته دین زرتشت بود و از قاجاریه نفرت داشت، تریاک می‌کشید و این به‌خاطر توصیه‌ای بود که فکر می‌کرد مصرف روزانه و اندک تریاک، از هر

۱. تاریخ معاصر ایران (مجمعه مقالات)، کتاب پنجم، ص ۲۷۲.

۲. همان. از خاطرات آشتیانی‌زاده به نقل از فاتح در کتاب تاریخ پنجاه ساله نفت که از زبان کلنل اسمایس، کارگردان کودتای سوم اسفند، این حقایق را بازگو کرده است.

۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۷۸.

۴. بهائیت آن‌گونه که هست، ص ۳۴.

مرضی مصون‌بخش است.<sup>۱</sup>

رضاخان با توجه به خُلق نظامی‌گری، به حزب و حزب‌گرایی علاقه نداشته و دوست نداشت احزاب رشد کرده و قدرت داشته باشند؛ او و فرماندهان دو لشکر بزرگ تحت امر او که از همکاران دوره قزاقی او بودند و سایر فرماندهان و نظامیان، مجاز بودند برای خود بدون محدودیت، املاک و ثروت دست و پا کنند.<sup>۲</sup> در دوره ۱۶ سال حکومت مستبدانه او، دولت‌های انگلیس، فرانسه و... به او املاء می‌کردند که چه کاری را در اولویت قرار دهد. شهربانی به دستور او، در ظلم به مردم و تجسس در زندگی آنان، کوتاهی نمی‌کرد،<sup>۳</sup> بدون تردید، او عامل و مهره گماشته انگلیس بود؛ پدر شاپور جی، معرف او به انگلیسی‌ها بود، شخص دیگری که واسطه بین او و انگلیسی‌ها بود، خان‌اکبر رشتی نام داشت، سلیمان بهبودی (مسئول خرید منزل رضاخان) نیز مهره مخفی دیگری میان رضاخان و انگلیسی‌ها بود.<sup>۴</sup> بی‌گمان، رضاخان علی‌رغم خودکامکی و استبدادی که در او متبلور بود و برای ملت ایران خود را شجاع نشان می‌داد؛ برای انگلیسی‌ها چون غلامی حلقه به گوش بود؛ او با طرح انگلیس به قدرت رسید و با اشاره آنها نیز از قدرت خلع شد و زمینه حکومت استبدادی فرزندش را فراهم کرد؛ محمدرضا در نوکرمآبی به انگلیس، از پدر خود پیشی گرفت، چون حکومت او، مستقیماً مدیون انگلیسی‌ها بود؛ در دوره او، ایران میدان تاخت‌وتاز انگلیس و آمریکا شده بود؛ محمدرضا، علاوه بر اینکه اقتصاد کشور را به یغما سپرد، فرهنگ کشور را نیز به باد فنا داد. محمدرضا به یقین می‌دانست که قدرت او از انگلیسی‌ها است؛ به‌همین خاطر باید جانب آنان را داشته باشد تا قدرتش پایدار بماند؛ از این رو نفت هدیه‌ای از طرف او به انگلیسی‌ها، برای حفظ تاج و

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۷۰-۷۲.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۸۰.

۴. همان، ص ۸۴.

تختش بود. همچنین او با مبارزان ملی کردن نفت، بی‌مهری می‌کرد به‌طوری که، این نهضت نیز مثل نهضت مشروطه، به شکست انجامید و بعد از آن علی‌رغم کمک‌های خارجی و درآمد نفت در سال‌های پایانی دهه ۳۰ ه‍.ش، وضعیت اقتصادی ایران رو به وخامت نهاد. علت اصلی این اوضاع، سوء مدیریت و فساد حاکم بر سیستم سیاسی و روی آوردن به پروژه‌های نمایشی-تبلیغاتی بود که ایران را از رشد اقتصادی باز می‌داشت.<sup>۱</sup>

### ب) اوضاع فرهنگی در دوره پهلوی

فرهنگ و تمدن ایران که حاصل قرن‌ها تلاش نسل‌های گذشته،<sup>۲</sup> دانشمندان بزرگ و میراث چندین قرن مجاهدت بود، در دوره کوتاه حکومت پهلوی، در معرض نابودی و محو شدن قرار گرفت؛ بعد از استعفای رضاشاه در ۲۵ شهریور سال ۱۳۲۰ ه‍.ش، محمدرضاشاه پهلوی، در ایران قدرت را به‌دست گرفت<sup>۳</sup> و حکومت وی تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ادامه یافت؛ این دوره ۳۷ ساله، یکی از ادوار ننگین تاریخ ایران محسوب می‌شود؛ دوره‌ای که در آن، کشور از لحاظ فرهنگی و علمی در حال رکود بود و مبارزه با فرهنگ اسلامی و مظاهر آن با جدیت دنبال شد و میراث فرهنگی و علمی، به یغما رفت؛ با توجه به اینکه استبداد در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از اسلام ضربه خورده بود و بزرگ‌ترین خطر را از اسلام و روحانیت احساس می‌کرد، هدف اصلی غالب برنامه‌های فرهنگی آن، اسلام‌زدایی و محو اسلام از فرهنگ ایران بود؛ فرهنگی که برای جانشینی فرهنگ اسلامی انتخاب شده بود، فرهنگ شاهنشاهی بود که محتوای آن غرب‌زدگی و تقلید از اربابان آمریکایی و اروپایی شاه بود؛ هدف این بود که فرهنگ شاهنشاهی، ذهن و زبان مردم را پر کند، تا ارتباط آنان با اسلام گسیخته

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، مصداق و نبرد قدرت در ایران، ص ۲۵۷.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸ و ج ۱، ص ۱۱۳۹؛ حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۶.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۶۳.

شود.<sup>۱</sup> ترویج بهائیت و میدان دادن به چنین مسلک‌هایی که حمایت بیگانگان را نیز در پی داشت، ابزار مناسبی بود برای این منظور و زدودن فرهنگ اسلام و مقابله با روحانیت. اما روحانیت هوشیار، به این مسئله نیز آگاه بود و مبارزه با بهائیت را هم‌زمان با مبارزه با فرهنگ غرب، در پیش گرفته بود، بنابراین همه اقدامات و برنامه‌های رژیم، در جهت رسیدن به این هدف بود، به اذعان برخی نویسندگان: «انقلاب سفیدی که شاه دم از آن می‌زد، جنبه تهاجم به اعتقادات و دین و مذهب ملت مسلمان ایران را هم داشت. آنها در صدد بودند ... [آنها را] از بین ببرند».<sup>۲</sup> برنامه‌هایی که دستگاه پهلوی، برای محو کردن فرهنگ اسلامی به اجرا گذاشت عبارت بود از:

باستان‌گرایی، تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی،<sup>۳</sup> جشن‌های شاهنشاهی،<sup>۴</sup> نظام سربازی برای دختران،<sup>۵</sup> رواج فساد و بی‌بندوباری.<sup>۶</sup>

جامعه ایران آن روز، از لحاظ علمی، کاملاً عقب‌افتاده بود، بسیاری از مردم، بی‌سواد بوده و امکان ادامه تحصیل برای کودکان فراهم نبود به‌گونه‌ای که در برخی شهرها بیش از ۷۰٪ کودکان به مدرسه نمی‌رفتند و یا ۸۵٪ مردم بی‌سواد بودند، در بلوچستان فقط ۲٪ مردم سواد خواندن و نوشتن داشتند.<sup>۷</sup>

اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۵۰م، به‌گونه‌ای بود که بیگانگان خصوصاً آمریکا، حضوری کامل در این عرصه داشتند، آنها می‌بایست روی تولیدات، صنایع، معادن، ساختمان، راه‌ها، ارتباطات، راه‌آهن، کشاورزی، برق، امور مالی، خرید لوازم و رشته‌های مهم اقتصادی ایران، نظارت کامل

۱. سعید نفیسی، ایران در دوره معاصر، ص ۱۶۴.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۸.

۳. همان، ص ۳۰۸.

۴. همان، ص ۱۶۵.

۵. همان، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۱۵۱.

۷. احسان طبری و دیگران، پنجاه سال تبهکاری و خیانت سلسله پهلوی، ص ۱۱۷.

می‌داشتند. در مقابل، واردات کالاهای آمریکایی به ایران بسیار زیاد بوده به‌گونه‌ای که به‌طور تقریبی واردات کالا از آمریکا به ایران، ۲۰ برابر صادرات از سوی ایران به آمریکا بود؛<sup>۱</sup> این واردات نیز بیشتر توسط وابستگان بهائی صورت می‌گرفت و سودهای کلان این تجارت که منجر به نابودی اقتصاد، تولید و کشاورزی داخل می‌شد، نصیب بهائیان گردیده و در راستای ترویج این مرام، هزینه می‌شد.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران در این دوره، از اقتدار لازم برخوردار نبود، حاکمیت استبداد، فرهنگ و تمدن کشور را در وضعی قرار داده بود که زمینه‌های رشد و ترقی، از آن گرفته شده بود.

رضاخان برای اینکه فرهنگ غربی را وارد کشور کند، مخالفت با روحانیت و هتک حرمت علما را در برنامه‌های خود قرار داده و این قشر از جامعه را در تنگنا قرار داد. او با کشف حجاب و فرستادن زن خود با پوششی نامناسب به قم و حرم حضرت معصومه علیها السلام این بی‌حرمتی‌ها را به نهایت رساند که رفتار او اعتراض علما و دین‌داران را در پی داشت، اما او در جواب به این اعتراض‌ها برخی از علما را با چکمه و لگد مورد ضرب‌وشتم قرار داده و از قم تبعید نمود.<sup>۳</sup> در این دوره، نفوذ روحانیون در زندگی اجتماعی-سیاسی کشور به‌شدت محدود گردید و در پی انجام اصلاحات قضایی، روحانیون به‌طور کلی از حق قضاوت محروم شدند؛ در زمینه آموزش و پرورش همگانی نیز، حضور روحانیت به کلی از میان رفت.<sup>۴</sup>

از آنجایی که نظام آموزشی دوره پهلوی اول، در تقابل و رویارویی با روحانیت و ساختار مذهبی جامعه بود، تعداد مدارس و حوزه‌های علمیه نیز کاهش یافت، به‌گونه‌ای که تعداد این مدارس که در سال ۱۳۰۴ هـ.ش به ۲۸۲

۱. جمعی از مستشرقین، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص ۵۱۲.

۲. رک: ثریا شهبوساری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص ۳۰.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص ۴۷۳.



باب، با ۵۹۸۴ نفر طلبه می‌رسید، در سال ۱۳۲۰ ه‍.ش، به ۲۰۶ مدرسه با ۷۸۴ طلبه، کاهش یافت.<sup>۱</sup>

هر چند که در این دوره، مطبوعاتی هم در کشور چاپ و نشر می‌یافت ولی با توجه به فضای حاکم، مطبوعات تنها مطالبی محدود را بیان می‌کردند و مطالبی که به نفع دربار و سلطنت نبود، نباید انتشار می‌یافت و اگر تشخیص داده می‌شد که مطالب روزنامه، خلاف مصلحت دربار است، توقیف می‌شد.<sup>۲</sup>

### ج) بهائیت در دوره پهلوی‌ها

سران بهائیت نیز، مهره‌های دیگر انگیزی‌ها بودند؛ چنان‌که رضاخان، مهره‌ای بود که با دست انگلیسی‌ها به تخت سلطنت تکیه زد و در زمان اشغال ایران توسط متفقین، بدون مقاومت، از سلطنت سقوط کرد و به تبعیدگاه رفت و تخت و سلطنت استبدادی را به فرزندش محمدرضا، تسلیم کرد؛ محمدرضا از ویژگی‌های رضاخان، چیز قابل توجهی جز دین‌ستیزی به ارث نبرده بود؛ محمدرضا از جهت پایبندی به فرهنگ اسلام سولو به تظاهر آن‌گونه که رضاخان، با این تزویر به قدرت دست یافت- بهره‌چندانی نداشت.<sup>۳</sup> اگرچه گاهی به مشهد می‌رفت، اما با بی‌قیدی، بی‌حجابی همسران خود و فسق علنی، در هتک شعارهای دینی و ترویج منکرات قدم بر می‌داشت؛ برخی از نزدیکان او، گزارش‌هایی مبنی بر پیوند او با بیگانگان و رفتارهای آلوده او داده‌اند که همه حاکی از بی‌قیدی واقعی او به دین و دیانت و فرهنگ اسلام است. او که قدرت و تاج و تخت خود را به اشاره بیگانگان، به‌دست آورده بود، در برابر اراده بیگانگان، به‌ویژه انگلیس، تسلیم محض بود و دستورات این فرمانبرداری و اطاعت‌پذیری از بیگانه و استعمار را مستقیماً از آنها نمی‌گرفت، بلکه مهره‌های

۱. محمدرضا خلیلی‌خو، توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، ص ۱۵۹.

۲. غلامرضا سلامی، اسناد مطبوعات ایران، ج ۱، ص ۱.

۳. توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، ص ۲۰۴.

واسطه و طراحان با نفوذ، در او اثرگذار بودند.<sup>۱</sup> از جمله این مهره‌های با نفوذ، بهائیان بودند که در ارکان تصمیم‌گیری و نهادهای فرهنگی و سیاسی دارای منصب بودند.<sup>۲</sup> از این‌رو در دوره استبدادی خاندان پهلوی، این فرقه رشد چشمگیری یافت، به گونه‌ای که چنین فضای آزادی را در هیچ دوره‌ای نداشتند. اگر کارگزاران دولت قاجاریه، بهائیان را حمایت می‌کردند حمایت‌های عصر پهلوی بیش از آنان بود. گرچه بهائیان در عهد قاجار از حمایت طرفدارانی چون میرزا آقاخان نوری که پنهانی از آنان حمایت کرده و از اعدام شخص بهاء‌الله (رهبر بهائیان) جلوگیری نمود؛ برخوردار بودند، اما او نمی‌توانست آشکارا از آنان حمایت کند یا آنها را در رأس قدرت و حکومت و یا مشاغل مهم دولتی بگمارد؛ چرا که وجود افرادی چون امیرکبیر و فشارهای اجتماعی و مذهبی مانع انجام این کار می‌شد؛ از این‌رو بهائیان مجبور بودند به کشورهای مجاور، مهاجرت کنند، چنان‌که صبحی در خاطرات خود می‌نویسد که آواره شهرهای مختلف بوده‌اند،<sup>۳</sup> اما بدون تردید در دوره پهلوی، از بهائیان حمایت‌های بی‌دریغی می‌شد، و در این برهه، آنها در رأس بسیاری از امور حساس قرار داشتند و از این نفوذ، جهت توسعه و گسترش بهائیت، به وسیله ابزارهای گوناگون استفاده کردند.<sup>۴</sup>

ارتشبد فردوست، در خاطرات خود از گرایش و علاقه شدید رضاخان به بهائیان پرده برداشته و از روابط حسنه او با بهائیان یاد می‌کند. به گفته فردوست، رضاخان، اسدالله صنیعی را که از بهائیان به‌شمار می‌رفت، آجودان مخصوص

۱. همان، ص ۹۵-۱۰۴. فروغی مهره‌ای بود که جهت به قدرت رسیدن محمدرضا، با انگلیسی‌ها هماهنگی داشت، همان‌گونه که در زمان استقرار رضاخان، مشاور بزرگ و مهم او بود. از افراد دیگری چون مرتضی قلی‌بیات، هژیر، علی منصور و پسرش حسنعلی، قوام و... می‌توان نام برد. همان، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۲. برای نمونه می‌توان از عبدالکریم ایادی بهائی، به‌عنوان مهره‌ای مهم یاد کرد که پس از مرگ ارنست پرن، همه کاره محمدرضا بود. همان، ص ۲۰۱-۲۰۴.

۳. خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایی‌گری و بهائی‌گری)، ص ۵۰-۵۷.

۴. بهائیان در عصر پهلوی، ص ۳۰. به گزارش فردوست در دوران قدرت ایادی، تعداد بهائیان ایران به ۳ برابر رسید.

محمدرضا کرد، صنیعی بعدها فردی بانفوذ شده و در زمان نخست وزیری علم، حسن علی منصور و هویدا، به وزارت جنگ و وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی (خواروبار) رسید.<sup>۱</sup> رضاخان، قصد داشت مجید آهی را که از منسوبان حسینعلی بهاء بود به عنوان وزیر، انتخاب کند.<sup>۲</sup> به نظر برخی محققان معاصر، رضاشاه همانند محمدعلی پاشا، خود را حکمرانی بیگانه با پیکره و سنن جامعه ایرانی می دانست؛ از این رو کسانی را در مناصب مهم دولتی می گمارد که مانند خود او، بیگانه یا معارض با این بافت بودند؛ افراد وابسته به گروه های دینی خاص به ویژه بابی ها و بهائی ها یا افرادی از خاندان و خانواده های مشکوک که در سده هفدهم، هجدهم و نوزدهم میلادی در ایران سکنی گزیده بودند، جایگاه های اصلی را در اداره دیوان سالاری پهلوی به دست گرفتند و به قدرت برتر سیاسی و اقتصادی ایران بدل شدند.<sup>۳</sup> باین وجود، نفوذ اصلی بهائیت در نهادها و ارکان دولت، در دوران عبدالکریم ایادی که از خانواده های طراز اول بهائیت بود، شکل گرفت او به این دلیل «ایادی» نام داشت که پدرش از «ایادی امرالله» یعنی جزء چند نفر خواص اطراف عباس افندی بود. ایادی با نفوذی که نزد محمدرضا کسب کرد، بهائیان را به مقامات عالی رساند، او مسلماً در رساندن امیرعباس هویدا (بهائی) به نخست وزیری، نقشی مهم داشت. در زمان هویدا، کار بهائی ها، پروتق بود و در اکثر نهادهای فرهنگی، دارای مناصب و مشاغل بودند و مقامات عالی مملکت، توسط آنها به راحتی اشغال می شد. میرزافضالقناد، پدربزرگ هویدا، از بهائیان مخلص، ارادتمند، فداکار و مجذوب عباس افندی بود که به خاطر ترس از خشم مسلمانان به عکا رفت و نوکری افندی را عهده دار شد. افندی، حبیب الله خان (پدر هویدا) را مورد حمایت مالی خود قرار داد و او را تشویق به فراگیری زبان های مهم دنیا کرد و او را به تهران

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲. بهائیان در عصر پهلوی، ص ۳۰.

۳. عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، ص ۷۸.

و به دستگاه سردار اسعد بختیاری فرستاد، او به خاطر خوش خدمتی به سردار اسعد، به عین‌الملک<sup>۱</sup> ملقب گردید و در وزارت خارجه، مشغول به کار شده و سمت کنسولگری ایران در چند کشور عربی را عهده‌دار گردید سپس، به ملک‌سعود نزدیک شد و عهده‌دار مسئولیتی در جدّه شد، اما مطبوعات عربی به خاطر تبلیغ بهائیت، به او اعتراض کرده و او را مجبور به ترک عربستان نمودند. او در لبنان به دروغ تظاهر به توبه از بهائیت در پیش قاضی شیعه کرد؛ اما بعداً به خدمت افندی رسید؛ از این رو روشن می‌شود که پدر امیرعباس هویدا نیز، مثل پدر ایادی، از خواص عباس‌افندی و گویا نویسنده مخصوص او بوده است.<sup>۲</sup> مخالفت علما و مراجع با بهائیت و حملات شدیدی که در منابر علیه آنها صورت می‌گرفت<sup>۳</sup> یکی از دلایل دشمنی رضاخان با علما و مراجع بود،<sup>۴</sup> او از سوی اربابان خود، دستور داشت که با بهائیان به نرمی برخورد کند، چون سرچشمه قدرت استبدادی رضاخان و پیدایش بهائیت، از یک جا (انگلستان) بود؛ بنابراین لازم بود که رضاخان با بهائیان که همچون برادر تنی بودند، سازش داشته باشد. بر همین اساس، رضاخان چهره‌های بیدار روحانیت، مثل شهید مدرس و بسیاری از مبارزان و مخالفان مذهبی را از میان برداشت و در مقابل برای فرزندش که ولیعهد و پادشاه آینده ایران بود، مربی و آجودان‌باشی بهائی استخدام کرد تا او را بهائی تربیت کنند یا شاید تحت نظر کامل استعمارگران قرار بگیرد. با مطالعه روند تخریبی ارزش‌های مذهبی در عصر پهلوی، چنین بر می‌آید که بهائیان در ایران، کاملاً از طرف خاندان پهلوی حمایت می‌شدند و مأموریت مهم خاندان پهلوی و بهائیان، نابودی کامل تمام مؤسسات اسلامی و سرکوب مبارزه‌ها و نهضت‌های دینی بوده است. محمدرضا، با مخالفت گسترده

۱. ابراهیم حسن‌بیگی، یک مهره کوچک، ص ۲۲-۲۳.

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۷۴؛ مسعود کوهستانی‌نژاد، روحانیت و بهائیان، ص ۱۱۲-۱۱۸.

۴. دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، ص ۱۰۲؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص ۲۱۲.

علمای بزرگ و مراجع دینی شیعه، به اقتضای مصلحت، مجبور شد که دستور تخریب حضره‌القدس، مرکز تجمع بهائیان تهران را صادر کند.<sup>۱</sup> به‌طورکلی، در دوران محمدرضا، بهائیان ترقی بسیار کرده و ثروتمند شدند، آنان در انحطاط اقتصاد ایران بسیار کوشیدند. در حدود سال‌های ۵۱ و ۵۲ شمسی، سرلشکر ضرغام که مدتی وزیر دارایی و مدتی هم مدیرعامل بانک اصناف بود، به ریاست اتکا (سازمان تدارکاتی ارتش) منصوب شد با وجود آنکه اجناس ارزان‌تر، در ایران قابل تهیه بود، یادی او را از کار برکنار کرد و افسر دیگری را به این سمت گمارد تا او، اجناس مورد نیاز را، بی‌واسطه از خارج وارد کند.<sup>۲</sup> ضربه مهمی که آنان به تخریب مراکز تولیدی وارد کردند، در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است؛ سود حاصل از این واردات، به کیسه بهائیان ریخته می‌شد و آنان در واردات مواد غذایی و... دخیل بودند. بهائیان دارای شرکت‌های اقتصادی فروش انواع نوشابه‌های پرسی‌کولا بودند و از فروش این نوشابه، سودهای کلانی عایدشان می‌شد.<sup>۳</sup> ثروت‌هایی که بهائیان در عصر پهلوی، به چنگ آوردند و به سرمایه‌های جهانی دست یافتند، عامل ترویج و بقای تشکیلات آنان بوده است، آنان از طریق همین ثروت‌های نامشروع و بادآورده، به جذب فقیران و مستمندان به بهائیت اقدام کرده و به ساختن معابد و تشکیلاتی در کشورهای مختلف، مانند هندوستان و فلسطین (عکا و حیفا) پرداختند.

بهائیان بدون اجازه تشکیلات عکا، حق پذیرفتن مشاغل سیاسی را نداشته‌اند و تنها باید تلاش آنها در فعالیت‌های تجاری و کشاورزی متمرکز باشد، بر اساس همین اصل، وقتی فردوست از سپهدصنعی پرسید که چگونه شغل سیاسی پذیرفته‌اید؟ سپهد به اجازه تشکیلات عکا اشاره کرد که در موارد استثنایی و مهم این نوع مشاغل را می‌پذیرفته‌اند. در واقع بهائیت، بر این باور

۱. روحانیت و بهائیان، ص ۴۲-۴۳.

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۷۴؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۱۰۷-۱۳۵.

۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، آیت‌الله میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۵۶.

است که ایران سرزمین موعود است همان‌گونه که صهیونیسم‌ها و غرب با ایده سرزمین موعود، در قلب جهان اسلام (فلسطین)، برای تشکیل کشوری جعلی، به قتل و خون‌ریزی مسلمانان و بحران‌آفرینی در منطقه خاورمیانه پرداخته‌اند. به‌گفته فردوست، بهائی‌ها، احساس ایرانی بودن نداشته‌اند و این افراد، جاسوس‌های بالفطره بوده‌اند.<sup>۱</sup>

رضاخان و پسرش، نه تنها به نفوذ بهائی‌ها حساسیت نداشتند، بلکه خود محمدرضا گفته بود که افراد بهائی، در مشاغل مهم و حساس مفیدند چون علیه دولت توطئه نمی‌کنند.<sup>۲</sup> بهائینی که به مقامات حساس می‌رسیدند، از موقعیت خود برای ثروتمند شدن جامعه بهائیت استفاده می‌کردند تا از این طریق اقتصاد مملکت را به دست گیرند، به‌گفته فردوست، بهائیان بسیار ثروتمند بودند؛ مانند نعیمی (پدرزن خسروانی) که از مقامات مهم بهائیت بوده است. آبادی حدیقه (روستایی در شرق اقدسیه تهران) متعلق به بهائیان بوده است و برخلاف سنت دهداری که اراضی بین دو روستا از سمت شمال به جنوب متعلق به روستای شمالی است، بهائی‌ها اراضی شمالی حدیقه تا قلّه کوه را، دیوارکشی و تصرف کرده بودند. آنان در مسیر تهران به سمت کرج، اراضی وسیعی را تصرف کرده و گنبد آبی‌رنگی به پا کرده بودند. آنان با حمایت افرادی مثل هژبر یزدانی و ایادی، زمین‌های وسیعی از کشاورزان را تصرف می‌کردند. هژبر با حمایت ایادی، دارای زمین‌های زیادی در ایران شده بود و از زمین‌داران عمده به‌شمار می‌رفت. او زمین‌های وسیعی را در باختران، مازندران، اصفهان، سمنان و... با همین شیوه زورگیری و حمایت‌های قانونی ایادی، تصاحب کرده بود.<sup>۳</sup>

بهائیت در دوران رضاخان به دربار پهلوی نفوذ کرد و محمدرضا تحت نظر آنان تربیت یافت؛ بهائیت در دوران او، توسعه اقتصادی فوق‌العاده‌ای یافت و

۱. همان، ص ۳۷۵، سایه روشن بهائیت، ص ۱۱۳-۱۴۲؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص ۱۳۴

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۷۶

۳. همان.

گروهی از مردم فقیر، بر مبنای انگیزه و مشکلات مالی، به بهائیان روی آوردند.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۲۹ هـ.ش، نبیل زرنندی (یکی از اعضای برجسته بهائیان) رئیس دفتر فرح بود، ریاست دفتر فرح، منصب بزرگی بود که می‌توانست اختیارات فراوان و اعمال نفوذهای موثری در عزل و نصب‌ها، امور فرهنگی-سیاسی و تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری داشته باشد. بهائیان با نفوذ گسترده در امور مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی، موقعیت خود را در ایران و دیگر نقاط جهان، گسترش دادند. در این روند، دست‌های حمایتگر آمریکا و انگلیس، بی‌تأثیر نبود.<sup>۲</sup>

#### د) رشد فعالیت‌های تبلیغی بهائیت در عصر پهلوی

علاوه بر حمایت سیاسی، تشکیلاتی و مالی دولت از بهائیان - که عامل مهم رونق کار بهائیان بود- فقر و گرفتاری‌های مالی مردم نیز یکی از عوامل مهم گرایش افراد به بهائیان بود، بهائیان، با استفاده از این شرایط بسیاری از نیازمندان و مستمندان مالی را تطمیع نموده و آنان را گرفتار بهائیت می‌کردند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، زنان و دختران زیبا و آراسته بهائی، دام فریبنده‌ای بر سر راه جوانان، به‌شمار می‌رفتند که بهائیان برای تبلیغ و ترویج مرام خود، از آنان بهره گرفته و از این راه جوانان زیادی را به دام انداختند. آنان برای نیل به این مقصود، احکام فریبنده شرعی نیز از خود ساختند تا بدین‌وسیله، به تخریب آینده کشورهای اسلامی و خالی کردن آنها از نخبگان و جوانان برومند، دست یابند. بهائیان به‌خوبی می‌دانستند که جوانان، آینده‌سازان کشورها و مدیران و دانشمندان آینده هر کشورند؛ از این‌رو آنان علاوه بر اینکه با سلاح اختلاط فکری، به جنگ تشیع آمدند، با از بین بردن غیرت، شهامت، عفت و پاکی جوانان و با ترویج انواع

۱. همان.

۲. بهائیان در عصر پهلوی، ص ۱۲۷-۱۳۳.

۳. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص ۳۷۶.

مفاسد اخلاقی، به نابودی این سرمایه‌ها پرداختند.<sup>۱</sup>

حمایت حکومت استبدادی از استخدام بهائیان در امور دولتی، عامل مهم دیگر در گرایش به بهائیت بود، افرادی چون سپهبدخامی، به‌عنوان آجودان<sup>۲</sup> محمدرضا در خدمت او و بهائیان بود.<sup>۳</sup> پهلوی‌ها، بهائیان را بی‌خطر و برای مقابله با براندازی نیروهای آشوبگر مناسب می‌دانستند؛ از این رو مدّت‌ها بهائیان با آزادی کامل، در فرم‌های استخدامی، مذهب خود را بهائی می‌نوشتند و آن را با افتخار تلقی می‌کردند. شرکت نفت، از جمله مراکز مهم استخدام بهائیان به‌شمار می‌رفت<sup>۴</sup> و این روند به گونه‌ای بود که در دوره پهلوی، حتی یک بهائی بیکار، در ایران وجود نداشت.<sup>۵</sup> امام خمینی علیه‌السلام، در همین زمان درباره حمایت دولت از بهائیان چنین هشدار داد:

«...لازم است توجه حضرات آقایان را جلب کنم به اعمال گذشته و حاضر دستگاه جبار. در گذشته، به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضالّه قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می‌شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود، شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط قضات لغو کرده است؛ از چیزهایی که سوءنیت دولت حاضر را اثبات می‌کند، تسهیلاتی است که برای مسافرت دو هزار نفر یا بیشتر از فرق ضالّه قائل شده است و به هر یک پانصد دلار ارز داده‌اند و قریب هزار و دویست تومان تخفیف در بلیت هواپیما داده‌اند؛ به مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می‌شود و صددرصد ضداسلامی است،

۱. درباره شورش بایه در زنجان نوشته‌اند، محمدعلی زنجانی، مردان و زنان مجرد را به عقد هم درآورد و

بیش از دویست دختر و پسر ازدواج کردند. خلاصه تاریخ نیل، ص ۴۴۹.

۲. منصب و عنوانی نظامی است که در ادبیات دوره قاجاریه در مورد افسر یا هر فرد نظامی که همراه یا همیار مقامات عالی‌رتبه و یا شاه بود به کار برده می‌شد. رک: لغتنامه دهخدا و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۳. تاریخ معاصر ایران، ص ۳۴.

۴. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۷۷.

۵. بهائیان در عصر پهلوی، ص ۱۴۷؛ سعید زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۳۹.



شرکت کنند. در مقابل، برای زیارت حجاج بیت‌الله‌الحرام، چه مشکلاتی که ایجاد نمی‌کنند و چه اجحافات و خرج‌تراشی‌ها که نمی‌شود. آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست‌های حسّاس، به‌دست این فرقه است که حقیقتاً عمّال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می‌شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیرهٔ سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری، همه چیز را از دست خواهیم داد. اسلام بر ما حق دارد، پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جان‌فرسای آن سرور، در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدّسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمّم هستم که از پانزدهمین تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم؛ و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر وفود کنم. شما هم، ای علمای اسلام، مصمّم شوید و بدانید پیروزی با شماست: وَاللّهُ مِیْمٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. خداوند! عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام را روزافزون فرما. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکَاتُهُ.<sup>۱</sup> ایشان به‌عنوان مرجعی بیدار، فریاد مبارزه با این حزب را سر داد و فرمود: «در تهران ما، مراکز تبلیغات سوء کلیسایی، صهیونیسم و بهائیت به وجود آمده که مردم را گمراه می‌کند و از احکام و تعالیم اسلام دور می‌سازد. آیا هدم این مراکز که به اسلام لطمه می‌زند وظیفه ما نیست».<sup>۲</sup>

این فرقه در دورهٔ حکومت محمدرضا پهلوی در ایران موقعیتی ممتاز یافت و در سیاست خارجی ایران و تأمین منافع صهیونیسم، تأثیر عمده‌ای نهاد.<sup>۳</sup>

عامل دیگری که رشد و رونق بسیار چشمگیر بهائیت را موجب شد، این بود که ایران در دورهٔ پهلوی به‌طور کامل به‌دست افراد خودفروخته و بیگانگان افتاده

۱. صحیفهٔ نور، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. امام‌خمنی، ولایت فقیه، ص ۱۲۹.

۳. همان.

بود. دستیابی بهائیان ایران به قدرت، در توسعه جمعیتی آنان در خارج از کشور نیز تأثیر مستقیم داشت، چون از نظر مالی، از طرف بهائیان ایران که بسیاری از آنها در مناصب دولتی نفوذ داشتند، حمایت می‌شدند و از طرف دربار پهلوی نیز کمک‌های مالی دریافت می‌کردند.<sup>۱</sup>

صبحی، یکی از مبلغان و رجال مهم بهائی - که بعدها از آنان جدا شده و پرده از کارهای بهائیان برداشت - می‌گوید: بهائیان در دوره پهلوی با حمایت‌های درباریان، با آزادی کامل در تمام نقاط ایران مبلغ داشتند؛ آنان حتی در روستاها، نفوذ داشتند و پیروانی برای خود دست‌وپا کرده بودند. مردم ساده‌دل در شهرهای مختلف و روستاها با این خیال که بهائی‌گری جنبش جدیدی است که همه باید با آن آشنا گردند، فریفته سخنان مبلغان منحرف بهائی شدند، بدون اینکه از مفاسد و عواقب شوم این عضویت باخبر باشند. روشنفکران مذهبی در عصر پهلوی که در مقابل بهائیت مقاومت می‌کردند، همه سرکوب می‌شدند و محدود بودند. ولی مبلغان بهائی، با آزادی کامل در ایران تبلیغ می‌کردند. برخی از رجال دربار پهلوی، نقش بسزایی در رشد بهائیت در ایران داشتند. نقش هویدا بسیار مهم‌تر و آشکارتر از نقش میرزا آقاخان نوری بود.<sup>۲</sup>

عامل دیگر رونق بهائیت در ایران دوره پهلوی، حضور افراد بهائی در مناصب مهم فرهنگی، مذهبی، نظامی، اجرایی و اقتصادی است به گونه‌ای که بسیاری از مراکز حساس مانند دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، سینما و تئاتر، مطبوعات، چاپخانه‌ها، انتشارات، صداوسیما و... تحت سیطره و نفوذ آنان بود،<sup>۳</sup> برای نمونه می‌توان به دکتر منوچهر شاهقلی به‌عنوان وزیر علوم و بهداشت، هوشنگ نهاوندی به‌عنوان وزیر علوم و ریاست دانشگاه تهران، شیراز، فرخ‌روی پارسا به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش اشاره کرد که همگی بهائی بودند. وزیر آموزش پرورش

۱. همان، ص ۱۷۳-۲۰.

۲. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۹۹.

۳. همان؛ صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۰۴ و ص ۱۲۳.

بهائی می‌توانست به صورت گسترده، در مسائل عقیدتی و فرهنگی دانش‌آموزان، با نفوذ و استخدام معلّمان، تأثیرگذار باشد.<sup>۱</sup> هوشنگ سیهون، رئیس دانشکده هنرهای زیبا، دکتر محمد ورقا، مدیر گروه جغرافی دانشگاه تربیت معلم، دکتر ایرج ایمن، رئیس مؤسسه تحقیقات تربیتی، دکتر منجذب و دکتر علی توانگر، استادان دانشگاه اراک،<sup>۲</sup> شماری چند از سران نظامی و ارتش بودند که ثروت و نفوذ قابل توجهی در قدرت داشتند و از بهائیان به‌شمار می‌رفتند.<sup>۳</sup> در اواخر سلطنت محمدرضا، دکتر جعفر شفقت، از عناصر شاخص بهائی بود که مسئولیت مهمی چون ریاست ستاد ارتش را بر عهده داشت، ساواک در دوران سرتیپی وی، در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۴۲ چنین گزارش داده است: «... با تحقیقات وسیع و موثقی که به عمل آمده است و تحقیقات مذکوره مورد نهایت وثوق و اطمینان می‌باشد، انتساب و وابستگی نامبرده به فرقه بهائی تأیید گردیده است و ضمناً مشارالیه، از جمله افراد معدود و متنفّذی است که بهائیان ایران، مانند دکتر ایادی، پزشک مخصوص اعلی حضرت همایونی، به وجودش افتخار می‌کنند و به نفوذ و قدرتش اتکا دارند و عملاً هم دیده می‌شود که از همان ابتدای انتساب وی به ریاست ستاد ارتش، افسران وابسته به اقلیت مذهبی بهائی، در تظاهر به دیانت خویش، بی‌پروایی بیشتری نشان می‌دهند...»<sup>۴</sup> پس از سخنرانی شهید مطهری مبنی بر اینکه در صورت بهائی بودن مرد، زن مسلمان او مطلقه است؛ زنی از همسر بهائی خود جدا شد اما چون شوهر این زن ارتشی بود، زنش را به قتل رساند؛<sup>۵</sup> این رویدادها، نشانگر نفوذ گسترده بهائیان در ارکان حکومت عصر پهلوی بود. با این نفوذ، مبلّغان بهائی در نهادهایی مانند ارتش و... به تبلیغ و اغفال پرسنل و

۱. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۱۰۲.

۲. بهائیت آن‌گونه که هست، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۱۴۱-۱۷۱.

۴. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳، ص ۳۲۱-۳۲۲.

۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، عالم جاودان یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۲۰۸؛ رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ص ۳۷۸.

کارمندان می‌پرداختند. بی‌دلیل نبود که در جریان راهپیمایی‌های مردم و دسته‌های عزاداری، سران ارتش به‌راحتی دستور شلیک و قتل‌عام مردم را صادر می‌کردند و برخی از نظامیان از این دستورات سرپیچی و برخی اطاعت کرده و مردم را به خاک و خون می‌کشیدند. به نظر می‌رسد این بی‌مهری به هم‌وطنان، تنها از کسانی بر می‌آید که حبّ وطن<sup>۱</sup> و مهر هم‌وطن در دل آنها ریشه نداشته است؛ از این‌رو در کشتار انسان‌های بی‌گناه بی‌باک بودند. بدون تردید، بهائیان در مراکز امنیتی چون ساواک و مناصب عالی سیاسی، نفوذ کرده بودند و از این مناصب در راه ترویج مسلک باطل، سود می‌بردند، تا آمار جمعیتی خود را بالا ببرند.<sup>۲</sup>

بررسی اسناد و گزارشات تاریخی مربوط به آن دوران به‌خوبی از وابستگی و ارتباط دربار پهلوی و بهائیان پرده برمی‌دارد،<sup>۳</sup> برای نمونه فدائیان اسلام، در بیانیه‌ای که علیه رژیم صادر کردند، درباره نفوذ بهائیان در امور دولتی و مناصب عالی اعلام کردند: «... یک عده بهائی را که خطرناک‌ترین دشمن جان، مال، ناموس دین، وطن و استقلال ماست، بر سر پست‌های حساس کشور گماشته...»<sup>۴</sup>

بنابر گزارشات مستند ساواک، بهائیان ساکن ایران که از نخست‌وزیری هویدا خوشنود بودند، می‌کوشیدند با استفاده از این فرصت و امکانات مردم مسلمان، نفوذ خود را گسترش داده و در جهت تبلیغ بهائیت، سود ببرند.<sup>۵</sup> از این‌رو، در دوره پهلوی، به‌ویژه دوره محمدرضا، بهائیان با آزادی کامل از هر راهی، به جمع‌آوری ثروت روی آوردند و این ثروت‌ها را در عکا و حیفا و سرزمین‌های اشغالی و مناطق دیگر، از جمله هندوستان و... در ساختن معابد و سرمایه‌گذاری

۱. یکی از آموزه‌های مهم بهاء الله، ترویج بی‌وطنی است. بهائیان، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۱۲۱ و ص ۲۰۹.

۳. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص ۱۰۵.

۴. رسول جعفریان، رسائل حجابه، ج ۲، ص ۱۰۷۸.

۵. یک مهره کوچک، ص ۷۷.

و تجارت و خرید املاک، هزینه کردند.

شهرت وسیع هویدا در دوران صدارت و ابقای او در منصب نخست‌وزیری، علی‌رغم تنفر و انزجار توده مردم مذهبی و متدین نسبت به او، نشان‌دهنده عمق بی‌اعتنایی شاه به افکار عمومی و خواست مردم است. در زمینه ارتباط هویدا با فرقه ضالّه بهائیت، به ذکر دو سند بسنده می‌کنیم:

سند اول، نامه مورخ ۱۳۴۳/۶/۱۲ است که گویا یکی از سران جامعه بهائیت به نام قاسم اشراقی به مناسبت تصادف هویدا در جاده شمال و شکسته شدن پای او برای دکتر فرهنگ مهر، ارسال کرده و در آن تأسّف خود را از این حادثه، ابراز داشته است.<sup>۱</sup>

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، معاون محترم وزارت دارایی!

به مناسبت پیش‌آمدی که برای جناب آقای هویدا، وزیر محترم دارایی رخ داده، خواهش‌مند است مراتب تأثر و تأسّف اینجانب و برادرانم را به عموم هم‌مسلمان (بهائیان) و به‌خصوص جناب آقای ثابت پاسال، مدیر محترم تلویزیون ایران که بزرگ‌ترین خدمتگزار فرقه ما هستند، ابلاغ فرمایید.

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد. قاسم اشراقی

از این سند مهم می‌توان استنباط کرد که، نه تنها هویدا مهم‌ترین عنصر حکومتی وابسته به بهائیان بود، بلکه بسیاری از مدیران ادارات و سازمان‌ها نیز، بهائی بوده‌اند. ثابت، مدیر صدا و سیمای ایران که از او به‌عنوان بزرگ‌ترین خدمتگزار فرقه یاد کرده، بهائی مسلک بوده است و هیچ بعید نیست که با این گرایش حاکمان به بهائیت، هیئت حاکمه ایران یا بدنه اصلی تشکیلات سیاسی ایران نیز، بهائی بوده باشند، چنان‌که معاون وزارت‌خانه‌ای مهم مثل وزارت دارایی وقت (فرهنگ مهر)، بهائی بوده و برای حمایت از بهائیان، اقدامات مهمی انجام داده است؛ وزارت دارایی، در تشکیلات اداری، از مهم‌ترین ادارات دولتی ایران به‌شمار می‌رفته که با ریاست بهائیان اداره می‌شده است. ایادی که یک بهائی

بسیار مرموز بود، خود را به‌عنوان پزشک علیرضا، برادر محمدرضا، جا زد، اگرچه او ابتدا در فرانسه، در رشته دامپزشکی تحصیل می‌کرد، اما تغییر رشته داد و پس از دو سال تحصیل در پزشکی عمومی، خود را به دربار پهلوی نزدیک کرد و پس از اندکی، با مهارت خاص و نفوذ در محمدرضا، تمام اختیارات مملکت را غیرمستقیم به عهده گرفت و بدین روش بود که بهائیت، در عصر محمدرضا در هر نقطه، جولان می‌داد و از آزادی کامل برخوردار بود. او جاسوس آمریکا و انگلیس نیز بود، چندین وزیر بهائی، با نفوذ او در کشور، به قدرت رسیدند. در دوره وزارت هویدا، نفوذ ایادی، بیشتر از هر زمان در دربار و شخص محمدرضا نمایان بود به نحوی که فردوست می‌گوید: «نمی‌دانم ایادی در کشور حکومت می‌کند یا محمدرضا».<sup>۱</sup> ازهارای نیز بهائی بود و وزارت داشت. با توجه به نفوذ گسترده بهائیان در دوره پهلوی دوم، آنان در تصمیم‌گیری‌های گسترده دولت دخالت داشتند. شاه نیز، تأییدکننده دخالت‌های آنان بود،<sup>۲</sup> فردوست می‌گوید: یکی از فرقه‌هایی که توسط اداره کل ساواک، با دقت دنبال می‌شد، بهائیت بود. بولتن‌هایی که درباره آنان تهیه می‌شد، به حضور محمدرضا عرضه می‌شد. این بولتن گسترده‌تر از بولتن فراماسونری بود. محمدرضا از حضور آنان در امور سیاسی و تشکیلاتی، با خبر بود و نسبت به آنان حسن‌ظن نشان می‌داد و بهائیت به‌عنوان بازوی شاه به‌شمار می‌رفت. اختیار داروخانه‌ها، شیلات، صیادی، سازمان اتکا، بیمارستان‌های ارتش و...، به‌دست افرادی مانند ایادی بود. او بیش از هشتاد شغل در دوره استبداد پهلوی داشت. لذا می‌توان گفت: سلطنت واقعی، از آن ایادی بهائی بود. به حدی در این زمان، بهائیان در دولت و کارهای دولتی اشتغال داشتند که می‌توان گفت، هیچ فرد بیکاری در بین بهائیان نبود و جمعیت آنان در این دوره، در ایران به سه برابر رسید و بر خلاف گذشته که برای پنهان کردن هویت خود، در فرم‌های

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۰۲؛ بهائیت در عصر پهلوی، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۴۸؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۴.

استخدام، خود را مسلمان معرفی می‌کردند، در این دوره گرایش عقیدتی خود (بهائی بودن) را کاملاً اظهار می‌کردند؛ ایادی بهائی، در ایران علاوه بر ترویج بهائیت، در مطب خود نیز به ترویج مفاسد اخلاقی می‌پرداخت،<sup>۱</sup> به گفته پروین غفاری، ایادی پزشک مورد اعتماد شاه به این دلیل که بهائی بوده، مورد توجه خاص شاه قرار داشته است؛ در مدتی که وی به دربار رفت و آمد داشته و از نزدیک با شخص شاه مراوده و دوستی برقرار کرده بود، شاهد بود که شاه به دوستان بهائی خود، اهمیت بیشتری می‌داده است؛ به خاطر علاقه‌مندی شاه به وی، همراه ایادی، در جلسات بهائیان نیز حضور می‌یافت و از نزدیک شاهد بود که چه میزان از بهائیان، در مناصب قدرت و تصمیم‌گیری و صنایع کشور، حضور دارند.<sup>۲</sup>

سند دوم گزارشی است که فردوست (از نیروهای مهم و مهره‌های اساسی ساواک) ارائه می‌دهد، در گزارش مورخ ۱۳۵۰/۵/۱۹ درباره جلسه مشترک بهائیان با صاحب منصبان پهلوی چنین آمده است:

جلسه‌ای با شرکت دوازده نفر از بهائیان ناحیه دو شیراز، در منزل آقای هوش‌مند و زیر نظر آقای فرهنگی تشکیل گردید. پس از قرائت مناجات، شروع، خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان (کتاب بهائیان)، فرهنگی و هوش‌مند پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند. فرهنگی اظهار داشت: بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می‌توانند هر چیزی را که می‌خواهند بگیرند. تمام سرمایه‌های بانکی، ادارات و رواج پول در ایران، مربوط به بهائیان و کلیمیان می‌باشد. تمام آسمان‌خراش‌های تهران، شیراز و اصفهان مال بهائیان است. چرخ اقتصاد این مملکت، به دست بهائیان و کلیمیان می‌چرخد. شخص هویدا، بهائی‌زاده است. عده‌ای از مأمورین مخفی ایران که در دربار شاهنشاهی می‌باشند، می‌خواهند هویدا را محکوم کنند، ولی او یکی از بهترین خادمین امرالله است. امسال مبلغ ۲۵ هزار تومان به محفل ما (بهائیان) کمک نموده است آقایان بهائیان، نگذارید کمر مسلمانان راست شود.

۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص ۱۴۷.

۲. بهائیت در ایران، ص ۲۴۰.

نام شرکت‌کنندگان جلسه: ۱. فرهاد روحانی؛ ۲. دانیال روحانی؛ ۳. ثناءالله زارعیان؛ ۴. قاسم کریمیان؛ ۵. هدایت؛ ۶. مسیح‌الله؛ ۷. ناصر؛ ۸. ضیاءالله فرهنگی؛ ۹. قدرت‌الله کمالی؛ ۱۰. محمدعلی هوش‌مند.<sup>۱</sup>

اکثر فرماندهان و رجال عصر پهلوی، با هر عقیده‌ای که داشتند، به انتصاب هویدای بهائی، به مسئولیت کابینه و نخست‌وزیری اعتراض کردند.<sup>۲</sup> دستگاه تبلیغاتی تلویزیون، متعلق به یک دسته اقلیت منفور بهائی بود.<sup>۳</sup>

در عصر پهلوی، بهائیان در رده‌های آموزشی، مناصب، جمع اهل فرهنگ، مراکز آموزشی (از مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاه‌ها) نفوذ کرده بودند و از این طریق، به نشر افکار و کسب درآمد و املاک، کوشش داشتند.

یهودیان، با تظاهر به بهائی‌گری و با استفاده از نفوذ سران بهائی، در اداره‌ها و نهادها نفوذ کردند و در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی دخیل بودند. امام خمینی علیه السلام با هوشیاری خاص، از توطئه آنان خبر داد و مردم را آگاه کرد ایشان در این خصوص فرمود: «هدف اجانب، هدم قرآن و کشور مسلمین است... ما تا به حال، به دولت نصیحت کرده و بنای مسالمت داشتیم، ولی دولت با ما حيله می‌کند. دولت باید بداند که علمای اسلام، اهل اطلاع هستند و انسان بصیر و بادیانت، نمی‌تواند قرآن و دیانت را در خطر ببیند و ساکت باشد. و آن مسلمانی که احتمال دهد -ولو به نحو یک در هزار- قرآن در خطر است نباید آرام باشد. ذخایر مردم را بردند؛ تحمل کردند. مآذیات را بردند؛ صبر کردند. حالا دست دراز کرده‌اند به قرآن و نوامیس مسلمین. استان‌های این کشور را که باید مسلمانان حفظ و اداره نمایند. اینها می‌خواستند با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و الغای شرط اسلام از رأی‌دهنده و انتخاب‌شونده، مقدرات مسلمین را به‌دست غیر مسلمانان، مانند یهودی‌های بهائی بسپارند. اگر استان‌های این کشور، به‌دست غیرمسلمان بیفتد، چه بسا ممکن است از حلقوم

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. همان.

۳. منظور از «اقلیت منفور»، بهائیت ایران است. تلویزیون توسط ثابت پاسال (یهودی بهائی‌شده) اداره می‌شد.



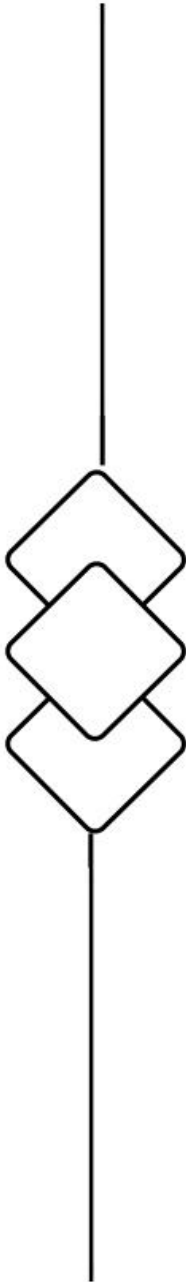
خیبث آنان صدایی غیر از قرآن شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می‌شود. نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد، بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت. اقتصادیات، بازار، ذخایر مملکت، همه و همه خواهد رفت. ای مؤمنین، بیدار باشید. اجانب به فکر از بین بردن ایران و کشور مسلمین افتاده‌اند. جز قرآن مانعی نمی‌بینند. عمال خود را وادار کردند به هر حيله‌ای که ممکن است، قرآن را از بین ببرند. غافلند قرآن با چه خون‌های مقدسی و رفتن چه عزیزانی به دست مسلمین رسیده است. الآن روز جمعه است، هر گوشی که سخنان را بشنود لازم است به دیگران بگوید، مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند: ما حاضر نیستیم استان‌های این کشور تحت تصرف بهائی‌نماهای یهود درآید. آگاه باشید، خطر بزرگ و تکلیف مهم است. قرآن و دیانت اسلام بر مردم حق‌ها دارد. ادا کردن این حق مشکل است. به هر حال، دشمنان دین و کشور باید بدانند که با یک ملتی روبه‌رو هستند که دانشمندان بصیر، تاجر اقتصادی و دکتر دارند و ممکن نیست گول بخورند؛ بلکه با کمال توانایی از اسلام و کشور خود دفاع خواهند کرد...»<sup>۱</sup>

تملک اموال و کارخانه‌ها، یکی از روش‌هایی بود که بهائیان برای دوام این حزب در ایران و سایر نقاط جهان در پیش گرفتند، آنان با استفاده از فضایی که در سایه حکومت پهلوی فراهم شد، به تملک و ثروت‌اندوزی پرداختند تا جایی که دست‌درازی به املاک و تهدید به فروش املاک مالکین بزرگ، از جمله روش‌های آنان در دوره پهلوی، برای ثروت‌اندوزی بود. هژبر یزدانی، با پشتیبانی ایادی، به تملک کارخانه‌ها با پول‌هایی که از مراکز بهائیان حواله می‌شد— می‌پرداخت؛ طبق سندی که وجود دارد، هژبر یزدانی، در دوره پهلوی، کارخانه‌هایی در اصفهان و زمین‌های فراوانی در اطراف کرج، تهران و... را تملک کرده و مالک کارخانه آلومینیوم را، تهدید به فروش کارخانه نموده بود.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا، ص ۳۹۴.





فصل سوم  
نقش استعمار در پیدایش و ترویج بهائیت



مستشارالدوله، در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ که وثوق‌الدوله آن را با انگلستان بست، جهت بیان نقش استعمارگران در فرقه‌سازی، گفته بود: «هر وقت خارجی‌ها، یک خواب‌هایی برای اغفال مردم ایران می‌بینند، دستگاه دین‌سازی درست می‌شود و یک قسم سرگرمی‌ها برای مردم درست می‌شود که به هم مشغول باشند ... یکی، دینی برای خودش درست می‌کرد؛ شیخی می‌شد، بابی می‌شد. خارجی‌ها هم برای استفاده خودشان که ستون پنجم را تقویت کرده باشند، از این حرف‌ها استفاده می‌کردند ... در اغلب شهرستان‌ها، آنچه من تحقیق کردم، عوامل غیرمستقیمی که روس‌ها یا انگلیسی‌ها داشتند، از همین‌ها بود».<sup>۱</sup>

بی‌گمان، دولت‌های استعماری، برای مقابله با نفوذ و گسترش اسلام و جلوگیری از توسعه قلمرو حکومت‌های مسلمین و اجرای طرح‌های استعماری خود در خاورمیانه و آسیا، به ترفندهای گوناگون روی آوردند،<sup>۲</sup> از جمله کارهای مبنایی و تهاجمی آنها، ایجاد موج وسیع فرهنگی و تبلیغی اسلام‌هراسی است. از روش‌های خزنده و مؤثری که با توجه به گسست‌های موجود در میان فرهنگ‌ها به‌کار بسته‌اند، فرقه‌سازی است؛ اکثر صاحب‌نظران و نویسندگان، درباره استعماری بودن پیدایش بهائیت و نقش استعمارگران در روند شکل‌گیری این گروه، اتفاق نظر دارند.<sup>۳</sup> انگیزه‌ها و اهداف شکل‌دهی این مرام سیاسی را در یک نگاه کلی می‌توان چنین دسته‌بندی و تحلیل نمود:

---

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۶ (بخشی از نطق حائری‌زاده، در جلسه ۱۶ مجلس شورای ملی، دوره هیجدهم).

۲. سیداحمد موقی، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۷۶۳.

۳. مانند دکتر شیخ‌الاسلامی در یک صد سال اخیر، بابیان و بهائیان ایران، همیشه از خط مشی سیاسی انگلستان و... پیروی کرده‌اند. سیر آرتور هاردینگ، خاطرات سیاسی؛ ج ۱، ص ۱۰۲؛ بهائی‌گری؛ انشعاب بهائیت، ص ۲۹۱؛ امیرکبیر و ایران ص ۲۰۷-۲۰۸؛ احسان طبری، جامعه ایران در دوران رضاشاه، ص ۱۱۹-۱۱۷.

## الف) رویارویی با توسعه قلمرو اسلامی

جهان غرب، از آغاز گسترش اسلام در جهان، به هراس افتاده و به مبارزه با اسلام پرداخت. مبارزه و رویارویی آنان در ابعاد گوناگون، نمود پیدا کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

## ۱- فرهنگی

تهاجم فرهنگی و مقابله نرم غرب، با تخریب و تکذیب شخصیت‌های اسلامی و ارائه چهره‌ای خشن از شخص پیامبر اسلام و اظهار نسبت‌های ناروا به شخصیت حضرت، شروع شد. این جریان که به جریان استشراق و شرق‌شناسی در غرب معروف است، برخورد دوگانه با اسلام داشته است. مقابله فرهنگی غرب با اسلام، از اسپانیا شروع شد؛ چرا که استیلای نسبتاً طولانی حکمرانان اموی در اسپانیا، آن هم بدون پشتوانه دینی محکم و به دلیل برخوردهای غیرمنطقی آنان در این منطقه از جهان اسلام، سبب گردید غرب برای بازیابی اسپانیا، به شگردهای گوناگونی دست بزند که تنها عامل پیروزی آنان و بیرون‌راندن مسلمانان و پیشگیری از توسعه قلمرو اسلامی در اروپا، ایجاد انحرافات اخلاقی و مبارزه فرهنگی بود که امروز به جنگ نرم تعبیر می‌شود، آنان با اعمال نفوذ، جوانان جامعه اسلامی را از درون تهی کرده و پس از استیلای فرهنگی، به شکستن هیمنه ظاهری پرداخته و پیروز شدند.<sup>۱</sup> پس از این دوره، مبارزه با اسلام جدی‌تر شد، تا دیگر قلمروهای اسلامی را از مسلمانان باز ستانند، در این مرحله نیز هجوم فرهنگی از سوی شماری از کشیشان معاند اسلام آغاز شد<sup>۲</sup> و درباره پیامبر ﷺ و تاریخ اسلام، کتاب‌های مغرضانه و توهین‌آمیزی نوشته شد. ستیز سرسخت کلیسا با اسلام، با توهین به مقدسات مسلمانان و با نیش قلم و بیان، از این دوره، شروع گردید<sup>۳</sup> که تا امروز در

۱. سلیم حسینی، عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص ۳۷-۳۸.

۲. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۳۵-۳۷.

۳. همان.

سطوح وسیع رسانه‌ای استمرار یافته است که برجسته‌ترین آنها، آثار سلمان رشدی و... است.

## ۲- نظامی

بعد سخت رویارویی غرب با اسلام، مبارزه خونین و جنگ است که از اسپانیا و جنگ‌های پیش از آن شروع شد و سرانجام انگیزه مذهبی را جهت رویارویی با اسلام تحریک نمودند و از این طریق به مبارزه با اسلام پرداخته و کلیسا را در مقابل اسلام قرار داده و جنگ‌های صلیبی را که قرن‌ها ادامه داشت، برای نابودی اسلام و جلوگیری از پیشرفت جغرافیایی و فرهنگی اسلام، شروع کردند.<sup>۱</sup> می‌توان گفت: داستان اسلام‌هراسی و مقابله با اسلام، از این دوره به صورت جدی مطرح گردیده و همچنان استمرار دارد، اکنون در تاریخ معاصر، وارد دور تازه‌ای از این سیاه‌نمایی غرب، علیه اسلام شده‌ایم. امروز، علاوه بر جنگ نرم گسترده و شبیخون فرهنگی بزرگ، دوره نوینی از جنگ‌ها و تهاجم نظامی به جهان اسلام، با اشغال عراق، افغانستان و پاکستان، توسط نیروهای غرب شروع شده است و ابعاد تازه‌ای از بحران در قلب خاورمیانه (فلسطین) پدیدار می‌گردد و چه بسا این مسئله، در آینده آستان حوادث سرنوشت‌سازی برای امت اسلام گردد.

## ب) طرح‌های راهبردی

پس از ظهور دولت عثمانی؛ دور دیگری از مبارزه با اسلام و مقابله با گسترش قلمرو اسلامی و به عبارت دیگر، اسلام‌هراسی نوین، در غرب و اروپا شروع شده است که اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی را برای غرب در پی داشت. این انگیزه‌ها و اهداف، آنان را برای مبارزه با گسترش اسلام در کنار هم یکدست نمود و به شکل دادن اتحادیه‌ها و شرکت‌های بزرگ غارت و استعمار کمک کرد. آنان به سوی مناطق مختلف اسلامی، جهت مطالعه و تحقیق گسیل

شدند و هدف عمده آنان، متوقف کردن پیروزی‌های نظامیان مقتدر عثمانی در پیشروی به فرانسه بود،<sup>۱</sup> تا مانع گسترش قلمرو اسلامی شده و اهداف استراتژیک خود را نیز پیگیری کنند که مهم‌ترین این اهداف را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی و مورد بحث قرار داد:

### ۱. تجزیه قلمرو جهان اسلام

قلمرو عثمانی، به منزله میراث‌دار خلافت بزرگ اسلامی، بسیار وسیع بود؛ در این قلمرو وسیع، ملیت‌ها، نژادها و اقوام مختلفی اعم از عرب، ترک، فارس، گُرد، بلوچ، هندی، اروپایی، آفریقایی، قبطی، بربر و... و پیرو ادیان مختلف اعم از اسلام، مسیحیت، یهود، بودا، زرتشت و فرقه‌های مختلف اسلامی از شیعه و سنی، در کنار هم و در سایه اسلام و در بستر تمدن بزرگ اسلامی، زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند و اسلام از نظر جمعیتی و جغرافیایی، روز به روز در حال گسترش بود، اما این مسئله غریبان را نگران می‌کرد؛ از این رو برای مقابله با رشد فزاینده اسلام و گستره تمدن اسلامی در کنگره برلین، اعلامیه‌ای، از سوی کشورهای اروپایی به امضا رسید که طی آن، تقسیم قلمروی عثمانی، بر مبنای قومیت‌ها، انجام گرفت.<sup>۲</sup> آنان با این طرح، مناطق و قلمرو وسیع جهان اسلام را تصرف، تصاحب و غارت کردند؛ روسیه به استان‌های مهمی در شرق آناتولی، قفقاز و قسمت‌هایی از بلغارستان دست یافت.<sup>۳</sup> این علاوه بر مناطقی بود که در جنگ‌هایی که با ایران داشت، به دست آورد؛ اتریش، بوسنی و هرزگوین را اشغال نمود، بریتانیا، بر جزیره قبرس تسلط یافت و بعداً در ایران، عراق، شامات، هندوستان، مناطقی از شبه قاره و...، توانست بر قلمرو استعماری و حکمرانی خود بیفزاید؛ فرانسه بر تونس چیره شد و به تبع آن در آفریقا، مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه، دست‌اندازی کرده و مستعمراتی از این مناطق برای

۱. ر.ک: اسماعیل حقی، تاریخ امپراطوری عثمانی.

۲. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص ۳۷-۳۸.

۳. همان.



خود دست‌وپا نمود؛<sup>۱</sup> کنگره برلین، آغازی بر رسمیت تجزیه قلمرو جهان اسلام بود که به تضعیف قدرت واحده کشورهای اسلامی منجر گردید. بعد از کنگره برلین، هر یک از این کشورها با توافقاتی که پنهانی انجام دادند، به مناطق دیگری چون لیبی، مراکش، الجزایر و...، سلطه خود را گستراندند<sup>۲</sup> و دولت عثمانی را تجزیه کردند. عباس‌افندی، در جنگ جهانی اول، در این پروسه با نیروهای انگلیس، همکاری‌های شایانی داشت.<sup>۳</sup>

## ۲. بحران‌های پایدار مرزی

پس از تجزیه قلمرو بزرگ اسلامی و تشکیل کشورهایی با محوریت قومی، نژادی و زبانی، کشورهای جدیدی در جهان اسلام، با اداره غربی‌ها و استعمارگران، شکل گرفت و نقشه پیکر واحد و بزرگ را به پاره‌هایی تقسیم و نقشه‌های کوچکی ایجاد گردید. این مسئله، برای کشورهای اسلامی، پیامدهای شوم و آثار خون‌باری را فراهم نمود؛ علاوه بر تشدید زمینه تنش و چالش‌های قومی و نژادی مستمر، مناقشات مرزی و جغرافیایی میان کشورهای اسلامی را فراهم آورد؛ این بحران‌ها، منازعات و مناقشات مرزی می‌توانست زمینه‌ساز حضور بیش از پیش استعمارگران باشد. ایجاد فاصله روانی بین ملت اسلام و جنگ‌های خونین، جای همزیستی مسالمت‌آمیز و هم‌گرایی عاطفی را گرفت و تجارت آزاد و روابط دوستانه در گستره وسیع اسلامی را محدود کرد؛ این مسائل به تدریج مانع از رشد اقتصادی و مبادلات فرهنگی و همدلی مسلمانان که خود عاملی برای جلوگیری از وابستگی آنان بود، گردید و آنان به مبادلات بیرونی روی آورده و منافع سرشار تجارت و بازار بزرگ اسلامی، به دست استعمارگران افتاد.<sup>۴</sup> از نظر سیاسی نیز، حاکمانی مستبد، بر این کشورهای

۱. حسین آبادیان، امپریالیسم روس و انگلیس و مسئله ایران و عثمانی، ص ۷-۲.

۲. ساطع حصیری، البلاد العربیه و الدوله العثمانیه، ص ۱۷۴-۱۷۷.

۳. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۱۷.

۴. هرارد کمیجان، اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۴۲.

کوچک با مرزهای مصنوعی اختلاف برانگیز حاکم شدند؛ سلاطین عربستان، اردن، عراق (صدام) و امیرنشین‌هایی مانند عمان، امارات، بحرین، کویت، قطر و... همه از این دست بوده و دست‌نشانده استعمار در منطقه بوده‌اند.<sup>۱</sup>

اکنون پس از سال‌ها تجزیه خاک عثمانی و اختلافات مرزی، جنگ‌های منطقه‌ای و قومی در کشورهای اسلامی ایجاد گردیده است؛ جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق با ایران<sup>۲</sup>، اختلافات عربستان با یمن، تهاجم عراق به کویت، ادعاهای امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایران، اختلاف بین ترکیه، عراق و سوریه، ایجاد اختلاف در کشورهای استقلال‌یافته آسیای میانه که در گذشته جزء خاک ایران بودند، همه این عوامل را، می‌توان بحران‌های مرزی پایدار دانست که تنها با اتحاد دوباره جهان اسلام، قابل حل است.

### ۳. تشدید اختلافات نژادی، قومی و فرهنگی

آنها علاوه بر شگردهای گذشته، از اختلاف فرهنگی، قومی و نژادی نیز برای پایدارکردن بحران و اختلاف، برای تجزیه جهان اسلام سود جستند<sup>۳</sup> و با طرح مسائلی مانند پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم<sup>۴</sup> احساسات وطن‌پرستانه مردم را در کشورهای اسلامی برانگیختند آنگاه شورش‌ها و اختلافات داخلی، در قلمرو عثمانی، برای رهایی از سیطره ترک‌ها آغاز شد و همین مسائل بهانه گردید تا غربیان خود را منجی ملت‌ها معرفی کنند، قوای نظامی خود را به کشورهای اسلامی گسیل دارند و مناطقی از کشورهای عربی و اسلامی را تصرف کرده و به تقسیمات جغرافیایی پردازند.<sup>۵</sup> در مقابل، به فکر وحدت و یکپارچگی اروپا و

۱. همان، ص ۲۲۷-۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۵۴؛ مهم‌ترین بهانه صدام در حمله به ایران، الحاق خوزستان به عراق بود. در این جنگ، دو کشور مهم شیعی، در طول هشت سال درگیری خونین، هزاران نفر از مردم که غالباً شیعه بودند، کشته شدند و استعمارگران توانستند با ادامه بحران در عراق، تمام زیر ساخت‌های این کشور را نابود و منابع آن را به یغما ببرند. دامنه این بحران همچنان باقی است.

۳. احمد سامعی، انقلاب اسلامی و نهضت‌های ملی-مذهبی معاصر ایران، ص ۱۱۲.

۴. این شعار، محرک اعراب در مصر، عربستان و... برای استقلال و مبارزه با دولت عثمانی بود.

۵. سیداحمد موثقی، استراتژی وحدت، ص ۳۵۸-۳۶۲.

اتحادیه اروپایی بودند که در راستای آن سازمان‌های نظامی و دفاعی، مثل «ناتو» را تشکیل دادند. تا جایی که ترکیه، مرکز خلافت جهان اسلام در آن زمان، به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا، از تمام ارزش‌های فرهنگی و ملی کناره گرفت و هنوز نیز پس از سال‌ها در انتظار عضویت در این اتحادیه، به سر می‌برد.

اختلافات فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی نیز، از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری جهان اسلام به‌شمار می‌رود که به‌راحتی بهانه‌های درگیری‌های داخلی را پرورانده است؛ وجود فرقه‌های مذهبی در جهان اسلام (شیعه و سنی)، دستاویزی برای اختلافات بیشتر بوده است<sup>۱</sup> و غریبان نیز، با حمایت از فرقه‌های جدید،<sup>۲</sup> بر تنش‌های مذهبی افزوده‌اند،<sup>۳</sup> آنها با این اهداف، می‌توانستند اساس و اصول اسلامی را نیز هدف قرار دهند، اسلام را به چالش بکشانند و کتاب آسمانی مسلمانان و ارزش‌های مهم عقیدتی را مشتبّه نمایند؛ از جمله این اقدامات، ساختن کتاب آسمانی به تقلید از قرآن کریم بوده است؛ مدّعیان دروغین مذاهب جدید، تا مرحله ادعای خدایی، پیش رفته‌اند.<sup>۴</sup>

طرح‌های استعماری، در کشورهای اسلامی روزبه‌روز شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. مسئلهٔ تکنولوژی و پیشرفت نیز، برای استعمارگران ابزاری است که عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی را که نتیجه شوم اقدامات قبلی آنها است، در پی داشته است و این کشورها برای رسیدن به آن باید هزینه گزافی را پردازند. در این باره، نمایندهٔ رسمی سازمان ملل در کشورهای توسعه‌نیافته، چنین می‌نویسد:

۱. اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۹۲.
۲. انگلیسی‌ها در هند به سیداحمدخان نشان عالی دادند و به بهاء، لقب سیر دادند ... مستشارالدوله گفته است: هر وقت خارجی‌ها یک خواب‌هایی برای اغفال مردم ایران، می‌بینند، دستگاه دین‌سازی درست می‌شود. انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۱-۱۲۸.
۳. اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۲۶۳.
۴. دربارهٔ رهبران بهائیت که مدّعی الوهیت شده‌اند، رک: سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۲۴، ۳۵، ۴۷، ۷۳ و ۷۹.

«... حضور استعمار در این کشورها (جهان سوم)، روز به روز پیچیده‌تر می‌شود. امروز برخی از نخبگان سیاسی در کشورهای اسلامی و... با طرح توسعه و پیشرفت، به تقلید از غرب و جهان سرمایه‌داری توجیه‌پذیر شده‌اند و تاکنون هیچ‌گونه نتیجه‌ای از این شعارها برای جهان اسلام و کشورهای عقب‌مانده به دست نیامده است و این کشورها به کشورهای جهان سومی و توسعه‌نیافته موسوم شده‌اند و بحران‌های جدیدتری در انتظار آنها است».<sup>۱</sup>

طرح مسائل اختلاف‌برانگیز بین ادیان و تمدن‌های بزرگ جهان، در مناطق اسلامی نیز به صورت اساسی پایه‌ریزی شده است. ایجاد کشور مستقل یهود و فراخوان یهودیان از نقاط مختلف جهان به حساس‌ترین منطقه جهان اسلام و قلب خاورمیانه (فلسطین)، اختلاف بین پیروان سه دین مهم اسلام، مسیح و یهود را در پی داشته است که این بحران تاکنون ضربات مهلکی بر پیکره کشورهای اسلامی وارد نموده است.<sup>۲</sup> این توطئه دیرین، امروزه با طرح برخورد تمدن‌ها عنوان می‌گردد.

استعمارگران برای رویارویی با گسترش عقیدتی اسلام و ایدئولوژی اسلامی نیز، قطب‌های مقابله و طرح‌های ایدئولوژیک در پیش گرفته‌اند که زمینه آن، از دو علت سرچشمه می‌گیرد: مقابله با اسلام و رقابت بین خودشان.

گسترش اسلام در جهان،<sup>۳</sup> رو به فزونی نهاده بود که کشیشان و رهبران مذهبی کلیساها، با تبلیغات و روش‌های سنتی، از عهده مقابله با آن برنیامدند. بلوک شرق و غرب، با نو کردن این اندیشه‌ها و آوردن مکاتب جدید فکری آمیخته با اندیشه‌های اقتصادی، برای مبارزه با اسلام مهیا شدند و نتیجه آن، پیدایش مکاتب فکری و اقتصادی مختلف بود که رقابت بین آنها نیز، به رویارویی با اسلام انجامید.

۱. رک: اوسوالدور ریورو، افسانه توسعه، ص ۲۵-۲۷.

۲. رک: محمدحسین کاشف‌الغطا، المثل العليا فی الاسلام، ص ۷۶؛ همو، نامه‌ای از امام، ص ۱۱۷.

۳. رک: سیدکاظم موسوی بجنوردی، اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی، ص ۱۵۷ و ۲۵۴.

اندیشه امپریالیستی و سرمایه‌داری غرب، بر محور ماتریالیستی، سودجویی و غارت ثروت<sup>۱</sup> دیگر ملل شکل گرفت که استمرار استعمار کهنه بود؛ لذا لیبرالیسم و سکولاریسم، از این تفکر در غرب زائیده شد.

اندیشه صهیونیستی که از شاخه‌های نو در نظام سرمایه‌داری است، در یکی از مناطق مهم کشورهای اسلامی، با طرح اختلاف‌برانگیز دولت اسرائیل، نمود و عینیت یافت که مهم‌ترین حامیان شکل‌گیری آن، دولت‌های غربی از جمله انگلیس و آمریکا بودند.

اندیشه الحادی سوسیالیستی و کمونیستی<sup>۲</sup> جهت مقابله با سرمایه‌داری و امپریالیسم بود و در کشورهای اسلامی نیز از جهات فکری، آسیب‌های بزرگی وارد نمود و بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی را به سوی خود جذب و عقاید مذهبی مسلمانان را متزلزل کرد و تا حدود زیادی، فرهنگ و برخی ارزش‌های اجتماعی جوامع اسلامی را به انحراف کشید و سبب نابسامانی اجتماعی و آشوب‌های فراوانی گردید.<sup>۳</sup>

رشد کمونسم، در دهه‌های چهل و پنجاه در ایران، خطری جدی، در جهت انحراف جوانان بود که علمای بزرگ اسلام در راه دفاع از عقاید مردم، با کمونیست‌ها مبارزه کردند. کمونیست‌ها در ناکام گذاشتن انقلاب مردم، مورد حمایت استبداد و استعمارگران بودند و در کودتاهای مختلف، مثل کودتای ۲۸ مرداد در ایران، نقش اساسی داشتند<sup>۴</sup> (کودتاهایی شبیه آن، در کشورهای دیگر هم انجام گرفت).

آنچه در سایه به‌کارگیری این شگردها از سوی غرب، دامن‌گیر جهان اسلام شد، عبارتند از:

۱. استراتژی وحدت، ج ۲، ص ۳۶۲-۳۶۴.

۲. همان، ص ۳۶۳-۳۶۴.

۳. محمدحسین کاشف‌الغطا، این است آئین ما، ص ۶۹-۵۳.

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۴۸۱.

۱. پیدایش درگیری‌های مذهبی و ایجاد جنگ داخلی میان مسلمانان.
  ۲. از بین رفتن همبستگی فرهنگی و انسجام جهان اسلام.
  ۳. از بین رفتن امنیت عمومی در جهان اسلام با ایجاد آشوب‌های دامنه‌دار.
  ۴. تشکیک در باورهای دینی، ایجاد شبهات گوناگون فکری در میان مردم، به چالش کشیدن اصول ارزشی و ایدئولوژی در جهان اسلام و جایگزین کردن اندیشه‌های منحرف غربی و الحادی.
  ۵. پیدایش هرج و مرج عمومی و به وجود آمدن زمینه‌های ضعف و سیطره آن به تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه آسیب‌پذیر بودن یکپارچگی جهان اسلام.
  ۶. حضور نیروهای استعمارگر در کشورهای اسلامی و از هم‌گسیختن وحدت و انسجام مسلمانان.
- پیامدهای این طرح‌ها، اکنون در کشورهای اسلامی به‌طور مستمر وجود دارد؛ اختلافات مذهبی، هزاران قربانی در کشورهای مختلف مثل افغانستان، عراق، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی می‌گیرد و هر روز بسیاری از پیروان فرقه‌های مختلف مسلمان کشته می‌شوند.

## روسیه و بهائیت

روسیه پهناورترین کشور جهان در شمال اوراسیاست؛ این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع شده و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوسی منجمد شمالی و دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد؛ پتر کبیر بنیانگذار روسیه تزاری، حکومتی شاهنشاهی را در این منطقه تشکیل داده بود که تا انقلاب روسیه (اکتبر ۱۹۱۷) بر سرکار بود، با تجزیه قلمروهای تحت سلطه آن که بخشی از خاک ایران را نیز شامل می‌شد و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، منقرض گردید؛<sup>۱</sup> منظور از روسیه در این کتاب همان روسیه تزاری

۱. نیکلای برنجانف، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب کبیر، ص ۲۵-۱.

است؛ دولت استعماری روس تزاری، در اندیشه گسترش قلمرو خود و از طرفی ایجاد سدّ در مقابل توسعه‌طلبی غرب و انگلیس در ایران بود تا در رسیدن به اهداف مهم استراتژیک خود موفق شود. مهم‌ترین هدف آنها، گسترش مستعمرات و رسیدن به آب‌های آزاد از طریق ایران بود.<sup>۱</sup> پس از نفوذ در ایران، به‌راحتی توانستند آرزوی دیرین پطر کبیر و... را که از دیرباز مرزهای شمالی و غربی ایران را مورد تاخت‌وتاز قرار می‌دادند، عینیت ببخشند.<sup>۲</sup> مناطقی از ایران، سال‌ها تحت سیطره روس‌ها بود.<sup>۳</sup> جنوب ایران تا مرکز در دست انگلیس و بخش‌هایی از شمال نیز در اشغال روس‌ها بود.<sup>۴</sup> امتیازاتی که روس‌ها از دولت ایران پس از جنگ‌های متعدد گرفتند، به تجزیه قسمت مهمی از خاک ایران انجامید.<sup>۵</sup> عهدنامه‌های ترکمن‌چای و گلستان، از ننگین‌ترین عهدنامه‌های دوران شاهنشاهی ایران به‌شمار می‌رود<sup>۶</sup> که بخشی از ساحل دریای خزر را به روس‌ها سپرد<sup>۷</sup> و از آن زمان، این مناطق دائماً برای ایران مشکل‌ساز بوده است.<sup>۸</sup>

بهائیت، ریشه‌های خود را در دوران ضعف قدرت و آشفتگی فرهنگی قاجاریه، با حمایت استعمارگران، به‌صورت خزنده، محکم کرد و هرگز در طول این دوره، از حمایت استعمارگران محروم نشد.<sup>۹</sup> بر اساس اعتراف بسیاری از طرف‌داران این مرام، حمایت روس‌ها هرگز از اعضای آن قطع نشد، میرزااحسینعلی که تجربه بیشتر داشت، با برادر کوچکش درگیری و اختلاف پیدا کرد، این اختلاف سبب شد که بابت به‌طور رسمی، با میرزایحیی به انزوا برود و

۱. محمدتقی نوری، اشرف التواریخ، ص ۱۶.

۲. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۸۳.

۳. لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص ۱۹۵، ۱۵۷، ۹۴.

۴. همان، ص ۵۵۳.

۵. محمدرضا والی‌زاده، تاریخ لرستان روزگار قاجار، ص ۳۹۳.

۶. ر.ک: عصر بی‌خبری، ص ۱۴۲.

۷. محمدرضا نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره افشاریه، ص ۴ و ۱۱.

۸. ایران و قضیه ایرانی، ج ۲، ص ۴۷۴؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۳۴.

۹. فتنه باب، ص ۷۲.

کتاب بیان که بشارت‌دهنده ظهور «بهاء» بود، در این باره وعده خود را عملی نماید. مأموریت میرزایحیی (صبح ازل) طی مناقشاتی تند با برادر به پایان رسید،<sup>۱</sup> در این میان، او هیچ نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای نداشت؛ زیرا اجرای طرح، به عهده کسانی بود که در پشت پرده این سناریوی بزرگ عمل می‌کردند. سفیر روس معترف است که انگلیس اختلاف بین دو برادر را به راه انداخت،<sup>۲</sup> تا زمینه کاری میرزا حسینعلی، به خوبی فراهم گردد.

### الف) سیاست بیگانگان و زمینه‌های انحراف

سیاست بیگانگان و دولت‌های خارجی که با انگیزه استعماری در ایران حضور داشتند، رسیدن به اهداف خاص بود، اما انسجام اجتماعی و هوشیاری علمای شیعه، با اهداف آنها در تضاد بود،<sup>۳</sup> از این رو با هر روشی، زمینه آشوب و شکستن وحدت ملی را فراهم می‌کردند که از جمله روش‌های آنها، برای شکستن این اقتدار و انسجام، این بود که بابت را بر اساس مطالعات دیرین خود، در اندیشه شیعه، به وجود آورده و از آن حمایت نمودند.

سفارتخانه‌ها و وابستگان خارجی و داخلی، در قلمرو حکومت ایران، عثمانی، فلسطین و...، حافظ منافع دولت‌های خود بودند و از هیچ‌گونه تلاشی در رقابت با یکدیگر بر سر قدرت و نفوذ و بهره‌گیری از هر واقعه و حادثه‌ای به نفع خود، دریغ نداشته‌اند. احساسات مذهبی-اسلامی، به‌طور عمومی و عقاید تشیع و کانون‌های شیعی، به‌طور ویژه، مورد توجه سفارتخانه‌های خارجی بوده است.

پس از ادعاهای شیخ‌احمد احساسی، چشم و گوش سیاست‌بازان خارجی به تداوم شیخیه دیدگاهی که می‌توانست تهدیدی برای تشیع و روحانیت به‌شمار

۱. سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۸۲ میرزا حسینعلی، برادرش یحیی را گوسفند و... خطاب می‌کرد و او را بنده خود و خود را خدا و رب او می‌دانست. نزاع دو برادر در میان بابیان، شهره بود و تبعات داشت.

۲. بهائیان، ص ۷۵.

۳. مانند مقابله میرزای شیرازی و آیه‌الله کاشانی. فرهنگ جامع تاریخ ایران؛ ج ۱، ص ۱۱؛ روحانیت و اسرار فاش نشده، ص ۴۰.



آید. باز گردید به نحوی که پس از مرگ سیدکاظم رشتی و ظهور مدعیان جدید، پرورش و تحریک مهره‌ها و افراد مورد تأیید دولت‌های متبوع، آغاز گردید و تا آنجا پیش رفتند که مسیر حرکت را به سوی شکل‌دهی فرقه هدایت کردند.<sup>۱</sup> برخی از صاحب‌نظران، بر این عقیده‌اند که اندیشه شیخیه که احمد احسایی و سیدکاظم رشتی مؤسس آن بوده‌اند اساس و مبنای بابت و ریشه بهائیت است،<sup>۲</sup> تحت هدایت و راهنمایی استعمارگران، در حوزه بزرگ شیعی عراق تاسیس گردید که تمایل برخی افراد و گرایش به این فرقه مخالف با اصول و مبانی تشیع را در پی داشت؛ از این رو اندیشه و فکر شیخیه، در آغاز پیدایش با مخالفت شدید مراجع بزرگ شیعه و علمای نجف نظیر شیخ انصاری، مرحوم صاحب‌جواهر و... روبرو شد چرا که افکار و اندیشه‌های شیخ احمد احسایی و اظهارات او در تاریخ اندیشه و از نظر اندیشمندان اسلامی، بدعت‌آلود و بی‌سابقه و در میان تشیع، تنش‌های خون‌باری را فراهم آورد؛<sup>۳</sup> بدین خاطر در جلسه‌ای که علما تشکیل دادند این افکار مورد تکفیر قرار گرفت.<sup>۴</sup> اندیشه او در فضای فکری شیعه، همسان افکار ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب در میان اهل سنت است؛ چرا که هر دو سخنان آشفته و ادعاهای حیرت‌انگیزی در اسلام و اصول آن طرح کرده و روشی مغایر با دین، ابداع کردند که ثمره این ابداعات و اندیشه‌ها، بهائیت در شیعه و وهابیت در اهل سنت است که هر دو به‌عنوان معضل و بستر همایش استعمار گردیده‌اند.

احسایی که در مسافرت به ایران، گوشه‌هایی از عقاید خود را آشکار نموده بود با مخالفت علمایی چون برغانی (از علمای قزوین) روبرو شد اما بعدها

---

۱. بهائیان، ص ۵۸۹. (منظور این است که جنبش شیخیه کاملاً زیر نظر آنها بود؛ به گونه‌ای که هدف خاصی را از ابتدا دنبال کردند و از آن به نام بهائیت نتیجه گرفتند. چنان‌که بابت را رها کردند و به دیگر فرقه‌های منشعب از شیخیه توجه چندانی نمودند، چون دنبال هدف خاصی بودند).

۲. قصص العلماء، ص ۴۲.

۳. بهائیان، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۷۸-۷۲.

پیروان باب همین عالم بزرگ را به خاطر مخالفت با این افکار به قتل رساندند.<sup>۱</sup> این رویداد، علاوه بر اینکه جنایتی بزرگ بود، خود حاکی از پیوند بین بابیت با شیخیه و رهبران آن مثل احساسی و رشتی با علی محمد شیرازی است، همان‌سان که پاره‌ای از افکار شیخ‌احمد احساسی مانند آنچه در شرح زیارت جامعه مطرح کرده، سبب گردید تا قبور ائمه در عتبات عالیات (مرقد سیدالشهداء) مورد هجوم و اهانت قوم وهابی نجد قرار گیرد و وحدت اسلامی، از این ناحیه نیز آسیب پذیرد.<sup>۲</sup> این گرایشات فکری منحرف هم‌نوا با سیاست استعمارگران بود؛ آنان همواره در پی چنین زمینه‌های اختلاف‌انگیزی بوده و از خون‌ریزی و درگیری‌های فرقه‌ای،<sup>۳</sup> سود برده و به اهداف استعماری خود در میان کشورهای اسلامی، دست می‌یافتند.

مرحوم خالصی،<sup>۴</sup> مؤسسان شیخیه را عامل استعمار در حوزه نجف می‌داند و معتقد است که آنها مجهول‌الحال و هویت و افکارشان التقاطی و اقتباس از مسیحیت و صوفیه بوده است تا از این طریق، جوامع شیعه را تخریب و ارزش‌های فرهنگی و اعتقاد مردم به امامت را متزلزل نمایند؛ او معتقد است که سیدرشتی، نه رشتی بوده و نه سید؛ بلکه او از فلاذی‌فستک (ولادی وستک) روسیه آمده بود<sup>۵</sup> و به خاطر شباهت لهجه‌اش با لهجه مردم شمال ایران، خود را

۱. فتنه باب، ص ۱۳-۱۷؛ قصص‌العلماء، ص ۴۶-۴۲.

۲. سیدضیال‌الدین روحانی، مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص ۹، ۱۴، ۱۷، ۴۸ و ۵۵؛ بای‌گری، ص ۳۶؛ احمد رحیمی کاشانی، پنجه خونین استعمار در آستین باب، ص ۱۷۰؛ بهائیان، ص ۱۰۲.

۳. نجم‌الدین طبسی، فرقه‌ای برای تفرقه، ص ۸۷.

۴. از علمای بزرگ نجف که در مبارزه با خرافات، استعمارستیزی و بسیج مردم علیه استعمارگران، نقش برجسته‌ای داشته است. رک: جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ص ۶۴۲.

۵. برخی، این دیدگاه خالصی را با استدلال‌هایی، مردود دانسته و گفته‌اند که منطقه ولادی وستک، ۱۷ سال بعد از مرگ رشتی به وجود آمده است؛ البته ممکن است منظور خالصی، شهری به این اسم نبوده، بلکه منظورش منطقه‌ای است که وجود داشته است و خالصی به خاطر علم (مشهور) بودن، نام این منطقه را ذکر کرده است تا مخاطبان آن را بشناسند؛ چون ممکن است از اهالی روستاهای این منطقه باشند. اما در منابع دیگر، این‌گونه گفته شده است؛ سیدکاظم رشتی، فرزند سیدقاسم‌بن سیداحمد است که سیداحمد، فرزند سیدحیب، از سادات حسینی و از اهالی مدینه منوره است. او پس از شیوع طاعون در مدینه، عازم

در حوزه نجف، رشتی جا زد و به این وسیله، جانشین احساسی در بین شاگردان او معرفی شد تا زمینه ظهور فرقه منحرف باییت را فراهم نماید، چنانکه بر اساس اسناد و مدارکی که برخی از منابع اشاره نموده‌اند، این فرد با سفارت روس و عثمانی مرتبط بوده است.<sup>۱</sup> او به علمای بزرگ شیعه، ناسزا می‌گفت و صاحب‌جواهر را احمق و مستضعف می‌نامید.<sup>۲</sup>

نکته قابل تأمل آن است که پس از توهین احساسی به مقدسات اهل سنت و حمله وهابیون به عتبات مقدسه و تخریب قبور مطهر ائمه، امام‌زادگان و قتل شیعیان، با اینکه احساسی در عراق حضور داشت، هیچ تعرضی به او نشد و حتی پس از مرگش، در قبرستان بقیع مدفون گردید؛ چگونه ممکن است، کسی که به مقدسات اهل سنت توهین کرده، آزاد باشد و بعد از مرگ، در مرکز وهابیت و قبرستان معروف بقیع، مدفون شود و مورد تعرض قرار نگیرد، اما مرقد ائمه شیعه، تخریب شده و شیعیان و نوامیس آنان مورد اهانت قرار گیرد؟ این رویداد، حاکی از آن است که وهابیت و شیخیه، با هدف مشترک، برای کوبیدن اسلام و تشیع، توسط استعمارگران، راه‌اندازی شدند و این دستگاه، یک صدا علیه تشیع و مهدویت، تأسیس گردیده است. اگر رویدادهای تاریخی گذشته، با وقایع کنونی، مورد تأمل و تحلیل قرار گیرد، نتیجه‌ای جز این موضوع به‌دست نخواهد آمد که دو نهال و بذری که دولت روس و انگلیس، با همدستی دیگر استعمارگران، در نیمه دوم قرن نوزدهم کاشتند، اکنون به بهترین صورت، برای آنها در نقاط مختلف، به بار نشسته است و در طی این قرن‌ها، به اندازه‌ای از ثروت‌های مادی و معنوی ملل شرق و اسلام یغما برده‌اند که هنوز ابعاد آن

---

ایران شد و در رشت اقامت گزید. سیدکاظم رشتی، در سال ۱۲۱۲ هـ.ق، در رشت به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، عازم یزد گردید و به درس شیخ‌احمد رفت و ملازمت خدمت ایشان را اختیار کرد و طبق تصریح سرکار آقا، شیخ‌احمد «سید را امر به توطن کربلای معلی فرمودند». بهائیان، ص ۱۰۶.

۱. مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص ۵۶؛ علماء‌الشیعه و الصرایع مع البدع و الخرافات، ص ۱۷۷ و ص ۱۸۱-۱۸۹.

۲. قصص‌العلماء، ص ۵۸-۵۷.

روشن نیست.

در تأیید کلام خالصی، می‌توان به این مطلب اشاره کرد که این فرد (سیدکاظم رشتی) به دلایلی کسی را به جانشینی خود انتخاب نکرد، اما به شاگردانش سفارش می‌نمود که منتظر ظهور و خروج فردی باشند که حجّت را بر آنها تمام خواهد کرد؛ وقتی از او دربارهٔ جانشینی‌اش سؤال می‌شد؛ جواب می‌داد: «موعود در میان شما است و شما او را نمی‌شناسید».<sup>۱</sup> این گونه افکار، هرگز در میان علمای بزرگ شیعه سابقه نداشته است که درباره امام‌زمان، چنین اظهار نظر کنند. به علاوه، روایات معتبری هم دربارهٔ امام‌زمان وجود دارد که با صراحت از تعیین وقت برای ظهور منع نموده و تعیین‌کنندگان وقت را، دروغ‌گو معرفی کرده است.<sup>۲</sup> از زمینه‌سازی‌های این فرد موسوم به رشتی، چنین برمی‌آید که او برای ظهور سیدعلی محمد باب، افکار و توجه شاگردان را آماده می‌کرده است. برخی از منابع نوشته‌اند که او برای سیدعلی محمد باب، احترام فوق‌العاده‌ای قائل بوده است.<sup>۳</sup> اگر این گزاره‌ها درست باشد در این صورت باید گفت: سران شیخیه نیز در ایجاد فتنه و آشوب بابت با استعمارگران همدست بودند، اما اگر این گزاره‌ها نادرست باشد می‌توان گفت اندیشهٔ شیخیه زمینه‌ای بود برای تبیان بهائیت بدون اینکه قصد رهبران شیخی این باشد.

در صورت صدق گزاره‌ها، می‌توان گفت: سیدکاظم، پیوسته مبشّر ظهور منجی و رسماً پایه‌گذار این فرقه بوده است.<sup>۴</sup> چنان‌که امان‌الله شفا که خود از مبلّغان

۱. کسروی در کتاب بهائی‌گری، ص ۱۹-۲۵، می‌گوید: او می‌گفت ظهور نزدیک است و خود را نایب و باب امام می‌دانست؛ فتنه باب؛ مقالات عبدالحسین نوائی، مقاله اول، ص ۸۸-۸۹ «عمده گروندگان باب، از شیخیه و شاگردان سیدکاظم رشتی بودند. سید، معتقد به قرب ظهور بود و در مجالس درس، بدان اشاره می‌نمود...» نامه‌ای از سن پائولو، ص ۷-۷۳، به نقل از خلاصه تاریخ نیبل ص ۲۸. بهترین گواه بر صدق سخن امان‌الله شفا، این است که چند تن از شاگردان رشتی، هم‌زمان مدعی جانشینی باب شده‌اند؛ مانند علی ترشیزی. فتنه باب، ص ۶۳.

۲. در این باره رک: شیخ‌طوسی، کتاب الغیبه.

۳. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۷۲ به نقل از خلاصه تاریخ نیبل.

۴. فتنه باب، ص ۸۹.

بهائیت بود و از این مرام برگشت. بعد از تأمل و تنبه و تحقیق، این فرقه را از اساس، پوچ و از هرگونه اصول انسانی خالی دانسته است و ریشه آن را، بر گفتار احساسی و رشتی استوار می‌داند و آنها را مؤسس این فرقه معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> سید کاظم، به شاگردانش توصیه می‌کرد که در تمام نقاط جهان پراکنده شوند و به جست‌وجوی موعود بپردازند.<sup>۲</sup> شاید هدف او از این توصیه، این بوده است که می‌خواست، این فتنه به صورت گسترده در میان مناطق شیعه‌نشین، منتشر شود و باور به امامت را، به صورت عمومی متزلزل نماید. اگر از این وقایع بگذریم و به وقایع بعدی توجه کنیم که چگونه شاگردان او در نقاط مختلف، به حمایت از او پرداختند و صحنه‌هایی را درست کردند، تا ظهور سید علی محمد باب را با ظهور امام‌زمان در افکار مردم مشتبه سازند و او را به جای امام‌زمان به مردم معرفی نمایند؛ به عمق توطئه و نقشه‌های استعمارگران، در جهت تخریب اندیشه مهدویّت و نقش آنها، آگاهی کامل پیدا خواهیم کرد چنان‌که برخی از شاگردان او مثل حسین بشرویه، در خراسان حضور داشتند تا بخشی از علایم ظهور (خروج بیرق‌ها سیاه از خراسان) را که در روایات آمده، محقق سازند، او حتی خود را نیز سید معرفی کرد<sup>۳</sup> تا با سید خراسانی که در اخبار و علائم ظهور آمده، منطبق باشد و مردم را اغفال کند و امنیت سراسر ایران و جهان اسلام را برهم بزند، تا حضور استعمارگران را در ایران، موجه نماید. استعمارگران نیز، از رهبران این فرقه‌ها حمایت‌های جدی و لازم را به عمل می‌آوردند. رهبران بابت و شاخه‌های دیگر آن، بعدها سرسپردگی کامل خود را به بیگانگان و سفارتخانه‌های خارجی نشان دادند،<sup>۴</sup> و از این طریق، در سایه حمایت سیاست‌های بیگانه، مجری طرح‌ها و توطئه‌های آنها شدند تا از سویی، کارشان رونق گیرد و از سوی دیگر، رضایت بازیگران و سیاست‌گذاران خارجی را

۱. رک: نامه‌ای از سن پائولو، ص ۷۰-۷۱.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. همان، ص ۱۵۹-۱۵۱ و ۱۶۱-۱۶۲.

۴. انشعاب دربائیت، ص ۱۰۶، ۱۱۲-۱۱۳.

فراهم سازند. بی‌شک در چنین حرکت مزورانه‌ای، کوشش طرفین، حفظ شیوه اهل سیاست است که اسرار را پنهان و از اظهار هرگونه روابط دوستانه شدیداً پرهیز می‌نمایند؛ از این رو «هدایت‌کنندگان»، «واسطه‌ها» و «مجریان» این برنامه‌ها، هر موضوعی که بر چنین سازشی دلالت کند مثل گزارش‌های محرمانه را نابود ساخته و یا از دسترس دیگران، دور نگه‌داشتند؛<sup>۱</sup> لذا مؤسسان فرقه شیخیه، افکار خود را به اسلام منتسب کرده و با توصیه رشتی، این فتنه در شهرها ترویج یافته و باعث شورش‌ها، درگیری‌ها و جنگ‌های مسلحانه در اکثر شهرهای ایران می‌شود و خون هزاران بی‌گناه ریخته شد و آتش اختلافات بین مردم شعله گرفت.<sup>۲</sup>

در حقیقت، دولت‌های استعماری روس، انگلیس و حاکمان عثمانی،<sup>۳</sup> در پیدایش بابت نقش کامل داشته‌اند؛<sup>۴</sup> چون آنچه از واقعیات خارجی، اوضاع فعلی بهائیت و حمایت علنی استعمارگران برمی‌آید، نتیجه‌ای غیر از این نمی‌تواند داشته باشد. مسیری که شیخیه طی نمود، از این واقعیت پنهان خبر می‌دهد که دست بیگانگان در دین‌سازی و فرقه‌سازی، در کار بوده است؛ اگرچه احتمال دارد خود مدعیان و طرف‌داران آنها که طعمه شیطان شده‌اند و در دام انگلیس افتاده‌اند، از این قضایا و خیمه شب‌بازی‌ها و سناریوهای استعمارگران، بی‌خبر باشند.

### (ب) روسیه و پیدایش بهائیت

دولت روس تزاری، در آغاز پیدایش، حمایت‌های زیادی از بابت و سرانجام از بهائیت داشته است، سران بهائیت، همیشه از این نقش روسیه قدردانی و در

۱. رک: بهائیان، ص ۶۱۵-۶۱۴.

۲. رک: فتنه باب، ص ۴۹؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۱۴۲-۱۹۳.

۳. به گمان حاکمان عثمانی سنی‌مذهب که تحت تأثیر اندیشه‌های روس و انگلیس بودند، با آسیب‌رسانی به تشیع که محوریت آن ایران بود، اهداف و آرمان‌های این دولت، تأمین می‌شد؛ از این روی در همدستی و همراهی با آنان، در ترویج فرقه، کوتاهی نکردند.

۴. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۷.

منابع خود، به این مسئله اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۱. باب، در پناه عامل روس

آقامحمدخان قاجار، در سال ۱۲۰۹ هـ ق منوچهرخان گرجی ارمنی‌مذهب (اعتمادالدوله) را که جزء اُسرا بود، از تفلیس به ایران آورد و در دربار فتحعلی‌شاه قاجار جزء خواجگان حرم‌سرا و بعداً غلام پیش‌خدمت خاص خود کرد. به سبب هوش سیاسی و حمایتی که روس‌ها در ایران از او به‌عمل آوردند، مقرب دستگاه شاه شد و به مناصب بزرگی چون خواجه‌باشی (رئیس خواجگان حرم) و ایشیک آقاسی (مسئول امر بیرونی دربار) ارتقا یافت. وی در زمان محمّدشاه، به حکومت اصفهان منصوب شد،<sup>۲</sup> علی‌رغم مخالفت علمای اصفهان با این انتصاب، اما به سبب نفوذ عمیق او و روس‌ها در دربار، در این مقام ابقا گردید.<sup>۳</sup> مورّخان معاصر اعتمادالدوله نوشته‌اند او با روس‌ها، ارتباط داشت؛ از این‌رو روس‌ها از حکمرانی او، شدیداً حمایت کرده و از نفوذ خود در ابقای او به حکمرانی، استفاده می‌نمودند؛ از این‌رو او، باب را از دست علما رهانید و از اصفهان به سلامت خارج کرد.<sup>۴</sup> از مسائل مسلّم و قطعی تاریخ، آن است که او از علی‌محمد باب حمایت کرده،<sup>۵</sup> از دین جدیدش استقبال نموده، او را از شیراز به اصفهان آورده و همواره در اصفهان و تحت محافظت بوده است. در تاریخ نبیل زرنندی بهائیان، تصریح کرده‌اند که اعتمادالدوله در حضور باب گفت: «خداوند ثروت زیادی به من عنایت نموده است که نمی‌دانستم در کجا خرج کنم. اگر اجازه بفرمایید، در نصرت شما و ترویج دین شما در شرق و غرب،

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۴، به نقل از قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۵.

۲. فتنه باب، ص ۹۴.

۳. همان، ص ۹۵.

۴. المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۶۲۷.

۵. ملاحظه کنید باب بدون اینکه کوچک‌ترین سابقه ارتباطی با منوچهرخان داشته باشد بعد از فرار از شیراز یک‌سره (در اصفهان) به جانب او می‌رود و تحت حمایتش قرار می‌گیرد و مدت‌ها در منزل او مخفی می‌ماند. او ارمنی، از تبعه روس و اسلامش نیز تظاهری بوده است؛ چنان‌که طبق آنچه در کتاب خلاصه تاریخ نبیل، ص ۱۸۸ آمده است «او به این مطلب اقرار می‌کند.» نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۴؛ فتنه باب، مقاله اول، ص ۹۶۹۵.

مصرف نمایم».<sup>۱</sup>

## ۲. تصویربرداری از جسد باب

پس از اعدام باب و همراهش در تبریز، کنسول روس از جسد آنها تصویربرداری کرد که این واکنش در کتاب بهائیان نیز منعکس شده است. این موضوع، یکی از دلایل حمایت روس از باییت و علی محمد باب است.<sup>۲</sup> در کتاب نبیل زرنندی نیز این مطلب آمده است.<sup>۳</sup> به هر صورت اگر روس در این امر دخیل نبود، چرا این گونه قضایا را تعقیب می نمود و غرض دولت روس و سفرای آن در ایران، از این اعمال مشکوک چه بوده است؟

## ۳. حفظ جسد باب

پس از اعدام باب، سعی بر حفظ جسد او یا انتقال آن به فلسطین اشغالی، بدون برنامه ریزی های قبلی، مسئله قابل تأملی است، فردی به نام احمد میلانی بابی که جسد علی محمد باب را مخفی نمود، از افراد مورد حمایت دولت روس در تبریز بود و با کنسول روس ارتباط داشت.<sup>۴</sup> محافظت از جسد باب و تشکیل مقبره ای برای او در خارج از ایران - که امروزه دستاویزی برای بهائیان شده است و از این نماد، در گسترش اندیشه خود کمک می گیرند- نشان می دهد که همه این مسائل، طبق طرحی از پیش تعیین شده بود و روس ها دنبال همین هدف بودند.

## ۴. یاری جستن بایبان زنجان از روس ها

در وقایع فتنه و شورش مردم زنجان، ملّامحمدعلی زنجانی<sup>۵</sup> معروف به حجت (رهبر این فتنه) در دارالخلافه تحت نظر بود و برای شفاعت و رهایی خود، نامه ای به وزرای خارجه، از جمله سفیر روس و انگلیس در تهران نوشت؛

۱. بهائیان، ص ۶۱۶.

۲. عباس افندی، مقاله شخصی سیاح، ص ۴۹.

۳. خلاصه تاریخ نبیل، ص ۵۵۳.

۴. عبدالحسین آیتی، الکوکب الدرر فی مآثر البهائیه، ج ۱، ص ۲۴۹.

۵. نسخ التواریخ، قاجاریه، ص ۱۰۶۰-۱۰۶۹؛ المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۶۳۲.



از این رو فرستاده روس و انگلیس، هر دو دربارهٔ سخت‌گیری امیرکبیر در مقابل باییت، شدیداً انتقاد و از امیر درخواست می‌کنند که از آزار و اذیت ضعیفای ملت، دست بردارد؛<sup>۱</sup> بنا بر اعتراف خود بهائیان و برخی منابع تحقیقی، پادشاه روس نیز، دائماً از سفیر روس، حال سیدعلی محمد باب را جو یا می‌شد و از اوضاع ایران گزارش می‌خواست.<sup>۲</sup> یکی از مبلغان معروف بهائی به نام میرزا حسین زنجانی که دامادش مترجم روس‌ها بود وقتی در زندان حاکم زنجان بود، برای رهایی از زندان، حاکم را تهدید کرد که دامادم عامل روس‌هاست اگر کشته شوم شما نیز توسط روس‌ها کشته خواهید شد.<sup>۳</sup>

#### ۵. دشمنی با امیرکبیر

امیرکبیر با جدیت تمام، طرف‌داران باب را که در شهرهای بزرگی چون شیراز، اصفهان، زنجان، یزد، مازندران، قزوین و... اقدام به آشوب و ناامنی کرده بودند،<sup>۴</sup> سرکوب و دستور اعدام باب را صادر کرد.<sup>۵</sup> از آنجا که این اقدام امیرکبیر، خوشایند دولت روس نبود، طرح عزل و قتل امیرکبیر را با توطئه عوامل نفوذی بایان و روس‌ها به اجرا گذاشته و او را به قتل رساندند، اگرچه آنان نقش مستقیم خود را نمایان نکردند، اما در هر صورت در توطئه قتل امیرکبیر دست داشتند؛ حتی به این نیز بسنده نکرده و در کتاب‌های خود تحقیر و توهین به امیرکبیر را بیان می‌داشتند؛ نویسنده کتاب «نامه‌ای از سن پائولو» می‌گوید: «من هنوز در هیچ تاریخی، جز نوشته‌های بایان و بهائیان ندیده‌ام که میرزاتقی خان را مردی بی‌کفایت معرفی کرده باشند، اما بهائیان، به‌خاطر اینکه امیرکبیر در سرکوب فتنه باب، سنگ تمام گذاشته است، با او دشمنی ورزیده و به او ناسزا می‌گویند».<sup>۶</sup>

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۴.

۲. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۴.

۳. عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، ج ۱، ص ۱۸۶ و ص ۲۸۸-۲۸۷.

۴. فتنه باب، ص ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۴۹.

۵. میرزاجانی کاشانی، نقطه الکاف، ص ۲۳۳.

۶. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۷.

## ۶. گزارش هدف دار آشوب‌ها

سفیر روس، تمام وقایع و حوادث مربوط به شورش بابیان در شهرهای مختلف را، به‌طور منظم و دقیق، با ذکر تمام جزئیات و با لحن و جهت‌گیری‌های جانب‌دارانه، به وزارت خارجه گزارش داده است که این گزارش‌ها بر اساس اسناد معتبری که در وزارت خارجه روس بوده، موجود است.<sup>۱</sup> او به صورت ماهرانه‌ای، برای گم کردن ردّ دولت خود و مخفی‌کاری در اسناد، به طرف‌داری از امنیت عمومی تظاهر می‌نماید و از بابیان، با عنوان «اخلالگران نظم اجتماعی و آشوبگران» یاد می‌کند. از جمله گزارش‌هایی که سفیر فرستاده، گزارش از وضع زنجان است که این‌گونه می‌نویسد:

«اغتصابات زنجان هنوز ادامه دارد و بابیان زنجان که با جان خود بازی می‌کنند، در مقابل قوای شاهی مقاومت سختی نشان می‌دهند و از عهده دفع حملات محمدخان به‌خوبی برمی‌آیند. جای بسی تعجب است که این عده، با چه شهامتی وضعیت خطرناک خود را تحمل می‌کنند؛ رهبر آنان، محمدعلی به سفیر ترکیه [سمیع افندی] و همچنین به کلنل شیل [سفیر انگلیس در ایران] مراجعه و از او خواهش وساطت کرده، همکار انگلیسی من [سفیر انگلیس] معتقد است که بعید به نظر می‌رسد که دولت ایران حاضر شود که دول خارجی در این مورد به کمک این فرقه وارد مذاکره شوند».<sup>۲</sup> وجود مولفه‌های ذیل در گزارش سفیر و کنسول، حاکی از دست‌های مرموز استعماری در جریان آشوب‌های اجتماعی بابیان است:

## ۶-۱: حمایت از آشوب‌ها با عنوان انقلاب

علاوه بر گزارش‌های مرتب از روند گسترش آشوبگران باب، از این آشوب و اختلاف داخلی، با تعبیر انقلاب اجتماعی، یاد کرده که لازمه جامعه ایران و روندی تکاملی است که به هر صورت، باید انجام پذیرد: «... باری به هر سو،

۱. رک: تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۷۴-۲۷۲.

۲. همان، ص ۶۲۰.

نظر می‌اندازی نهضت انقلابی مشاهده می‌شود...»<sup>۱</sup> در گزارش‌های سفیر روس، آشوب بایبان، موفقیت‌آمیز نشان داده می‌شود تا بدین وسیله، دولت متبوع خود را حامی این گروه نشان دهد. از مجموع گزارش‌های این سفیر چنین برمی‌آید که او می‌کوشید، تا از آشوب‌ها حمایت و آشوبگران را ذی‌حق نشان دهد.<sup>۲</sup>

براساس گزارش سفرای بیگانه، قضیهٔ زنجان، بسیار اهمیت دارد و خون‌های بی‌شماری در آن ریخته شده است. سفیر روس در نامهٔ خود، به وزارت خارجه خبر می‌دهد که فردی را فرستاده است تا از نزدیک این قضایا را مشاهده و گزارش کند.<sup>۳</sup>

از طرفی دولت روسیه از سفیر خود خواسته است که به‌طور دقیق از وضعیت بایبان و پیشرفت کارشان به وزارت گزارش بدهد و دولت متبوع خود را از این قیام خبردار نماید.<sup>۴</sup>

#### ۶-۲: تجهیز و تشویق هدف‌دار آشوبگران بایی

در گزارش‌های سفیر روس، مطالب ضد و نقیض فراوانی دربارهٔ شورش وجود دارد؛ گاهی آنها را انقلابگر و گاهی ضد امنیت معرفی می‌کند، از طرفی روس‌ها، در مسلح کردن بایبان زنجان، به رهبری ملّامحمدعلی و رساندن تسلیحات به آنها، نقش داشته و از بایبان در قبال نیروهای دولتی و مردمی که علیه آنها شوریده بودند، حمایت می‌کردند؛ روس‌ها، بایبان را به جنگ و کشتار تشویق می‌کردند تا نیروهای دولتی از سرکوب آنها عاجز بمانند، نظم اجتماعی به کلی از هم گسسته و امنیت عمومی، شکسته شود.<sup>۵</sup>

هدف استعمارگران روس و انگیس، در این آشوب‌ها، رسیدن به منافع خود

۱. همان، ص ۲۷۴-۲۷۳.

۲. همان، ص ۲۷۷؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۳۴-۲۴۲.

۳. بهائیان، ص ۶۲۱؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۴-۲۴۶.

۴. همان، ص ۲۷۷.

۵. همان، ص ۲۴۳، خلاصه تاریخ نیبل ص ۵۹۰ می‌نویسد: «چیز دیگری که باعث تعجب بود، این بود که از راه غیرمعلومی، پیوسته زاد و توشه به اصحاب می‌رسید.» برخی عقیده دارند که روس‌ها، توپ و تفنگ در اختیار شورشیان زنجان و مازندران و دیگر شهرها می‌گذاشتند و از آنها حمایت تسلیحاتی می‌کردند.

بود؛ انگلیس به دنبال تجزیه خاک ایران بود چنان که در افغانستان، سال‌ها از شورشیان افغان حمایت کرد و جنگ‌هایی بین سپاه ایران و افغانستان و نیروهای انگلیسی واقع شد؛<sup>۱</sup> روس‌ها نیز اهدافی در خاک ایران داشتند که به تجزیه و الحاق بخش‌هایی از قلمرو ایران به خاک روس منجر گردید.<sup>۲</sup>

### ۶-۳: صحنه‌گردانی کنسول روس

از دیگر اسناد، درباره دخالت و نقش دولت استعماری روس تزاری در پیدایش فرقه انحرافی بهائیت، می‌توان به گزارشات کنسول روس (دالگورکی)<sup>۳</sup> و صحنه‌گردانی‌های او اشاره کرد که جهت‌گیری فعالیت‌های او در ایران، علیه وحدت اسلامی و ایجاد اختلاف داخلی بود؛ این موضوع، در منابع معتبر گزارش شده است.<sup>۴</sup> اعترافات او پس از پایان مأموریت در روسیه منتشر گردید که اسناد آن در برخی از آثار مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۵</sup> از جمله گزارش‌های او می‌توان به این گزارش اشاره کرد:

به سناوین از تهران، مریم‌آباد، سوم ژوئیه ۱۸۵۰ شماره ۵۳:

«از موقعی که همکاری قوای انتظامی با اولیای دولت، صورت عمل به خود گرفته است... فعالیت آنان (بایبان) فوق‌العاده محدود شده است».<sup>۶</sup>

### ۷. کوشش برای نجات باب و بها از اعدام

پس از قطعی شدن حکم اعدام باب، دولت روسیه از طریق سفارت خود، سعی در وساطت و ممانعت از اعدام او داشت.<sup>۷</sup> در صحنه اعدام باب، قضایای مشکوکی رخ داد که می‌توانست در فرار باب مؤثر باشد؛ چرا که سام‌خان ارمنی

۱. بهائیان، ص ۵۳۴.

۲. بر اساس عهدنامه ترکمن‌چای و گلستان بخش‌هایی از خاک ایران به روسیه ملحق شد.

۳. انشعاب در بهائیت، ص ۱۱۲؛ قرن بدیع، ص ۲۲۴.

۴. بهائیان، ص ۶۱۹ به نقل از شورش بایبان در ایران، ص ۱۸۴۸-۱۸۵۲؛ نشریه فرهنگستان علوم، ج ۳۰، ص ۱۵۹-۱۴۳.

۵. مانند کتاب بهائیان.

۶. بهائیان، ص ۶۱۹.

۷. همان، ص ۶۱۸.

(مأمور اعدام وی) نیز، میل باطنی به اعدام باب نداشت، او تیر اوّل را به طناب می‌زند تا باب فرار کند و تیر سربازان به او نخورد، آنگاه باب در بین گرد و غبار میدان اعدام، از صحنه خارج می‌شود و اعجازی را مقابل دیدگان و افکار مردم تبریز و سایر نقاط ایران به وجود می‌آورد، اما گروه تیراندازان متوجه فرار باب شدند و او را دوباره دستگیر و سرانجام اعدام کردند.<sup>۱</sup> اگر باب از اعدام نجات می‌یافت و خبر عدم اصابت تیر به او و غایب شدنش، شایع می‌شد، حمایت از بابیان گسترش یافته و فتنه و شورش آنها مجدداً در سراسر کشور شعله‌ور می‌شد و دولت که صدارت آن با امیرکبیر بود، نمی‌توانست روس‌ها و انگلیسی‌ها را از مداخله باز دارد؛ از این رو جنگ داخلی شگل می‌گرفت و قدرت امیرکبیر رو به ضعف می‌نهاد<sup>۲</sup> با برکناری امیرکبیر، بزرگ‌ترین مانع آنان، از سر راه برداشته می‌شد. در گزارش دالگورکی به سفارت روس در ایران، جانب‌داری او از بابیان و ترغیب دولت متبوع خود به جلوگیری از کشتار بابیان به دست دولت قاجار، نمایان می‌شود. چنان‌که در ادامه کار، دولت روس و سفیر این کشور، از اعدام دستگیرشدگان، خصوصاً مهره‌های اصلی بابت مانند میرزا حسینعلی و میرزایحیی، جلوگیری و از آنها شفاعت می‌کند.<sup>۳</sup> امان‌الله شفا، نوشته است: «این قضیه آزادی بهاء از اعدام و نجات جان او، با کمک سفارت روس بود و او تحت حمایت غلامان روس، از ایران خارج شد».<sup>۴</sup>

«... در ظاهر چون دولت بهیئه روس، حمایت آن قائم بامرالله که ملقب به بهاء‌الله است، نمود، نتوانستند شهید نمایند و به دارالسلام بغداد نفی نمودند».<sup>۵</sup>

«...کنسول روس از دور و نزدیک مراقب احوال بود و از گرفتاری حضرت بهاء‌الله خبر داشت. پیغامی شدید به صدراعظم فرستاد و از او خواست که با

۱. فتنه باب، ص ۱۰۸. تاریخ جامع بهائیت، ص ۱۸۸-۱۹۰؛ مفتاح باب و الابواب، ص ۱۶۲.

۲. نامه‌ای از سن پاتولو، ص ۲۴۳-۲۴۷.

۳. همان، ص ۲۴۵ و ۳۰۳.

۴. همان، ص ۲۴۵.

۵. بهائیان، ص ۶۲۶.

حضور کنسول روس و حکومت ایران تحقیقات کامل درباره حضرت بهاءالله به عمل آید...»<sup>۱</sup>

دکتر اسلمنت بهائی، در کتاب بهاءالله و عصر جدید که بنا بر تصویب محفل روحانی بهائیان، حیفا (اسرائیل) از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و چاپ شده است، می نویسد: «سفیر روس به برائت ایشان (بهاءالله) شهادت داد».<sup>۲</sup>

#### ۸. اظهار خوشنودی از توهین بابی‌ها به علمای شیعه

دالگورکی، در گزارش خود به «نسلرو» (وزیر خارجه روسیه)، از درگیری بابیان با علمای شیعه تمجید می‌کند. از جمله گزارش‌های او به نسلرو، در پرونده شماره ۱۳۳ تهران، دهم ژوئن ۱۸۵۰ میلادی، شماره ۴۸ این چنین آمده است: «خیلی خوب است که فرقه بابیه، با علمای اسلام مخالفت و مبارزه شدید شروع کرده و آنان را متهم به انحراف می‌کند».<sup>۳</sup>

انتشار آثار و اعلامیه‌های بهائیت که متضمن توهین به علما می‌بود نیز، توسط سفارت روسیه انجام می‌گرفت و بهائیان با پشتیبانی مالی روس‌ها در ایران، به نشر افکار خود و جذب مردم سود می‌جستند.<sup>۴</sup> طبق گزارش دالگورکی، یکی از کارهای روس در ایران، «تهیه همین نوشته‌ها و کارهای بابیت بود».<sup>۵</sup>

#### ۹. جذب نیرو برای باب

یکی از کارها و اقدامات کنسول روس، کمک‌های مالی به جریان بابیت بود تا از این طریق بتوانند جوانان و افراد کم‌بضاعت را جذب این فرقه منحرف نمایند. او (کنسول) می‌گوید: «هرکس که آواره بود و در میان اقوام و وطن، شخصیتی نداشت، از ما طرف‌داری می‌نمود. من مبلغ زیادی به‌عنوان زیارت کربلا، برای

۱. همان، ص ۲۲۸؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۱۴.

۲. بهائیان، ص ۳۳۰.

۳. همان، ص ۶۱۹ به نقل از شورش بابیان در ایران، ج ۲۰، ص ۱۴۳-۱۵۹؛ حمایت دالگورکی از بهاء در منابع دیگری از جمله کتاب انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۶ و ۱۱۲-۱۱۳ و تاریخ اجتماعی ایران، ج ۹، ص ۵۰۴-۵۰۵ ذکر شده است.

۴. کنیاز دالگورکی، خاطرات، ص ۷۳.

۵. همان، ص ۷۰-۷۵.

میرزاحسینعلی بهاء در بغداد می‌فرستادم، تا به آنها بدهد تا اینکه جمعی بی‌بضاعت به دور او جمع شوند و من ماهیانه برای او و اطرافیانش بین دو تا سه هزار تومان می‌فرستادم...»<sup>۱</sup> بی‌گمان دولت روسیه به هر روشی آنان را پیوسته تقویت می‌نمود و خانه و مسکن برای آنان می‌ساخت و قسمت عمده نوشته‌ها توسط وزارت خارجه تهیه می‌شد. همو می‌گوید: «... ما آنها را در پارچه‌های پاکیزه‌ای قرار می‌دادیم و به شهرها می‌فرستادیم. هر جوان عامی که پدرش فوت کرده بود، به او می‌گفتیم پدر تو بابی بود؛ تو چرا از پدرت پیروی نمی‌کنی و با همین نیرنگ و دسیسه‌ها، افراد ساده‌لوح را در سلک بابت درمی‌آوردیم و هرکس تصدیق به این مذهب نمی‌کرد، جمعیت بابی یعنی همان کسانی که دور حسینعلی بهاء جمع شده بودند، او را به بی‌دینی... متهم می‌ساختند... تا مجبور به داخل شدن در حزب آنها می‌شد... تا اینکه بین میرزاحسینعلی و برادرش میرزا یحیی، بر سر ریاست اختلاف شد... من بعداً فهمیدم که این اختلاف در اثر تحریک رقیب ما (انگلیس) بوده... میرزایحیی (صبح ازل) به قبرس رفت... و میرزاحسینعلی و پیروانش به تحریک دولت ایران به عکا تبعید شدند...»<sup>۲</sup>

دالگورگی پس از اتمام مأموریت در عراق، دوباره به ایران آمد و عهده‌دار سفارت روسیه در ایران شد آنگاه از نزدیک به این واقعه دامن زد و از بایان حمایت فراوان نمود. همین سفیر، اوضاع ایران را پس از حادثه‌ی بابت، به وزارت خارجه روس گزارش داد که اسناد آن موجود است.

#### ۱۰. اقرار بهاء به حمایت روس تزار

میرزاحسینعلی سردسته بهائیان، از تبعیدگاه خود (عکا) به پادشاه روسیه تزاری (نیکلاویچ الکساندر دوم)، نامه‌ای فرستاد و از او و دولت روس، به سبب

۱. همان.

۲. همان، تبعید میرزاحسینعلی به عکا از مسلمات تاریخی است که همه صاحب‌نظران، در این مسئله، اتفاق نظر دارند. بهائیان، ص ۶۲۳-۶۲۴ به نقل از قرن بدیع، ص ۳۱۸.

حمایت بی‌دریغ‌شان از شکل‌گیری بابت تشکر کرد و او را به بهشت بشارت داد. وی در این نامه، خود را در مقام خدایی قرار داده، می‌گوید:

«به تحقیق، یکی از سفیرانت، هنگامی که در زندان، اسیر غل و زنجیر بودم، مرا یاری کرد. برای این کار، خداوند برای تو مقامی نوشته است که علم هیچ‌کس بدان احاطه ندارد؛ مبدا این مقام را از دست دهی».<sup>۱</sup>

کسروی می‌نویسد: «چون دولت انگلیس از مشروطه‌خواهی حمایت می‌کرد، دولت روس رقیب او بود و مخالفت می‌ورزید، لذا بایان نیز با مشروطه مخالف بودند و خود را به کنار کشیدند».<sup>۲</sup> از محمدعلی‌شاه حمایت می‌کردند، چون دولت روس نیز از استبداد محمدعلی‌شاه حمایت می‌نمود و به دستور آنها، مجلس را به توپ بست.<sup>۳</sup>

#### ۱۱. مجوز تأسیس مشرق‌الاذکار و آزادی تبلیغ در خاک روسیه

گواه دیگر بر حمایت و دخالت روسیه تزاری در شکل‌گیری و ترویج بهائیت، این است که به آنان اجازه تأسیس مشرق‌الاذکار را در قلمرو خود و عشق‌آباد داد تا آنان با آزادی تمام، زندگی و فعالیت کنند. مأموران سیاسی روسیه، با چنین مجوزی، قصد داشتند تا کانون بهائیان را خارج از ایران ایجاد کنند و در ترویج آن آزادی عمل داشته باشند.<sup>۴</sup> دولت روس، از بهائیت، در هر جا که بودند، حمایت می‌کرد و آنها را در قلمرو خود، آزاد گذاشته بود. صبحی در این باره می‌گوید: «در این شهر (عشق‌آباد) و شهرهای دیگر مسلمان‌نشین، همه بهائیان آزاد بودند و فرمانروایی روس، دست آنها را در هر کاری باز گذاشته بود.

۱. همان، ص ۶۳۲.

۲. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۱۲۹، ۲۷۷ و ۳۰۴؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۵۱۴-۴۲۴. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۵۹۱؛ تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، ص ۵۴۴؛ محمدحسن‌خان اعتضادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ص ۵۱۹؛ عبدالحسین نوائی، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، ص ۲۷۲، ۲۸۹.

سیدابوالحسن علوی، رجال عصر مشروطه، ص ۸۱؛ نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۰۵.

۴. بهائیان، ص ۶۳۶-۶۳۵.



چنان‌که معابدی به نام مشرق‌الاذکار، ساخته بودند و از روز نخست که از گوشه و کنار کشور ایران، مردم در آن شهر گرد آمدند، زهر چشمی از مسلمانان گرفتند ... چون بازار دادوستد و کار بازرگانی عشق‌آباد گرم بود، بسیاری از مردم یزد و آذربایجان و خراسان، روی بدان شهر نهادند و پادشاهان و فرمانروایان روس، به بهائیان کمک شایانی می‌کردند و چون سازمان روبه‌راهی داشتند، انجمن‌هایی برای خواندن مردم به کیش بهائی، برپا نمودند.<sup>۱</sup> حمایت دادگستری روس از بهائیان نیز بیانگر حمایت همه‌جانبه دولت استعماری روسیه از بهائیت و آزادی کامل آنها در قلمرو روسیه است.<sup>۲</sup>

با آزادی عملی که دولت وقت روس به بهائیان داده بود، بهائیان از شهرهای ایران به شهرهای ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان و دیگر جمهوری‌های تابع روسیه، پراکنده شده و با آزادی کامل در آن شهرها برای خود زندگی تشکیل داده و با حمایت دولت روس، عبادتگاه‌های مخصوص، بنا کرده بودند. آنان، با حمایت دولت وقت روس، از مسلمانان سلب آسایش می‌کردند و آنها را در تنگنا قرار می‌دادند.

دولت وقت روس تزاری به‌عنوان یکی از دشمنان درجه یک اسلام و مسلمانان، بسیاری از شهرهای ایران را طی چندین قرارداد استعماری، به تصرف خود درآورده و در پی آن بود تا ترکیب جمعیتی این شهرها را بر هم زده و شیعیان را که اکثریت بودند در اقلیت قرار داده و فرهنگ اسلام ناب را به واسطه بهائیان نابود سازد؛ از این رو شهرهایی چون بخارا، سمرقند، عشق‌آباد، تاشکند و مرو، جولانگاه و محل امن بهائیان شده بود. چنان‌که صبحی، خود پرده از حمایت‌های علنی و بی‌پایان دولت روس از بهائیان برمی‌دارد و این‌گونه می‌نویسد: «... در آن سرزمین فراخ، چون بهائیان آزادی داشتند و کیش و آئین

۱. سیداحمد کسروی، بهائی‌گری، ص ۴۷۸.

۲. همان، ص ۴۸.

خود را نهان نمی‌کردند، رفتارشان ستوده دیگران نبود. با آنکه فرمانروایان روس، کمک شایانی به آنها می‌کردند و دست آنها را در هر کار باز می‌گذاشتند، سخنگویان زبردست<sup>۱</sup> آنها، به آنجا آمده بودند.<sup>۲</sup>

### ۱۲. استقبال روس‌ها از بهائیان

وقتی بهائیان در ایران با مخالفت مردم روبرو بودند گاهی مقاومت و مخالفت مردم با آنها در حدی بود که مجبور به ترک ایران می‌شدند این مسئله در منابع بهائیان نیز آمده است از جمله «در قریه میلان جمعیتی کثیر از مؤمنین (بهائیان) که با مخالفت مردم مسلمان ایران روبه رو بودند روائح [بادهای] حریت و سلامت از جانب ممالک روسی استشمام کرده پی‌درپی به عشق‌آباد و غیرها مهاجرت می‌کردند...»<sup>۳</sup>.

### ۱۳. تلاش سفیر روس، برای آزادی بهاء از زندان

حمایت روس‌ها از فرقه بهائیت، وقتی بیشتر روشن شد که سفیر روس، با تمام توان، برای آزادی میرزااحسینعلی، تلاش می‌کرد «...قنصل روس، در دادگاهی که برای محاکمه میرزااحسینعلی به اتهام طرح ترور شاه قاجار تشکیل شده بود، قیام نمود و برای تبرئه او سخن گفت و اظهار کرد: تصمیم دارم این شریف‌زاده [میرزااحسینعلی] را تحت حمایت دولت روسیه درآورم. بنابراین، برحذر باشید؛ زیرا اگر یک موی سر او کم شود، برای تنبیه شماها، نهرهای خون در این شهر جاری خواهد شد. امیدوارم به اخطار من کمال توجه را مبذول دارید و بدانید که در این موضوع، دولت مطبوع من، پشتیبان من است...»<sup>۴</sup> از این رو، بهاء به‌عنوان مؤسس فرقه بهائیت، پس از انشعابات بابیت و تفرقه میان پیروان باب،

۱. منظور مبلغان بهائی است که تا حدی در ایران آزادی تبلیغ از آنها گرفته شد. ولی در عوض، در اقمار روسیه، با آزادی کامل تبلیغ می‌کردند. همان، ص ۶۹-۶۸.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. میرزااسدالله فاضل، تاریخ ظهور الحق، قسمت اول، ص ۸۷.

۴. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۰۷-۳۱۲؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص ۴۰.

تحت حمایت روس‌ها بود و روس‌ها به او نظر خاص و توجّه ویژه‌ای داشتند.<sup>۱</sup> چنان‌که پس از ماجرای ترور ناصرالدین‌شاه، سفیر روس با وساطت میرزا نوری که همشهری او بود و با سفارت روس و انگلیس ارتباط داشت - او را از زندان نجات داد. خود میرزا حسینعلی، دربارهٔ حمایت سفیر روس از وی، جهت آزادی از حبس، چنین نوشته است:

«این مسئله خالی از اهمیت نیست که تمام زندان‌ها و... زنجیرهای آن یگانه آفاق (بهاءالله)، طعمه قهر و غضب سلطانی شدند و خود آن حضرت، با همه شهرت و اهمیت، از حبس مستخلص گشت و اگرچه شاید، دست قنسول روس بر نجات آن حضرت مددی داده، ولی همین نطق و بیان ... دخالت داشت.»<sup>۲</sup>

حمایت‌های میرزا آقاسی و میرزا آقاخان از بهائیان، خود نشان دیگری از حمایت روسیه از این فرقه است؛ چرا که این دو از سرسپردگان روسیه بودند که با اشاره و درخواست روس‌ها در جهت منافع بهائیان عمل می‌کردند.<sup>۳</sup> میرزا آقاخان نوری، به‌عنوان صدراعظم، خدمات زیادی به رهبر بهائیان نمود، او برای رهایی میرزا حسینعلی از زندان تلاش بسیار کرد و حتی پس از تبعید بهاءالله به بغداد، دوباره او را به ایران دعوت و برای او بهترین امکانات را فراهم نمود.<sup>۴</sup>

اسناد و مدارک، نشان می‌دهد که میرزا حسینعلی بهاء، حتی سال‌ها قبل از ارتباط باب با روس‌ها، با آنها دوستی صمیمانه‌ای داشته و با دریافت مستمری و حقوق ماهیانه برای آنها جاسوسی می‌کرده است.<sup>۵</sup> مخالفت سفیر روس با تحویل

۱. شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲. مصطفی حسینی طباطبائی، ماجرای باب و بهاء، ص ۱۳۸ به نقل از الکواکب الدرّیه، ج ۱، ص ۳۳۶؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۳.

۳. ماجرای باب و بهاء، ص ۳۳؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۲-۱۰۴.

۴. فتنه باب، ص ۱۵۲.

۵. خاطرات دالگورکی، ص ۴۶؛ قرن بدیع، ص ۲۲۴، ص ۱۶۸. این گزاره‌ها حاکی است که این سفیر ارتباط دیرین و معنادار با شخص میرزا حسینعلی داشت.

بهاءالله به ناصرالدین شاه،<sup>۱</sup> سرسختی و دفاع قاطع از او در جلسه محاکمه و حتی تهدید قضات، همگی شواهدی دال بر همکاری نزدیک حسینعلی با روس‌ها است. به گفته صاحب کواکب، «... در یکی از قرای مازندران ... مستخدمین و سرحداران دولت روس، ارادتی شایان به وی ورزیده بودند و می‌خواستند او را از دست مأمورین ایران رهایی بخشیده و به روسیه بفرستند؛ ولی او قبول نکرد...»<sup>۲</sup> میرزا حسینعلی، از طرف سفارت روس، در تکیه نوروزخان، مراسم عزاداری و مجالس روضه برپا می‌کرد، ظاهراً این حرکات روس‌ها، جهت اختلاف افکنی میان شیعه و سنی یا به جهت اینکه بعدها برای بهاء، سیاهی لشکر و مرید، جذب کنند، انجام می‌گرفته است. در ماجرای ادعای باب، با اشاره سفیر روس، حسینعلی بهاء و برادرش یحیی، از جمله اولین حامیان او بودند و پس از دستگیری او در تهران، اقدام به آشوبگری نموده و هیاهو پیا کردند، آنها ادعا می‌کردند که صاحب‌الامر را گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

#### ۱.۴. نام‌گذاری فرقه با پسوند بهیه (بهاء)

آن‌گونه که بررسی اسناد و تمبرهای مربوط به آن دوران نشان می‌دهد میرزا حسینعلی لقب «بهاء» را بدین جهت برای خود و مرام و مسلک خود انتخاب کرد تا ارادت و وابستگی خود به دولت روس را نشان دهد؛ چرا که در آن دوران دولت‌ها با عناوین و پسوندهای خاصی معرفی می‌شدند؛ مثلاً دولت ایران با پسوند «علیه» دولت انگلستان با پسوند «فخیمه» و دولت روس با پسوند «بهیه»<sup>۴</sup> بر اساس برخی از گزارشات و شهرت بین اهل تحقیق، وقتی میرزا حسینعلی، به سفارت روس پناهنده شد، به آنان قول داد که نام آئینش بهائی باشد. او حتی نام دختر خود را نیز «بهائیه» نهاد.<sup>۵</sup>

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۳؛ فتنه باب، ص ۱۵۳.

۲. فتنه باب، ص ۱۵۵؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۵.

۳. همان.

۴. سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۵۸۵۰.

۵. همان، ص ۸۴.

### ۱۵. پناه‌دادن سفارت روس به بهاء و وابستگی خاندان بهاء به روس‌ها

قبل از هر چیز لازم به یادآوری است که پدر، برادر و داماد بهاء، از کارکنان و حقوق‌بگیران سفارت روسیه بودند لذا بی‌جهت نبود که در قضیه ترور شاه پس از تعقیب میرزا حسینعلی توسط مأموران، او به سفارت روس پناه برد؛ وقتی شاه ایران مأموری را جهت برگرداندن او فرستاد، سفیر روس از تسلیم بهاء به مأمور شاه امتناع کرد و کاغذی به صدراعظم نوشت که باید میرزا حسینعلی را از طرف من پذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به او برسد و حادثه‌ای رخ دهد، شخص تو در برابر سفارت روس پاسخگو خواهی بود.<sup>۱</sup> بهائیان در کتاب‌های خود به این مطلب، با عبارات مختلف تاکید کرده‌اند، شوقی در قرن بدیع، می‌گوید: «ایامی که این مظلوم، در سجن اسیر سلاسل و اغلال بود، سفیر دولت بهیه -ایده‌الله تبارک و تعالی- نهایت اهتمام در استخلاص این عبد، مبدول داشت و مکرراً اجازه خروج از سجن صادر گردید. ولی پاره‌ای از علمای مدینه (تهران)، در اجرای این منظور ممانعت نمودند، تا بالاخره در اثر پافشاری و مساعی حضرت سفیر، استخلاص حاصل گردید. اعلی‌حضرت، امپراطور دولت بهیه روس، حفظ و رعایت خویش را فی سبیل‌الله مبدول داشت و این معنی، علّت حسد و بغص جاهلان ارض گردید.»<sup>۲</sup> در قسمتی دیگر از قرن بدیع آمده است: «در زرگنده میرزامجید شوهر همشیره مبارکه که در خدمت سفیر روسی پرنس دالگورکی سمت منشی‌گری داشت آن حضرت را ملاقات و ایشان را به منزل خود که متصل به خانه سفیر بود دعوت و هدایت نمود... سفیر روس از تسلیم حضرت بهاء‌الله به نمایندگان شاه امتناع ورزید و از هیکل مبارک استدعا نمود که به خانۀ صدراعظم تشریف ببرند؛ ضمناً از شخص وزیر به‌طور صریح و رسمی خواستار گردید و دیعه پربهائی را که دولت روس

۱. خلاصه تاریخ نیل، ص ۶۴۸.

۲. قرن بدیع، ص ۷۶.

به وی می‌سپارد (منظور بهاء‌الله است) در حفظ آن بکوشد».<sup>۱</sup>

خود بهاء، پس از رهایی و نجات از مرگ، از دولت روس چنین تشکر کرد: «ای پادشاه روس، یکی از سفیران تو مرا از زندان که اسیر زنجیرها و در بند بودم، مرا یاری کرد. برای این کار، خدا برای تو مقامی ثبت کرده که هیچ‌کس از آن خبر ندارد. مبادا تو این مقام بزرگ را تبدیل کنی و تغییر دهی».<sup>۲</sup>

این تقدیر و تشکر، دارای چند نکته قابل توجه است؛ عدم ذکر نام سفیر که در برخی از آثار بهائیان به آن تصریح شده است، ولی خود بهاء، در این کتاب از ذکر نام او، خودداری نموده است بدین جهت است که نخواست نام او و حمایتش آشکار شود، نکته دیگر، توصیه آخر بهاء به امپراطور روس است که به او متذکر می‌شود که تو به خاطر این یاری به مقامی بلند خواهی رسید که هیچ‌کس از آن خبردار نبوده و نخواهد بود و مبادا این حمایت (حمایت از بهائیان) را تغییر دهی. درخواست حسینعلی از دولت روس، حمایت از بهائیان بوده است که این حمایت، ادامه داشته و دارد.

#### ۱۶. جاسوسی بهاء برای دولت روس و همراهی سفیر با او در تبعید

قرائن و شواهد و حمایت‌های جهت‌دار و تمام‌قد دولت روس از بهاء، روشن‌گر این حقیقت است که او تا ظهور باب، مزدور روس‌ها بوده و برای آنها جاسوسی کرده است، پس از آن نیز وفاداری خود را به روس‌ها اثبات نمود و روس‌ها نیز در روز نیاز و خطر، او را تنها نگذاشتند و در سفارتخانه (زرگنده)، پناهش داده و از او حمایت شایان نمودند، هنگامی که بهاء قصد ترک ایران را داشت، مأموران و سفیر روس تا مرز، او را تحت‌الحفظ، همراهی نمودند.<sup>۳</sup> کنسول روس، قبل از ترک ایران، از او خواست تا به روسیه برود و دولت روس از او

۱. قرن بدیع، ص ۱۶۸-۱۶۹ «سفیر روس از بهاء‌الله به ودیعه پر بهاء یاد کرده است».

۲. میرزا حسینعلی نوری، کتاب مبین، ص ۱۲؛ قرن بدیع، ص ۵۸؛ سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۸۹.

۳. انشعاب در بهائیت، ص ۱۱۰-۱۱۲.

پذیرائی خواهد کرد، ولی بهاء نپذیرفت و ترجیح داد که در بغداد حضور یابد.<sup>۱</sup> حمایت‌های جدی سفارت روس و گزارش‌هایی که به دولت روس درباره وضع بهائیان و شخص میرزا حسینعلی بهاء داده شده است، حیرت هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزاند که چرا یک دولت، تا بدین حد، به مسائل چنین فرقه‌ای اهمیت می‌دهد؟<sup>۲</sup> سر این حمایت‌ها چیست؟ چرا سفارت یک دولت، به فردی آشوبگر و کسانی که قصد کشتن شاه یک کشور را دارند چنین توجه می‌کند؟ و اصولاً آیا وظیفه یک سفیر، در یک کشور، به این مسئله محدود می‌شود که از یک آشوبگر فکری و فرهنگی که امنیت یک کشور را مدت‌ها به مخاطره انداخته است، حمایت کند؟ چه هدفی پشت این سناریوی حیرت‌آور است؟ چرا سفیر یک کشور در امور داخلی دیگر کشورها دخالت می‌کند و حکومت و صدراعظم را درباره فرد تروریست و جانی، مورد تهدید قرار می‌دهد؟ آیا نگران جان انسان‌ها است؟ اگر چنین است، پس چرا به انسان‌هایی که در مناطق مختلف، به وضع فجیعی کشته می‌شوند؛ توجه نمی‌کنند؟ تمام این سؤالات، حکایت از طرح و برنامه‌ای می‌کند که از قبل توسط دولت تزاری و استعمارگر آماده‌سازی شده و سفارت این کشور در حال اجرای آن طرح است. اگر تمام اسناد، فاقد وجاهت و اعتماد قلمداد شود، تنها، حمایت‌های سفارت روس برای حفظ جان بهاء، پس از شرکت وی در ترور ناصرالدین‌شاه، بهترین مدرک برای دخالت هدف‌دار دولت روس، از بهائیت در ایران است.

#### ۱۷. حفظ آثار بهاء

محیط طباطبائی در یکی از مقالات علمی خود آورده است: «... اما درباره میراث ظاهری؛ که شامل است از اموال منقول، غیرمنقول و مخلفات طریقتی عرفا مانند تیجان یا تاج‌ها و سایر حلیه‌های درویشی و دوازده پرده تصویر از شخص بهاء و صدها کاغذ به خط میرزا حسینعلی و اصول کتاب‌های بهاء که میرزا آقاخان در

۱. جمال ابهی، ص ۱۱۵-۱۲۳؛ نامه ای از سن پائولو، ص ۳۱۰.

۲. همان، ص ۳۱۱؛ فتنه باب، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۴۰.

حیات او مأمور تصحیح و چاپ آنها شده بود و مقداری مکاتیب متبادله با دیگران که در نزد خادم او، میرزا آقاخان بود و پس از مرگ خادم، آنها را در خانه سیدعلی افنان، تبعه روسیه تزاری، درون چند صندوق، امانت گذاردند و بعدها در اختیار عبدالبهاء قرار گرفت.<sup>۱</sup> این مسائل که تبعه روس، امانت‌دار آثار بهائیان و از افراد مورد اطمینان آنان باشد، نمی‌تواند امری اتفاقی و بدون دلیل باشد؛ چرا که روس‌ها، با مراقبت از آثار باب و بهاء، به دنبال زنده نگه‌داشتن و دادن سابقه قداست، به بهائیت بودند، تا در حفظ این مرام، برای همیشه دلایل و آثاری داشته باشند. اگرچه افنان خویشاوند باب بود اما با روسیه نیز مرتبط بود که نفس حفظ آثار و رساندن آنها به عبدالبهاء سوال‌انگیز است و گرنه آن آثار باید در دست وارثان باب قرار می‌گرفت نه عبدالبهاء که رئیس بهائیان است. حفظ این آثار در نزد بهائیان به‌عنوان اشیاء مقدس و منتسب به باب امری مشکوک بوده و دخالت روس را در پیدایش بابیت و انتقال آن به بهائیت روشن‌تر می‌سازد.

### ج) علت حمایت روس‌ها از بهائیت

طبیعی است روس‌ها در پی‌ریزی این جنبش‌ها بدون مقاصد سیاسی و اقتصادی نبودند، آنان در ازای حمایت‌های جدی از این فرقه که هزینه‌های زیادی نیز برای آنان متحمل شده بودند، درصدد سهم‌خواهی از دولت ایران در مقابل تحرک رقبای خود بودند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

#### ۱. ایجاد خدشه در وحدت تشیع

با پیدایش اختلاف عقیدتی در اکثر شهرها و دو دستگی مردم و خون‌ریزی و برادرکشی در این مناطق، امنیت داخلی مخدوش شد. این ضعف داخلی و تنش در کشور، هم دولت را گرفتار معضلات می‌کرد و هم مردم را باهم درگیر می‌نمود. اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سبب می‌شد که این کشور استعمارگر، ملت ایران را مستعمره خویش سازد. پس از این، دولت

۱. سیدمحمد محیط طباطبائی، ماهنامه گوهر، شماره ۳۹، ص ۲۰۴.



استبدادی که حمایت شده استعمارگران بود، امتیازات بی حد و حصری به آنها داد. کتاب «عصر بی خبری» از این امتیازها گزارش مفصلی می‌دهد. این شورشها مقدمه‌ای شد تا استعمارگران به اهداف بی‌شماری در ایران دست یابند.<sup>۱</sup>

## ۲. حذف کارگزاران استعمارستیز

استعمارگران همواره یکی از موانع پیشبرد اهداف و دستیابی به خواسته‌های خود را وجود افراد لایق و کاردان در ساختار سیاسی و حکومت جامعه ایران می‌دیدند؛ از این رو با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه، اقدام به حذف افراد شایسته از اداره کشور نموده و موانع را برمی‌چیدند. در فتنه باییت برای گرفتن زهرچشم از مردم و علما، امیرکبیر، قهرمان مبارزه با استعمار، از صحنه سیاست و حیات حذف گردید،<sup>۲</sup> بدون وجود امیرکبیر و امثال او، دربار ایران محل تبادل امتیازات بیگانگان و بنگاه اقتصادی آنها بود.<sup>۳</sup> دولت‌های استعماری، در این مدت تا ظهور قدرت پهلوی که دست‌نشانده آنها بود، بسیاری از ذخایر نفتی، امتیازات بزرگ شیلات، معادن، آثار فرهنگی، نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها، آثار باستانی مناطقی مانند تخت جمشید، تخت سلیمان و... را به غارت بردند که اکنون در موزه‌های آن کشورها، این مدارک و اسناد موجود است.

## ۳. محو فرهنگ امید

فرهنگ امید به آینده، فرهنگی است پویا، احیاگر و برانگیزاننده که در جوامع شیعه همواره الهام‌بخش مبارزات و قیام‌های استعمارستیز بوده است. بی‌گمان امید به پیروزی در فرهنگ تشیع، الهام گرفته از آیات قرآن و منابع دینی است.<sup>۴</sup> از جمله اهداف مهم و نتایج بسیار خطرناک اقدام استعمارگران در ایجاد باییت و

۱. رک: نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۲۴، ۲۰۸ و ۲۳۵.

۲. بهائیان، ص ۶۱۸.

۳. در این باره رک: عصر بی خبری، ص ۱۸۰-۲۳۳.

۴. قصص، آیه ۵. «قُرَيْدٌ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

بهائیت و حمایت از آن، مخدوش کردن امید به آینده و مهدویت بود. آنان با مطرح کردن، معرفی و حمایت از جریان باب و بهائیت، در اندیشه فریفتن شیعیان بودند تا شیعه پس از اعدام باب، گمان کند که امام منتظر را اعدام کرده و امید شیعه محقق و دوره‌ای جدید از تاریخ شروع گردیده است. با این ترفند آرمان‌گرایی از بین می‌رفت و امیدها قطع و انگیزه و انتظار از فرهنگ شیعه حذف می‌شد؛ آنها درصدد بودند تا بدین وسیله فرهنگ انتظار و امید را از جامعه شیعه ریشه‌کن نمایند؛ چنان‌که از عراق به‌عنوان کانون بزرگ شیعی، این فتنه را آغاز و پی‌ریزی نمودند<sup>۱</sup> و در ایران و سرزمین‌های شیعه‌نشین، این مسئله را پی گرفتند.

#### ۴. وهن جایگاه مرجعیت

از طرفی، آنها درصدد تخریب قدرت مرجعیت نیز بودند. آنان بیرق شیخیه را برافراشته و با طرح مسائلی مانند رکن رابع، آن قسمت از اندیشه مهدویت و انتظار که بنا بر آن، فقهای شیعه، نایبان عام معرفی شده و در دوران غیبت به‌عنوان پناهگاه مردم به‌شمار می‌آمدند و از سوی امام‌زمان راه نجات از بحران‌ها و حوادث معرفی شده بودند،<sup>۲</sup> هدف تیرهای زهرآگین استعماری خود قرار دادند. آنان چون قدرت نفوذ علما و فقهای شیعه را که در جنگ‌های دوره قاجار با فتوای شورانگیز دینی مردم را به جهاد علیه کفار تحریک می‌کردند؛ دیده و درک کرده بودند،<sup>۳</sup> از این رو دلخوشی از این نیروی معنوی بزرگ نداشتند، لذا با ترویج اندیشه‌هایی چون شیخیه، تخریب مرجعیت را مد نظر داشتند، تا شیعه هرگز مرکز قدرت و محور اقتدار نداشته باشد و رویدادهایی مانند فتوای تحریم تنباکو که در مقابل غارتگری‌های آنها صادر شد، دیگر به وجود نیامده و رخ ندهد.<sup>۴</sup>

۱. تأسیس مکتب شیخیه در عراق بود.

۲. «أَمَّا الْوَعْدُ الْوَأَقِيَّةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا»، شیخ‌صدوق، اکمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص ۳۲۴.

۴. فرهنگ جامع تاریخ ایران؛ ج ۲، ص ۴۳۲.

## ۵. قداست‌زدایی از معارف و ارزش‌های دینی

از اهداف اساسی استعمارگران این بود که با ترویج کتاب‌های ساختگی، ارزش‌ها، معارف و منابع دینی از جمله قرآن-که نقشه راه زندگی انسان‌ها خصوصاً مسلمانان بود- پوچ و بی‌محتوا جلوه دهند.<sup>۱</sup> باب و جانشینان او با طرح ادعاهایی چون دریافت وحی و دارا بودن مقام نبوت و حتی الوهیت، به همه ارزش‌های الهام‌بخش اسلام و شیعه دست‌اندازی کردند. از جمله اقدامات آنان، برای کاستن از عظمت واقعه و شهدای کربلا، معادل‌سازی آن واقعه بود تا آن واقعه فراموش یا کم‌ارج شود.<sup>۲</sup> مطرح کردن مکانی در مقابل کعبه نیز از همین روی بود تا مراسم حج مسلمانان آسیب ببیند و فرهنگ حج مخدوش شود.

لبه تیز تهاجم استعمارگران، از مهدویت آغاز و به ادعای مقام الوهیت انجامید. آنان باب را «هیكل مقدّس» یاد کردند،<sup>۳</sup> توحید را به تمسخر می‌گرفتند و در پی آن بودند که این مطالب در سطح جامعه مرسوم شود.<sup>۴</sup> بهائیان تمام احکام فقهی حلال و حرام را به استهزا گرفتند و احکامی جدید را درافکندند که مخالف تمام ادیان و مذاهب به‌ویژه احکام اسلام و تشیع بود. به عقیده آنان، با آمدن دین جدید، تمام احکام دین اسلام نسخ می‌شود. به‌راستی اینان اگر ادعای نبوت دارند چرا به زبان قوم خود سخن نگفته و کتاب نوشته‌اند و به زبان عربی که زبان قرآن و پیامبر اسلام است کتاب‌های خود را می‌نویسند؟!<sup>۵</sup> باید از آنها که مدّعی دین جدید هستند و ادعای خدایی نیز می‌کنند، پرسید که چگونه دین اسلام و ادیان توحیدی پیش از اسلام از خدایی بی‌شریک سخن می‌گویند ولی

۱. رک: نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۴۲؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۹۰؛ رک: فتنه باب، ص ۱۳، آیاتی از زبان باب که مدّعی بود که آنها را خدا به او نازل کرده است و در برابر قرآن نقل نموده است، تا بدین‌وسیله جسارت به آیات قرآن در جامعه رایج و قباح این کارها برداشته شود و هر کس بتواند مدّعی وحی و... گردد.

۲. تاریخ جامع بهائیت، ص ۸۲ «ملاً حسین بشرویه لقب ساختگی سیدالشهدا داشت».

۳. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۵۵.

۴. سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۱۹.

۵. فتنه باب، ص ۹۹.

شما دینی آورده‌اید که خدایش نیز خودتان هستید؟ بنابراین، باید پذیرفت که دین ادعا شده، دینی ساخته از روی هوا و هوس بوده و عقل سلیم حکم می‌کند که باید از این دروغ بزرگ دست کشید و جدا شد.<sup>۱</sup>

#### ۶. توسعه ارضی و راه‌یابی به آب‌های آزاد

روس‌ها برای رسیدن به آرمان‌های دیرین و منافع اقتصادی و الحاق بخش‌هایی از خاک ایران به قلمرو خود، اقداماتی انجام داده و ناکام مانده بودند؛ از این رو طرحی نو ریختند و به آشوب‌های فرهنگی دست زدند، تا به آمال سیاسی و اقتصادی خود نایل شوند که تا حدودی در این جریان موفق شدند. آشوب‌های داخلی در ایران و کاستن از اقتدار حکومت مرکزی و از میان برداشتن رجال برجسته و ایجاد گسل‌های فرقه‌ای - طی جنگ‌هایی که منجر به انعقاد معاهداتی شد - منجر به جداشدن و تصرف بخش‌هایی از خاک ایران گردید<sup>۲</sup> و یکی از پیامدهای این تصرفات، رسیدن به آب‌های ایران بود.

#### نتیجه و درس عبرت

با توجه به گزارش‌های سفیر روس تزاری، دولت استعماری روس با ایجاد جنگ روانی در میان عوام و خواص، اقدام به آشوب فکری و اختلاف‌افکنی کرده بود تا به اهداف خود نائل شود. از این اقدامات دشمنان می‌توان چنین درس گرفت که هرگز با اختلاف‌افکنی دشمنان به خودی‌ها بدگمان نشویم و آنها را متهم به دشمنی با خود نکنیم. این حرکت دشمن‌پسند، به‌عنوان خودکشی و قلع‌و‌قمع دوستان است. پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از دوستان انقلاب با همین شیوه‌ها، از انقلاب دل زده شدند و به صف دشمنان رفته‌اند که باید از این ریزش‌ها جلوگیری شود تا دشمنان خشنود نشوند؛ به‌عنوان مثال برخی با غفلت و ناآگاهی با مسائل روبرو شده‌اند و با طرفداری از برخی جناح‌ها و احزاب، بسیاری را با اتهامات واهی، از جمع حامیان انقلاب اسلامی خارج کرده‌اند؛ اگر

۱. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۶۵-۲۶۷؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۳۰.

۲. عصر بی‌خبری، ص ۱۸۰.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مورد ملاحظه قرار گیرد، آن حضرات با دشمنان سرسخت دین و معاندین با نرمش برخورد می‌کردند. روش و رفتار مهرآمیز پیامبر صلی الله علیه و آله با برخی از بت‌پرستان، آنها را دلباخته آئین اسلام نمود. این روش‌های پیشوایان، بهترین الگوی عملی برای عموم مردم به‌ویژه مسئولان است. گفتگوهای مهربانانه و مشفقانه امام رضا علیه السلام با رهبران ادیان دیگر و مردم، بهترین الگو جهت مدارا با تمام یاران انقلاب و احزاب است. اختلافات حزبی و سلیقی، نباید به جایی منجر شود که دشمن بتواند از بین خانواده انقلاب، برای خود یارگیری و عضوگیری کند و جاسوس‌های خود را از بین خودی‌ها انتخاب کند. این برآیند و برخورد بسیار تأسف‌آور است. در دوره قاجار با توجه به وضع نابسامان اجتماعی، این رفتارها از سوی برخی بروز کرد که عده‌ای را که اصلاً بابی و بهائی نبودند، با اتهامات واهی، بهائی و باب معرفی کرده و با آنها قطع رابطه نمودند؛<sup>۱</sup> از جمله این افراد میرزا ابوالفضل گلپایگانی است، او که در سال ۱۲۹۰ در تهران دستگیر شده بود اعترافاتی داشته که بیانگر طرز برخوردی است که او را به ناچار به سوی بهائیت کشانده است. او در پاسخ به این سؤال که «با توجه به اقراری که داری، اینها باطل‌اند. پس به چه جهت با آنها معاشرت می‌کنی؟» گفته است: «اصل معاشرت بنده از روی اجبار بوده است برای حفظ نفس که ناچار یک طلبه فقیر با دو طایفه بزرگ نمی‌تواند معاندت کند ... به واسطه اینکه اهل اسلام و آشنایان سابق از معاشرت بنده اجتناب داشتند، ناچار با بعضی از طایفه بایه معاشر بودم. تاکنون که به همان حالت باقی هستم.» او درباره باییت عقیده داشت که، تردید ندارم که اینها باطل‌اند ... خدا لعنت کند رئیس و مرئوس آنها را (بایان و بهائیان را).<sup>۲</sup> عبدالحسین آیتی نیز از جمله افرادی بود که به‌خاطر تکفیر بی‌اساس برخی متعصبان مقدس‌نما، به جامعه بهائی نزدیک شده بود؛ او خود علت گرایش به این فرقه را برخورد نامناسبی که با او شده بود، می‌دانست و گرنه کسی که تحصیل کرده و از علمای بزرگ و

۱. رک: تاریخ جامع بهائیت، ص ۴۴۲.

۲. بهائی‌گری، ص ۵۰-۵۲.

فرزند محمدرضا مجتهد بوده است، چه عواملی سبب شده است که به سرنوشت بدی دچار و متهم به باییت یا بهائیت شود و سرانجام، آواره شهرها و کشورها باشد.<sup>۱</sup>

باید از سرگذشت این افراد، درس عبرت گرفت و راهکارهایی برای پرهیز از این دشمن تراشی داشت:

۱. علل پیدایش این حوادث باید مورد توجه قرار گیرد و درس عبرت دیگران گردد؛ چون امروز نیز کم نیستند افراد تحصیل کرده در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها که به انحراف کشیده و دشمن نظام اسلامی شده‌اند و علیه دین، تشیع، نظام و انقلاب یاوه‌سرایی می‌کنند.

۲. درس دیگری که می‌توان از آن گرفت، این است که نباید هرکس که باب گفتگو و یا معاشرت با گروهی را باز کرد، متهم به دل‌بستگی به آن گروه شود و حکم تکفیرش صادر و معاشرت با او تحریم گردد، تا او در بن‌بست قرار گرفته و از سر ناچاری به گروه‌های منحرف پناهنده شود.

۳. تهمت و افترا، قضاوت ناصحیح و عجولانه و تجسس‌های بی‌مورد درباره اسرار افراد، از نظر منطبق قرآن محکوم و مردود است؛<sup>۲</sup> چون پیامدهای ناروا و ناشایست اجتماعی داشته و احتمال دارد جان و آبروی کسی در معرض نابودی قرار بگیرد و با یک تهمت، حکم ارتداد کسی صادر و به اعدام محکوم شود؛ از این رو ضروری است که از قضاوت عجولانه درباره افراد به شدت پرهیز شود.

۴. جوانان برومند ایران‌زمین باید با توجه به این خودآگاهی تاریخی دریابند که نباید به راحتی فریفته فرقه‌های گمراهی چون بهائیت شوند که از آغاز پیدایش، سنگ نوکری بیگانگان را بر سینه زده‌اند. باید سطح شعور و آگاهی جوانان و توانایی علمی آنها تا جایی پیشرفت داشته باشد که از حیل‌ها و شبهات فکری و فرهنگی دشمنان مطلع شوند و از هویت و استقلال ملی و

۱. کشف الحیل، ص ۶۴۳-۶۴۵.

۲. حجرات، آیه ۱۲: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم مِّمَّا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ أُنْزِلَ فِي هَذِهِ آيَاتٍ لِّتَذَكَّرُوا إِنَّ اللَّهَ يُغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».

فرهنگی خود پاسداری نمایند و از دام توطئه‌گران جهان، خود را در امان نگاه دارند.

۵. با توجه به تأییدات و استنادات فراوان که در کتاب‌های دوره قاجار و بعد از آن نوشته شده است، تردیدی باقی نمی‌ماند که تشکیل فرقه‌های انحرافی بابت و بهائیت، از آغاز با حمایت و طرح‌های دولت روس شکل گرفته و امتیازات سیاسی و اقتصادی بی‌شماری برای آنها در ایران داشته است.

۶. تعامل خصمانه روس تزار، در تاریخ گذشته با ایران، سؤالات بسیاری را در ذهن تاریخی ملت ایران خصوصاً جوانان آگاه ایجاد می‌کند که چه دشمنی بین ملت مسلمان ایران با آنها بوده است که آنها جنایت و ظلم و خیانتی بزرگ را در ایران هدایت نموده‌اند؟ آیا این خیانت‌ها اکنون نیز ادامه دارد و دولت وقت روس با ظاهر دوستی، با مردم ایران دشمنی می‌کند؟ باید مسئولان، از گذشته نه‌چندان دور تاریخ ایران، درس عبرت بگیرند و به چنین دولت‌هایی اعتماد کامل نداشته باشند و در استقلال فرهنگی، اقتصادی و صنعتی کشور مدبرانه عمل کنند و به خودکفایی بیندیشند.

## انگلیس و بهائیت

انگلیس، کشوری است در سواحل شمال غربی اروپا؛ این کشور با دریای شمال، از شبه‌جزیره اسکاندیناوی و هلند و با کانال مانش، از فرانسه جدا می‌گردد؛ این کشور از دو جزیره اصلی تشکیل شده است، جزیره بزرگ، بریتانیای کبیر نامیده شده و شامل اسکاتلند، ولز و انگلیس است و دیگری جزیره ایرلند است که دریای ایرلند آن را از بریتانیا جدا کرده است. ایرلند شمالی، جمهوری ایرلند نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> تاریخ بریتانیا و امپراطوری آن بر مبنای استثمار و برده‌فروشی و توهین به کرامت انسان نهاده شده است.<sup>۲</sup> تجارب گذشته و صفحات تاریخ و

۱. مینا محمدی، جغرافیای کامل کشورهای جهان، ص ۱۴.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۰، ص ۷۶؛ طیّیّ عهدهنامه اوترشت (۱۷۱۳) انحصار تأمین برده‌های آفریقایی برای اسپانیا، اروپا و آمریکا به انگلیس داده شد. این برده‌ها در تولید محصولات چون برنج و

رویدادهای گذشته ایران، حاکی از دخالت‌های دولت استعمارگر انگلیس، در آشوب‌ها و اختلافات و فرقه‌گرایی‌ها است. پدیدهٔ صهیونیسم، بنیانی فکری است که از حلقوم انگلیس در عرصهٔ جهانی پدیدار گشته است. کشور اشغالگر و غاصبی که امروز در فلسطین، اسرائیل نامیده می‌شود، مدیون تلاش‌های تجزیه‌طلبانه انگلیس، در جهان اسلام، علیه امپراطوری عثمانی است. بی‌تردید اهدافی درازمدت در پشت‌پرده این معماری استعماری وجود داشته است.

### ۱. سلطه‌جویی انگلیسی‌ها در ایران

منافع و اهداف استراتژیک استعمار پیر در مناطقی نظیر هندوستان<sup>۱</sup> ایجاب می‌کرد که در ایران نیز نفوذ داشته باشند. آنها در این راستا چندین رقیب داشتند: رقبای اروپایی مثل فرانسه، رقبای آسیایی مثل عثمانی و روسیه که طعمه‌ای مثل ایران برای آنها بسیار شیرین‌تر و لذیذتر از آن بود که سهمی در آن نداشته باشند. عثمانی از نظر فرهنگی و ایدئولوژی با ایران اختلاف و نزاع دیرین داشت.<sup>۲</sup> دولت ایران، گاهی به جهت پیروزی در قبال عثمانی، از انگلیسی‌ها در عصر صفوی استمداد جسته<sup>۳</sup> و به مقاصد دست‌یافته بود. اهمیت ایران از جهات مختلف و تسلط به دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان، برای انگلیس بیشتر از هر جا بود. آنها به سواحل جنوبی ایران و آب‌های نیلگون خلیج فارس چشم دوخته بودند؛<sup>۴</sup> و از راه نفوذ کمپانی هندشرقی، همیشه در این منطقه دخالت می‌کردند.

توتون و... به زور به کارگرفته شدند. دسترنج آنها به تجار انگلیس رسید و آنها از این سودهای نامشروع، به تقویت دریاگردی و دریازدی می‌پرداختند و به مستعمرات و تصرفات فرانسه در آمریکا دست یازیده و به تدریج به سوی آسیا و کشورهای اسلام با همین مینا و ثروت‌طلبی راه یافتند.

۱. مهم‌ترین اهداف دیرین انگلیس، تجزیه قلمرو عثمانی و پیشگیری از گسترش آن در اروپا، سلطه در کشورهای اسلامی، توسعه مستعمرات، جلوگیری از هجوم رقبای خود به مستعمره آنها (هند) از خاک ایران و اهداف اقتصادی‌ای بود که در آینده خلیج فارس می‌دیدند.

۲. راجر سیبوری، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دورهٔ صفوی، ص ۹۶-۱۲۳.

۳. همان، ص ۱۲۰-۱۲۳.

۴. جورج کرزن می‌نویسد: «ما حافظ امنیت خلیج فارس هستیم، ولی روس‌ها دریای خزر را ناامن کرده‌اند و در آنجا ظلم و استبداد می‌نمایند.» ایران و قضیه ایرانی، ج ۲، ص ۵۵۴-۵۵۵.



انگلیسی‌ها از دورهٔ زندیه و افشاریه، مناطق جنوبی ایران را پایگاه آیندهٔ استراتژیک خود می‌دانستند و بارها از حاکمان زندیه می‌خواستند تا قلمرو کنسولی‌شان را از بندرها و سواحل جنوبی، به داخل ایران گسترش دهند، اما زمینه مساعد نبود.<sup>۱</sup> در دورهٔ قاجاریه تنش‌های داخلی و رقابت‌های شدید کشورهای غربی در افزایش مستعمرات، دولت استعماری انگلیس را بر آن داشت تا در این مناطق نیروی نظامی نیز داشته باشد که از حدّ تجاری تجاوز می‌کردند. از طرفی با تحریک حاکمان افغان، افغانستان را نیز دستخوش ناآرامی و طغیان کرده و زمینه‌های تجزیه را هرچه بهتر فراهم کردند. سرانجام به کمک نیروی نظامی، موفق شدند سال‌ها در این منطقه مستقر شده و افغانستان و قسمت‌های دیگری از خاک ایران را تجزیه کنند و به اهداف استراتژیک و اقتصادی شوم خود دست یابند، لذا برای سلطه کامل، لازم بود اهداف فرهنگی نیز داشته باشند.

انگلیسی‌ها با مطالعهٔ دقیقی که دربارهٔ همبستگی و علل انسجام فرهنگی ایرانیان داشتند، برنامه‌هایی برای گسستن آن در پیش گرفتند. اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران نیز مدنظر آنها بود تا براساس آن بستر تسلط بر ایران را فراهم سازند و به هر وجه ممکن، جهت کوتاه کردن دست روس‌ها از ایران تلاش نمایند.

امتیازات فراوان اقتصادی که انگلیسی‌ها از پادشاهان قاجاریه، خصوصاً در عهد ناصری از ایران گرفتند،<sup>۲</sup> مقاومت‌ها و مبارزات علمای شیعه و لغو برخی از امتیازات، از عوامل مهمی بود که آنها را برای تهاجم فرهنگی و نشانه گرفتن اصول و ارزش‌های بنیادی تشیع مصمم نمود. نفوذ آنها در عهد قاجار به اوج خود رسید، به گونه‌ای که توانستند رقبای دیگر را از گردونه رقابت بیرون کرده و از هر فرصتی استفاده ابزاری نمایند. از جریان مشروطیت، با سرکوب کردن و

۱. ایران در دورهٔ سلطنت قاجار، ص ۸۴-۸۳

۲. عصر بی‌خبری، ص ۲۳۶-۱۸۰

منحرف ساختن آن، به سود خود بهره بردند.<sup>۱</sup> سرانجام با نفوذ در بین نمایندگان مجلس مشروطه، حکومت قاجاریه را منقرض و حکومت کاملاً وابسته به خود را، در ایران حاکم نمودند و با تصویب قراردادی نظیر «۱۹۱۹»، توانستند ایران را از جمله مستعمرات خود به حساب آورند.<sup>۲</sup>

فتنه مذهبی و اجتماعی باییت در ایران که به آشوب فرهنگی و اجتماعی فراگیر منجر شد، از مناطق جنوبی مثل بوشهر و شیراز که پایگاه انگلیسی‌ها بود آغاز و به استان‌های اصفهان، مازندران، خراسان،<sup>۳</sup> مرکزی، زنجان، قزوین، آذربایجان و یزد کشیده شد<sup>۴</sup> که کاملاً به سود انگلیسی‌ها بود؛ از این رو پس از سرکوب باییت آنها علاوه بر حمایت‌های بسیار پنهانی از این فرقه، در شکل‌گیری و رونق بهائیت، رسماً سرمایه‌گذاری کردند.<sup>۵</sup>

تصرف مناطقی از خاک ایران، انگلیس را به حفظ مستعمره افسانه‌ای خود (هندوستان) حساس نمود و باعث شد که برای حفظ آن، نقشه تجزیه از شرق و تسلط بر جنوب را در سر پیروانند.<sup>۶</sup>

تا انقراض دولت قاجاریه، به‌ویژه دوره محمدعلی‌شاه، سیاست روس‌ها دخالت در امور داخلی ایران بود. حمایت از استبداد و وابستگان روسیه در به قدرت رسیدن و صدارت آنان، برکنار شدن صدراعظم‌هایی همچون امیرکبیر و قتل قائم‌مقام نیز، از مسائلی است که منافع روس‌ها را حفظ می‌کرد؛ لذا دست داشتن آنها در این قضایا روشن است.<sup>۷</sup> سرکوب علنی مشروطه و حمایت

۱. تاریخ سیاسی معاصر، ص ۱۰۸، ۱۳۳ و ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۴۳.

۳. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۳، ص ۱۰۱۰ و ۱۰۲۸.

۴. المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۶۳۲، ص ۶۳۵؛ ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۳، ص ۸۹-۹۷ و ۱۰۶۰، سلطنت علم و دولت فقر، ص ۲۷.

۵. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۲۳.

۶. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۳۴-۲۳۷.

۷. ابراهیم فاتقی، آشنایی با قائم مقام فراهانی بزرگ‌مرد تاریخ ایران، (نقل به تلخیص). خان ملک ساسانی، سیاست‌گران دوره قاجار، سیرجان کمپل (وزیر مختار انگلیس) با او اختلاف داشت. گاهی به مشاجره هم

آشکار از آشوب‌های فتنه بابت، سیاست روس‌ها بود تا از رقیب خود سبقت بگیرند.<sup>۱</sup> آنها در سایه آشوب برآمده از فتنه بابت و حمایت علنی از آن، عقاید مردم را هدف اصلی خود قرار دادند که در رأس آن تخریب و نابودی اندیشه مهدویت در ایران بود؛<sup>۲</sup> اندیشه‌ای که به شیعه برای مقاومت، پایداری و مبارزه امید می‌داد و تشیع را یک مکتب زنده سازش ناپذیر مطرح می‌کرد که با منافع استعمارگران در ستیز بود.

دولت بریتانیا برای آنکه در طرح‌های استعمارگرانه و پیگیری اهدافش، راهبردهای او در آینده علنی نشود روش محافظه‌کارانه و محرمانه‌ای را در پیش می‌گیرد. این روش، سیاست استعمارگر پیر است. سیاست دیگر انگلیس بردباری و صبر طولانی در چنین مسائلی جهت بهره‌گیری در آینده است. آنان در قضیه فرقه‌سازی‌ها، دست مرموزی در کشورهای اسلامی دارند و به این وسیله استقلال کشورهای اسلامی را از بین برده و بر آنها مسلط شده‌اند تا به غارت و استثمار منابع و ذخایر زیرزمینی و تخریب فرهنگشان بپردازند. وقتی به شبه قاره راه یافتند، در میان امت اسلام فرقه «قادیانیه» را به وجود آوردند. از همین‌روی، رهبر قادیانیه آشکارا از آنها تقدیر کرده و ملکه انگلستان را «ظل‌الله» دانسته است.<sup>۳</sup>

دولت انگلیس و روس گرچه در ظاهر باهم رقیب بودند، اما در خفا جهت دستیابی به اهداف مشترک، هماهنگ عمل می‌کرده‌اند، چنان‌که دالگورکی (سفیر و جاسوس روس) در اعترافات خود چنین می‌نویسد:

«... هنگامی که کشتی‌های انگلیس جزیره خارک را اشغال کردند و باعث

---

می‌کشید. او از قائم‌مقام به‌عنوان آفت و طاعون نام می‌برد و می‌گوید: «اما احمقانه تصور می‌کردیم که در جنگ استدلال، بر قائم‌مقام فائق می‌آییم». (نقل به تلخیص).

۱. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۰۳-۳۲۴.

۲. همان، ص ۱۲۱ و ۳۰۴.

۳. شیخ احمد قادیانی، روحانی خزائن، ج ۱۲، ص ۲۶۶. چنان‌که رهبران بابت و بهائیت از دولت روس تشکر می‌کنند. رک: بهائیان، ص ۶۳۲.

اختلافاتی در ایران شدند، روسیه هیچ مساعدتی از دولت ایران نکرد و دولت ایران با کمال یأس، مجبور به ترک فتوحات شد و بدون گرفتن هیچ نتیجه‌ای ارتش خود را از سرزمین افغان عقب راند و در طی این مذاکرات، بر من معلوم گشت که اکثر مسئولان ما، رابطه سرّی با دولت انگلیس دارند...<sup>۱</sup> و نیز معترف است که، «ما با بریتانیا در نابودی قائم مقام، یکدل بوده‌ایم. چون مصالح مشترک اقتضا می‌کرد که چنین سیاستی را در پیش گیریم».<sup>۲</sup>

از جمله منافع مشترک آنها، طمع به اراضی و مسائل اقتصادی بود. همان‌طور که انگلیس در هند، برای رسیدن به این مقصود، پس از کمپانی تجاری و دستیابی به امتیازات اقتصادی، به تدریج تمام آن کشور را مستعمره خود نمود<sup>۳</sup> از طریق افغانستان و مرزهای هند، در ایران اهداف استعماری خود را دنبال نمود. دیگر هدف مشترک آنان، تقسیم قلمرو امپراطوری عثمانی بود که به این هدف نیز دست یافتند. مدت‌ها کشورهای خاورمیانه، مستعمره این کشورها بودند و بعدها نیز دولت بریتانیا در دولت‌های این کشورها مداخله می‌کردند. اردن، عراق، مصر، سوریه، عربستان و... تحت استعمار کشورهای مثل انگلیس، فرانسه و روسیه بودند.

این دو قدرت استعماری به دلیل رقابت، برای دستیابی به منافع بیشتر و اهداف خاص خود، تلاش‌های جداگانه‌ای نیز انجام می‌دادند، لذا سیاست‌های استعماری خاص آنها، برای رسیدن به هدف‌های ویژه‌ای که در ایران داشتند، اقتضا می‌کرد تا علاوه بر نکات اشتراک، به مسائل ویژه خود نیز توجه کنند. برای مثال، معروف است که انگلیسی‌ها در جریان مشروطه از مشروطه‌خواهی حمایت و پشتیبانی می‌کردند، اما دولت روس مخالف بود و از برگشت استبداد

۱. خاطرات دالگورکی، ص ۴۵ و ۴۶.

۲. همان، ص ۳۰ و ۳۳.

۳. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۳۰۴.

و برگشت محمدعلی شاه حمایت جدی می‌کرد.<sup>۱</sup> منازعه بر سر تعیین حاکم بر ایران بین دو قدرت ادامه داشت، تا اینکه سرانجام انگلیس بر رقیبش پیشی گرفت و با همفکری بهائیان، حاکم مناسب مشخص شد و طی کودتایی به قدرت رسید.

وجه تفاوت اهداف و چهره استعماری و استکباری انگلیس با روس، وقتی روشن می‌شود که بابت پس از پایه‌ریزی در شکل و لباس دیگری به نام بهائیت استمرار می‌یابد و به‌طور علنی از حمایت‌های سیاسی و مالی انگلیس برخوردار می‌شود. انگلیس، مشروطه را منحرف کرد و با ایجاد زمینه‌های کودتا و به‌دست گرفتن امور مجلس ایران، دولت قاجاری را منقرض نمود و با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، ایران را به‌طور رسمی مستعمره خویش اعلام کرد<sup>۲</sup> و بخش‌هایی از این کشور را به تصرف خود درآورد. در جنوب کشور ایران و بنادر جنوبی و مناطق نفت‌خیز، جنگ به راه انداخت و به استخراج و غارت نفت ایران اقدام نمود.<sup>۳</sup>

## ۲. انگلیس و پیدایش بهائیت

اگرچه در جریان پیدایش باب، رد پای دولت انگلیس بسیار محرمانه بود، اما با سابقه‌ای که از انگلیسی‌ها در تاریخ و خصوصاً تاریخ ایران وجود دارد، نمی‌توان نقش آنها را پنهان داشت. براین‌اساس، استعمار پیر به سبب اهداف مشترک، با روسیه همکاری نزدیک داشته و مجری طرح‌های از پیش تهیه‌شده بوده و در حفظ منافع همدیگر کوشا بوده‌اند. در ادامه به برخی از شواهدی که نشان از نقش انگلیس در پیدایش بهائیت دارد، اشاره می‌شود:

۱. حمایت آشکار انگلیس از این فرقه پس از انشعاب، بهترین دلیل بر وجود دست‌های پنهان این استعمارگر در پیدایش بابت است؛ انگلیس از بهاء‌الله و افرادی چون عباس‌افندی، بعد از انشعاب، حمایت سرسخت نمود، تا جایی که

۱. تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۹۱؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۷، ص ۱۳۸۲-۱۳۸۷.

۲. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۷.

۳. عصر بی‌خبری، ص ۲۰۰.

آن شاخه از بابیت که میرزایحیی رهبری آن را به عهده داشت، به طور کلی متروک شد و نهال اصلی مورد توجه قرار گرفت، آنگاه شاخه‌های آن در فلسطین، عراق و نقاط دیگر بارور گردید. از این روند می‌توان نتیجه گرفت که اساساً انگلیسی‌ها این سناریوی از پیش تعیین شده را اداره می‌کرده‌اند؛ در این میان از دولت روس و عثمانی نیز به سود خود یا به سبب اهداف مشترک، استفاده ابزاری نموده‌اند. با توجه به گزارش‌ها و حمایت‌های آشکار<sup>۱</sup> سفیر روس و انگلیس از میرزا حسینعلی بهاء و برادرش، می‌توان گمان برد که انگلیسی‌ها و روس‌ها پیش‌تر با او مرتبط بوده‌اند؛<sup>۲</sup> از همین روی می‌توان گفت بهاء توسط دولت استعماری انگلیس، به طور کامل مورد حمایت واقع شد؛ از این رو بعید نیست که در همان موقع برای انگلیسی‌ها جاسوسی کرده باشد.<sup>۳</sup> سفیر روس خود معترف است که، سرجان ملکم، وزیر مختار انگلیس، تمام کارها، روابط و مسائل شخصی او را زمانی که در ایران بوده، می‌دانسته است.<sup>۴</sup> در کتاب‌های نوشته شده توسط خود بهائیان اسناد و مدارکی وجود دارد که نشان دهنده ارتباط سران بهائیت با انگلیس بوده و گویای این نکته است که بهائیت در پیدایش خود، مورد توجه و حمایت انگلیس بوده است؛ شوقی افندی در این زمینه می‌گوید: «کلنل سرآرنولد باروز کمبل که در آن اوان، سمت جنرال قونسولی دولت انگلستان را در بغداد حائز بود. چون علو مقامات حضرت بهاء الله را احساس نمود، شرحی دوستانه به ساحت انور، تقدیم و به طوری که هیکل اطهر، بنفسه الاقدس شهادت داده، قبول حمایت و تبعیت دولت متبوعه خویش را به محضر مبارک پیشنهاد نمود، و در تشرّف حضوری نیز متعهد گردید که هرگاه وجود اقدس، مایل به ارسال پیامی به "ملکه ویکتوریا" باشند، در

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۵.

۲. خاطرات دالگورکی، ص ۲۹.

۳. بهائیان، ص ۶۵۲-۶۵۳.

۴. همان، ص ۴۳.

مخابره آن، به دربار انگلستان اقدام نماید. حتی معروض داشت حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار وجه اقدام، به هندوستان یا هر نقطه دیگر- که مورد نظر مبارک باشد- تبدیل یابد.<sup>۱</sup>

۲. علی محمد باب، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، قبل از رفتن به عتبات، در بندر بوشهر به مدت پنج سال اقامت کرد و به تجارت مشغول شد. با توجه به سیاست انگلیس و شناختی که از آنها وجود دارد، گمان می‌رود که او در این مدت با انگلیسی‌ها مرتبط بوده و دوره‌های لازم را آموزش دیده است تا فرقه بابیت شکل بگیرد. باب پس از مراجعت از بندر، برای زیارت به عتبات عازم شد و پس از حضور کوتاه‌مدت در کلاس درس شیخیه و آشنایی با افکار آنها پس از مرگ رشتی که مورد توجه او بود، برای آغاز دعوت به طرف ایران آمد و از بندر بوشهر وارد شیراز شد.<sup>۲</sup> او از ترس جان خود و سرزنش اهالی شیراز و علمای آنجا، زیر چتر حمایتی روس‌ها و منوچهرخان گرجی، حاکم اصفهان (تبعه روس)، قرار گرفت.<sup>۳</sup> با تأمل در این قضایا، دست مرموز انگلیس نیز آشکار خواهد شد. آیا حضور علی محمد باب در بندر بوشهر، تصادفی بوده یا بر اساس برنامه‌های از پیش تعیین شده و به نقشه انگلیسی‌ها بوده است؛ که با همکاری روس‌ها فرقه‌ای را در میان شیعه برای ایجاد تفرقه به وجود آورده‌اند، تا بدین وسیله به آرزوهای اقتصادی و استعماری خود دست یابند. مطالبی که بعد از این می‌آید، قضیه را شفاف‌تر و چهره مرموز انگلیس را آشکارتر می‌کند.

۳. بر اساس مدارک، از جمله اولین کسانی که باب را دید و به او ایمان آورد، سیدبصیر هندی<sup>۴</sup> است، او که از اتباع هندی وابسته به کمپانی انگلیس بوده، از

---

۱. قرن بدیع، ص ۲۷۳.

۲. در این زمان جنوب ایران به‌ویژه بندر بوشهر محل حضور کمپانی‌های انگلیسی بود.

۳. فتنه باب، ص ۹۴-۹۵. تا منوچهرخان زنده بود کسی نتوانست بر باب دست یابد؛ همان، ص ۹۷.

۴. سیدبصیر هندی از پیروان فرقه روشنیه بود که در شبه قاره هند به‌وجود آمده بود و نام کتاب آنان «بیان» همانم کتاب باب بود. او از وابستگان کمپانی هند شرقی (متعلق به انگلستان) بود. او پس از باب از مدعیان جانشینی باب بود. ماهنامه گوهر، سال چهارم شماره ۷، مسلسل ۴۳، ص ۵۵۶.

باب مراقبت می کرده است.<sup>۱</sup>

۴. مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر می نویسد:

«پس از آنکه باب به بوشهر برگشت، عمّال زیرک هند و انگلیس، باب را در ایران برای رسیدن به اهداف سیاسی خود عَلم کردند و در ایمان آوردن مردم ساده لوح به او کمک نمودند و هواداران او را با پول‌هایی که از طرف عمّال کمپانی انگلیسی هند بود، مورد حمایت قرار دادند.<sup>۲</sup>

آنان با این پول‌ها عده‌ی فراوانی را به دور باب گرد آوردند که با توجه به فقر اقتصادی این دوره، مردم با دیدن این پول‌ها مرید باب شدند. انگلیسی‌ها در پشت صحنه از او حمایت نمودند، تا اینکه قضیه باب در تمام ایران منتشر شد و اکثر شهرهای ایران ناامن گشت. شورش مردم زنجان به رهبری ملامحمدعلی زنجانی، از شمار درگیری‌هایی بود که دولت مرکزی را ناتوان ساخت.<sup>۳</sup>

۵. به دنبال شورش بابیان زنجان به رهبری ملامحمدعلی، او نامه‌ای به سفیر انگلیس نوشته و درخواست می‌کند که با نفوذش در دولت ایران، حمایت دولت را از او در مقابل مخالفانش بطلبد.<sup>۴</sup> آیا ارتباط زنجانی با سفارت انگلیس بدون سابقه قبلی تصورشدنی است؟ در صورتی که سفیر روس، با آگاهی از این ارتباط، اظهار می‌کند که سفیر انگلیس، از مداخله در این مورد امتناع می‌نماید؛ امتناع انگلیس از مداخله برای خاموش شدن فتنه، بی‌هدف نمی‌تواند باشد:

«... رهبر آنان محمدعلی، به سفیر ترکیه (سمیع افندی) و همچنین به کلنل شیل (سفیر انگلیس در ایران) مراجعه و از او خواهش وساطت کرده است، لیک همکار انگلیسی من معتقد است که بعید به نظر می‌رسد دولت ایران حاضر بشود

۱. همان.

۲. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۰۰-۲۶۰.

۳. سلطنت علم و دولت فقر، ص ۲۷؛ ناسخ‌التواریخ قاجاریه، ج ۳، ص ۸۹؛ فتنه باب، ص ۴۹.

۴. بهائیان، ص ۲۱۴؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۳۶. در گزارش سفیر انگلیس به آرد، این نامه‌نگاری قید شده است. نامه‌ای از سن پائولو، ص ۲۲۶.



که دول خارجی در این مورد، به کمک این فرقه وارد مذاکره شوند...<sup>۱</sup>.  
از این روی گزارش شورش‌ها در شهرهای آشوب‌زده، کار انگلیس و روس بوده است، محمدعلی زنجانی با دشوار شدن وضع و مداخله قوای دولتی به وحشت افتاد و برای نجات خود دست به دامن آنها (استعمارگران) شد. از آنجا که این جنگ با دسیسه انگلیس و روس به راه افتاده بود، بی‌گمان با مداخله آنان دولت به صلح روی می‌آورد و آشوب‌ها فروکش می‌کرد، اما چون دستیابی به منافع آنان در سایه نامنی می‌بود تظاهر نمودند که دولت با دخالت ما حاضر به کناره‌گیری و صلح نخواهد شد و با این بهانه از میانجی‌گری خودداری کردند. با این تحلیل به خوبی روشن است که آنها بیشتر به جنگ و اختلاف و خون‌ریزی و برادرکشی مایل بودند تا ایجاد صلح و آشتی، بنابراین دست مرموز روس و انگلیس در پیدایش اساس باییت و استمرار آن (بهائیت) به شکل جدید، کاملاً نمایان و قطعی است، چون وقایع بعدی این مداخله را بیش از پیش آشکار می‌کند.<sup>۲</sup>

۶. بر اساس اسناد به دست آمده، سفیر انگلیس، وقایع شورش بایان، عقاید باییت و سیدعلی محمد باب را با دقت به لندن گزارش داده است. او با ارسال گزارش‌هایی، چنین پیش‌بینی کرده بود که اگر باب اعدام شود، باب‌های دیگری در راه خواهند بود.<sup>۳</sup> از گزارش‌های دقیق سفیر بریتانیا، چنین بر می‌آید که او دقیق‌تر از سفیر روس بوده و قضایا را از نزدیک پی می‌گرفته و از جلسات محاکمات باب در تبریز نیز اخباری به مرکز اعلام می‌کرده است.<sup>۴</sup>

۷. گزارش دیدار بهاء‌الله با کلنل سر آرنولد باروز کمبال، کنسول انگلیس در

۱. بهائیان، ص ۶۲۰؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۲۴-۳۲۵. حمایت‌های دولت انگلیس از بهائیت و پناه دادن به عبدالبهاء و حمایت از آنان در فلسطین و... هزاران دلیلی است که انگلیس از آغاز تشکیل باییت خبر داشته است که آنها از این دولت قدردانی و ثناگویی کرده‌اند.

۳. همان، ص ۳۳۱.

۴. همان.

بغداد که بهاءالله توسط او مورد لطف قرار گرفته، به‌خوبی گویای این مطلب است «... علو مقامات حضرت بهاءالله را احساس نمود شرحی دوستانه به ساحت انور تقدیم و به‌طوری که هیکل اطهر بنفسه الاقدس شهادت داده قبول حمایت متبوعه خویش را به محضر مبارک پیشنهاد نمود و در تشریف حضوری نیز متعهد گردید که هرگاه وجود اقدس مایل به ارسال پیامی به ملکه ویکتوریا باشند در مخابره آن به دربار انگلیس اقدام نمایند حتی معروض داشت حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار وجه قدم به هندوستان و یا هر نقطه دیگر که مورد نظر مبارک باشد تبدیل یابد».<sup>۱</sup> این سند که از آثار خود بهائیان ارائه می‌شود دقیقاً از ارتباط بهائیت با انگلیس پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که از ابتدای شروع بهائیت، دولت انگلیس از بهائیت حمایت کامل نموده است.

۸. دولت انگلیس نیز همچون دولت روس با اعدام باب مخالف بود.<sup>۲</sup> از گزارش سفیر انگلیس چنین بر می‌آید که دولت متبوعش کاملاً با اعدام و نابودی بایان زنجان و دیگر شهرها مخالف بوده است و در این مورد به امیرکبیر نامه‌ای نوشته بود تا او را از اعدام چهار تن از بایان زنجان منصرف کند. او کوشید تا در گزارش‌های خود اوضاع ایران را بسیار ناآرام و باییت را در اوج گسترش، نشان دهد. بزرگ‌نمایی این ماجرا و گزارش ترور شاه، توسط بایان نیز در بین گزارش‌های او به‌چشم می‌خورد.<sup>۳</sup>

۹. دولت انگلیس در به‌قدرت رسیدن خاندان پهلوی و به‌آشوب کشاندن ایران نقش اول را ایفا کرد و با حمایت از چهره‌های بابی و بهائی منافع خویش را در ایران پی‌گرفت، آنان را به قدرت رساند و تا جایی از آنها حمایت کرد که قلب سرزمین اسلامی (فلسطین)، پایگاه امنی برای آنها شود.<sup>۴</sup>

۱. قرن بدیع، ص ۲۷۳.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. همان، ص ۳۴۱.

۴. امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۲۸۲.

۱۰. در دوره حکومت پهلوی، بهائیان در ایران به مهم‌ترین سازمان سیاسی و فرهنگی تبدیل شده و در بسیاری از نهادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نفوذ کرده و مورد حمایت انگلیس بودند.<sup>۱</sup>

۱۱. عمال انگلیس، در حمایت از چهره‌های این فرقه منحرف، آنها را تا رسیدن به مراکز حساس و تصمیم‌گیرنده قدرت، برای حفظ منافع خویش در ایران حمایت کردند و افرادی چون هویدا، منصور و دیگر چهره‌های سیاسی حامی بهائیان را در پست‌های کلیدی قرار دادند.<sup>۲</sup>

۱۲. تشکیل فراماسون نیز، از فعالیت‌های انگلیسی‌ها برای جذب نخبگان و انحراف آنان و ایجاد فتنه در میان شیعه بود.<sup>۳</sup> این تشکیلات در تمام کشورهای جهان اسلام به‌راه افتاد، تا افکار را استثمار کنند؛<sup>۴</sup> بنابراین انگلیس سابقه‌ای جز استعمار و استثمار و غارت در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران ندارد.

۱۳. محققان و پژوهشگران بزرگ، به این حقیقت در آثار خود اذعان نموده‌اند.<sup>۵</sup> انگلیس، فراماسونری را نیز در راستای همان هدفی که در حمایت از شکل‌گیری بهائیت تعقیب می‌کرد، تأسیس نمود؛ ضربه‌زدن به روحانیت و مرجعیت شیعه، هدف اصلی انگلیس بود که با نقاب فراماسونی و بهائیت در پی آن بود.<sup>۶</sup>

### ۳. تعامل بهائیت با انگلیس

بی‌گمان دولت استعمارگر انگلیس، از جمله دولت‌هایی است که در نزد ملت‌ها از جایگاه منفوری برخوردار است؛ اذهان تاریخی ملت ایران و مبارزات تاریخی

---

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۸۴؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۰-۱۴۴.  
۲. در این باره رک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۷۲ و ج ۲، ص ۲-۳۷۰ و انشعاب در بهائیت، ص ۱۲۴-۱۶۷.  
۳. سیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۳، ص ۷، ۷۵-۷۹.  
۴. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۷۷.  
۵. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ج ۲، ص ۲۱۳.  
۶. نهضت امام خمینی، ج ۳، ص ۱۰۰.

نشان می‌دهد که چهرهٔ مثبتی از این دولت در نزد ملت ایران نیز وجود ندارد؛ جنایات و خیانت‌های این دولت در کشور ایران کم نیست. استمرار رفتار خائنه دولت استعماری انگلیس، هنوز نیز محسوس است؛ ملت ایران و منطقه، گرفتار دامنهٔ همان توطئه هستند. جدایی قسمت‌هایی از خاک ایران<sup>۱</sup> (افغانستان)، از نتایج دخالت‌های استعماری است که هنوز نیز آسیب‌های آن ملت مسلمان افغانستان را رنج می‌دهد. زمانی انگلیس و روس و مدتی نیز آمریکا و نوکران او مثل طالبان، امنیت این قسمت از خاک ایران را از بین بردند؛ بحرین جدا شده از پیکرهٔ ایران، در آتش توطئه‌ای می‌سوزد که انگلیس سال‌ها پیش تجزیهٔ آن را از ایران برنامه‌ریزی کرده است.

انگلیس و روس دو رقیب مهم، برای تسلط به ذخایر معدنی و منابع نفت ایران بودند<sup>۲</sup> و هر دو در تجزیهٔ خاک ایران نقش داشته، سبب شدند قسمت‌هایی از خاک ایران جدا شده و ضمیمه روسیه شود.<sup>۳</sup> برخی از این مناطق عبارتند از: منطقه قفقاز، گرجستان، ارمنستان، نخجوان، قره باغ<sup>۴</sup> و بخش‌هایی از بلوچستان ایران که توسط انگلیس از ایران بریده شد و مدت‌ها مستعمره انگلیس بود.<sup>۵</sup>

در پیدایش بهائیت و شکل‌گیری آن، دولت انگلیس علی‌رغم پنهان‌کاری‌های حساب شده و دقیق و با آگاهی، حمایت‌های آشکاری از این فرقه کرده است. اگر وقایع سال‌های وقوع جنگ‌های ایران و روس، جدایی بخش‌هایی از ایران و الحاق آن به روسیه، محاصره هرات و اشغال شهرهای جنوبی ایران توسط قوای انگلیس‌ها را مورد ملاحظه قرار دهیم، در خلال این سال‌ها و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی، جریانی به نام بابت از دل سرزمین‌های مورد اشغال انگلیس

۱. تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، (مجموعه مقالات) اسناد منتشر نشده از مسئله هرات و افغانستان، ص ۲۵۸.

۲. همان، کتاب پنجم، ایران و قدرت‌های بزرگ، ص ۴۳.

۳. ایران در دورهٔ سلطنت قاجار، ص ۱۰۸.

۴. همان، ص ۱۸۹-۱۰۹.

۵. همان، ص ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۷۷-۱۷۸.

(جنوب ایران) رویش می‌کند. در همان سال‌ها ادعاهای باب، شورش‌های بایان، شورش فرقه آقاخانیه (اسماعیلیه) و شورش فرقه نقشبندیه نیز در این میان با تحریک انگلیس صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> از این رویدادهای پیوسته، برمی‌آید که روس و انگلیس، در ایجاد بحران‌های اجتماعی و فرهنگی ایران دخالت‌های سرّی داشته و انگلیس در این شورش‌های فرقه‌ای دست داشته است. حمایت‌های سفرا و کنسول‌های دو دولت از این جریان‌ها، بهترین گواه خیانت‌پیشگی آنان به تاریخ ایران است.<sup>۲</sup>

سفیر روس درباره جاسوسی‌ها و پنهان‌کاری‌های انگلیسی‌ها چنین گفته است: «روزی سرجان ملکم، درخواست کرد تا با من و فرزندم «علی کنیاز» دیداری داشته باشد، تا با همدیگر قلیان بکشیم. معلوم شد که جناب سفیر انگلیس، یعنی سرجان ملکم، از تمام اوضاع سفارت روس باخبر است و حتی از کارهای شخصی و اوضاع داخلی من نیز باخبر است».<sup>۳</sup>

علاوه بر این دو دولت روس و انگلیس علی‌رغم رقابت بر سر ایران، به‌خاطر داشتن هدف مشترک با همدیگر، در برخی از مسائل مشورت و تبادل نظر و هم‌گرایی داشتند. با توجه به نقل سفیر روس، بر اساس قراردادی که بین دولت ایران و روس وجود داشت، روس‌ها متعهد بودند که در صورت اشغال مرزهای ایران و تصرف هرات، از ایران حمایت نظامی و دفاعی کنند؛ همچنین در اشغال جزیره خارک توسط کشتی‌های انگلیسی، روسیه هیچ مساعدتی بر اساس تعهد خود نکرد؛ از این رو ایران مجبور شد افغانستان را رها کند. او گفت: «در این مذاکرات بر من معلوم گشت، حداکثر مسئولان ما رابطه سرّی با دولت انگلیس دارند و اخبار سرّی را به او گزارش می‌دهند...».<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۵۰-۱۵۲.

۲. بهائیان، ص ۶۴۸.

۳. خاطرات دالگورکی، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۴۶۴۵.

دالگورکی سفیر و جاسوس روسی در ایران، این دو نفر (علی محمد و حسینعلی) را از طراحان و بنیان‌گذاران اولیه و اصلی بابیت می‌داند؛<sup>۱</sup> روس‌ها برای به‌ثمرنشدن علی محمد، به هر نوع نقشه و طرحی، دست می‌زدند تا کار علی محمد خوب پا بگیرد و صدای ظهور او به‌درستی در میان شیعه شهرت بیابد؛ پس از شهرت فراگیر در میان شیعه، نوبت به اجرای مراحل ایجاد آشوب بزرگ و تزلزل عقاید رسید. پس از این آشوب‌ها و اعلام اهداف باب و ادعای دروغین نبوت و نزول به اصطلاح - کتاب بیان، برای پایه‌های بهائیت، اعلام دین جدید و قیامت موعود در قرآن برنامه‌های دقیقی ریخته شد. این دو برادر، فعال‌ترین عناصری بودند که از طرف استعمارگران در میدان فتنه حمایت می‌شدند تا دین «بهائی» را در تمام جهان به‌گونه رسمی اعلان کنند و از حمایت آشکار استعمارگران برخوردار گردند.<sup>۲</sup>

بر اساس اظهارات بسیاری از روشنفکران تاریخ معاصر و پژوهشگران، ارتباط متقابل دولت استعماری و سران بهائیت غیرقابل انکار است: «... برخی از سران بهائی‌گری ... با بیگانگان استعمارگر در پیوند بوده و با اظهار علاقه به سیاست‌های انگلیس خود را هم‌نوا با آنان دانسته‌اند. عبداله‌اء (عباس‌افندی) نامه‌ای به زبان عربی به ملکه انگلیس نوشت و در آن نامه ضمن تبلیغ مذهب بهائی‌گری و یادآوری مطالبی دیگر، ملکه انگلیس را در دو مورد سخت ستود: «ما به‌دست آورده‌ایم که شما فروش غلامان و کنیزان را ممنوع ساخته‌اید، این همان چیزی است که خدا در «ظهور البدیع» امر فرموده است و نیز شنیده‌ایم که شما نظارت بر مشورت را به‌عهده عموم قرار داده‌اید، آفرین».<sup>۳</sup>

رهبران بهائی برای همسو کردن خود با جریانات سیاسی دنیا و افکار جهانی، جذب حمایت استعمارگران، روشنفکر جلوه‌دادن خود و جامع نشان‌دادن

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۵۵.

۲. خاطرات دالگورکی، ص ۴۵-۵۰.

۳. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۹۰.

مذهبان، با دموکراسی غربی و انگلیسی نیز هم‌نوا شده و آن را مورد تأیید قرار داده‌اند تا شاید بدین وسیله، جایی برای خود در دل‌های آلوده استعمارگران باز کنند. وقتی باب به دستور امیرکبیر اعدام شد، سفیر انگلیس، با تأسف این واقعه را گزارش و پیش‌بینی می‌کند که پس از اعدام باب، باب‌های دیگری در راهند.<sup>۱</sup> آیا منظور و پیش‌داوری او، حکایت از نمان آگاه آنها از ادامه باییت در شکل بهائیت نمی‌تواند باشد؟ آنچه واقع شده و تحلیل روند، نشان می‌دهد که دولت انگلیس و سفیر کهنه‌کار او از شکل‌گیری بهائیت کاملاً آگاه و برای آن برنامه‌ریزی داشته‌اند تا از این داستان، اهداف استعماری خود را پیگیری نمایند. ظهور مدعیان جانشینی باب و انشعاب باییت در شاخه‌های مختلف که محقق شد، پیشگویی سفیر، با واقعیت مطابق می‌نماید. این فرضیه، در صورتی قابل قبول است که سفیر از ادامه باییت در قالب و شکل بهائیت خبر داشته و برای آن برنامه‌ریزی نموده است و گرنه هیچ امری قابل پیش‌بینی نبوده است و با قطعیت نمی‌توان گفت که برای باب، جانشینان فراوانی در راه است. اعدام باب بر اساس منطق و عرف باید مورد عبرت دیگران باشد، نه اینکه عده‌ای پس از او، همچنان مدعی باشند؛ بنابراین بدون برنامه‌ریزی دقیق، نمی‌توان با این قطعیت، از تحقق مسئله‌ای در آینده، خبر داد. انگلیسی‌ها جاسوسان فراوانی جهت اطلاع از اوضاع، در تمام مناطق ایران داشتند. بعید نیست با توجه به ارادت حسینعلی به دولت انگلیس، ارتباط و جاسوسی او برای این دولت قابل اثبات باشد. از آن‌روی او مرکز نشر عقاید خود را در عکا و حيفا قرار داد؛ این مناطق که قبلاً از اعمار دولت عثمانی بود، با تضعیف قدرت عثمانی به‌دست انگلیسی‌ها افتاد و میرزا حسینعلی تحت قیومیت آنها در آمد و برای ملکه انگلیس دعا و الواح فراوانی از ساحت خود صادر کرد. حسینعلی بهاء از سال ۱۲۸۵ تبعید شد و تا سال ۱۳۰۹ در آنجا تحت حمایت انگلیسی‌ها زندگی می‌کرد و در این منطقه

حسّاس، کاخ و قصر و قبله و معبد برای آئین خود ساخت،<sup>۱</sup> برای خانواده‌اش زمین‌هایی خریده یا تصرف کرد، گندم برای ارتش انگلیسی تأمین نمود و خدمات شایسته‌ای به آنها انجام داد.<sup>۲</sup> آیا همه این فعالیت‌ها، بدون حمایت انگلیس بوده است؟ دولت انگلیس نیز به پاس قدردانی از وی، حمایت‌های مالی همه‌جانبه از آنها را عهده‌دار شد و درجه «سر» را به عبدالبهاء داد که بالاترین نشان لیاقت در دولت انگلیس بود.

جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی که در ایران و جهان اسلام به‌راه افتاد و منطقه خاورمیانه مبدل به مرکز آشوب‌ها و قیام‌ها گردید، گاهی علیه امپراطور عثمانی و گاهی علیه حضور دولت‌های استعماری بود. کشورهای اسلامی در آفریقا نیز جزء مستعمرات فرانسه و ایتالیا و... بود. با مطالعه و تأمل در این دوره از تاریخ جهان اسلام، می‌توان به سلطه‌گرایی استعمارگران، تسلط به قلمروی اسلامی با اشغال نظامی و ایجاد دولت دست‌نشانده و وابسته به غرب، پی برد. امروزه، بین کشورهای اسلامی مسائلی نظیر اختلافات مرزی (خاکی و آبی)، اختلاف در مورد مالکیت برخی جزایر در خلیج فارس و حتی بر سر نام خلیج فارس و حوزه دریای خزر بین کشورهای حاشیه آن، اختلاف‌های دائمی و منازعات مستمر و دنباله‌دار، پدیدار شده است که به آسانی پایان‌پذیر و قابل حل و فصل نیست.

از آنجا که ایران از نظر فرهنگی متمایز از کشورهای دیگر و برخوردار از حمایت علمای بزرگ شیعه و مرجعیت بود، کشوری غیرقابل نفوذ می‌نمود؛ از این رو آشوب‌ها در ایران، پس از فتنه باب و شروع بهائی‌گری با تشویق و حمایت روس، انگلیس و حتی فرانسه، رو به فزونی نهاد. وضع اقتصادی نیز در بحران قرار داشت. وضع بهداشت و فرهنگ نیز مناسب نبود و حتی شیوع

۱. جمال ابهی (نقطه اولی)، ص ۱۴۵.

۲. بهائیان ص ۶۷۰.



برخی از بیماری‌ها، امنیت کشور را مخدوش کرده بود.<sup>۱</sup> وقتی این مسائل با آینده ایران و رویدادهای بعدی در نظر گرفته شود و تقسیم ایران بین دولت روس و انگلیس در خلال این سال‌ها ملاحظه شود، به‌خوبی توطئه‌چینی مشترک دو قدرت استعمارگر در پیدایش بهائیت، آشکار می‌شود. چون دو قدرت در ایران در پی منافع مشترک بودند، برای رسیدن به این آرمان، طرح‌های هم‌گرایانه فراوان داشته و در این راستا از همدیگر حمایت کردند. اگر بابت و بهائیت را توطئه روس‌ها قلمداد کنیم، دست انگلیس نیز در این ماجرا، با همه پنهان‌کاری‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. اقدامات حمایتی که در آینده از سوی دولت انگلیس نسبت به بهائیت و سران بهائی دیده می‌شود، بسیار برجسته‌تر از حمایت‌های روس‌ها است. فرانسه که رقیب دیگر انگلیس در ایران بود و با هدف دست‌یازی به مستعمره بزرگ انگلیس (هند)، قصد نفوذ در منطقه را از طریق ایران داشت، چندان نتوانست توجه رهبران بهائی را به خود جلب کند؛ چرا که در شکل‌گیری و پیدایش آن هزینه‌ای را متحمل نشده بودند و از آنجا که بهائیان، انگلیس را ارباب خود می‌دانستند<sup>۲</sup> تبعیت از آنها را به همکاری با فرانسوی‌ها ترجیح دادند.<sup>۳</sup> رابطه بهائیان با امپریالیسم جهانی بیشتر از ارتباط با روس‌ها بود؛ بنابراین، بهتر دیدند که در دامن صهیونیسم پناه گیرند و از شیر استعماری تغذیه کرده و بالنده شوند، گرایش بهائیان به انگلیس و میوه دادن این درخت، در سایه انگلیسی‌ها و امپریالیسم بهترین دلیل بر پیوند دیرین بهائیت و صهیونیسم است؛ چون صهیونیسم زائیده اندیشه امپریالیسم است؛ علت غائی هر دو فکر، مقابله با اسلام است و دلیل پیدایش بهائیسیم در سایه امپریالیسم، حکایتگر این واقعیت است که مبنای بهائیت، برای رسیدن به آرمان‌های استعماری امپریالیسم جهانی بوده است. البته حمایت‌های روس‌ها نیز در

---

۱. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۵۵۳-۵۹۴.

۲. بهائیان، ص ۶۵۲.

۳. همان.

معماری بهائیت مؤثر بود، گرچه، اصل این نهال شوم، توسط انگلیسی‌ها کاشته شد و آب آن از سوی روس رسید و در خاکی (بستر اجتماعی ایران) که به‌خاطر سوء‌تدبیر سیاستمداران بایر بود، رشد کرد. همین نهال، در ایران جوانه زد، ریشه انداخت و نهال‌های فراوانی از آن روید که در کشورهای مختلف، این ویروس مسموم سرایت و به‌عنوان بهائیت کاشته شد و منتشر گردید و برای استعمارگران مدت‌ها میوه داده و خواهد داد. به گفته راین، بدین ترتیب بهائیت به‌تدریج به‌عنوان حربه مؤثر، در دست قدرت‌های سیاسی بزرگ افتاد که صفحات تاریخ کشورهای مختلف، نتایج و ثمرات وضع جدید را در سینه خود محفوظ داشته است.<sup>۱</sup> کلام مستشارالدوله در اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ به انگلیسی‌ها به‌خوبی گویای این مطلب است؛ او می‌گوید: «هر وقت خارجی‌ها یک خواب‌هایی برای اغفال مردم ایران می‌بینند، دستگاه دین‌سازی درست می‌شود».<sup>۲</sup>

پس از اینکه روسیه، با انقلاب کمونیستی روبرو و جنگ جهانی به سود دشمنان عثمانی پایان پذیرفت و قلمرو عثمانی بین کشورهای اروپایی تقسیم گردید و فلسطین و شامات و حیف و عکا از آن انگلیس شد، بهائیت به‌صورت رسمی، مورد حمایت انگلیس‌ها قرار گرفت.<sup>۳</sup> عبدالبهاء، فرزند میرزا حسینعلی، در برخی از نوشته‌هایش، سفارت انگلیس را دولت بهیه خواند، تا از این موقعیت بهره‌برد و ادعا کند: «... ای رهبران بزرگوار، رؤسای عادل و دادگستر قوم انگلیس! بدانید کلمه بهائیت مشتق از سفارت بهیه انگلیس است، نه از سفارت دولت بهیه روس، ...». او بدین ترتیب شناسنامه بهائیت را که پدرش به‌نام روس‌ها گرفته بود، تغییر داد و به‌نام انگلیسی‌ها ثبت کرد.<sup>۴</sup> شاید پدرش

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. فتنه باب، ص ۱۶۳.

۴. سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۹۰؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۲۳.

مأموریت داشت به روس منتسب باشد، ولی پسر مأمور شد هویت واقعی بهائیت را علنی کند و شناسنامه بهائیت را دقیقاً به نام سفارت انگلیس برگرداند. گزارشات موثق حکایت از آن دارد که بهائیان ساکن در حیفا و در رأس آنها شخص میرزا حسینعلی، سال‌ها نقش جاسوس چند جانبه را، عهده‌دار بودند.<sup>۱</sup> از طرفی ثناگوی عثمانی‌ها در حیفا بودند و سال‌هایی که در بغداد، ادرنه و شهرهای دیگر تابعه عثمانی مستقر بودند، موظف به چاپلوسی برای آنها بودند. از طرفی به تمجید و دعا برای دولت روس مداومت داشتند و از حمایت آنها نیز مدّت‌ها استفاده کردند. از طرفی برای فرانسه نیز جاسوسی می‌کردند و به‌طور قطع، در حیفا، جاسوسی انگلیسی‌ها را علیه دولت عثمانی عهده‌دار بودند. عثمانی‌ها پس از آنکه دقیقاً به نقش جاسوسی عباس‌افندی در قلمرو خاک عثمانی پی بردند و متوجه شدند که در خلال ایام بحرانی در اوج اختلافات سیاسی، وی جاسوس کامل انگلیس بوده است،<sup>۲</sup> بر آن شدند که او را اعدام نمایند. شوقی افندی چنین می‌گوید: «فرمانده کلّ قوای عثمانی، تصمیم گرفت عباس‌افندی را به جرم جاسوسی اعدام کند».<sup>۳</sup>

انگلیسی‌ها به همّت جاسوسان خود از جنس بهائی‌ها و با تحریک احساسات وطن‌پرستانه جوانان عرب و به‌وسیله سلاح‌هایی که در اختیار ملت‌های عرب قرار دادند، خیلی زود به آرمان دیرین خود که تسلّط بر خاورمیانه و مناطق نفت‌خیز آن بود، رسیدند. خوش‌خدمتی‌هایی که بهائیان به سرکردگی نوکر تمام‌عیار انگلیس (عبدالبهاء)، در فرآیند خلع‌ید عثمانی‌ها از کشورهای عربی انجام دادند، برای بهائیان نتیجه‌ای نه‌چندان دلچسب داشت، چون آنچه انگلیسی‌ها به او دادند، نشان لیاقت (سِر)، در واقع نشان نوکری حلقه‌به‌گوش

۱. بهائیان، ص ۶۵۱. همکاری میرزا حسینعلی بهاء با شعب سفارتخانه‌های روس، انگلیس و فرانسه در

ادرنه و ... .

۲. بهائیان، ص ۶۵۲.

۳. همان، ص ۶۶۹.

بودن، برای خدمت به استعمار بود. این نشان برای همیشه عنان اختیار او را به دست انگلیسی‌ها داد و از سویی حمایت‌های پنهانی انگلیس از بهائیت را آشکار کرد. سران بهائیت در راه وطن‌فروشی به آنها، به بهای اندک راضی شدند و عشق به وطن (ایران) و وفاداری به هویت اسلامی را به بهای کم‌ارزش فروختند. عبدالبهاء را نباید مقصّر اصلی دانست؛ چون کسی که با لقمه‌های استعماری بزرگ شده و پدرش میرزا حسینعلی او را با لقمه‌های حرام تربیت کرده است، غیر از نوکر مآبی، انتظار دیگری از چنین موجودی نیست، چون بر سر سفره استعمار و دشمن اسلام بزرگ شده است؛ از این روی او درباره ارباب خود، چنین ابراز رضایت می‌کند:

«از امت و دولت انگلیس راضی هستم. این آمدن من به اینجا، سبب اُلُفت بین ایران و انگلیس است. ارتباط تمام حاصل می‌شود. نتیجه به درجه‌ای می‌رسد که به‌زودی از افراد ایران جان خود را برای انگلیس فدا می‌کنند. همین انگلیس خود را برای ایران فدا می‌کند».<sup>۱</sup>

قسمت اول گفته‌های افندی درست است چرا که برخی از ایرانیان اسرائیلی تبار و صهیونیسم‌زده، همچون بهاء و نسل او و برخی از هم‌مسلمان آنها، به‌خاطر استعمار خود را فدا می‌کنند، ولی انگلیس به‌خاطر نفت ایران، بسیاری از مردم ایران را به خاک و خون کشیده و فرهنگ و هویت ایرانیان را هدف تیرهای خود قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

عبدالبهاء برای دولت استعمار پیر چنان اظهار وفاداری و دعاگویی می‌کند که گویی دولت انگلیس خدای این مدّعی خدایی است؛ «خدایا براستی سرپرده داد بر خاور و باختر این زمین پاک می‌بخش کوبیده شد؛ سپاس و درود می‌گوییم تو را، به رسیدن این فرمانروایی دادگر و فرمانداری چیره که نیروی خود را... خدایا کمک ده امپراطور بزرگ، ژورژ پنجم، پادشاه بزرگ انگلیس را به کامیابی‌های

۱. بهائیان، ص ۶۷۵.

۲. احمدعلی سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۷۷.

بجایش و پایدار کن سایه گسترده او را بر این کشور بزرگ...»<sup>۱</sup>  
این چاپلوس نامه عبدالبهاء، درست وقتی صادر شده است که نیروهای انگلیسی بر قوای عثمانی به خاطر خیانت اعراب غالب شد و حیفا و فلسطین از قلمرو عثمانی جدا گشت. فرماندهان نیروی انگلیسی به حضور او رفتند و او هیجان زده شد و در حق آنها چنین ثناگویی کرد، در حالی که اندکی پیش از این، به دولت عثمانی دعاگویی می کرد و برای جلب نظر آنها تظاهر به اسلام می نمود و در نمازها و مراسم مسلمانان حضور می یافت؛ حتی از دولت عثمانی نیز، تقدیر می نمود.<sup>۲</sup> «خدایا، خدایا، تو را به تأییدات غیبی و توفیقات صمدانی و فیوضات رحمانی خود که دولت عثمانی و خلافت محمدی را مؤید فرما و در زمین مستقر و مستدام دار»<sup>۳</sup> اما پس از منفی بودن نتیجه جنگ جهانی برای عثمانی، این دولت را به ابرهای تیره و متلاشی شده، تشبیه و از دولت انگلیس به عنوان نور راحت و آسایش و دولت عادلانه یاد می کند.<sup>۴</sup>

به راستی این تناقض و تعارضات به چه منظوری صورت می گیرد؟ در کدام مرام و مسلک و در کدام رهبر خردمند این نابخردی دیده می شود که هر روز در قبال رویدادها سیاستی متفاوت اتخاذ کند؟ اگر مسلک او دارای اصول ثابت و معیار بود، چه لزومی داشت که به تناسب حوادث جهان، با چرخش صد و هشتاد درجه، به دولت مردان اظهار چاپلوسی کند؟ در کدام دین آسمانی و در تاریخ کدام یک از پیامبران، چاپلوسی همچون بهاء، یافت می شود؟  
دولت انگلیس پس از تصرف حیفا، به فرمانده سپاه خود در فلسطین، دستور می دهد که با تمام توان و نیرو از عبدالبهاء (عباس افندی) و خانواده و دوستان او صیانت و حراست نماید.<sup>۵</sup>

۱. بهائی گری، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. بهائیان، ص ۶۵۶-۶۶۴-۶۶۵.

۳. همان، ص ۶۶۵؛ تاریخ جامع بهائیت، ص ۲۹۸ و ۳۰۱.

۴. همان، ص ۶۶۷-۶۶۸.

۵. بهائیان، ص ۶۶۹، خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری).

عباس افندی، دوستی بسیار نزدیکی با انگلیسی‌ها داشت. او برای خوش خدمتی، به نمایندگانش در ایران دستور می‌داد، بر اساس برنامه‌های ویژه، از سیاست‌های دولت انگلیس، تبعیت و در ترویج آنها کوشش نمایند. چنان‌که آیتی، تمام اسرار آنها را در این‌گونه تعاملات فاش کرد و چهره واقعی دو طرف را به روشنی در معرض قضاوت چشمان تیزبین، قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

سیاستمداران و سفیران انگلیس، در هر نقطه از جهان با بهائیان پیوند و ارتباط داشتند و از آنها برای نفوذ خود در دولت‌ها حمایت می‌کردند. رهبران بهائی، پیروان خود را از دخالت در سیاست بر حذر می‌کردند، ولی عملاً سران بهائیت در ایران و سایر نقاط، در امور سیاسی مشارکت داشتند و به تصدی پست‌های مهم فرهنگی و دولتی علاقه نشان می‌دادند و به مراتب بلند اجرایی، در کشورها دست می‌یافتند؛ وقتی به‌خاطر این تناقض گفتاری و رفتاری، در برابر این سؤال واقع می‌شدند که چرا دخالت می‌کنید؟ مگر در فرقه بهائیت، این امور نهی نشده است؟ آنها در پاسخ به دوستان خود اظهار می‌کردند، این عین سیاست انگلیسی‌هاست.<sup>۲</sup> از این روی روشن می‌شود که بهائیت هیچ اختیار و برنامه‌ای مستقل از خود نداشته، بلکه آینه تمام‌نمای سیاست‌های دولت استعماری در کشورهای اسلامی بودند؛ بهائیت با لباس جدایی از اسلام و آوردن مذهب جدیدی که قوانین اسلام و تمام ادیان گذشته را باطل اعلام می‌کرد و با رواج پوچ‌گرایی و ترویج نیهلسیم در میان جوانان مسلمان، نوعی جنگ روانی برای از بین بردن هویت دینی در جهان اسلام ایجاد کرد؛ به‌همین جهت بود که آنها، با رفتار خود به ترویج ارتباط‌های نامشروع جنسی و ضداخلاقی<sup>۳</sup> پرداخته و قوانین خودساخته‌ای درباره امور خانواده و احکام زناشویی و سایر مسائل

ص ۵۸-۵۵.

۱. بیان الحق، ص ۶۶-۶۷.

۲. همان، ص ۶۷.

۳. سیدعلی محمد باب، بیان عربی، ص ۳۵، مانند جواز استمنا.

مذهبی ارائه کردند<sup>۱</sup> تا بدین وسیله، تمام جوانان را در دوره‌ای که کشورهای اسلامی در اشغال استعمارگران بود، تخدیر و با اهداف استعماری همساز کنند؛ چنان‌که در پیام عبدالبهاء، نسبت به حضور انگلیس در فلسطین، این ذهنیت القا می‌شود که مسلمانان از ظلم نجات یافتند و به دولت عدالت گستر رسیدند.<sup>۲</sup>

#### ۴. گسترش بهائیت و استعمار پیر

همان‌گونه که استعمار پیر، در استقرار و تثبیت بهائیت نقش آفرید؛ برای ترویج بهائیت نیز برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های حساب شده داشت و در این راستا اقدامات اساسی انجام داده و می‌دهد؛<sup>۳</sup> چرا که هر میزان این فرقه توسعه و رواج یابد به سود امپریالیسم و به زیان اسلام است؛ هدف استعمار امپریالیسم، نابودی شیعه به قصد محو اسلام است، در حقیقت از مغز اسلام شروع کرده و به سوی پوسته اسلام (دیگر فرقه‌های اسلامی) در حرکت تدریجی هستند؛ در واقع برنامه آنها، از کار انداختن قلب اسلام و حیات آن بوده است؛ از این رو با ترویج بهائیت، این اندیشه را هنوز در سر دارند.

ارتباط و تعامل نزدیک و صمیمانه بهائیان با انگلیس پس از مرگ عبدالبهاء افندی، در زمان شوقی استمرار داشت و فعالیت‌های آنها، با حمایت انگلیس، به فراتر از مرزهای خاورمیانه رسید؛ انگلیسی‌ها به دنبال جایگزین کردن بهائیت یا مسیحیت به جای اسلام در کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی بودند؛ از این رو بهائیان با حمایت مالی انگلیس در آفریقا نیز، فعالیت‌های خود را آغاز کرده بودند و همسو با سیاست انگلیس فعالیت‌های خزنده فرهنگی و سیاسی گسترده انجام می‌دادند.<sup>۴</sup> مقامات عالی‌رتبه انگلیس، با حمایت از گسترش بهائیت و دادن آزادی کامل به آنها در لندن و ایجاد زمینه در کشورهایی که دولت‌مردان

۱. بیان فارسی، ص ۲۹۸، بیان عربی، ص ۳۷.

۲. بهائیان، ص ۶۷۳-۶۷۸.

۳. تاریخ جامع بهائیت، ص ۳۲۳.

۴. بهائیان، ص ۶۵۶، ۶۷۹، ۶۹۱؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۲۵۸.

انگلیسی در آنجا نفوذ داشتند، جهت تأسیس مراکز موسوم به «امرالهی» و محافل بهائی، کوتاهی نکردند؛ در این باره، سندهای ذیل قابل توجه است:

«مطلبی که بسیار اهمیت دارد، این است که جمع ارتباطات با مراجع امور آفریقا، باید از طریق انجمن آفریقای انگلستان صورت بگیرد و این مطلب بسیار مهم را باید مهاجرین و محافل ملیه (ملی)، در همه جا منظور داشته باشند».<sup>۱</sup>

«...به‌هر حال، ما از ذکر این نکته بسیار مشعوفیم که از اوّل کار لجنه آفریقا که با صراحت به مراجع رسمی حکومت، راجع به تبلیغ امرالله در آن قاره مذاکره کرده، نتایج مطلوبی گرفته است. درباره جواز ورودی مهاجرینی که کار یافته باشند و یا آنکه در صدد باشند که در آنجا کار آزاد و مشخصی بنمایند، می‌توانند به آسانی جواز ورود را به‌دست آورند و اگر هم مهاجری بخواهد از صندوق انجمن استفاده کند، می‌تواند اطلاع دهد تا انجمن، امور مربوطه را در نزد حکومت به انجام رساند».<sup>۲</sup>

از روش‌هایی که انگلیس، برای ترویج بهائیت در آفریقا به‌کار گرفت، تأسیس مدارس بود. بنای معابد بهائی در کامپالا (مرکز اوگاندا)، در دوره تسلط شدید انگلیس بر اوضاع آفریقا، به‌عنوان مشرق‌الاذکار، نیز نقش مهمی در ترویج و تبلیغ بهائیت در آفریقا داشت.<sup>۳</sup> هدف بریتانیا از این اقدامات، متوقف کردن رشد اسلام و تشیع و مبارزه با اسلام در آفریقا بود؛ با وجود اینکه اکثر مردم آفریقا، مسلمان بودند، ولی به‌علت محرومیت و فقر حاکم بر این مناطق، به محافل بهائی روی آوردند.

از جمله راه‌ها و ابزارهای حمایتی انگلیس، برای ترویج بهائیت، تأسیس مراکز تجاری بزرگ در نقاط مختلف جهان بود که توسط بهائیان اداره می‌شد. در این مراکز که گاهی در اختیار آنها قرار می‌گرفت، فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی نیز

۱. بهائیان، ص ۶۸۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۸۴؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۲۵۸؛ سایه روشن بهائیت، ص ۸۸۴.



وجود داشت. وجود چنین مراکزی علاوه بر تأمین نیازهای مادی حزب بهائی، وسیله و محفلی برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی، از راه تطمیع طبقات محروم و اقشار جوان در کشورهای مختلف بود.

روش دیگر، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و محافل بزرگ بهائی با حمایت و اقدامات انگلیس، در تمام نقاط اروپا، قاره آمریکا و آسیا، جهت ترویج و تحکیم پایه‌های بهائیت بود که با همدستی صهیونیسم‌ها و دیگر دشمنان اسلام انجام می‌گرفت.<sup>۱</sup>

ساختمان‌های بزرگی در حیفا و برخی از مناطق دنیا، توسط بهائیان، با حمایت‌های دولت استعماری و صهیونیست‌ها تأسیس می‌شد که در این بناها، از معماری و هنر، در جهت ترویج بهائیت استفاده می‌شد.<sup>۲</sup> بنای مشرق‌الاذکار و حظیرةالقدس در فلسطین اشغالی و در کوه کرمل، با حمایت صهیونیست‌های جهان و بهائیان و به‌ویژه با حمایت مالی دولت‌های انگلیس و آمریکا صورت می‌گرفت.<sup>۳</sup>

تبلیغ بهائیت در جراید و مطبوعات، به زبان‌های مختلف عبری، انگلیسی و فارسی و انتشار گسترده آثار آنها، از طرف دولت‌های استعماری، به‌منظور ترویج عقاید بهائیت با مقاصد از پیش تعیین شده، انجام می‌گرفت.<sup>۴</sup>

با توجه به اینکه فلسطین قلب جهان اسلام است و اولین قبله مسلمانان در آن قرار دارد، برای تمام مسلمانان حائز اهمیت است. در این منطقه پیروان چهار دین بزرگ سکونت داشتند که دارای جراید بودند و این جراید و مطبوعات، ناخودآگاه، اسباب ترویج این فرقه ضاله را فراهم می‌آوردند.

اسناد و مدارک مورد تأیید خود بهائیان حاکی از آن است که دولت انگلیس،

۱. بهائیان، ص ۶۸۳-۶۸۴.

۲. همان، ص ۷۱۵-۷۴۲.

۳. همان، ص ۷۲۶-۷۲۵؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۷.

۴. همان، ص ۲۰۸-۲۲۷، ص ۲۳۶-۲۳۸.

از دیرباز و از آغاز شکل‌گیری بهائیت در آن نقش داشته است؛ اگرچه تا مدت‌ها، این نقش آفرینی به صورت پنهانی و غیرقابل مشاهده بوده است؛ چرا که سیاست آنها چنین اقتضائات و راه‌گم‌کردن‌هایی را دارد. حال، باید پرسید که دولت مذکور، در این فرآیند چه نتیجه‌ای از پیدایش بهائیت می‌گرفت که تا این حد از این حزب حمایت می‌کرد؟ چه منافی برای دولت انگلیس وجود داشت که با استقرار بهائیت در حيفا و اعطای نشان لیاقت به رهبر بهائیان از آنها قدردانی کرد؟

هم‌زمان با استقرار بهائیان در حيفا تحت حمایت انگلیس، زمزمه‌های تشکیل دولت اسرائیل و اجتماع یهودیان در سرزمین مقدس فلسطین، شنیده می‌شود. بهائیان، در مناطقی از فلسطین پراکنده شده بودند و برای مسلمانان مشکلات فراوانی پدید آوردند؛ از طرفی یهودیان نیز از نقاط مختلف، به این نقطه فراخوان شدند؛ دولت استعمارگر انگلیس از هر دو جریان حمایت کامل می‌نمود و با برنامه‌های هدف‌دار، آنها را برای رسیدن به مقصد اصلی راهنمایی می‌کرد. بلافاصله پس از اعلان موجودیت کشوری به‌نام اسرائیل در قلب جهان اسلام و قبله‌گاه نخستین مسلمانان، بهائیان اولین حامیان و تأییدکنندگان این طرح بودند که همکاری خود را با صهیونیست‌ها، برای نابودی و اخراج ساکنان اصلی فلسطین و مسلمانان از این منطقه، آغاز کردند. بدین ترتیب، پیوند مثلث شوم در این منطقه، برعلیه جهان اسلام و مسلمانان، شکل گرفت.

##### ۵. بهائیسیم و صهیونیسیم، دست‌ساخته انگلیس

مشترکاتی که بین بهائیت و صهیونیسیم دیده می‌شود، کافی است که این دو بیش‌تر برخاسته از امپریالیسم را به مبانی و نقطه پیوند آغازین متصل کند؛ اگرچه در کنش‌های مختلف و اهداف غایی، مشترکات بارزتری دارند که هم‌گرایی آن دو را بیشتر نمایان می‌کند. مهم‌ترین هدف تعریف شده در پیش روی آنها، تخریب بنیان‌های پایدارکننده اندیشه تشیع است؛ مشترکات اقتصادی و سیاسی

آنان نیز بر اساس همین محور استوار است. در جلسات مشترکی که اینها داشتند، کلیمیان (یهودیان صهیونیسم) در کنار بهائیان، به عنوان قطب اقتصادی مطرح می‌شوند. مرکز بهائیت و صهیونیسم، در سرزمین فلسطین قرار گرفته است.<sup>۱</sup> عملاً این دو حزب، در پی تخریب چهره دو دین بزرگ اسلام و یهود بوده‌اند؛ دین موسی، انسان‌ها را دارای کرامت می‌داند؛ تقوا، زهد و توجه به آرمان‌های الهی، اساس یهودیت است؛ رفتار صهیونیسم جهانی، هرگز با روح این دین بزرگ الهی سازگاری ندارد؛ صهیونیسم اندیشه‌ای سرمایه‌داری بود که از طرفی برای سلطه بر خاورمیانه و منابع آن و از سوی دیگر، جهت ایجاد تنش بین پیروان ادیان بزرگ و فرقه‌ها و مذاهب اسلامی جعل شده است؛ پشتوانه فکری و طراح همه این تش‌ها، امپریالیسم و استعمار انگلیس است، چنانکه اعتراف دارند: «روابط حکومت (اسرائیل)، با حضرت ولی امرالله و هیئت بین‌المللی بهائی، دوستانه و صمیمانه است و در واقع جای بسی خوشوقتی است که راجع به شناسایی امر، در ارض اقدس، موفقیت‌هایی حاصل گردیده است...»<sup>۲</sup> اسناد و اظهاراتی درباره هم‌گرایی اسرائیل و بهائیت وجود دارد که از جمله آن، می‌توان به مقاله «بهائیت» اشاره کرد که در مجله‌ای فرانسوی به نام «زمین بازیافته» وابسته به صهیونیسم و اسرائیل (شماره ۲۲ مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۵۲) توسط یکی از نویسندگان یهود، چاپ و منتشر گردیده است؛ در این مقاله نویسنده به تطبیق اهداف یهودیان با عقاید بهائیان درخصوص پیدایش کشوری مقتدر به نام «اسرائیل» پرداخته و اظهار داشته است که حضرت بهاءالله، بشاراتی را اعلام نموده است که با بشارت ما در اصحاب دانیال، حزقیل، یرمیا و اسحاق مطابقت دارد و ایشان خود را موعود کل ملل می‌دانند. چنانچه در کتب مقدسه قبل، مذکور است. از جمله دقیقی که باید در یوم ظهور غصن، ظاهر گردد آن است که پرچم خدا، به وسیله تمام ملل، مرتفع خواهد شد و تمام

۱. جنبش مقاومت اسلامی حماس، فروش زمین، واقعیت یا شایعه، ص ۲۶۳۰.

۲. بهائیان، ص ۶۷۲.

مذاهب و ملل مختلفه در ظلّ لوای الهی قرار خواهند گرفت و غصن الهی را احاطه خواهند کرد. در آن روز، اختلافات و منازعات به کلی مرتفع خواهد شد و غصن الهی، ملت اسرائیل را به اراضی مقدسه می‌خواند و آنها را از شرق و غرب و شمال و جنوب به دور خود جمع می‌کند.<sup>۱</sup>

بهائیت در جهان اسلام، اندیشه‌ای همچون صهیونیسم غربی بود که کشورهای استعماری، آنها را برای ایجاد بحران‌های فکری، سیاسی و اقتصادی پی‌ریزی کردند. ماکسول، از رهبران بهائیت گفته است: «من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان (بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نمو نماید. در حقیقت باید گفت آینده بهائیت و اسرائیل، مثل زنجیر بهم متصل است».<sup>۲</sup> با این برنامه‌ریزی بود که مرکز حیات فعلی آن دو اندیشه، در قلب جهان اسلام خاورمیانه قرار گرفت. فلسطین از نظر جغرافیایی، بهترین منطقه از جهان اسلام است که استعمارگران، بهائیت و صهیونیسم را در آن بنا نهاده و گفته‌اند که اینجا مرکز چهار دین بزرگ است نه سه دین.<sup>۳</sup> بهائیت پس از ساخته شدن در کانون تشیع، برای استمرار حیات، در عکا و حیفا فلسطین مرکزیت یافت و شوقی اظهار کرد که فلسطین مرکز و زیارتگاه چهار دین بزرگ و عامل وحدت بین‌المللی است.<sup>۴</sup>

امام خمینی علیه السلام در مقابل استبداد طاغوت، به مبارزه برخاست؛ در حالی که رژیم پهلوی از هواداران بزرگ رژیم اشغالگر بود؛ امام در گفتار خود تصریح نمود که چرا شاه همواره بر سخن نگفتن از اسرائیل تأکید می‌ورزد! این بیان امام، اشاره به پیوند دو رژیم و حمایت‌های بی‌دریغ پهلوی از صهیونیسم بوده است. امام با هوشیاری، از پیوند بهائیت و صهیونیسم آگاه بود و خطاب به دولت گفت:

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۹.

۲. مجله اخبار امری، دی‌ماه ۱۳۴۰، ش ۱۰.

۳. انشعاب در بهائیت، ص ۱۷۰.

۴. همان.

«دولت، خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما را زیر دست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی در آورده‌اند پایمال ننماید».<sup>۱</sup> در سخنانی دیگر فرمود: «ما حاضر نیستیم استان‌های این کشور، تحت تصرف بهائی‌نماهای یهود درآید».<sup>۲</sup>

یکی از بهائی‌های توبه کرده و به‌دامن اهل‌بیت بازآمده، عامل اصلی برگشت خود از این فرقه را، تناقض‌گویی شدید بهائیان و رهبران آن یاد می‌کند و متذکر می‌شود که آنان، هرگز پیروان بهائیت را از نظر ایدئولوژیکی، قانع نمی‌کنند. این آئین، هرگز نتوانسته است، تشنگان حقایق را اقناع کند؛ چون اساساً مبنا و ریشه ندارد. آنان برای جذب جوانان به این کیش، ابتدا از طریق عشق مجازی وارد می‌شوند و آنان را اغفال می‌نمایند؛ آنگاه برای رهبران بهائیت، قداست ظاهری و دروغین ایجاد می‌کنند و جوانان را گمراه می‌کنند. او با مطالعه کتاب «جمال ابهی» و کتاب‌های فضل‌الله صبحی و عبدالحسین آیتی (آواره) که هر دو از بهائیت برگشته‌اند، به پوشالی بودن بهائیت پی برده است. خانم مهناز رئوفی، اظهار می‌دارد: «بهائیت منشأ سیاسی و کارکردهای استعماری دارد. اسرائیل، انگلیس و قدرت‌های استعماری دیگر، تشکیلات بهائیت را در ایران حمایت می‌کنند. اسرائیل با تمام توان از این فرقه انحرافی حمایت می‌نماید».<sup>۳</sup>

صبحی که از پیشگامان، مبلغان و پیروان سرسخت و منشی عبدالبهاء بود، درباره پیدایش و پیوند بهائیت با صهیونیسم، معتقد است که بیشتر بهائیان جهود (یهودی) هستند؛ از این رو حامیان سرسخت بهائیت که سیاهی‌لشکر شده و در ترویج این آئین از ثروت و چیزهای دیگر، مایه گذاشته‌اند، صهیونیست‌ها بوده‌اند؛ صهیونیستی که ساخته دست امپریالیسم است. با اجتماع صهیونیست‌ها در پیرامون بهائیان، برای آنان هیمنه و شکوهی حاصل شد که خود در ترویج کار آنان بسیار تأثیر گذاشت و برخی از افراد ساده‌دل را به بهائیت جذب و

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۱۱۰.

۳. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خبرنامه فرهنگی اجتماعی، مورخه ۸۶/۶/۲۲، ش ۹۴۹، ص ۳۰.

اغفال نمود. رژیم اشغالگر قدس، اولین حکومتی بود که مسلک بهائی را، به گونه جهانی، در اسرائیل به رسمیت شناخت.<sup>۱</sup> این وفاداری صهیونیسم‌ها، پاسخی در برابر استقبال و حمایت رهبر بهائیان (شوقی افندی) از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل در قلب جهان اسلام بود. عباس افندی، حکومت اسرائیل را از امور الهی و پیش‌بینی شده قلمداد کرده و بر حقانیت آن صحّه گذاشت. او به شورای بین‌المللی بهائیان که خود به وجود آورده است، سه وظیفه مهم را توصیه نموده است: اولین وظیفه پس از تأسیس دولت اسرائیل، برقراری روابط حسنه و دوستانه با اسرائیل است که آینده بهائیت را به آن مرتبط می‌کند.<sup>۲</sup> وی همچنین طی نقشه ده ساله خود، ضمن هدف بیست و چهارم، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه دولت‌های جهانی ترجیح می‌دهد و به بهائیان سفارش می‌کند که محافل روحانی بهائیان را تنها در اسرائیل و ارض اقدس و با توجه به قوانین این حکومت جدید، به وجود آورند؛ ولی در کشورهایی نظیر ایران، رعایت قوانین این کشورها را لازم نمی‌داند. نرمان نیویچ، دادستان وقت اسرائیل، در پاسخ وفاداری شوقی افندی، بهائیت را در ردیف سه دین مهم بزرگ جهان (یهود، مسیحیت و اسلام) قرار می‌دهد و فلسطین را مرکز چهار دین بزرگ می‌شمارد.<sup>۳</sup> از مشترکات و پیوندهای دیگر بهائیت و صهیونیسم، این است که هر دو در ترویج آئین خود با خشونت و تندی برخورد نمی‌کنند؛ مگر با اهل اسلام و شیعه. بهائیان با دیگر ملت‌ها، به نرمی برخورد کرده و از راه تزویر و تدلیس، به معرفی آئین خود اقدام می‌کنند، اما در برخورد با مسلمانان، علاوه بر تخریب ارزش‌های اسلامی و مقدسات، از تخریب، ترور و غارت اموال مسلمانان نیز دریغ نمی‌کنند؛ چنان‌که صهیونیست‌ها در اشغال و تخریب خانه‌ها و غارت و دزدی اموال مسلمانان در فلسطین و غارت و دزدی وسایل و آثار باستانی و

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۸-۱۷۱ به نقل از پیام پدر، ص ۲۲۴.

۲. مجله اخبار امری، سال ۱۳۲۹، ش ۸ و ۹.

۳. قرن بدیع، قسمت چهارم، ص ۱۶۲؛ انشعاب در بهائیت، ص ۱۷۰.

عتیقه دیگر کشورهای اسلامی، خصوصاً ایران، هیچ‌گونه کوتاهی نداشته‌اند. گفته شده است که صهیونیست‌ها، در دوران تاریک پهلوی و قاجار، در لباس و حرفه پیمانکاران و مهندسان راه، با شناسایی مراکز آثار تاریخی مهم مانند سلطانیه<sup>۱</sup>، زیویه<sup>۲</sup>، همدان، شیراز و... به غارت<sup>۳</sup> آثار تاریخی ایران اقدام کرده‌اند و آنها را جهت تشکیل دولت غاصب اسرائیل، به فلسطین فرستاده‌اند. در این راستا، از بهائیان ایران و سایر کشورها نیز خواسته‌اند که در آینده، ثروت‌های کلان و زمین‌های مرغوب را تصرف کنند و از این راه، بر تسلط خود در جهان اسلام بیفزایند؛ این درسی است که آنها از استعمار پیر آموخته‌اند؛ تدفین رهبران بهائی در سرزمین‌های در تصرف دولت غاصب اسرائیل، دیگر سرنخی برای برداشتن

۱. گنبد سلطانیه، مقبره آلجایتو است که در ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ در شهر سلطانیه زنجان (پایتخت ایلیخانیان) ساخته شد و از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌رود.
۲. زیویه، یکی از بخش‌های شهرستان سفز در استان کردستان در غرب ایران است. ر.ک: محمدحسن گنجی، اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران.
۳. ایرج وامقی، گنجینه غارت شده، شماره ۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۶۴. در میان غارتگران آثار، نام این افراد به چشم می‌خورد: ۱. مهندس محسن فروغی فرزند محمدعلی فروغی ذکالملك، یهودی نومسلمان، دست‌اندرکار قاچاق عتیقه‌جات ایرانی ۲. ایوب ربنو، غارتگر میراث باستانی ایران در طی ده‌ها سال ۳. شکرالله حی، مهدی محبوبیان، از صهیونیست‌های مشاور دفتر فرح ۴. اشرف پهلوی و پسرش شهرام پهلوی نیا، این دو از درون دربار، باند بین‌المللی غارت آثار باستانی را هدایت و رهبری می‌کردند. در دوران پهلوی، دست صهیونیست‌ها در غارت آثار باستانی ایران باز بود و آنان در این خیانت بزرگ به ملت ایران سهمی داشتند. ابتدا صهیونیست‌های فرانسوی همچون «آندره گدار» رسماً هدایت این امر را در ایران به‌عهده گرفتند. رشید کیخسروی درباره باند ایوب ربنو مشاور امور عتیقه فرح پهلوی— و اقدامات ویرانگرانه او می‌نویسد: باند مافیایی و مخوف ایوب ربنو مانند غده سرطانی به جان آثار باستانی ما افتاد و بالغ بر پنجاه سال شیره‌جان این ملت زجرکشیده را مکیده و هیچ اثری را از تعرض خود مصون نداشت و نوک کلنگ این باند به تمامی آثار باستانی ما فرو رفت... مدارک موجود نشان می‌دهد که باند صهیونیستی ایوب ربنو روزانه با استفاده از حداقل ۱۵۰۰ نفر کارگر و کلیه تجهیزات و امکانات حفاری و با نظارت صوری و ظاهری وزارت فرهنگ وقت، سالهای متمادی و مستمر در تخت جمشید و مرودشت، شهرری، گنبدکاووس و ترکمن صحرا و سیلک کاشان، زیویه کردستان، ... و بیشتر قبور متبرکه حفاری نموده و آنچه را یافته است به موزه‌های خارج و اندکی از آن را به موزه ایران باستان فروخته است و در سال‌های بعد از ۱۳۴۶ که کلیه حفاری‌های تجاری ممنوع بوده و تحت هیچ شرایطی دولت مجاز به صدور جواز حفاری تجاری نبود اما باند صهیونیستی ایوب ربنو همچنان به حفاری‌های تجارتی اشتغال داشته و از تعقیب و مجازات و بازخواست مصون بوده است.» عصر بی‌خبری، ص ۱۲- ماهنامه گزارش تاریخ، ش ۱۶۷.

پرده، از پیوند مبنایی این دو فرقه است. ترور و جاسوسی بر ضد شخصیت‌های اسلامی، جهان اسلام و نظام جمهوری اسلامی نیز، از دیگر ویژگی‌های پیونددهنده صهیون‌ها و بهائی‌ها به‌شمار می‌رود. جاسوسان اسرائیل، در کشورهای مختلف با ایجاد تنش و ترور، آنها را به نظام اسلامی نسبت می‌دهند و در تخریب وجهه نظام اسلامی در سطح بین‌الملل می‌کوشند؛ بهائیان نیز، بیشتر چهره جاسوسی دارند و بدون اظهار مرام خود، جاسوسی می‌کنند؛ شخص میرزااحسینعلی نوری و عبدالبهاء، سال‌ها جاسوس انگلیس و روس بوده‌اند<sup>۱</sup> و در ایران، به خیانت به وطن معروفند؛ از دیگر مصادیق پیوند آنان، می‌توان به حمایت آنها از گروه‌های ضداسلامی اشاره کرد که هرچا گروهی به مخالفت از جهان اسلام شکل گرفت، مورد حمایت این دو فرقه قرار دارد و این نکته خود نشانگر دشمنی سرسخت آنان با مسلمانان است.<sup>۲</sup>

از آنجا که صهیونیسم و بهائیت، بر اساس طرحی از پیش تعیین شده، توسط امپریالیسم شکل گرفته‌اند؛ پیوند ایدئولوژیکی آن دو بسیار مستحکم است؛ بهائیت بر بنیان اندیشه‌های پوسیده و خرافاتی بابت که دست‌ساخته استعمارگران بود جهت رسیدن به اهدافی، بنیان نهاده شد.<sup>۳</sup>

برخی از مولفه‌هایی که نمایانگر هم‌گرایی است، عبارتند از:

۱. ایجاد اختلاف جغرافیایی و ادعای سرزمینی: صهیونیسم‌ها در ایران، حجاز و مناطق دیگر خاورمیانه، ادعای سرزمینی دارند. بهائیان نیز چون آنان، در برخی از شهرهای ایران مثل شیراز و... ادعاهایی دارند و آن را ارض اقدس و... می‌نامند. افکاری چون تجزیه ایران و ایجاد کشور بزرگی به نام آذربایجان، کردستان در خاورمیانه و... نیز، از جمله مسائلی است که به آن دامن می‌زنند.

۱. بهائیان، ص ۶۶۹.

۲. انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۸.

۳. رجال ایران، ص ۴۳۴؛ رک: خاطرات کیناز دالگورکی، بنابر اعتراف او آنها از سفارت روس، حقوق و مستمری ماهانه داشتند. فتنه باب، ص ۱۵۵، ص ۱۵۶.



۲. ایجاد تزلزل در عقاید و مبانی تشیع.
  ۳. ضربه زدن به مرجعیت شیعه.
  ۴. غارت ثروت‌های منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی.
  ۵. از بین بردن اندیشه موعودگرایی در تشیع و جهان اسلام و مخدوش کردن باورهای شیعه اثنا عشری، از جمله امامت.
  ۶. محو و نابودی ارزش‌های اسلام و خرافاتی جلوه‌دادن احکام دین و کتاب‌های آسمانی.
  ۷. ایجاد درگیری میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف؛ در ایران بین مسلمانان، زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان؛ در هندوستان بین هندوها، سیک‌ها و مسلمانان؛ در چین بین بودائیان و مسلمانان؛ در آفریقا بین مسلمان و مسیحیان؛ در مصر بین قبطیان، اعراب و مسلمانان؛ در جوامع اسلامی تحریک وهابیان جهت درگیری با همه مسلمانان (شیعه و سنی)، در پاکستان و افغانستان ایجاد نزاع فرقه‌ای شدید بین اهل اسلام.
  ۸. ایجاد تنش‌های نژادی و قومی مانند عرب، فارس، تُرک، گُرد، بلوچ، اقلیت‌های مذهبی کشورهای اسلامی و ...
- این راهبردهای جدید گروه‌های امپریالیسم جهانی، آنان را در سایه چتری واحد، گردآورده است که همواره در رسیدن به این آرمان‌ها در حال توطئه‌چینی هستند؛ بهائیت، مورد توجه ویژه و از مشترکات اعضای جامعه جهانی امپریالیسم است که با صهیونیسم، هم‌پیمانی دیرین و عمیق دارد.<sup>۱</sup>

## فرانسه و بهائیت

کشور فرانسه، یکی از کشورهای اروپای مرکزی است که در درون خود، تجارب انقلابی مهمی دارد؛ از آن رو به کشوری انقلابی معروف است که

انقلاب آنان، اندیشه‌های رهبران و نظریه‌پردازان و شخصیت‌های علمی آن مانند رسو<sup>۱</sup> و... در انقلاب‌های دیگر جهان، تأثیر داشته است؛ فرانسه، از جمله کشورهایی است که پس از، به اصطلاح رنسانس علمی<sup>۲</sup> در غرب و انقلاب بزرگی که در آن علیه فئودالیت (نظام ارباب رعیتی) روی داد، مردم توانستند در امور سیاسی، نقش آفرین بوده و در تحولات اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند؛ پس از انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی، با تلاش برای مقابله با رشد اسلام از نظر جغرافیایی که غرب را در می‌نوردید، به فکر مقابله افتادند و اندیشه‌ها و نظرات مختلفی را برای ایجاد سد در مقابل اسلام، اندیشیدند. اسلام در آغاز راه، به دروازه اروپای مرکزی که فرانسه بود، رسید؛ مورخان غیرمسلمان نوشته‌اند اگر سپاه عبدالرحمان غافقی، در جنگ پواتیه<sup>۳</sup> پیروز می‌شد، اسلام تمام اروپا را فرا می‌گرفت و سرزمین اروپا، زیر پرچم اسلام در می‌آمد. مورخان، از شارل مارتل، به خاطر شجاعتی که در مقابل مسلمانان از خود نشان داد و مانع فتح کامل فرانسه و اروپا شد، ستایش بی‌حد و حصر نموده و او را به‌عنوان اسطوره و قهرمان ستوده‌اند؛<sup>۴</sup> گوستاولوبون نوشته است: مسلمانان بعد از فتح اندلس، چندین بار به فرانسه حمله بردند و نصف این کشور به تصرف سپاه اسلام درآمد، اما مسلمانان

۱. ر.ک: تاریخ تمدن؛ ج ۱۰، رسو و انقلاب.

۲. به نظر نویسنده، اصطلاح رنسانس، در کشورهای اروپایی، به منظور سرپوش گذاشتن بر تأثیر تمدن اسلامی در تمدن غرب، جعل گردیده است. به گمان آنها انقلاب صنعتی غرب، حاصل برگشت به تمدن‌های غربی و اندیشه و افکار دانشمندان غرب (دانشمندان روم و یونان باستان) است. این مسئله، با دو رویکرد صورت گرفت و دو هدف دارد: ۱. انکار تأثیر تمدن و علوم اسلامی و اندیشه و آثار دانشمندان بزرگ اسلامی همچون ابن سینا، فارابی، کندی و... بر تمدن غرب ۲. اسلام‌ستیزی و القای آن به فکر و اندیشه دانشمندان اسلامی مانند ایرانیان که از اسلام دست بردارند و به باستان‌گرایی بپردازند تا مثل غرب، به توسعه و رشد صنعتی برسند.

۳. پواتیه (Poitiers) نام شهری است بر کرانه رود کلن و در غرب کشور فرانسه؛ پواتیه مرکز ناحیه پواتوشارنت و بخش وین است که جنگی تاریخی در سال ۱۱۴ هجری بین مسلمانان و اروپایی‌ها در این منطقه روی داد.

۴. شکیب ارسلان، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ص ۴۰.

تنها، اردوی سپاه خود را در آن کشور، مستقر نمودند.<sup>۱</sup> مورخان فرانسه، شکست نبرد تور<sup>۲</sup> را، عامل مهم نجات اروپا و مسیحیت از دست مسلمانان نامیده‌اند. بی‌گمان، فرانسه منطقه استراتژیک اروپا بود و باب فتح تمام اروپا محسوب می‌گردید. مسلمانان، پس از فتح مناطقی از فرانسه، در آن حکومت کردند و مناطقی چون پروونس،<sup>۳</sup> دوفینه، پی‌مون، ساوای<sup>۴</sup> و سوئیس، محل استقرار مسلمانان بود و حاکمیت اسلام، در مناطقی از جنوب فرانسه، مستقر بود. سیاست‌های دینی که مسلمانان در اروپا اجرا کردند، در گزارش‌های مورخان آمده که حاکی از استیلاي مسلمانان، بر بخش‌هایی از فرانسه است.<sup>۵</sup> مسلمانان در فرانسه به زراعت و کشاورزی نیز پرداختند و آثاری از تمدن مسلمانان، در فرانسه و مناطق دیگر اروپا، غیر از اسپانیا، برجای مانده است.<sup>۶</sup> از این‌روی، ندای اسلام در اروپا، از دروازه‌های فرانسه به‌گوش اروپای مرکزی رسید و صدای سُم اسپان فاتحان مسلمان، در قرن هشت و بعد از آن در عصر اقتدار عثمانی، آنان را به هراس و اندیشه رویارویی با اسلام و مسلمانان انداخت. اروپائیان، پس از انقراض عثمانی، برای تقسیم و تصرف قلمرو امپراطوری عثمانی و کشورهای اسلامی اقدام کرده و کشورهای اسلامی، بین فاتحان جنگ جهانی، مانند پرتغال، ایتالیا، انگلیس، فرانسه، آلمان و... تقسیم شد. در دوره ناپلئون، کشورهای زیادی مانند الجزایر در آفریقا، سوریه، لبنان و مصر در خاورمیانه به تصرف فرانسویان درآمد و

۱. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۳۹۰-۳۹۵.

۲. نبرد تور (Battle of Tours)، یا معركة بلاط الشهداء، جنگی است که در ناحیه‌ای میان شهرهای پواتیه و تور در شمال مرکزی فرانسه روی داده است. در این جنگ از یک سو نیروهای فرانک به رهبری شارل مارتل و در سوی دیگر نیروهای خلیفه اموی به فرماندهی عبدالرحمن غافقی بود. فرانک‌ها در این جنگ پیروز شده و غافقی کشته شد.

3. Provence.

4. Savoie.

۵. تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۶. همان، ص ۳۰۳.

مستعمره آنان شد. ناپلئون به فکر گستردن مستعمرات خود در شبه‌قاره، از طریق ایران بود؛ از این روی رقابت بین انگلیس و فرانسه، آغاز شد این دو کشور، از دیرباز در جنگ‌های هفت ساله<sup>۱</sup> اروپا، با یکدیگر، اختلاف داشتند و کینه‌ای دیرین، بین دو کشور، بر سر تصرف اقمار عثمانی، وجود داشت و این اختلاف، به ایران نیز کشیده شد؛ قدرت ناپلئون در اروپا، برای دولت‌های اروپایی به ویژه انگلیس، قابل تحمل نبود. فتوحات او در اروپا، فتح‌علی‌شاه را بر آن داشت تا برای دفع روسیه، از او کمک بگیرد؛ وی طی نامه‌ای از ناپلئون درخواست اتحاد کرد و برای این منظور، سفیرانی بین دو کشور، تبادل گردید و عهدنامه‌ای موسوم به «فین کین اشتاین»، با مفادی که برای طرفین تأمین‌کننده منافع بود، منعقد گردید؛ بدین صورت روابط ایران و فرانسه، در دوره قاجار شروع شد. این روابط، برای انگلیس با توجه به مفاد ماده پنجم<sup>۲</sup> مخاطره‌آمیز و سنگین بود؛<sup>۳</sup> اما به عللی، روابط ایران با فرانسه به‌زودی به سردی گرایید.<sup>۴</sup> فرانسه نیز مانند رقبای خود در ایران، در پی منافع مادی و گسترش سلطه و مستعمرات خود بود؛ طبیعی است که هدف مشترک دولت‌های غرب در این قرن، رویارویی با اسلام و محو یکپارچگی و همینه جهان اسلام بود. سیاستمداران فرانسوی نیز، در قبال آشوب‌های ایجاد شده در ایران، در رویدادهای باییت و بهائیت و آشفته‌گی‌های اجتماعی، به جانب‌داری از این آشوب‌ها پرداختند. بایبان که مردمی فاسد، شرور و فاسق، در استانبول و ادرنه بودند، با سفارت فرانسه روابط پنهانی علیه عثمانی و مسلمانان داشتند و برای این سفارتخانه، اطلاعاتی از وضع مسلمانان و کشورهای اسلامی جمع می‌کردند. عبدالحمید عثمانی، با مشاهده چنین رفتاری، آنان را از

۱. همان؛ تاریخ تمدن، ج ۱۰، ص ۷۶.

۲. بخش تعهدات ایران که دولت ایران متعهد گردیده بود، راهی برای عبور قوای فرانسه از ایران، در صورت حمله به هندوستان باز کند.

۳. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۶۱-۶۳.

۴. همان، ص ۶۴-۶۵.

استانبول و ادرنه بیرون کرد.<sup>۱</sup>

اتفاقی نیست که بخشی از آثار بهائیان در میان میراث برجای مانده از وزیرمختار فرانسه پیدا می‌شود؛ مرحوم محیط در این باره نوشته است: «...تا آنکه هنگام مراجعه به کتاب‌های خریداری کتابخانه ملی پاریس از ترکه «کونت گوینو» (وزیرمختار فرانسه، بین سال‌های ۱۲۷۱-۱۲۷۴ در طهران)، به دو نسخه‌ی خطی برخورد کرد که یکی مشتمل بر بیان فارسی به ضمیمه رساله‌ای بود که نویسنده مجموعه، در آخرش نوشته بود که به دستور وزیر، در ۱۲۷۹ هجری نوشته است...»<sup>۲</sup>.

با توجه به رفتار و عملکرد بهائیان در سطح دنیا به‌ویژه در کشورهای اسلامی از جمله جاسوسی در سطوح گسترده با نفوذ در مراکز مختلف کشورهای اسلامی و ارتکاب جرایم و مفاسد، با نیت تخریب ارزش‌های اسلامی و ناامن کردن شهرهای اسلامی جهت سودجویی استعمارگران در سایه این نامنی‌ها و آشوب‌های اجتماعی، می‌توان باور کرد که اساس شکل‌گیری این فرقه، با حمایت کشورهای استعماری و به‌منظور بهره‌برداری‌های سیاسی صورت گرفته است. فرانسوی‌ها نیز، از پیروان این مسلک، بهره گرفته‌اند؛ چرا که برخی از مهره‌های اصلی بهائیت، اساساً وابسته به فرانسه و آموزش‌دیده جامعه فراماسونی فرانسه بوده‌اند؛ بهاء، مؤسس بهائیت، در زمانی که در مرکز قلمرو عثمانی بود، با نایب کنسول فرانسه دوستی دیرینی داشت و به‌شکل بسیار محرمانه‌ای، به سفارت فرانسه می‌رفت و با آنان دیدار می‌کرد. کنسول فرانسه در مورد حبس بهاء‌الله، به دولت عثمانی وساطت کرد تا او از تحت نظر بودن خارج شود. پس از همین وساطت‌ها بود که دو برادر (میرزایحیی و میرزااحسینعلی) هر یک به منطقه‌ای

۱. بهائیان، ص ۶۵۲.

۲. ماهنامه گوهر، شماره ۲۳، ص ۹۵۴.

در قلمرو عثمانی تبعید شدند.<sup>۱</sup> آواره می‌نویسد: «مدتی که بهاء‌الله در استانبول بود، مورد تمجید و مورد توجه و تأیید قنسول‌های کشورهای اروپایی - که قنسول فرانسه یکی از آنها بود - قرار گرفت»؛<sup>۲</sup> بنابراین، می‌توان گفت که فرانسوی‌ها، در حمایت از بهائیان، دست‌کمی از دیگر کشورها نداشتند؛ چون از وجود آنها به‌عنوان ابزار و جاسوس، در امور کشورهای اسلامی سود می‌بردند و آنان را تحت حمایت داشتند.

هم‌زمان مردم مسلمان الجزایر - الجزایر از مستعمرات فرانسه بود - و دیگر مناطق، در صدد جنگ و مقابله با اشغالگران فرانسوی برآمدند و قیام‌هایی علیه آنها صورت گرفت. چون فرانسوی‌ها در فکر تغییر زبان، دین، خط، ملیت و هویت آنان بودند. فرانسوی‌ها، تهاجم فرهنگی را برای دگرگون ساختن فرهنگ این کشور، به‌کار می‌بردند و از طرفی به غارت منابع مادی و معنوی مردم الجزایر مشغول بودند. برای رویارویی با مسلمانان و پیشبرد اهداف خود، جهت تخریب فرهنگ اسلامی، دست به دامن بهائیان شدند و آنان را برای رسیدن به مقصود خود، به نوکری فراخوانده و به کشورهای اسلامی، مانند تونس، الجزایر و...، فرستادند. رد پای بهائیان و حضور آنان در آفریقا، با این دعوت شروع می‌شود که برای تخریب دین و فرهنگ اسلامی در آفریقا، مبلغان بهائی، به آفریقا سفر کردند. شوقی افندی، برای یاری فرانسویان، در سرکوب نهضت‌های اسلامی مبارز به آفریقا دعوت شد؛ از این رو می‌بینیم که بهائیان در مصر و کشورهای دیگر آفریقایی، حضور یافتند و به فریب و جذب مردم ساده پرداختند. افندی، در اجابت از دعوت دولت فرانسه، به میرزا ابوالفضل گلپایگانی که مبلغ زبده و زبردست بهائیان بود، چنین نوشت:

«از طهران چند مکتوب رسید که اولیای<sup>۳</sup> سفارت فرانسه، اصرار دارند که

۱. بهائیان، ص ۶۵۱.

۲. همان، ص ۶۵۱.

۳. استفاده از این گونه واژه‌ها درباره بیگانگان، جهت جلب حمایت بوده است.

بعضی از مبلغین، به صفحات آفریقا...، تونس و الجزایر توجه نمایند و از اولیای دولت فرانسه، نهایت رعایت خواهد شد تا جماعت آن سامان را تبلیغ نمایند. آنچه در این خصوص فکر شد، نفسی که از عهده این کار برآید، ندیدم جز تو...<sup>۱</sup> با تأمل در نامه افندی به گلپایگانی، این نکته روشن است که وی از دولت فرانسه به دوستی یاد کرده و از پافشاری فرانسوی‌ها جهت حضور در آفریقا سخن گفته است. این اظهارات، نشان می‌دهد که ارتباط دیرین دوستانه، بین فرانسوی‌ها و بهائیان، بوده است؛ از طرفی می‌توان از این متن استنباط کرد که دولت فرانسه نیز، از مأموریت فرقه بهائیت که ضربه‌زدن به کشورهای اسلامی است، به خوبی آگاه بوده است. همچنین می‌توان دریافت که بهائیان و آموزه‌های آنان، به‌عنوان شکاف بزرگ دین اسلام، مورد توجه فرانسوی‌ها بوده است. وقتی هویدا که یکی از مهره‌های بهائیت بود، توسط نیروهای انقلاب دستگیر شد، برای نجات خود، درخواست کرد که «دوستان فرانسویم را باخبر کنید».<sup>۲</sup> دوستی افرادی چون هویدا با فرانسوی‌ها و شرکت در مهمانی‌های آنان، اتفاقی نبود؛ بلکه او نیز مانند سران بهائیت، بازیگر و عامل فرانسه بود که خدمت شایانی به بهائیت کرد؛ بنابراین می‌توان گفت، هدف بزرگ استعمارگران در سامان‌دهی و ساخت مرام بهائیت و حمایت از به‌قدرت رسیدن چنین مهره‌هایی، مخدوش نمودن اسلام و مقابله با توسعه روزافزون قلمرو جهان اسلام و ایجاد تردید در دل مسلمانان و اعلام پایان دین اسلام و آغاز دوره دیگری از دیانت، به‌نام بهائیت بوده است. استعمارگران، در این راستا شعارهایی مانند مخالفت با وطن‌دوستی،<sup>۳</sup> وحدت ادیان و صلح جهانی را مطرح می‌کردند.<sup>۴</sup> اگرچه بهاءالله، پیش از اینها، در

۱. مانده آسمانی، ص ۴۳-۴۴.

۲. یک مهره کوچک، ص ۲۰۴.

۳. بهائیان، ص ۷۴۷.

۴. همان.

دشت بدشت، به همراه جمعی از بایان، مانند قره‌العین، اعلام کردند که ای اصحاب، این روزگار، دورهٔ سقوط تکلیف است.<sup>۱</sup> این شعارها، همه برای خدشه در اسلام و احکام اسلام بود. در همین اجتماع، قره‌العین کشف حجاب و کارهای خلاف عفت و حیا مرتکب شد که قلم از نوشتن آن، شرم دارد.<sup>۲</sup>

فرانسوی‌ها، در عصر پهلوی دوم، با اختیار تأسیس شرکت‌های تجاری در ایران، عضو این شرکت‌ها را از بهائیان انتخاب کرده و از سرشناسان آنان بهره‌های سیاسی و اقتصادی می‌بردند و در سود تجاری، آنان را سهم می‌کردند و بدین وسیله، با پشتیبانی مالی و انباشت ثروت، به پایداری و رونق بهائیت در ایران، خدمت می‌کردند.<sup>۳</sup> تأسیس مدارس مختلط و جذب جوانان، روش دیگری بود که در ایران برای نابودی فرهنگ اسلامی، توسط بیگانگان و نیروهای مرموز فراماسونی و بهائی<sup>۴</sup> انجام می‌شد و فرانسوی‌ها نیز در این امور، دست فعال و مرموزی داشتند.<sup>۵</sup>

## آمریکا و بهائیت

آمریکا یکی از کشورهای تأثیرگذار در بسیاری از مسائل و اتفاقات جهان به ویژه رویدادهای به وقوع پیوسته در گذشته و حال کشورهای اسلامی است که از جمله این رویدادها جریان بهائیت است، برای روشن شدن برخورد این کشور با این جریان به مباحث مربوط به پیدایش این کشور و رابطه آن با ایران پرداخته، سپس به گونه‌های تعامل این کشور با بهائیت اشاره می‌شود:

۱. فتنه باب، ص ۱۴۰، مقاله عبدالحسین نوائی.

۲. همان، ص ۱۴۱.

۳. رک: تاریخ معاصر ایران، شمارگان ۴۷-۵۰.

۴. نهضت امام خمینی، ص ۶۹-۷۲.

۵. تاریخ معاصر ایران همان.



## الف) نگاهی به تاریخ آمریکا و رابطه با ایران

آمریکا که در عصر حاضر مرکز استکبار و سلطه‌جویی است و در بیشتر جنایات و جنگ‌های خون‌بار جهان دست دارد؛ کشوری دیرین و برخوردار از تمدن کهن نیست؛ بلکه کشوری است که در قرون جدید و با استعمار و تصرف زمین‌های سرخ‌پوستان این قاره و قتل و کشتار آنان شکل گرفته و در عرصه بین‌الملل حضور یافته است؛ در مقابل جمهوری اسلامی ایران کشوری است با سابقه فرهنگی و تمدنی بیش از پنج هزار سال که آثار فرهنگی و علمی دانشمندان ایرانی در پیشبرد علم و تمدن جهانی تأثیر درخشان و برجسته‌ای داشته است. در اینجا به چگونگی کشف و پیدایش آمریکا، روابط دولت‌های آمریکا با ایران و نقش و حمایت آنان از بهائیت پرداخته می‌شود.

### ۱. پیدایش آمریکا

از شکل‌گیری کشوری به نام آمریکا، دیرزمانی نگذشته است، ساکنان اولیه و مالکان اصلی این سرزمین، سرخ‌پوستان بومی بودند که به‌طور طبیعی در این سرزمین زندگی کرده و شغل و حرفه آنها غالباً کشاورزی و کشت ذرت، بود.<sup>۱</sup> «کریستف کلمب»،<sup>۲</sup> اولین فردی از اروپائیان بود که به این سرزمین پا نهاد،<sup>۳</sup> پس از او، اروپائیان به این قاره راه یافتند. اسپانیایی‌ها، در سال ۱۵۱۳ میلادی اولین اروپائیان بودند که در این قاره حضور یافتند و بعد از آنها فرانسوی‌ها پا در این قاره نهادند. حضور این استعمارگران در این قاره تازه کشف شده، به رقابت بین این مهاجران، جهت تصرف خاک بیشتر و قتل ساکنان اولیه منجر گردید.<sup>۴</sup> هلندی‌ها نیز، با کشتی‌های پرتغالی‌ها، به این قاره

۱. فرانک ال. شوئل، آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)، ص ۶-۱۴.

2. Christopher Columbus.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۸-۱۹.

اعجاب انگیز راه یافتند. انگلیسی‌ها جهت آسان نمودن افزایش جمعیت خود، دختران زیادی را به این منطقه هجرت دادند که با ازدواج آنان با دیگر مهاجران، نسل انگلیسی‌ها و بذر آنان در این سرزمین پراکنده شد.<sup>۱</sup> انگلیسی‌ها با این شیوه مرموز و به‌ظاهر جذاب، به تأسیس تشکیلات مختلف در آمریکا اقدام کرده و به‌صورت نهاده‌ی و بنیادین، به توسعه و نفوذ خود افزودند و سرزمین «نیوانگلند»<sup>۲</sup> را، در این قاره تشکیل دادند. مستعمرات انگلیس، از همه ملیت‌ها بیشتر بود.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، مهاجران هیچ‌یک از ساکنان را دارای حق نمی‌دانستند و معتقد بودند که وحشی‌ها،<sup>۴</sup> واجد هیچ نوع حقوقی از نظر مالکیت نیستند؛ از این‌رو در صدد برآمدند تا مالکیت را تحت نظام قانونی درآورند و وجدان خویش را، با تنظیم معاملاتی دروغی، مبنی بر فروش اراضی و ثبت آنها بر روی پوست آهو، آسوده کنند. سرخ‌پوستان نیز به‌جای امضاء، علامت یا انگشت زدند؛ اما آنان به‌هیچ‌وجه، معامله را در نمی‌یافتند و اندیشه مالکیت و فروش دارایی غیرمنقول، در تصورشان نمی‌گنجید؛ آنها تصور می‌کردند که مهاجران در صدد استفاده از این زمین‌ها هستند، نه تصرف آنها.<sup>۵</sup>

بدین ترتیب، سرزمینی اشغال و نسلی کشته شد و نسل غارتگر و متجاوز به حقوق انسان‌ها جایگزین آن گردید و زمین‌های آنان و اموالشان تصرف شد؛ از این‌رو بنیان ایالات متحده، بر چنین حقوقی استوار است که استعمارگران اروپایی بدین‌وصف در این قاره مستقر گردیده و پس از قتل و خون‌ریزی فراوان، آمریکایی به‌وجود آوردند که امروزه از این آمریکا، در هر

۱. همان، ص ۲۵. انگلیسی‌ها از این سیاست، در خاورمیانه نیز استفاده کردند و به شاه اردن و برخی امیران عرب نیز دخترانی را دادند تا نسل انگلیسی در منطقه به‌قدرت برسد و وارث کشورهای اسلامی شود.

2. Newangland.

۳. همان، ص ۲۵-۴۱.

۴. منظور همان سرخ‌پوستان بودند که استعمارگران آنها را وحشی می‌نامیدند.

۵. آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)، ص ۴۷.

جای جهان، ستم و ظلم دیده می‌شود. در واقع، مهاجرانی که از انگلیس، فرانسه، اسپانیا و... به آمریکا آمدند و آنجا را تشکیل دادند، دزدان و غارتگران اروپا بودند که هر جنایتی را مرتکب می‌شدند. نقطه آغازین آمریکا، با این هویت شکل گرفت.

با توجه به شکل‌گیری ایالات متحده باید این سؤال را از تاریخ پرسید که آیا بر اساس آموزه‌ها و سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ، چنین بنیانی می‌تواند استوار باشد و در آینده جهان، در فکر گستردن قلمرو و سلطه خود باشد؟ آیا کشوری که شکل‌گیری آن از نظر سنت‌های الهی، نامشروع است برای همیشه پابرجا و استوار خواهد ماند؟ آیا ظلمی که بر انسان‌ها در شکل‌گیری این کشور شده است، پابرجا خواهد ماند؟ سردمداران چنین کشوری، با ادعاهای بزرگی، در اندیشه اداره جهان برآمده‌اند، در حالی که آمریکا، بنیان مشروعی نداشته و با این سابقه استعماری، در صدد توسعه دموکراسی در جهان برآمده است و خون‌های بسیاری را در خاورمیانه و کشورهای دیگر ریخته است. از جهت‌گیری‌های خصمانه آمریکا علیه ادیان الهی، می‌توان به دشمنی سردمداران این کشور، علیه اسلام و تشیع اشاره کرد؛ اساساً بنیان و اساس سیستم حکومتی آمریکا، با تجاوز، قتل و تعدی به حقوق انسان‌ها و غصب سرزمین مردمان اصلی در این قاره، شکل گرفته است؛ بنابراین انتظاری که از این سیستم می‌رود غیر از ظلم و تعدی نیست!

سیاستمداران آمریکا برای توسعه قلمرو خود و دین‌زدایی از جوامع اسلامی، در اجرای برنامه‌هایی نظیر از بین بردن مبانی و ادیان الهی، مصمم گردیده و تمام مقدسات دینی را به سخره گرفته‌اند. حمایت این دولت از بهائیت، در همین راستا بوده است تا تسلط بر دنیا، با تخریب دین اسلام و شیعه محقق شود. از طرفی آمریکا قصد دارد با حمایت از اندیشه بهائیت،

دین اسلام و تشیع را محو کند،<sup>۱</sup> که در این راستا اندیشه سلفی‌گری، در بین اهل سنت و بهائیت در میان شیعه، مورد حمایت قرار می‌گیرد. از دیگر سو، ایجاد اختلاف بین دو فرقه بزرگ اسلامی، نیز یکی از راهبردهای اصلی این کشور استعمارگر است.

## ۲. سلطه جویی آمریکا در ایران

آمریکا به خاطر عدم مداخله در جنگ جهانی، از نظر اقتصادی توانمند بوده و با همین توان وارد عرصه بین‌الملل شد؛ از این رو آمریکا در ایران، پس از جنگ جهانی که هم‌زمان با آغاز سلطنت محمد رضا پهلوی بود، حضوری فعال داشت. این دوره، با نفوذ وسیع آمریکا و کاهش نفوذ دیگر رقبای تجاری، مانند انگلیس مشهود است.<sup>۲</sup> آمریکا، در ابتدا ورودش به صحنه سیاسی و روابط با ایران، با چهره مردم‌دوستی، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی و... حضور خود را آغاز کرد و نسبتاً چهره قابل قبولی در میان مردم در عهد قاجار یافت. آمریکا، با این حضور، برای آینده سیاسی ایران، برنامه‌ریزی و تدابیر مهمی آماده کرد.<sup>۳</sup> چهره واقعی آمریکا برای مردم ایران ناشناخته بود؛ اما روس و انگلیس، به جهت سوابق استعماری، وجهه مثبت نداشتند؛ چرا که مردم ایران، بر اثر دخالت‌های استعماری آنان و بی‌کفایتی دولت‌های زمان به سختی، قحطی، فقر و بیماری گرفتار بودند.<sup>۴</sup>

در حالی که قلمرو عثمانی در بیماری تجزیه گرفتار بود، انگلیس با چهره استعماری، غارتگری و چپاول، در خاورمیانه حضور یافت و دیگر دولت‌های غربی، در غرب جهان اسلام، به توسعه مستعمرات خود پرداختند. این

۱. «بَرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، صف، آیه ۸.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲۲.

۴. ر.ک: حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۱۰.

فزون‌طلبی‌های استعماری، مبارزان و مخالفانی داشت که علمای بزرگ شیعه، در مبارزات علیه استعمارگران پیشگام بودند،<sup>۱</sup> چنان‌که در رهبری مشروطه ایران و کاستن از قدرت استبداد نیز پیشگام شدند.<sup>۲</sup> انگلیس و روس، در ابتدای کار مشروطه، با اعمال نفوذ و جاسوسی، در بین مشروطه‌خواهان ایجاد اختلاف کردند؛ چرا که با مشروطه‌خواهی، پایه‌های نفوذ استبداد سست می‌گردید و دولت‌های دست‌نشانده از بین می‌رفتند. در این برهه از زمان، انگلیس مایل به استمرار استبداد قاجاری وابسته به روس نبود؛ از این رو تصمیم گرفت تا وابستگی دولت ایران به انگلیس را، بیشتر از وابستگی ایران به روس کند. در گیرودار مبارزات، آمریکا در ایران حضور یافت و با دو رقیب قدرتمند، ذی‌نفوذ و باتجربه روبرو شد، او باید سیاستی اتخاذ می‌کرد که جای پای مناسبی در میان مردم باز کرده و برای خود، پایگاه مردمی مناسبی فراهم نماید. دخالت‌های سیاسی روس‌ها و انگلیسی‌ها، مردم را خسته و این زمینه را برای آنان مناسب‌تر کرد.

### ۳. رابطه ایران و آمریکا

آغاز روابط ایران و آمریکا، از سال ۱۲۴۸ هجری قمری بوده، اما با اعزام وزیرمختار آمریکا، ویلیام بنجامین، در سال ۱۲۶۱ هجری شمسی، به دربار ناصرالدین‌شاه، روابط دیپلماتیک این دو کشور شروع شد. این رابطه، گرچه با نوسان و سلطه یک‌جانبه آمریکا، جهت دستیابی به منافع خود، تا تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۹ استمرار داشت، اما با تسخیر سفارت آمریکا، توسط دانشجویان پیرو خط امام، خاتمه یافت.<sup>۳</sup> این پیروزی دیگری پس از انقلاب اسلامی بود که در سایه رهبری امام‌خیمینی رحمته‌الله، ملت ایران بدان دست یافت.

۱. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. مجموعه نویسندگان، تحولات روابط ایران و آمریکا، «ویژه‌نامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، سال سیزدهم، شماره‌های ۵۱-۵۲، پائیز و زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۷۶.

## ۳-۱. هیئت‌های تبلیغی مذهبی، پیشگامان حضور آمریکا در ایران

قبل از شروع روابط رسمی آمریکایی‌ها با ایران، آنها نیز مثل اروپائیان، در پی جای پای خود بودند که در پوشش مذهبی و با حضور هیأت مذهبی، این هدف را دنبال می‌کردند. بدین ترتیب، اولین گروه، با نام «جمعیت مبشرین پروتستانی آمریکا»، با هدف مطالعه در احوال مسیحیان آذربایجان، به ایران قدم گذاشتند، آنها در سال ۱۲۰۴ هجری شمسی، به غرب ایران آمدند و طی مطالعاتی جامع دربارهٔ ایران، به آمریکا برگشتند، پس از آن، کشیشی آمریکایی به نام پرکینز،<sup>۱</sup> با اطلاعات و اختیارات بیشتری به ایران گسیل شد و به دنبال او، تعداد کشیشان در ایران زیاد شد و با پوشش تأمین مدرسه و تدریس زبان و فنون نوین، نفوذ خود را آغاز کردند.<sup>۲</sup> بسترهای فرهنگی و زمینه‌های تعلیم و تربیت، اساسی‌ترین رفتار استعماری آمریکا بود.

فعالیت «گروه‌های مذهبی»، با واقعهٔ ظهور باب و قلع و قمع بابیان، در زمان ناصرالدین‌شاه، برای مدتی متوقف شد و پس از مدتی کوتاه فعالیت آنها مجدداً شروع گردید. در جریان مشروطه، کشیش آمریکایی هوراد باسکرویل<sup>۳</sup> که معلم مدرسه آمریکایی بود به قتل رسید.<sup>۴</sup>

چنان‌که از این گزارشات بر می‌آید آنها کار خود را در قالب فعالیت‌های مذهبی، تحقیقی، فرهنگی و تأسیس مدرسه شروع کردند و در کنار مشروطه‌خواهان قرار گرفتند؛ از این رو پیشینهٔ رابطهٔ ایران و آمریکا، به دورهٔ قاجار می‌رسد. در اواخر دولت قاجار، پس از اینکه دولت‌های روس و انگلیس به ایران و اقتدار سیاسی آن، صدمات جبران‌ناپذیری وارد کردند، سیاستمداران مصمم شدند دست به دامن آمریکا شوند. ملک‌الشعراى بهار در این باره می‌نویسد:

---

1. Perkins

۲. همان، ص ۱۸ و ص ۱۷۵، ر.ک: فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۴.

3. Howard Baskerville

۴. تحولات روابط ایران و آمریکا، ص ۱۷۱.

«... ایرانی دریافته است که باید گلیم خود را، به توسط سرمایه دولت آمریکای شمالی، از آب بیرون کشد و مصلحت خود را در آن دیده است که با همدستی دولت «اتازونی»<sup>۱</sup> خود را از گرداب فقر که پیاپی او را در آن هُل می‌دهند، نجات دهد»<sup>۲</sup>. در آن دوره، آمریکایی‌ها در ایران و جهان، سیاستی در پیش گرفتند تا وانمود کنند که در فکر اصلاح و نجات ملت‌ها و جامعه ایرانی هستند؛ از آن رو مرحوم بهار که در این دوره می‌زیست، این جهت‌گیری را مثبت تلقی می‌کند؛ غافل از اینکه ایرانیان، برای نجات از سلطهٔ انگلیس، به دام آمریکا گرفتار شدند و رقابت بین دولت روس و انگلیس به تدریج جای خود را به رقابت و تنش سیاسی بین آمریکا و انگلیس داد. با احساس نیازی که از سوی سیاستمداران ایران، به سوی آمریکا وجود داشت، آمریکا نیز با اقدامات به‌ظاهر مثبت در ایران، اعتمادسازی مطمئنی ایجاد کرده بود.

## ۲-۳. هیئت‌های اقتصادی و امتیازات

مسئلهٔ استقراض از آمریکا و قبل از آن، واگذاری امتیاز نفت شمال ایران و استخراج آن توسط شرکت‌های آمریکایی، می‌تواند آغاز حرکت‌های اقتصادی، در روابط ایران و آمریکا تلقی شود. این روند، ابتدا برای انگلیس قابل تحمل نبود. این تعامل، در زمان نخست‌وزیری قوام‌السُلطنه بود که آمریکا توانست امتیاز استخراج تمام معادن نفت شمال ایران را، با تصویب مجلس به‌دست آورد.<sup>۳</sup> در این عرصه، آمریکا دقیقاً در جایگاه روسیه قرار گرفت و از طرف روسیه مورد اعتراض واقع شد؛<sup>۴</sup> بنابراین برای ایجاد روابط بین آمریکا و ایران، در ابتدای راه، دو معترض و رقیب جدی وجود داشت

---

۱. نامی است که آن زمان بر آمریکا نهاده بودند.

۲. محمدتقی بهار، تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۵؛ سرپرسی سایکسن، تاریخ ایران، ص ۱۳.

۴. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ص ۱۹۶.

که کار آمریکا را مشکل می‌کرد، هر دو دولت متبوع، به اعتراض علنی روی آوردند، چون منافع هر دو، توسط رقیب جدید، به چالش کشیده شده بود.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۰۰ شمسی، ملت ایران با جهت‌گیری مثبت حزب دموکرات، از این پیمان نفتی با آمریکا، حمایت کرد.<sup>۲</sup>

با این تحولات، به‌خوبی روشن است که ایران چون طعمه‌ای چرب بود که توسط چند اشغالگر، مورد منازعه و مخاصمه قرار گرفت و ملت و دولت ایران نیز، تحت ظلم و سیطره استعمار انگلیس و روس، به دولتی چون آمریکا پناه بردند. این فرصت، برای آمریکا فرصت مناسبی جهت گسترش سلطه و توسعه سیاست‌ها بود.

مرحله دیگری از روابط ایران و آمریکا، موضعی منفعلانه بود. استقراض ایران از بانک‌های آمریکایی، در ۳۱ خرداد ۱۳۰۲ ه.ش، در مجلس مطرح شد و طی مواد و لوایحی قانونی، تصویب گردید.<sup>۳</sup> حضور دکتر آرتور میلسپو<sup>۴</sup> در رأس امور داریی ایران و سوابق به‌ظاهر پسندیده او در میان مردم ایران، دولت آمریکا را دولتی دوستانه و دلسوز مردم ایران، شناسانده بود. وی توانسته بود در امور مالی ایران، نظم خاصی ایجاد کند و به هرج‌ومرج خاتمه دهد.<sup>۵</sup> عده‌ای در مجلس ایران، به همراهی رضاخان به وی اعتراض می‌کردند؛ زیرا آنان بر انگلیسی‌ها تکیه داشتند. چنان‌که ملک‌الشعراء می‌نویسد: «... دکتر را تضعیف کند و هم از ترس افکار عمومی که کاملاً حامی دکتر (میلسپو) بود...».<sup>۶</sup> در این دوره، عده‌ای از مردم، تصور می‌کردند که آمریکا منجی ملت‌ها است، چنان‌که مصری‌ها، خیال می‌کردند ناپلئون

۱. همان، ص ۱۹۹؛ تاریخ ایران، ج ۲، ص ۷۴۳.

۲. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ص ۱۹۹.

۳. همان، ص ۳۴۲.

#### 4. Arthur Millsbaugh

۵. تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۸۷.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.



منجی آنها است؛ به همین خاطر گرایش به سوی آمریکا در ایران نسبتاً عمومی بود.<sup>۱</sup> اما روابط ایران و آمریکا، با کشته شدن کنسول آمریکا در ایران (رابرت ایمبر)،<sup>۲</sup> به سردی گرایید و شرکت آمریکایی میلسپو، به علت فقدان امنیت لازم، تعطیل شد.

اما در دوره پهلوی دوم، دخالت‌های آمریکا در امور سیاسی ایران، روزبه‌روز فزونی یافت و به دخالت در تمام امور سیاسی و اجتماعی منجر گردید. آمریکایی‌ها، لوایحی چون کاپیتولاسیون<sup>۳</sup> را به مردم ایران تحمیل کردند و امتیازات نفتی بزرگی گرفتند، آنها به تأسیس شرکت‌های چندملیتی اقدام کردند<sup>۴</sup> و در امور سیاسی، از طریق ساواک که خود مؤسس آن بودند، دخالت کردند؛ در این زمان، مبارزه علمای شیعه، به خصوص امام خمینی رحمته‌الله، با نفوذ بیگانگان، به ویژه دخالت‌های آمریکا شروع شد.<sup>۵</sup> مبارزه امام با آمریکا ادامه داشت و امام توانست مردم ایران را علیه آمریکا بسیج و عامل استعمار (پهلوی) و حامیانش را از ایران بیرون کند و با پیروزی بر آمریکای جهان‌خوار و استعمارگر، این دولت را شیطان بزرگ بنامد.<sup>۶</sup> این نام‌گذاری، برای مستضعفان جهان و انسان‌های آزاده مطلوب بود و تمام مواضع سیاسی و فرهنگی این دولت مستکبر را به مخاطره انداخت. آمریکایی‌ها، پس از شکست تلخ در مقابل اراده ملت ایران که با رهبری امام خمینی رحمته‌الله به حرکت درآمد، پایگاه مهم خود را در خاورمیانه از دست دادند و به دنبال مهره‌هایی بودند که بتوانند در موقعیت‌های مختلف، از آنان برای ضربه‌زدن به ملت ایران سود ببرند. مناسب‌ترین مهره که زاده استعمار و از نهاد و ریشه

---

۱. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۱۰۵.

2. Robert Imbrie

۳. همان، ص ۱۰۶-۱۰۴.

۴. همان، ص ۲۴۱.

۵. همان، ص ۱۰۹-۱۱۵.

۶. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۸۹-۴۹۳.

آمریکا محسوب می‌شوند، بهائیان بودند.<sup>۱</sup>

### ب) گونه‌های تعامل آمریکا با بهائیت

در مباحث پیشین، نقش دولت‌های استعماری روس، انگلیس و... در پدیدار ساختن بابیت و بهائیت، مورد بررسی قرار گرفت. در این فصل، به نقش آمریکا در رشد و توسعه تشکیلاتی و جغرافیایی بهائیت به اختصار پرداخته می‌شود تا گوشه‌ای از توطئه‌های خصمانه دشمنان اسلام، به‌ویژه استکبار و سردمدار امپریالیسم جهانی، روشن گردد.

حمایت همه‌جانبه‌ای که آمریکا از بهائیت کرد، شبیه رویکرد سیاسی این دولت، درباره صهیونیسم بین‌المللی، در سرزمین اشغالی (فلسطین) است. این سیاست همسو، تداعی‌گر توطئه بزرگ آمریکا، ذیل حمایت از بهائیت و صهیونیسم، علیه اسلام اصیل است. با توجه به این حمایت همه‌جانبه و بی‌حساب، باید پرسید آیا بهائیان همان صهیونیست‌های سرزمین اسلامی‌اند؟ آیا بهائیسیم و صهیونیسم یهود، غاصبان فلسطین‌اند که هر دو در نقطه‌ای مشترک و زیر چتر حمایت استعمارگران به وجود آمده‌اند؟ چرا آمریکا از اسرائیل و بهائیت، با تمام وجود حمایت می‌کند؟ انگیزه سیاستمداران کاخ سفید، در حمایت از این آشوبگران چیست؟ گاهی شبکه‌های رسانه‌ای و زنجیره‌ای ضد مبانی اسلامی سامان داده می‌شود و گاهی حزبی مانند القاعده و شبه‌نظامی طالبان، از دل جهان اسلام می‌روید و به مقتضای زمان، عناصری را در گستره جهان اسلام، پروراند و مورد حمایت قرار می‌دهد. چرا آمریکا از بهائیت حمایت می‌کند و برای رسمیت‌یافتن آن در جهان، می‌کوشد؟ بی‌گمان، همسویی‌هایی بین بهائیت و آمریکا وجود دارد که مورد حمایت

۱. کشور آمریکا و بهائیت که هر دو زاده خون تجاوز و تعدی استعمارگران هستند در واقع مبنای مشترک دارند؛ از این رو در بسیاری از اهداف هم‌گرایی دارند.

آمریکا و هم‌پیمانان او است؛ رویکرد بهائیت در این دوره، بیشتر به چند موضوع متمرکز شد و این حرکت خزننده، با پشتیبانی آمریکای، از سوی رهبران بهائی و هم‌پیمانان سیاسی آنها پیگیری می‌شود.

اهداف مهم در هم‌گرایی بهائیت و آمریکا:

۱. تشکّل دادن به فرقه و ایجاد تشکیلات نوین و پایدار برای مسلک بهائی.

۲. گسترش جمعیت و نفوذ در ارکان سیاسی و فرهنگی ایران و دیگر کشورها و آزادی تبلیغ افکار بهائیت.

۳. جاسوسی بهائیان، در قبال حمایت‌های آمریکا از این گروه.

۴. توسعه تشکیلات با ساختار جدید سیاسی اقتصادی.<sup>۱</sup>

۵. دستیابی به قدرت اقتصادی برتر و رسیدن به ثروت

گرایش به فزونی ثروت، در بیشتر فرقه‌های انحرافی که مورد حمایت استعمار هستند، وجود دارد. بهائیت با الهام از آمریکا با گرایش به ثروت و تجارت، به راهی رفت که امپریالیسم جهانی، دیگر فرقه‌های معاند با شیعه را به آن هدایت کرده است؛ علاقه به ثروت و فعالیت اقتصادی با چند هدف انجام می‌شود:

۱. حمایت از محرومان و فقرا جهت جذب به مرام بهائیت.<sup>۲</sup>

۲. حفظ قدرت اقتصادی و تصاحب شرکت‌های تولیدی که حیات هر جامعه، گروه و حزبی به این رگ حیاتی وابسته است.<sup>۳</sup>

۳. استمرار، ترویج و گسترش مرام بهائیت با چاپ و نشر آثار و حمایت از اعضای بهائی که وضع مالی آنها نامطلوب است. این فعالیت‌ها، برای حفظ اساس بهائیت، ضروری بود.

---

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰.

۲. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص ۳۷۶.

۳. همان، ص ۴۰۱-۴۶۲.

۴. سران بهائیت، در برنامه‌های راهبردی جدید، به توسعه جغرافیای این فرقه در جهان نیز اهمیت داده‌اند. این مرام، تنها مرامی است که پراکندگی جمعیت گسترده دارد؛ به‌ویژه در کشورهای اروپایی، آمریکایی، آسیایی و آفریقایی، دارای پیروانی است که با بیت‌العدل ارتباط منظم دارند. آنان دارای برنامه‌های ماهانه و هفتگی خاص از پیش تهیه‌شده هستند. یکی از فرامین سران بهائی، ارتباط مستمر تمام بهائیان با مرکز و پیروی کامل آنها از تصمیمات مرکزی است. وحدت و انسجام آنها پس از مرگ شوقی، بسیار نهادینه و رو به رشد بوده است؛ تا جایی که در سازمان ملل و جوامع بین‌المللی نیز نفوذ دارند و از این طریق خواسته‌های مرام خود را پیگیری می‌کنند، برای مثال، بارها آنها از طریق کشورهای عضو شورای امنیت، از دولت ایران خواسته‌اند که در ایران، بهائیت را به رسمیت بشناسد و حقوق آنها را رعایت کند.<sup>۱</sup>

### ۱. پیدایش بهائیت و آمریکا

اولین حضور رسمی نماینده آمریکا در ایران، در زمان مورگان شوستر<sup>۲</sup> آمریکایی رخ داد، اما پیش از آن بین آمریکا و ایران روابط تجاری برقرار بود. جکسون،<sup>۳</sup> دربارهٔ علاقه دولت آمریکا به بنیان بهائیت (باب)، چنین اظهار می‌دارد:

«... هنوز از بازار تبریز ... دور نشده‌ایم که به میدان بزرگی می‌رسیم و این میدان از نظر ما اهمیت خاصی دارد؛ اما نه به سبب دکان‌های اسلحه‌سازی و تفنگ‌سازی و قورخانه دولتی و زندان و اصطبل‌های سلطنتی و بیوتات ولیعهد؛ بلکه به جهت آنکه، این میدان محل اعدام باب، در ۹ ژوئیه ۱۸۵۰ [مطابق ۲۷ شعبان ۱۲۶۶] بوده است.»<sup>۴</sup>

۱. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص ۵۶ و ۷۳.

2. Morgan Shuster

3. Abraham Williams Jackson

۴. سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)، ص ۶۵.

او، باب را با تجلیل توصیف کرده و می‌نویسد:

«... وی [باب] از مصلحان مذهبی ایران است. این داعی مذهبی گرم‌رو و معلم اخلاق که نام اصلیش میرزا علی محمد است، در حدود ۱۸۲۰ میلادی (۱۲۳۵ یا ۱۲۳۶ قمری) در شیراز متولد شد. نخست، راه و رسم سوداگری به وی آموختند، اما پس از آنکه به زیارت کربلا و سپس مکه رفت، آئین تازه آورد و آتش دین جدید، چنان جان و دلش را برافروخت که از آن پس، حیات خود را وقف ترویج کیش خود کرد. در حدود سال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۶۰ قمری) که به زادگاه خویش بازگشت، لقب «باب» بر خود نهاد. یعنی دری که به جهان گشوده می‌گردد. آراء دینی او، تا حدی التقاطی است. همچنین، متمایل به وحدت وجود و عرفان است و عواملی از مذهب «غنوسیه یا گنوستیسم» (از ادیان قرون اول و دوم قبل از میلاد) و اعتقاد به دو مبدأ خیر و شر در آن مشاهده می‌شود. در این آئین، حکمت عملی و اخلاق را مقامی والاست و آزادی‌خواهی در این کیش به‌حدی است که متضمن مراحل برای نیل به آزادی زنان می‌باشد...»<sup>۱</sup>

در ادامه، وی از گسترش فراوان بابی‌گری سخن گفته که ظاهراً مقصودش از بابی‌گری در این دوره، همان بهائی‌گری است؛ چون گسترش بهائیت بیشتر از بابیت بود، «در واقع بابی‌گری، منحصر به ایران نیست، بلکه باب، در بین‌النهرین، روسیه، مصر و هندوستان نیز پیروانی دارد. حتی در آمریکا، بایبانی هستند که برخی از آنان به تبلیغ مراسم خود کوشیده‌اند».<sup>۲</sup> وی در کتاب خود، بارها از باب به‌عنوان مصلح دینی یاد می‌کند<sup>۳</sup> که مایه شگفتی است، اما تعریف وی از «اصلاح» و «مصلح» چیست؟ آیا آتش‌های فتنه در

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۱۳۹.

سراسر ایران<sup>۱</sup> که در دورهٔ بابت ایجاد شد، اصلاح‌طلبی بود؟ جکسون از آشوب‌های دورهٔ قاجار و فتنه‌هایی که شهرهای ایران از شرق تا غرب و شمال و مرکز ایران را فرا گرفت، با نام اصلاح یاد کرده است. بی‌تردید، او از آثار این انحراف به‌وجودآمده، برادرکشی و خون‌ریزی در ایران، بی‌خبر نیست؛ اما این آشوب اجتماعی را صلح و مسبب آن را مصلح می‌نامد، دیدن میدان اعدام باب در تبریز، برایش اهمیت ویژه‌ای دارد و از آموزه‌های انحرافی او، به‌عنوان اصلاحات یاد می‌کند. رویکرد و موضع این محقق آمریکایی که بی‌ارتباط با مواضع حکومت آمریکا نیست، نشان می‌دهد که آمریکا دید مثبتی، نسبت به باب داشت، البته آمریکایی‌ها، در این دوره، فعالیت خود را به‌خاطر بحرانی شدن وضع ایران، متوقف کرده بودند و آن‌گونه که روس‌ها و انگلیس از نزدیک پیگیر قضایای باب بودند، چنین کنشی دربارهٔ باب، به‌ظاهر از خود نشان ندادند.

جکسون که در کتاب خود دین «باب» را جهانی و دارای پیروان بسیار اعلام می‌کند، این اعلام جهانی شدن بهائیت از زبان جکسون، اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه با انگیزه جانب‌دارانه و حمایتی، صورت می‌گیرد.

بر اساس گزارش دیگری در سال ۱۳۱۸ هجری قمری، بایان (بهائیان) در ایالت شیکاگو، فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و در همین دوران، ده‌ها هزار بابی یا بهائی در آمریکا حضور داشتند و با حمایت خاص دولت آمریکا و در پناه آنان، به ترویج اساس بهائیت می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

بهائیان آمریکا که تحت حمایت دولت آمریکا بودند، به‌دستور میرزااحسینعلی، در امر وقف املاک و بناهای خود به‌نام بهائیت، تلاش فراوانی داشتند و هدایایی جهت تشویق مردم و جذب آنان به بهائیت و گسترش بهائیت، وقف و در اختیار رهبران بهائی می‌گذاشتند، تا محافل

۱. رک: فتنه باب، ص ۴۹.

۲. انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۰.

بهائی‌ها در سراسر دنیا، با پول و ثروت‌های هنگفت معرفی شود. نمایندگان بهاء، تمام زمینه‌ها و مقدمات این حرکت امپریالیسمی را پیگیری می‌کردند. همان‌طور که شناسایی و ثبت بهائیت به‌عنوان مذهب رسمی، ابتدا از آمریکا آغاز شد، در به‌رسمیت شناختن موقوفات بهائی نیز، آمریکا پیش‌قدم شده بود؛<sup>۱</sup> از این‌رو آمریکا در تأمین نیازهای مالی این فرقه، در این برهه از زمان (که آغاز فعالیت آنها بود) پیش‌دستی کرد؛ بر همین اساس بهائیان آمریکا، موفق شدند در مدت کوتاهی، عوارض و مالیات‌های موقوفات بهائیان را لغو کنند و حتی تسهیلات و مساعدت‌های عمده‌ای در اختیار آنان بگذارند. با این کار، آنها توانستند صرفاً به امور بهائیت رسیدگی کنند و در نشر آن در قاره آمریکا، یاری و مساعدت کرده باشند.

## ۲. ستیز با همبستگی اسلامی

رهبران بیدار و آگاه جوامع اسلامی، با الهام از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، بیدارتر، پیشگام‌تر و موفق‌تر عمل می‌کردند و در استعمارستیزی، پیشرو و آگاه بودند.<sup>۲</sup> از عوامل سردمداران استعمار علیه روحانیت اسلام، حرکت‌های ضد استعماری مانند نهضت عراق، نهضت‌های شیعی لبنان به رهبری شرف‌الدین و امام موسی صدر و جنبش‌های علمای شیعی در نقاط دیگر بود که در برابر فزون‌خواهی استعمارگران ایستادند؛ چه زمینه‌ای برای ایجاد تنش و چالش در میان شیعه، از فرقه‌سازی توسط روس و انگلیس بهتر بود؛ این بهائیت بود که می‌توانست برای آمریکا همان نقشی را ایفا کند که سال‌ها برای روس و انگلیس بازی کرده بود. برای رهبران بهائیت تفاوتی نداشت که بر سر سفره چه کسی باشند؛ آمریکا، انگلیس، روس و یا دیگران. آنچه برای آنها مهم بود پشت‌پا زدن به وطن و نوکری اجانب بود. چنان‌که بهاء، با هم‌گرایی

۱. همان، ص ۲۱۲.

۲. همان، ص ۳۸ و ۴۶. نظیر قیام و جنگ عمر مختار در لیبی.

و به اشتهای استعمار، صریحاً برای مبارزه با احساسات ملی و وحدت‌بخش، با امپریالیسم هم‌نوا شد و مظاهر همبستگی ملی و دینی را هدف قرار داد و درباره اظهار عشق به وطن که در مبانی اسلامی به آن سفارش شده است،<sup>۱</sup> نظریه‌پردازی کرد و آن را این‌گونه مخدوش نمود: «نباید کسی افتخار کند که وطن خود را دوست دارد، بلکه باید جهان را دوست داشته باشد».<sup>۲</sup>

هم‌نوایی او با بیگانگان از اهداف مشترکی بود که به هر قیمتی، باید عملی می‌شد؛ به قیمت تخریب تمدن دیرین و غارت سرمایه‌های ملی و یا به قیمت خون هزاران جوان و از بین بردن عقاید مذهبی میلیون‌ها مسلمان. آنها در این قرن، برای امپریالیسم، مبدل به تز و دکترین مبارزه با اسلام شده بودند. بهائیان، این شعار استعمار را -که دلبستگی به وطن را ضدارزش تلقی کرده و آن را نمی‌پسندیدند- از کودکی به فرزندان خود القا می‌کردند؛ آیتی، معتقد است که عبدالبهاء، بیشتر به غریبان و استعمارگران متمایل و با اندیشه‌های آنان سازگار بود و این اندیشه (دل‌کندن از وطن) را به‌نام بهاء ترویج می‌داد؛ در حالی که این نوع افکار او، تزریق استعماری بود. در روایات اسلامی آمده است که وطن‌دوستی و عشق به وطن از اجزاء و ارکان ایمان است. آنها با طرح چنین شعاری، می‌خواستند با تمام ارزش‌های دینی و اندیشه‌های ناب اسلامی به مبارزه برخیزند و تمام زمینه‌های علاقه به حفظ میهن و سایر مسائل فطری را از انسان‌ها و مسلمانان بازگیرند.<sup>۳</sup> هدف از طرح این شعار عبارت بود از:

۱. مبارزه با شعار وطن‌دوستی مسلمانان که از فرهنگ اسلام اقتباس شده بود.
۲. مبارزه با ملی‌گرایی و انسجام ملی که از حس درونی برمی‌خیزد؛ وجود

۱. «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۳، ص ۳۳۳.

۲. کشف الحیل، ص ۶۸۷؛ بهائیان، ص ۷۴۸، به نقل از مقدمه کتاب نقطه الکاف.

۳. انشعاب در بهائیت، ص ۱۳۹، نطق حائری‌زاده در مجلس شورای ملی: «آقایان بهائیان به اصول وطن معتقد نیستند.»



این حس در انسان، می‌تواند حس غرور و دفاع از میهن و همبستگی و هویت واحد، ایجاد کند تا در مقابل فزون‌خواهی استعمارگران ستیز کند.

۳. مبارزه و مقابله با جنبش‌های دینی و جهادی نیز، از جمله اهداف مشترک بود. استعمارگران، در مقابله با جنبش‌های اسلامی و ملی با مشکل روبرو شدند، این جنبش‌ها، از عوامل انسجام بین ملت‌ها و برخاسته از حس مقدس وطن‌دوستی و علاقه به آب و خاک بود، این حس، قومیت‌ها و نژادها را در کنار هم، جهت مبارزه و حفظ منافع ملی متحد می‌کرد؛ از این روی برای برچیدن چنین عواطف و احساسات ملی، برنامه‌ریزی و بر روی آن کار کردند تا به نتیجه مطلوب برسند؛ استعمار، از زبان بهائیت، این شعارها را در جامعه ترویج می‌داد، تا به‌عنوان یک فرهنگ تلقی شده و جایگزین ارزش‌های دینی و ملی شود.<sup>۱</sup> استعمارگران، با این برنامه‌ها، اهداف و سیاست‌های خود را پیگیری می‌کردند. عواطف، احساسات و وابستگی به میهن، یکی از عوامل و مؤلفه‌های روانی است که انسان را برای دفاع از خاک و وطن به جوشش و خروش فرا می‌خواند و روح جمعی را احیا می‌کند.

استعمارگران، با جنبش‌های آزادی‌خواه و جنبش‌های بزرگ دفاعی و ضداستعماری، در کشورهای جهان سوم، به‌ویژه در کشورهای اسلامی روبرو گردیدند؛<sup>۲</sup> از این‌رو احزاب سیاسی- فرهنگی وابسته به خود را که از آموزه‌های سرمایه‌داری بنیان می‌گرفت و رنگ و لعاب دینی نیز داشتند، تأسیس کردند تا این جنبش‌ها، اساس و مبانی مذهبی این کشورها را به چالش بکشند.<sup>۳</sup> ادیان نوظهور و مذاهب و فرقه‌های نوساخته از این دست،

---

۱. همان، ص ۷۴۹-۷۵۱.

۲. اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ص ۹۳-۱۱۰؛ جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۹۵.

۳. آنچه امروز در برخی سایت‌ها از زبان نمایندگان سرخورده استعمار در ایران، درباره قرآن، تشیع، غدیر، دین و عصمت ائمه اظهار می‌شود، مصداق روشن فعالیت این افراد در پایگاه‌های فرهنگی دشمن است.

در آسیا و کشورهای آفریقایی مستعمره شده کم نبود، نظیر جنبش فکری سلفی و وهابیت که از برخی وجوه، با جنبش بهائیت مشترکات فراوانی دارد. جریان وهابیت تمام مسلمانان را تکفیر و راه درست را در چهارچوب اندیشه‌های وهابیت منحصر می‌داند، بهائیت نیز تمام ادیان را منسوخ می‌داند خصوصاً دین اسلام را خاتمه یافته و بهائیت را جایگزین آن اعلام کرد. رهبران بهائیت، ستیز خاصی با مسلمانان و علی‌الخصوص شیعیان، شروع کردند؛ از این رو بهائیت با برنامه‌های هدفدار بسیار گسترده، توسط استعمارگران بنیان گرفت و مورد حمایت جدی کشورهای مختلف استعماری بوده است؛ حمایتی که استعمار کهنه از آن داشت با حمایت استعمار نو، تناقض و تباین ندارد؛ بلکه حمایت‌های استعمار نوین، با توجه به تغییرات زمانی، جغرافیایی و سیاسی کشورهای مورد نظر، متغیر و متناسب با آنها است؛ از این رو با رویش مسلک‌های منشعب از ادیان، به ویژه اسلام، می‌توانست همبستگی ملی مذهبی را در جهان اسلام، با چالش جدی روبرو نماید.

تلاش‌هایی که استعمار به سرکردگی آمریکا درباره بهائیت در این دوره انجام می‌دهد، در قالب رسمیت‌دادن و تلاش برای رسمی کردن این فرقه انحرافی، در کشورهایی نظیر انگلیس، آمریکا و... بوده است. حمایت از بهائیت تا حدی برای آنان مهم است که در سطوح مختلف بین‌الملل، خواستار رسمیت بخشیدن به این حزب سیاسی و فکری شده‌اند.<sup>۱</sup> این حمایت استعماری، جهت نهادینه کردن بهائیت در سراسر دنیا، حکایت از آن دارد که بهائیت به همان میزان برای آنان حائز اهمیت است که صهیونیست‌ها برای آنان اهمیت دارند؛ آمریکا به هیچ قیمتی، ولو به قیمت متلاشی شدن و انحطاط ایالات متحده، حاضر به ترک حمایت از دولت غاصب اسرائیل

نیست؛ به‌یقین سیاستمداران آمریکا و مردم آمریکا که ناآگاهانه از سیاست‌های دولت حمایت می‌کنند، ضربه سهمگینی در قبال حمایت از صهیونیسم، خواهند خورد! بی‌گمان وجود و حضور صهیونیسم در منطقه، به همبستگی اسلامی، صدمه جدی وارد کرد و اختلاف‌نظر در میان کشورهای اسلامی، بر سر این مسئله، به بحران‌های بزرگی منجر گردیده است؛ بر همین اساس استعمارگران هر دوی این طرز تفکر را در یک اقلیم و جغرافیای خاص، جای داده‌اند. امروز، آنچه آمریکا درباره صهیونیسم و دفاع از او سرمایه‌گذاری می‌کند، برای بهائیت نیز، همین همت را دارد. از لحاظ سود بردن و استفاده اهرمی نیز از هر دوی این ایدئولوژی‌ها، در ضربه‌زدن به ماهیت اسلام بهره‌مند می‌شود. آمریکایی‌ها، امروز به‌صراحت از توطئه‌های خود، جهت ضربه‌زدن و نابودی تشیع پرده برداشته‌اند و از بودجه‌هایی که در این راه تصویب کرده‌اند، سخن می‌گویند.

### ۳. هم‌گرایی در شعارها

بی‌تردید، بهائیت با طرح شعارهای امپریالیستی، با آمریکا کاملاً هم‌نوا شده و از دیرباز ترویج‌دهنده و بلندگوی شعارهای استعماری است؛ علاوه بر تخریب بنیان خانواده، به تحریم و تخریب شعارهای ملی‌گرایانه که از عناصر مهم وحدت و انسجام ملی است دست می‌زند، از جمله این شعارها، وطن‌دوستی و علاقه به خاک و وطن است که در اسلام نیز از علائم ایمان شمرده شده است.<sup>۱</sup> بهاء، در اظهار وفاداری به امپریالیسم، مردم را دعوت به ترک تعصبات در خصوص آب و خاک و ملیت فرا می‌خواند و با این هدف، مقدمه‌ساز حذف ملیت از ملت‌ها می‌شود که مساوی با حذف احساسات پاک‌ی است که انسان را به دفاع از میهن فرا می‌خواند.

---

۱. «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» علی‌نمازی، مستدرک سفینة البحار، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ ابن‌حجر عسقلانی، فتح‌الباری فی شرح صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۹۴؛ الصحیح من السیرة النبویة الاعظم، ج ۳، ص ۲۳۳.

امروز، با توجه به شعارهای امپریالیستی که در جهانی سازی و طرح دهکده جهانی از سوی آمریکا مطرح می شود، این اهداف استعماری به راحتی قابل درک است؛ غرب به رهبری آمریکا، با این ابزار گسترده فرهنگی، در مقام رواج فرهنگ یکدست غرب به جهان و برچیدن فرهنگ‌های دیگر، از جمله اسلام است و برای این منظور از حرب‌ها و اهرم‌های فراوانی بهره می برد. سران بهائیت، از دیرباز با آنان هم نوا بوده اند؛ جهان وطنی، شعاری است که به آنها القا شده است. بهائیت از پیشگامان پذیرش شعارهای امپریالیسم است. راین به نقل از کسروی می گوید: «می گویند جمال مبارک فرموده، بعد از جنگ جهانی، دین‌ها یکی می شود و جنگ را حرام کرده و... مانند سخن بهاء (میرزا حسینعلی) را، ما امروز از وزیر خارجه آمریکا می شنویم. این وزیر خارجه می گوید، پس از جنگ باید همه دین‌ها یکی باشد».<sup>۱</sup>

ساموئل هانتینگتون،<sup>۲</sup> در ارائه نظریه برخورد تمدن‌ها، به برخی از شعارهای دهکده جهانی که بی ارتباط با افکار بهائیان نیست، اشاره کرده که معلوم می شود این سخنان از حلقوم امپریالیسم به بهائیان دیکته شده است.<sup>۳</sup>

پس از ناکامی سفیران و فرستادگان افندی که برای تبلیغ و ترویج بهائیت به آمریکا سفر کرده بودند، خود به آمریکا سفر کرده و در سخنرانی نسبتاً مهمی در میهمانی آمریکایی‌ها، چنین گفت: «امشب من نهایت سرور را دارم که در همچو مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم. الحمدلله در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی می بینم که در روی آنان نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است و این مجلس را دایر بر امن می گویم که ممکن است ملت شرق و غرب متحد شوند و ارتباط تام به میان آمریکا و ایران حاصل گردد».<sup>۴</sup>

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۲۱۰.

۲. از اساتید دانشگاه هاروارد آمریکا که نظریه برخورد تمدن‌ها را مطرح کرد.

۳. ساموئل هانتینگتون، تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ص ۱۳۴.

۴. انشعاب در بهائیت، ص ۱۲۴.

او در سفر دیگری که در سال ۱۹۱۱ به آمریکا داشت، خود را در جایگاه نماینده شرق که مفتخر به حضور در غرب شده می‌بیند و در این حال، گویی صاحب ایران و مالک شرق یا نماینده دولت ایران یا مردم مشرق‌زمین است که آمریکاییان را تشویق به حضور در ایران می‌نماید. این وقایع، زمانی روی می‌داد که پایگاه و جایگاه و امید آنها، کاملاً از روسیه قطع شد و فعالیت آنها در شوروی سابق منع شد و مشرق‌الاذکارشان تعطیل گردید. آنها، به سرعت خود را به دامن امپریالیسم بزرگ و قدرتمندی رساندند که رقیبی برای روسیه از لحاظ ایدئولوژی، تسلیحات نظامی و... بود و می‌توانست برای بهائیت، آشیانه خوب باشد؛ از این رو افندی به هر قیمتی که بود خود را به آمریکا رساند و وطن‌فروشی خود را به شکل رسمی به آنها اعلام کرد. وی برای آمریکاییان چاپلوسی جالبی کرده و ایران را کشوری سرشار از معادن غنی که برای غارت آمریکا بسیار مناسب است، معرفی می‌کند. او ثروت‌های ایران را برای آمریکاییان رو می‌کند. وی در این سفر، مقدمات حضور بهائیان در آمریکا و پیوند ناگسستنی بهائیت با آمریکا را رقم می‌زند.<sup>۱</sup> رفتار او در قبال ایران، شبیه رفتار منافقان گریخته از ایران است که دولت آمریکا را به گمان واهی خود، ترغیب به حمله به ایران می‌کردند. چنان‌که همین آرزوها و انتظارات را، صهیونیست‌ها نیز از آمریکا دارند، تا آمریکا به ایران حمله کند و ایران نیز مانند عراق، فلسطین و افغانستان، جولانگاه صهیونیست‌ها شود و زمین‌های ایران را تملک و مردم را قتل عام کنند و مزارع آنها را تصرف نمایند. چنان‌که در عراق نیز مثل فلسطین، رخنه کرده‌اند و اکنون در فکر تصرف زمین‌های حاصلخیز و بی‌ظنیر این کشور هستند و از این لحاظ، کشتار مردم عراق، خصوصاً شیعیان، با حساب و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد. مردم عراق، به جهت گرفتاری در دام آشوب‌ها و

نامنی‌ها، از این توطئه‌های پشت‌پرده ناآگاه هستند و روزانه، ده‌ها نفر از مردم مسلمان منطقه، در افغانستان، عراق، فلسطین و سایر کشورها، قتل‌عام می‌شوند.

بهائیان در وطن‌فروشی و امپریالیسم، همچون منافقان ایران، پس از انقلاب اسلامی کم‌نگذاشتند؛ حتی در ترور برخی از شخصیت‌ها و ایجاد آشوب‌های قومی نیز، دخالت داشتند. آنان، اکنون به‌عنوان بهترین حربه برای استعمارگران، مبدل شده‌اند که در انحرافات فرهنگی، ابتدال جوانان و همکاری با شرکت‌های تولید محصولات فرهنگی منحرف، همکاری نزدیکی دارند.

حمایت آمریکا از موجودیت این منطقه، در قلب جهان اسلام، بی‌حساب و کتاب نیست؛ این منطقه، مرکز تمام آشوب‌های جهانی و توطئه‌های بین‌المللی شده است. پایگاه استعمار از دیرباز، از این منطقه شروع شده و به مناطق دیگر نفوذ کرده است. امروز، صهیونیسم و بهائیت، در چتر حمایتی آمریکا، در پوشش و لباسی مدرن، با شیوه‌های نوین، هر روز دام‌های جدیدی علیه مسلمانان و جهان اسلام می‌چینند و در اکثر کشورهای جهان، برای بهائیت، امکانات مادی فراهم نموده و در جذب جوانان، تلاش می‌کنند.

#### ۴. راه‌اندازی تشکیلات بهائیت در آمریکا

آنچه درباره بهائیت تأمل‌برانگیز است برخورداری از تشکیلات گسترده است که بر اساس حمایت مالی و فکری بیگانگان، به‌ویژه آمریکا، روز به روز در حال گسترش و انجام بوده است. بنای مشرق‌الاذکار و حظیرة‌القدس در فلسطین اشغالی و در کوه کرمل، با حمایت صهیونیست‌های جهان، بهائیان و به‌ویژه دولت آمریکا، بنا گردید.<sup>۱</sup> مهم‌ترین مرکز تشکیلات سازمان‌یافته بهائیت، از آمریکا سر برآورده و در این کشور با اجازه سیاستمداران آن، فعالیت جهانی و بین‌المللی دارد. مرکز آنان موسوم به «مهد امرالله» است.

دومین مشرق‌الاذکار وسیع و مجهز آنان نیز، در شهر شیکاگوی آمریکا، توسط عباس افندی، تأسیس شده است. جمعیت بهائیان در آمریکا، بر اساس بزرگ‌نمایی خودشان، حدود دویست هزار نفر آمریکایی است در حالی که یک سوم جمعیت بهائیان در آمریکا ساکن‌اند، اکثر اعضای بیت‌العدل<sup>۱</sup> از آمریکا انتخاب و از سوی آنها اداره می‌شود و تمام سیاست‌های کلان فرهنگی و تشکیلاتی بهائیت و برنامه‌های آنها در میان کشورها از سوی این مرکز انجام می‌گیرد. این تشکیلات، یک تشکیلات کاملاً امپریالیسمی است که در خدمت سیاست‌های آمریکاست، در این تشکیلات وابسته، کارهای جاسوسی برای دولت آمریکا برنامه‌ریزی و به نام مرام بهائیت در کشورهای دیگر اجرا می‌شود، سازمان‌های مثل سیا، موساد و... جاسوس‌های خود را از این تشکیلات به خدمت می‌گیرند و این مراکز به آموزش آنها می‌پردازند و به کشورهای دیگر ارسال می‌کنند.

عباس افندی رهبر بهائیان کاملاً مطیع سیاست‌های آمریکا بود و آنها را تقدیس می‌کرد، او در نطق‌های خود به‌صراحت آمریکا را که مرکز تشکیلات بهائیت است مرکز حق و مرکز تابش انوار می‌داند و ایران را که در گذشته پایگاه بهائیت بود از بهترین اقمار آمریکا می‌شمارد. او دولت آمریکا را بهترین اسباب کشف ثروت‌های معدنی ایرانی برشمرده و وابستگی خود را به این دولت امپریالیسمی با وفاداری خاص اعلام می‌دارد.<sup>۲</sup> در دوران ارتباط ایران با آمریکا، شوستر آمریکایی توسط یکی از بزرگان محفل بهائیت به ایران معرفی شد و در ایران حضور یافت، این معارفه حاکی از پیوند بسیار

۱. بیت‌العدل، از شعارهای اسلامی و شیعی گرفته شده است و جهت تخریب وجهه عدالت مهدوی، با اهداف خاص به‌کار می‌رود. در روایات مربوط به امام‌زمان که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است، تکیه بر عدالت‌گستری آن حضرت، به‌عنوان یک ویژگی بزرگ شمرده شده است؛ از این رو بهائیت نام مؤسسات خود را از این شعارها می‌گیرد. آنها با این کار، وهن عدالت نموده و از نام‌هایی که بار ارزشی دارند، سودجویی می‌کنند و از طرفی ارزش‌های دینی را تخریب می‌نمایند.

۲. احسان طبری، ویژگی‌ها و دگرگونی‌های جامعه ایرانی در بوته تاریخ، ص ۱۱۶-۱۱۸.

دیرین بهائیت با دولت آمریکا است و کارهای جاسوسی بهائیان برای امپریالیسم از این زمان به بعد واضح‌تر و نمایان‌تر دیده می‌شود، عباس‌افندی کسی است که پای شرکت‌های نفتی آمریکا را به ایران باز کرد و فردی به‌نام شوستر را در ایران به منصب تصدی اداره گمرک، راهنمایی و مشغول نمود، هنگام ورود وی به ایران استقبال شایانی توسط بهائیان از او صورت گرفت و دلبستگی این فرقه به آمریکا آشکارتر شد.<sup>۱</sup>

آمریکاییان به مسخره بودن ادعاهای بهائیان و بطلان آن واقف بودند؛ اما این مسئله را حربه قدرتمندی برای شکست ایران می‌دانستند؛ آنها بهائیان را انسان‌های زبون و پستی دیده بودند که به‌وسیله آنها، به هر جنایتی می‌توان دست زد؛ از این‌رو از ترویج بهائیت در آمریکا نیز استقبال می‌کردند. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، دولت آمریکا، ضمن اجازه تأسیس مشرق‌الاذکار و دیگر تشکیلات بهائی در آمریکا، موقوفاتی نیز در اختیار بهائیان قرار داد.<sup>۲</sup> عبدالبهاء در این‌باره گفته است: «... از جمله ... عجیبه ... این است که مشرق‌الاذکار در قلب آمریکا بنیان می‌گردد. ملاحظه کنید که امرالله، چه قدر قوت یافته است که خانمی فرنگی، گیس خویش را فدای مشرق‌الاذکار می‌نماید...»<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، دست آمریکا در حمایت از بهائیت، با تأمل در اسناد، بیشتر نمایان می‌گردد. مجموعه موقوفات بهائیان در آمریکا، تا سال ۱۹۵۰ به این ترتیب بوده است که پس از آن، تا سال ۲۰۰۰ چندین برابر افزایش یافت و درآمد حاصل از آن، در نشر بهائیت و حمایت از بهائیان جدیدالورود و سایر امور بهائیت (از مسائل فرهنگی تا مسائل ریز اقتصادی) به کار گرفته شد.

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۱۱.

۳. بهائی‌گری، ص ۹۸-۱۰۰؛ قرن بدیع، ص ۵۸۰-۵۸۲.



آمار مراکز مربوط به بهائیت در آمریکا، با قیمت‌های تقریبی تا سال ۱۹۵۰:

- مشرق‌الاذکار ۲۳۸۱۵۱۲/۹۱ دلار.

- حظیرةالقدس ۲۵۵۳۶/۴۲ دلار.

- گرین عکا ۱۲۶۷۱۸/۷۳ دلار.

- املاک ویلهلم ۷۹۰۰۰ دلار.

- مدرسه کایزویل ۴۸۵۰۰ دلار.

- مدرسه بین‌الملل ۵۱۵۰۰ دلار.

- مدرسه ایالات مرکزی ۶۴۷۰۰ دلار.

- خانه ویلسن ۷۰۰۰ دلار<sup>۱</sup>.

مراکز دیگری نیز در آمریکا وجود دارد که قیمت‌گذاری نشده است و در آنها، انواع فعالیت‌ها انجام می‌شود. برخی از این مراکز به شرح زیر است:

۱. مشرق‌الاذکار در ایالات مختلف.

۲. معبد.

۳. منازل متوکی مشرق‌الاذکارها و باغ‌های اطراف حظیرةالقدس.

۴. دفاتر محفل رهبران محلی بهائیت و دفاتر و تشکیلات مربوط به امور اداری آنها.

۵. دفاتر نشر آثار

۶. مدارس زیادی که در ایالات مختلف تأسیس کرده و تملک نموده‌اند و

از سطوح ابتدایی تا حد دبیرستان، در آنها تعلیمات می‌دهند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، آمار و ارقام آن مراکز تا سال ۲۰۰۸ رو به افزایش بوده است و فعالیت‌های آنها نیز، به شکل گسترده و پیچیده و با توجه به فناوری‌های روز، در آمریکا ایجاد شده است. این مراکز، فراتر از مرزهای آمریکا، خصوصاً در

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۲۴۸-۲۵۲.

۲. همان.

کشورهای اسلامی نیز، در حال افزایش است.<sup>۱</sup> همسر شوقی، آمریکایی و یکی از رهبران بهائیت در آمریکا بود. او از بدنهٔ تشکیلاتی دولت آمریکا محسوب می‌شد و در خدمت بهائیان قرار داشت و در پیشبرد اهداف بهائیت، با رهبران آمریکایی مرتبط بود. اکنون نیز، تشکیلات بهائی‌ها، وابستگی ناگسستنی با دولت آمریکا دارد و بیشتر اعضای بیت‌العدل (بیت‌الفسق)، از آمریکاییان یا صهیونیست‌های آمریکا هستند.

شوقی افندی، چگونگی سفر نخست وزیر اسرائیل، در رابطه با منافع بهائیان را، ضمن ارسال تلگرافی محرمانه در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۵۲ خطاب به «محفل بهائیان آمریکا»، چنین اعلام داشت: «برای تأسیس و استقرار مرکز جهانی امرالله (در اسرائیل) اقدامات وسیعه، به کمال سرعت به عمل آمده است. هیئت‌های ایادی امرالله، از هر یک از قطعات عالم، متوالیاً تعیین گشته و پنج نفر از آنها، اکنون به ایفای وظائف در ارض اقدس مشغولند. هیئت بین‌المللی بهائی، توسعه یافته و اعضای عامله آن، تعیین گردیده‌اند. هنگام مسافرت رئیس‌الوزرای دولت اسرائیل به آمریکا، نمایندگان محفل ملی آمریکا، با او ملاقات و مصاحبه نموده و آثار امری به او تقدیم داشته‌اند. هجده قطعه اراضی، به مساحت بیست و دو هزار متر مربع، بر وسعت اوقاف بین‌المللی بهائی در دامنه جبل کرمل اضافه گردیده است. به منظور تملک، متجاوز از یکصد و چهل هزار متر مربع، از اراضی واقعه، در حول روضه مبارکه بهجی، عملیات مساحی از طرف دولت انجام یافته است. نقشه مشرق‌الاذکار کرمل که ابتکار رئیس هیئت بین‌المللی بهائی است، تکمیل و اتمام پذیرفته است».<sup>۲</sup>

«معافیت اعتبار مقدسه از رسوم دولتی و سایر مزایایی که از طرف وزارت دارایی دولت اسرائیل اعطا شده بود، اکنون شامل بیت مبارک حضرت

۱. اسناد فعالیت بهائیان در دورهٔ محمدرضا شاه، ص ۲۵۸.

۲. مجله «اخبار امری»، ارگان رسمی بهائیان، ایران، شماره ۹۸.

عبدالبهاء و مسافرخانه شرقی و غربی نیز گردیده است؛ متعاقب مخاصمات خارجی و اغتشاشات داخلی که مدت ده سال ارض اقدس را دچار انقلاب و اضطراب نموده بود، دوباره باب زیارت ارض اقدس مفتوح گردید. ساختمان پایه‌های هشت‌گانه که باید طبقه فوقانی مقام اعلی، به وزن هزار تن بر آن قرار گیرد، به پایان رسیده است. قراردادهای متوالی که مجموع آن تقریباً به چهل و هفت هزار دلار بالغ می‌شود، جهت ساختمان طبقه هشت‌ضلعی مقام مقدسی، به امضاء رسیده که در نتیجه، اولین قسمت طبقه فوقانی تکمیل و هشت‌مناره که عبارت از تاج دوم این بنای مقدس است، مرتفع خواهد شد. مقدمات ساختمان طبقه مدور که قبه ذهبی بر آن قرار خواهد گرفت آغاز گردیده است...»<sup>۱</sup>

توافق دولت اسرائیل، مبنی بر گسترش موقعیت، اراضی و اماکن بهائیان در اسرائیل، معلول سیاست آمریکا و صهیونیسم، برای تقویت بهائیان و تأسیسات مرکز جهانی آنان، گسترش اقدامات بهائیت در دیگر کشورها و حفظ منافع اسرائیل، به‌ویژه در کشورهای اسلامی بوده است. طرح نقشه‌های جهانی بهائیان برای ازدیاد مراکز بهائی در کشورهای مختلف، توسط محفل بهائیان آمریکا، طرح‌ریزی و با برنامه‌های اطلاعاتی رژیم اشغالگر فلسطین، تطبیق و هماهنگ شده بود. ضرورت چنین مساعدت‌هایی، از جانب آمریکا و اسرائیل، سازمان و رهبران آمریکا و صهیونیسم را به اتخاذ هر نوع همکاری لازم، در قبال سرسپردگی بهائیان برای آمریکا و اسرائیل و می‌دارد.<sup>۲</sup>

## ۵. همکاری در سرقت آثار تاریخی

آمریکا، از بهائیان ایران و افراد با نفوذ آنان که ابزار دست آمریکا بودند، سود بسیاری می‌برد. غارت آثار تاریخی باستانی ارزشمند و انتقال آنها به آمریکا،

۱. بهائیان، ص ۶۷۵ به نقل از مجله «اخبار امری»، ارگان محفل بهائیان ایران، شماره ۱.

۲. بهائیان، ص ۶۷۴.

توسط افرادی که برای آمریکا نوکری می‌کردند، از برنامه‌های آمریکایی‌ها بود. به گفته تقی‌زاده، علیقلی‌خان نبیل‌الدوله: «به این و آن بنوشت که عتیقه‌جات را، به اینجا (آمریکا) بیاورند».<sup>۱</sup> سرقت و دزدی، چیزی است که بهائیت با راهنمایی سران خود، به آن اقدام می‌کرد. آیتی، در کشف‌الحیل در این باره نوشته است: «بهاء، عباس‌افندی را به سرقت جعبه جواهر حاج شعبان، دلالت کرد و در استانبول، کمربند قیمتی از حجره یک تاجر ایرانی را به سرقت برد».<sup>۲</sup>

از این رو، آمریکا برای سرقت آثار باستانی و تاریخی و انتقال آنها به آمریکا، از بهائیت که در سرقت مهارت داشتند، استفاده می‌کرد و در غارت این آثار تاریخی و باستانی از آنان حمایت می‌نمود. آمریکا، بهائیت را به‌عنوان یک سلسله تشکیلات منظم در سراسر دنیا (از شبه قاره هند، آسیا، آفریقا، قاره آمریکا و اقصی نقاط اروپا و ماوراءالنهر (آسیای میانه) تا روستاهای دورافتاده و محروم نقاط مختلف دنیا)، مورد پشتیبانی مادی قرار می‌دهد. در ایران، با استفاده از حضور آنان، اشیای عتیقه، مستقیم و یا غیرمستقیم، با همکاری افراد بهائی و یهودی،<sup>۳</sup> شناسایی و سرقت می‌گردید. هر جا نیاز بود، افراد بهائی این موارد را شناسایی می‌کردند و با پول یهودیان مستقر در ایران، اقدام به خرید این اشیاء می‌کردند. بر اساس اسناد، افراد وابسته به بهائیان ایران، به سرقت اشیاء عتیقه و انتقال آن به آمریکا، دست داشته‌اند. صبحی که از برگشتگان و از عناصر کلیدی بهائیان بود، از این سرقت‌ها با اسناد سخن گفته است و این سخنان، هیچ تردیدی را برای اندیشه‌وران، باقی نمی‌گذارد. او می‌نویسد:

«خوب یادم هست که از روزگار پیش، یکی از جهودان بهائی، با یکدیگر

۱. بررسی مناسبات ایران و آمریکا، ص ۱۵۴؛ سیدحسن تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۷۳ و ۱۷۷.

۲. کشف الحیل، ص ۲۲۰.

۳. قهرمان میرزاسالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۷، ص ۴۹۶۸.

همدست شدند و به راه افتادند و در هر جا که نشانه‌ای از روزگار باستانی بود، یا می‌دزدیدند یا به بهای ارزان می‌خریدند. یکی در میان آنها بود که کار نخستینش درزی‌گری بود و در خیابان لاله‌زار دکان داشت که هنوز برادر و فرزندش هستند. این مرد، چنان در این کار (دزدی اشیاء عتیقه) بی‌باک شد که روزی در بی‌بی‌زییده (امامزاده)، دری دید که از چند صد سال پیش بود. او شبانه در را کند همین آدم از ایران متواری شد و من در این ایام، در حیفا و فلسطین پیش عبدالبهاء بودم. دیدم خود را به پیش عبدالبهاء رساند و خود را به روی پای عبدالبهاء انداخت و خاک پایش را بوسید<sup>۱</sup> وی گزارش می‌دهد که تقی‌زاده<sup>۲</sup> می‌گفت: «یکی از دفترهای باستانی (دیوان‌های بزرگ) را که در دست دوسه تن بود، به بیرون کشور برده‌اند. یک بخش از آن در ایران است. از نخست‌وزیر، در این باره کمک خواستیم که آن (قسمت سرقت شده) را بخرند. پس از بررسی، روشن شد که آن را هم به در برده‌اند و در آمریکا به بهای هفتاد هزار دلار فروخته‌اند. همه این کارهای ناستوده، با دست اینها است (بهائیان). ولی در بررسی‌ها و گزارش‌ها نمی‌نویسند که این کار از کی سرزده که بهائی و پیرو شوقی است؛ اگر می‌نوشتند، می‌دیدید که نود درصد (۹۰٪) این پلیدی‌ها، از آن گروه است».<sup>۳</sup>

این سرقت‌ها طبق گفته صبحی، دقیق گزارش و ضبط نشده است؛ بر همین اساس، در سال ۱۹۳۰م، در نیویورک، جمعیتی به اسم «مؤسسه آمریکایی، برای صنایع و آثار عتیقه ایران» تأسیس شد و ریاست افتخاری آن، به پروفیسور جکسن و ریاست حقیقی، به فرانکلین م. گون‌تر (وزیرمختار سابق آمریکا در ایران) تفویض گردید. در همان وقت «ارثرپوپ» نیز، مدیر مؤسسه مزبور شد؛ به تشویق این جمعیت، رکفلر (ثروتمند معروف آمریکا)،

۱. بهائی‌گری، ص ۲۳۹.

۲. سیدحسن تقی‌زاده، یکی از رجال مهم فکری و سیاسی عصر پهلوی و از وزرای این دوره است.

۳. بهائی‌گری، ص ۲۴۰.

حاضر گردید، مبلغی برای حفريات پردازد و ۹ ميليون دلار، در اختيار پروفيسور برستيد (استاد دارالعلوم شيكاگو) گذارد، تا در ايران و مصر خرج کند؛<sup>۱</sup> بر اساس اين گزارش‌های متنوع، تشكيل چنين موسسه‌ای، نشان می‌دهد، آمريکاييان، علاوه بر اينکه خودشان با حفاری در آثار باستانی ايران، آنها را به آمريکا منتقل می‌کردند، از عناصر بهائی نیز، به هر نحو ممکن، در شناسایی، سرقت و انتقال آثار، بهره می‌بردند.

## ۶. جاسوسی بهائیان برای آمريکا

در گذشته، اگر بابت برای روس و انگليس، به‌عنوان جاسوس و ابزاری برای توسعه سلطه آنها بود و آنها برای تأمين منافع خود، گرفتن امتيازات، اشغال و تجزیه خاک ايران، غارت نفت، شيلات و ساير معادن ايران، از افراد اين فرقه گمراه استفاده می‌کردند، اما امروز، بهائيت حربه‌ای است عليه منافع ملی، در دست آمريکا و امپرياليسم جهانی؛ افراد نفوذی و جاسوس‌های پرورش‌یافته، در دامن اين اندیشه، در حساس‌ترين نهادها و مراکز اسلامی نفوذ کرده‌اند و فعاليت فرهنگی حساب‌شده‌ای را در تمام ابعاد زندگی مسلمانان، از لحاظ تخریبی انجام می‌دهند؛<sup>۲</sup> سياست ثابت دولت آمريکا، در قبال بهائیان، حمايت همه‌جانبه و مستمر از آنان، در تمام موقعیت‌های بين‌المللی و جهانی بوده است. بهائیان نیز در واکنش به اين پدرخواندگی، در راستای منافع آمريکا، به هر اقدام و جنایتي در ايران دست زده‌اند، از جمله اين اقدامات، جاسوسی عناصر بهائی، برای آمريکايي‌ها است؛ جاسوسی بهائیان، برای دولت‌های غربی و استعمارگران، امری مسلّم است؛ در شهريور ماه سال ۱۳۸۷، جمعی از بهائیان، به جرم جاسوسی دستگیر و به جرم خود اعتراف نمودند.<sup>۳</sup>

۱. حسن پيرنيا، تاريخ ايران باستان تا امروز، ج ۲، ص ۱۶۲۰.

۲. جامعه المصطفی العالمیه، پژوهش‌های منطقه‌ای، ص ۸۵.

۳. «گزيده اخبار جامعه مدرسین» شماره ۲۲۵۸.

بهائیت با جریان استعمار، در اشکال نوین و کهنه، هم‌گرایی داشته است؛ رهبران بهائیت در آغاز پیدایش، وابسته به روس‌ها بودند و در ادامه، مدت‌ها برای انگلیسی‌ها جاسوسی کردند. پس از اینکه جایگاه آمریکا در جهان به‌عنوان قدرت استعماری و حامی بزرگ امپریالیسم شناخته شد، سران بهائی به سوی آمریکا متمایل شدند و با این دولت، پیمان دوستی بستند و در خدمت اهداف آنها قرار گرفتند.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۱۹، ده سال پس از قرار گرفتن عباس‌افندی در جایگاه رهبری بهائیان، او به‌دنبال جای پای در آمریکا بود تا به ثروت آمریکا نزدیک شود؛ آمریکا نیز وی را همسو با اهداف خود تشخیص داد و از او در جاهای مختلف بهره‌برداری سیاسی کرد؛ از این روی شوقی، از حافظان منافع بهائیت در آمریکا درخواست نمود به هر نحوی که ممکن است کوششی برای جلب موافقت همه‌جانبه بن‌گوریون<sup>۲</sup> (نخست‌وزیر کشور اسرائیل) به عمل آورند؛ این فرصت برای او، هنگامی دست داد که نخست‌وزیر اسرائیل، برای تبادل نظر با مقامات آمریکایی، عازم آمریکا گردیده بود.<sup>۳</sup>

آمریکا، از هر فرصت، برای رسمیت دادن به این مرام و حزب، به‌عنوان دین آسمانی و یک مذهب، استفاده کرده است؛ دوستان آمریکا، مانند رژیم پهلوی، به اشاره آمریکا، از این مسلک حمایت می‌کردند؛ آمریکایی‌ها، از پهلوی رسماً درخواست حقوق برای آنان به‌عنوان اقلیت مذهبی داشتند و از رسمیت یافتن این فرقه، به‌شدت پشتیبانی می‌کردند؛ البته این رفتار آمریکا از دید، علما و بزرگان دینی پنهان نبود و آنها بطور دقیق این مسئله را رصد می‌کردند؛ در جلسه‌ای که علامه امینی، به همراه مرحوم شیخ عباس‌علی اسلامی و چند نفر دیگر از علما و وعاظ تهران، در محضر امام بودند بعد از

۱. حسن فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۴۲۵.

صحبت‌های افراد، حضرت امام بر ضرورت تشکیل جلسات علما، عدم تعهد به ساواک، تکیه روی حادثه فیضیه، حفظ وحدت و... تأکید کردند، علامه امینی که با همه وجود به سخنان امام گوش سپرده بود، پس از بیان مطالبی گفت: «کندی در ملاقات با شاه گفت: امیدوارم اقلیت‌های مذهبی را در آنجا منظورش بهائیت بود- به رسمیت بشناسید و در روزنامه چاپ شد.»<sup>۱</sup>

رابطه پنهانی آمریکا با بهائیت، بر اساس اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی، تأمل برانگیز است؛ از آن رو که بهائیان، مورد حمایت جاسوس‌های آمریکا نیز بوده‌اند، یکی از سفیران آمریکا درباره جلب رضایت بهائیان، چنین می‌نویسد: «ما از پرایور خواسته‌ایم که از رهبران بهائی بپرسد که در صورت امکان، چه اقدامات حفاظتی می‌توانیم برای آنها به انجام برسانیم و... (جاسوسان) همه، درباره مسئله بهائیت، فعالیت خوبی کرده‌اند که قابل تقدیر است. به همکاران ایرانی (جاسوسان) اطلاع بدهید که ما از آنها (بهائیان) حمایت می‌کنیم.»<sup>۲</sup>

پرایور به ظاهر از کشیش‌های کلیسا و وابسته به صهیونیست‌های آمریکا بوده است. وی نقش مهمی در برقراری رابطه بین بهائیان ایران و دولت آمریکا داشته است. سفیران آمریکا در ایران، در گزارشات خود تأکید کرده‌اند که نقش وی (جاسوسی)، بایستی مخفی باشد.<sup>۳</sup>

جاسوسی بهائیان برای امپریالیسم و آمریکا، نه تنها تازگی ندارد، بلکه در مطبوعات بهائیان نیز، شواهد و گواهی‌های معتبری بر این امر وجود دارد.<sup>۴</sup> امام خمینی رحمته الله علیه، پرده از این چهره آنها برداشته و فرموده است: «بهائی‌ها یک مذهب نیستند؛ یک حزب هستند. یک حزبی که در سابق... اینها هم

۱. عبدالحسین امینی، آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)، ص ۵۴.

۲. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی، شماره ۳۷۷.

۳. همان.

۴. همان، شماره ۵، ص ۱۵۱؛ شماره‌های ۱۵ و ۱۶، ص ۱۶۵.



جاسوسند...»<sup>۱</sup>. امام، بهائیت را با توده‌ای‌ها مقایسه می‌کرد و آنها را مورد حمایت شوروی سابق و مورد حمایت شدید آمریکا می‌دانست.<sup>۲</sup> این گفتار امام راحل، بسیار درست و واقع‌گرایانه است؛ زیرا بهائیت با امپریالیسم پیوند خورده است.

عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص محمدرضا پهلوی، از جاسوسان سیا در ایران بود. بر اساس اظهارات عدّه‌ای از بهائیان پشیمان (که آنها خود را احرار نامیدند)، ایادی، جاسوس سیا بوده که شاه را با توجه به خواسته‌های آمریکا، به هر طرف که بنا بود می‌راند. ایادی، مأمور آمریکا بر سر شاه بود تا در صورت تخطی شاه از دستورات آمریکا، او را به قتل برساند.<sup>۳</sup>

#### ۷. ترویج بهائیت با ترویج مفاسد اخلاقی

همسویی بهائیت با آمریکا، در ترویج و القای طرح‌ها و برنامه‌های امپریالیسمی، بسیار روشن است و نیازی به شواهد دیگر ندارد؛ بهائیان از هر روشی، از جمله ترویج مفاسد اخلاقی، جهت تبلیغ و ترویج بهائیت بهره می‌برند،<sup>۴</sup> از آنجا که در آمریکا و جهان غرب، این مسائل پذیرفته است، آمریکا به آنها چراغ سبز نشان داده و اعلام همکاری و پشتیبانی نمود؛ در این شرایط و فرصت، میرزاعباس افندی، به‌دنبال فردی بود که با زبان آمریکایی‌ها آشنا باشد؛ از این رو فردی به نام ابراهیم خیرالله را برای این منظور انتخاب کرد که به‌وسیله مفاسد، به ترویج بهائیت بپردازد؛ ابراهیم خیرالله، اهل شام بود که زبان انگلیسی را به‌خوبی می‌دانست و تحصیلات غربی نیز داشت، چون او

---

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۹؛ فردوست در خاطرات خود می‌گوید: «این افراد، جاسوس‌های بالفطره بودند»، خاطرات، ص ۳۷۵. در غائله بمب‌گذاری در حسینیه شهدای شیراز، عدّه‌ای از بهائیان پس از دستگیری، از جاسوسی خود برای بیگانگان پرده برداشته و اعتراف نمودند.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۶۰-۴۶۱؛ روحانیت بهائیان، ص ۱۲۳.

۳. بهائیت در ایران، ص ۲۷۴ به نقل از نشریه «احرار»، شماره ۱، تیرماه ۵۸، ص ۶.

۴. از آغاز پیدایش بهائیت، نماینده سیاسی انگلیس در گزارش خود درباره انحرافات اخلاقی و جنسی این گروه می‌نویسد: هرچو مرج جنسی از ویژگی‌های این گروه است. انشعاب در بهائیت، ص ۴۴.

از نظر مالی به شدت نیازمند بود و از آنجا که بهائیان در کمین این گونه افراد بودند او را به مرام بهائیت دعوت کردند، او نیز از پیشنهاد استقبال نمود و بهائیت شد و به پیشنهاد میرزا عباس افندی، به آمریکا سفر کرد. مأموریت او تبلیغ آئین بهائیت در آمریکا بود که مردمش پایبندی چندانی به آموزه‌های مسیحیت نداشتند، چنان‌که در آغاز نوشته اشاره شد، اکثر شکل‌دهندگان و بنیان‌گذاران آمریکا، سارقان و لاپالای‌های اروپا بودند که هیچ‌گونه تعهدی در قبال دین نداشتند.<sup>۱</sup> بنابراین میرزا عباس، با فرستادن خیرالله، منتظر بود که مرام او در آمریکا از استقبال شایانی برخوردار باشد؛ ابراهیم خیرالله نیز، چون عقیده راستین به بهائیت نداشت و تنها از شدت فقر، به این فرقه پناه برده بود، در آمریکا در پی خوشگذرانی بود؛ همسر خیرالله نیز در این سفر همراه او بود. او تعهد داشت با همکاری همسرش که زنی زیبا بود، در جلب جوانان به بهائیت و با استفاده از احکام بهائیت، به ترویج این فرقه بپردازد. خیرالله که برای گرفتن پول راضی به این کار شده بود هرگز درباره اطاعت از آنها و دادن اختیار و آزادی ارتباط به همسرش، برای جلب جوانان، عمل نکرد. بهائیان از این کار مطلع شدند و در فکر قطع حقوق و مستمری او برآمدند و از عمل او پرده برداشتند که خیرالله از زنش به سود تبلیغ جریان بهائیت استفاده نکرده است؛ مشخص شدن این قضیه، بیشتر به زیان میرزا عباس و هوادارانش شد. بر تمام مردم پیرامون و ادیان دیگر روشن شد که سران بهائیت، چه قدر رفتارهای ضد اخلاقی دارند و شئون خانوادگی را رعایت نمی‌کنند و ناموس‌فروشی و ازدواج با محارم را ترویج می‌کنند؛<sup>۲</sup> آری، این است مرامی که امپریالیسم از

۱. ر.ک: آمریکا چگونه آمریکا شد، ص ۴۰-۵۰.

۲. ر.ک: جمال ابهی، ص ۱۵۵-۱۵۸؛ کشف‌الحیل، ص ۱۹۸-۲۰۱، ۵۴-۵۵. آیتی، گوشه‌هایی از روایط نامشروع و انحرافات اخلاقی و ترویج اباهی‌گری را گزارش نموده است، در صفحه ۱۹۸ به نقل از کتاب علی محمد (ملعی بابت) نوشته است: «خواهر و برادری که هم‌دیگر را ندیده‌اند، اگر ازدواج کنند ضرری ندارد». در صفحه ۱۷۸ کشف‌الحیل می‌نویسد: «کسرحدود و شکستن حدود اسلامی در دستور کار اینان قرار داشت که با طرح و عملی کردن اشتراک فراش و تجویز شرب خمر... که از بدشت آغاز شد».

آن حمایت می‌کند و بدین وسیله، در صدد حریم‌شکنی و عفت‌زدایی اخلاقی از خانواده است.<sup>۱</sup> بر همین اساس طیفی از جامعه و دولت آمریکا که حامی بهائیت و مرام بهائیان است، دچار بحران خانواده شده‌اند و بسیاری از جوانان آمریکایی، نمی‌دانند پدر آنها کیست و همین افرادند که در نسل‌کشی‌ها و قتل و غارت در عراق، افغانستان و... شرکت می‌کنند. چون انسان با خانواده و دارای اصالت، به آسانی به خون‌ریزی و قتل کودکان بی‌گناه رضایت نمی‌دهد. بهائیت با این افکار انحرافی، در مقام مبارزه با حریم خانواده‌ای است که در اسلام مورد تأکید فراوان است. بسیاری از آیات قرآن، اطاعت و احترام پدر و مادر را جهت حفظ حریم خانواده‌ها تقدیس نموده و هم‌ردیف با توحید شمرده است و پس از نفی شرک از خداوند، به احترام والدین سفارش کرده است.<sup>۲</sup> از این رو، می‌توان گفت که تمام شعارهای بهائیان در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و برای نابودی فرهنگ اسلام مطرح شده است.<sup>۳</sup>

با تأمل در احکام و شعارهای بهائیت و اندیشه امپریالیسم که اصالت را به سودمحوری و نفی ابعاد روحی و معنوی انسان - که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است - قرار داده است، به خوبی می‌توان فهمید که آنها، در راستای نفی ارزش‌های اسلام و در جایگاه مبارزه با آن هستند. آنها برای محو حریم خانواده، غیرت به ناموس و دفاع از آبرو، برنامه‌هایی از پیش طراحی کرده‌اند و این برنامه‌ها را به نام آداب و رسوم و احکام بهائیت، در قالب آموزه‌های خود، به اجرا می‌گذارند، در مرام امپریالیسم، هیچ حریمی برای خانواده و حفظ اساس و اصالت آن وجود ندارد؛ آزادی همجنس‌بازی از جمله

۱. بهائی‌گری، ص ۴.

۲. لقمان، آیه ۱۳ و ۱۴.

۳. پژوهش‌های منطقه‌ای، ص ۸۶.

شعارهای این اندیشه است<sup>۱</sup> که آن را به صورت قانون درآورده و از آن حمایت می‌کنند؛ این قانون، کاملاً مغایر با اصول انسانی است؛ اما در کشورهای غربی، ترویج می‌شود. بهائیت نیز با ارتکاب این رفتارهای ضد ارزشی موافق است؛ این گونه اعمال، در منش، بسیاری از بهائیان، مثل هویدا،<sup>۲</sup> اسدالله قمی، فردی به نام غنی<sup>۳</sup> و... گزارش شده است. این اعمال، در اسلام حرام و مجازات و کیفری بسیار سخت، برای این ناهنجاری‌های اخلاقی در نظر گرفته شده است.

آمریکا، حامی بهائیتی است که انحرافات اخلاقی ضداسلامی در آن به وضوح وجود دارد<sup>۴</sup> و هنجارهای دینی در آن، متزلزل شده است. پس از عدم همکاری خیرالله با میرزا عباس، وی برای تبلیغ بهائیت در آمریکا، فرد دیگری را در نظر گرفت که وفادار به او و بهائیت بود؛ این فرد، میرزا اسدالله اصفهانی بود که همراه خاندان بهائیش، عزم سفر به آمریکا نمود و به محض رسیدن به آمریکا، در پی کسب منافع خود از طرق دیگر بود و به جای تبلیغ بهائیت، به کارهای دیگری پرداخت؛ عدم پای‌بندی میرزا اسدالله و امثال او به بهائیت، در حدی که رغبت تبلیغ آن را نداشتند، از پوچی این فرقه حکایت دارد که این افراد، با هدف دستیابی به منافع مادی، در این راه قدم برداشتند؛ میرزا اسدالله نیز، در آمریکا به پرده برداشتن از رسوایی‌های اخلاقی بزرگان بهائیت پرداخت<sup>۵</sup> و با این گروه قطع ارتباط کرد. آنچه رهبران بهائی به دنبال آن بودند، از عهده افرادی که کمترین تعصب و غیرتی نسبت به ناموس و خانواده داشتند، بر نمی‌آمد؛ از این رو آنها همواره به دنبال بی‌بندوبارترین افراد بودند که از ناموس

۱. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص ۳۲۷.

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۴ و ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۷.

۳. کشف الحیل، ص ۵۴۰.

۴. همان، ص ۱۹۹ و ۵۴۰-۵۴۱.

۵. جمال ابهی، ص ۱۵۸ و ۱۶۵. میرزا حسینعلی به برادرش میرزا یحیی، نسبت همجنس‌بازی با شاگرد قصاب می‌داد. کشف الحیل، ص ۲۰۲.

خود نیز در راه اهداف بهائیت بگذرند و بی‌غیرتی آشکار و لابلای‌گری شدید داشته باشد. برخی از سران بهائی چنین بودند<sup>۱</sup> و ذکر این مسائل، از شأن این ساحت بیرون است.

میرزاعباس، پس از او (میرزا اسدالله) از نفوذ در میان مردم آمریکا دلسرد نشد و افراد دیگر را برای تبلیغ مرام خود به آمریکا فرستاد. میرزااحسن خراسانی و میرزاعبدالکریم تهرانی، دو تن از پیروان او بودند که مأموریت یافتند به آمریکا بروند. او خودش نیز، پس از آنها، عازم آمریکا شد. در این زمان، امید بهائیان از روسیه کاملاً قطع شده بود.<sup>۲</sup>

چنان‌که مطبوعات و گزارشات رسیده در ایران حاکی است، در شهرهای مختلف، فعالیت‌شان افزایش یافته است؛ عمده فعالیت‌های آنان، بر محور جاذبه‌هایی دروغین و تبهکارانه بود که برای جوانان در نظر گرفته بودند؛ در تعدادی از شهرها، مبلغان فرقه ضاله بهائیت، با سوءاستفاده از مشکلات اقتصادی، برخی از جوانان را در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به خود، به کار مشغول می‌کنند؛ در این بنگاه‌ها، علاوه بر اینکه از توان این جوانان در رسیدن به اهداف مالی خود استفاده می‌کنند، به تبلیغ عقاید انحرافی پرداخته و از این افراد، برای حضور در کلاس‌های طرح روحی خود دعوت می‌نمایند؛ گفتنی است، به دنبال پیام‌های مکرر بیت‌العدل و تأکید مصرانه سران تشکیلات بهائی در ایران، در خصوص ضرورت تبلیغ این فرقه، عناصر بهائی، تلاش گسترده‌ای برای جذب جوانان ایرانی آغاز کرده‌اند و در این راستا، از هیچ اقدامی فروگذار نیستند.<sup>۳</sup>

با تأمل و مطالعه در احوال مبلغان بهائی و سران این حزب، با توجه به اعترافات

۱. جمال ابهی، ص ۱۵۸؛ کشف‌الحیل، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. همان، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۳. روزنامه «ایران»، ۸۶/۹/۱۰، به نقل از سایت جهان آینده (خلاصه). اخیراً در شیراز، بهائیان اقدام به تبلیغ ازدواج خواهر و برادر کرده‌اند.

که از لابه‌لای کتاب‌های وابستگان، پیوستگان و گسستگان آنان به‌دست آمده است، می‌توان به چهره واقعی سران این فرقه، پی برد و به اهداف آنان آگاه شد.<sup>۱</sup> همه این مسائل، نشان می‌دهد که بهائیت، نه تنها دین نیست، بلکه با نیت نابودی اساس و بنیان مذاهب جهان و شرایع و ادیان الهی، شکل گرفته است و بر اساس همین برنامه، مورد حمایت سلطه‌گران بوده است.

با توجه به این اقدامات، آمریکایی‌ها، در توسعه و ترویج بهائیت نیز، قدم‌های اساسی، جمعی و رسمی برداشته‌اند. پس از این مرحله، در سطح جهانی به روشنی می‌بینیم که بعد از شوقی، پیوند بهائیت با آمریکا، بسیار جدی شد و بسیاری از سران بهائیت و اعضای بیت‌العدل، آمریکایی بودند، پیش از این، افرادی مانند ماکسول، به همراه عده‌ای، به تبلیغ بهائیت پرداختند و به تعبیر خودشان، پرچم الهی را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز برآوردند!<sup>۲</sup> اخیراً در فلسطین اشغالی، فیلمی توسط دو یهودی ساکن فلسطین، به نام «بهائیان در حیات خلوت من» ساخته شد که یک مستند افشاگرانه از روابط پنهان بهائیان است، در این مستند، نشان داده می‌شود که بهائیان در پوشش مذهبی و انسان‌دوستانه مدرن، نقش پنهان و کاملاً حساب‌شده‌ای در سیستم سیاسی و نظامی جهان ایفا می‌کنند.<sup>۳</sup>

## ۸. حمایت‌های سیاسی آمریکا در مجامع بین‌المللی

حمایت‌های آمریکا از تشکیلات و تبلیغات فرقه بهائیت، چیزی نیست که از انظار پوشیده باشد؛<sup>۴</sup> مهم‌ترین مرکز تشکیلات بهائی، از حیث سرمایه، ابزارهای ارتباطی و تکنولوژی، در آمریکا مستقر است و از آمریکا پشتیبانی می‌شود، اگرچه از نظر فکری و بنیانی، محل استقرار این حزب امپریالیستی مذهب‌نما، در فلسطین اشغالی است، اما از جهت ثروت‌اندوزی، کسب درآمد و توسعه

۱. ر.ک: کشف الحیل.

۲. فروغ ارباب، اختران تابناک، ص ۳۰۹.

۳. روزنامه «ایران»، ۸۶/۱۰/۱۰.

۴. پژوهش‌های منطقه‌ای، ص ۸۵.

قلمروی سرمایه‌داری، نیرو و توان لازم را از آمریکا کسب می‌کند. اکنون شرکت‌ها، املاک، مراکز تولیدی، کارخانجات، باغات و مزارع بزرگ بهائیت، به‌عنوان یکی از شاخه‌های امپریالیسم، از سوی آمریکا و اندیشه حاکم بر سیاست آمریکا و کاخ سفید، مدیریت می‌شود.<sup>۱</sup>

تداوم حمایت‌های آمریکا از بهائیت، در اشکال مختلف، همچنان در صدر برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا است. قبول رسمیت و شناسایی اوقاف بهائیان و موقوفات آنان در اسناد و اوراق رسمی سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۲، به تصویب ایالات متحده رسید و عملی گردید. به موجب موافقت‌نامه و قرارهایی که در سال‌های فوق، به تصویب فرمانداران محلی ایالت رسید، موقوفات بهائیان، متعلق به «محفل مرکزی بهائیان آمریکا» و یا به نام‌های دیگر مثل «رفقای جامعه بهائیت» ثبت شد.

شوقی افندی، در این باره می‌نویسد: «در سنین [سال‌های] اخیر، بر توسعه موقوفات ملّیه و برافراشتن ارکان جوامع امریه، کمک شایان نموده است. در رتبه ثانی، اوقاف محلی است که مکمل اوقاف ملّیه محسوب و آن نیز حائز اهمیت می‌باشد... در نتیجه، تسجیل محافل روحانیه محلیه، به صورت شرعی و قانونی تأسیس و در ممالک مختلف شرق و غرب، به احسن وجه محفوظ شده است».<sup>۲</sup>

روزولت<sup>۳</sup> از مسئولان بلندپایه آمریکایی، از سران بهائیت به‌عنوان پیامبر! یاد کرده است و ضمن گرامیداشت حضور افندی در آمریکا، حمایت ضمنی خود را از این تشکیلات اعلام می‌کند. وزیر دارایی وقت، درباره افندی گفت: «احساس کردم در حضور یکی از انبیاء هستم، در حضور مسیح یا پدر آسمانیم».<sup>۴</sup>

۱. انشعاب در بهائیت، ص ۱۲۰.

۲. انشعاب در بهائیت، ص ۲۳۶، نقل از قرن بدیع، ج ۴، ص ۵۳.

۴. «آهنگ بدیع»، سال ۱۳۱۷، شماره ۹، ص ۲۶-۲۵.

حمایت رسمی آمریکا از مالاندوزی و ثروت‌افزایی بهائیان، به منظور توسعه این فرقه در تمام دنیا انجام می‌گرفت. این حمایت، جهت بنیان‌اساسی و شکل‌گیری اولیه، از سوی آمریکا برنامه‌ریزی شده بود. مهره‌های بهائیت، با حمایت آمریکا، در مراکز و مجامعی که منافع صهیونیسم و استکبار حضور دارند، به فعالیت مشغول‌اند.<sup>۱</sup> سیاستمداران آمریکا، هر یک به‌نوبه‌خود، از بهائیان و سران آنها، تا آن حد حمایت کرده‌اند که به تصدی مسئولیت‌های بزرگ راه یابند. سابقه‌خاندان هویدا در بهائیت و ریشه او در وابستگی به این فرقه، بر اساس اسناد معتبر، به اثبات رسیده است. وی سال‌ها در مهم‌ترین ارکان سیاسی ایران، تا پیروزی انقلاب اسلامی نقش کلیدی داشت و از ترویج این فرقه در ایران، با ابزارهای متعدد حمایت می‌کرد.<sup>۲</sup>

استکبار جهانی به‌ویژه آمریکا در پوشش دفاع از حقوق بشر و آزادی بیان و عقیده، همواره به حمایت رسمی از تشکیلات بهائیت ایران پرداخته است. در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳؛ یعنی در طول دوازده سال نمایندگان آمریکا، شش قطعنامه به تصویب رساندند که در آنها به جانب‌داری و حمایت از بهائیت پرداخته و بنا به اعتراف بیل کلینتون<sup>۳</sup> رئیس‌جمهور وقت آمریکا «ایالات متحده می‌کوشد یک همکاری بین‌المللی برای زیر فشار قراردادن حکومت اسلامی ایران به منظور رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی به وجود آورد».<sup>۴</sup>

در سال‌های بعد نیز کشورهای غربی با حمایت قاطع خود از بهائیت در پیش‌نویس قطعنامه حقوق بشر سازمان ملل علیه ایران<sup>۵</sup> بار دیگر به منافع حاصل از وجود جاسوسان خود در کسوت بهائی اعتراف کردند. در

۱. روزنامه «جمهوری اسلامی» ۱۳۸۶/۲/۷.

۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۵.

3. Bill Clinton.

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۹/۱۷ به نقل از رادیو اسرائیل، مورخه ۱۳۷۳/۷/۲۱.

۵. همان.



قطعه‌نامه‌ای که مجلس نمایندگان آمریکا در سال ۱۳۷۵ تصویب کرد از دولت ایران خواست که از اعمال تبعیض علیه بهائیان ایران خودداری کند. در نامه نمایندگان آمریکا تأکید شده بود «بهائیان ایران عاملی مهم در هر گونه روابط آینده آن کشور با ایالات متحده است».<sup>۱</sup> همچنین برایان کسیدی،<sup>۲</sup> نماینده انگلیسی پارلمان اروپا پس از بازدید از ایران و بازگشت به لندن از رفتار با بهائیان انتقاد کرد و حمایت بین‌المللی از بهائیان جاسوس در ایران را خواستار شد.<sup>۳</sup> علاوه بر آن موریس کاپیتورن<sup>۴</sup> نماینده کمیسیون حقوق بشر نیز در جریان بازدید از ایران مدعی نقض حقوق بهائیان در ایران شد.<sup>۵</sup> آمریکا در حقیقت تلاش می‌کند در راستای فشارهای سیاسی و نظامی خویش همپای شرایطی چون صلح خاورمیانه و پرونده هسته‌ای ایران، آزادی بهائیت را به‌عنوان یک اقلیت دینی مطرح سازد. جالب این است که برخی روشنفکران داخلی هم به بهانه دفاع از حقوق بشر، از جامعه بهائی و گروه‌های انحرافی ضاله حمایت می‌کنند. شبکه‌های خبری وابسته به صهیونیسم و رسانه‌های گروهی آمریکا نیز به حمایت‌های گسترده تبلیغی برای بهائیت می‌پردازند تا در کنار اقدامات دولت و مجلس نمایندگان آمریکا، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای تحقق اهداف سلطه‌جویانه خود توسط بهائیان فراهم آورند. تشکیلات بهائیت در ایران نیز از این فرصت، جهت پیشبرد اهداف خود بهره می‌برد.

بی‌گمان امروز، آمریکا پاتوق و تفرج‌گاه امن بهائیان و سران بهائیت است؛ سرزمینی که به نام اسرائیل در قلب عالم اسلام جعل گردیده، پایگاه اوّل بهائیان و دو شهر مقدس آنها و مورد حمایت آمریکا است؛ آمریکا با تمام

---

۱. همان، ۱۳۷۵/۳/۳۰.

2. Brian Cassidy.

۳. همان، به نقل از بخش فارسی رادیو آمریکا، مورخه ۱۳۷۵/۱/۱۰.

4. Maurice Copithorne

۵. همان، ۱۳۷۵/۸/۱۹.

توان، از این منطقه حفاظت و صهیونیسم‌ها را به انواع سلاح‌های نوین و ابزارهای مختلف رسانه‌ای و فرهنگی مجهز می‌کند، تا این رژیم، از حریم بهائیت و آرمان‌های جهان امپریالیسم دفاع کند؛ آنچه امروز آمریکا را در سازمان‌های بین‌الملل بر استفاده از حق وتو و تحریم و تصویب قوانین بین‌الملل علیه برخی از کشورها از جمله ایران بر می‌انگیزد، تنها دفاع از موجودیت صهیونیسم نیست، بلکه در کنار آن، دفاع از بهائیسیم - که صهیونیسمی دیگر است - انگیزه مهم‌تری برای آمریکا به‌شمار می‌رود؛ هدف و انگیزه حمایت آمریکا از تشکیل کشور اسرائیل و رسمیت دادن به آن، مرکزیت دادن به بهائیت بود؛ چنان‌که قبل از تشکیل اسرائیل و حضور و مهاجرت یهودیان به فلسطین، بهائیان ایران و دیگر نقاط جهان و رهبران بهائی به این سرزمین منتقل شده و مورد حمایت انگلیس و آمریکا قرار گرفتند. قلب تپنده خاورمیانه، مقرر معابد جعلی و مقدس‌نمایی بهائیان شد؛ این حرکت آمریکا، برای دفاع از حقوق بهائیان ایران، جهت‌دار بود؛ چه در دوره پهلوی و چه پس از انقلاب، این حمایت‌ها استمرار داشت؛ عجیب نیست که یهودیان و زردشتیان ایران، بیشتر به بهائیت روی آوردند و قبل از آن، در خراسان و نواحی دیگر، تظاهر به اسلام نمودند و مسلمان شدند و پس از تظاهر به مسلمانی، به بهائیسیم گراییدند؛ از این‌رو در شهرهایی از ایران که ردپای یهودی‌ها دیده می‌شود، بهائیان فعالیت گسترده‌ای داشته و دارند.<sup>۱</sup> این نوعی ترفند و حيله، جهت تخریب روحیه مسلمانان و شیعیان بود؛ بزرگ‌نمایی و تخریب دین توسط غرب و آمریکا، این‌گونه در کشورهای اسلامی خود را نشان داده؛ پشت این دسیسه‌ها، دست امپریالیسم دیده می‌شود؛ علاوه بر آن، حمایت‌های مادی کلانی نیز انجام گرفت و هزینه‌های گزاف بی‌شماری در حساب آنان وجود داشت که از موقوفات

۱. مانند همدان، شیراز، اصفهان و ...

آمریکا برای بهائیان به دست می‌آمد.<sup>۱</sup>

با توسعه نفوذ سیاسی بهائیت در ایران، فعالیت‌های نرم فرهنگی، برای تشکیک در باورهای دینی، با پشتیبانی مالی آمریکا، به منظور توسعه مداخله‌گری و رواج فرهنگ مادی، جهت بی‌هویت کردن جوانان و در قالب‌های ضدّ دینی خزننده، فعال شدند. خالی کردن ایران از نیروهای کارآمد، جوان، متعهد و مبارز، از اهداف مشترک بود. آمریکا نیز، اکنون با حربه قراردادن بهائیت، جوانان را جذب فراموش‌خانه و فراماسونری می‌کند. اما ابزارهای آنها، پیشرفته‌تر و مجهزتر از گذشته است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نفوذ آمریکا در ایران، برخی افراد بهائی با حمایت آمریکا، به مناصب مهم سیاسی و فرهنگی، تا حدّ وزارت و مشاور مخصوص پهلوی دوم دست یافته و با استفاده از این فرصت‌ها، به توسعه و ترویج بهائیت پرداختند. امام خمینی رحمته‌الله، درباره بهائی‌نمایی یهودیان، جهت نفوذ در دربار پهلوی و ارکان دولت، قبل از انقلاب که مورد حمایت آمریکا نیز بودند، بارها هشدار و بیانیه صادر کرد. ایشان در این زمینه فرمودند: «جریان کار ما را دولت‌های خارج، حتی آمریکا هم سابقه دارد. ما به گوش دنیا می‌رسانیم. دولت، خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما را زیر دست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی درآورده‌اند پایمال نماید. ما به همان نحو که در روزنامه‌ها تصویب لایحه را نوشتند، می‌خواهیم لغو آن را هم درج کنند. ما باز هم با مسالمت حرف‌های خودمان را می‌زنیم؛ خدا نیاورد روزی را که به مردم بگوییم که خود می‌دانید. ان‌شاءالله دولت متوجه می‌شود و جواب صریح می‌دهد».<sup>۲</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته‌الله، بسیاری از معادلات و برنامه‌ها و طرح‌های امپریالیسم جهانی و بلوک غرب و شرق با

۱. رک: انشعاب در بهائیت.

۲. هشدار شدید به اسدالله علم، صحیفه نور، ج ۱، ص ۹۴.

چالش جدی روبرو شد. خاورمیانه و ثروت‌های انبوه و خیره‌کننده آن از جمله نفت و دیگر معادن و ذخایر مادی و معنوی که قرن‌ها به یغمای استعمارگران می‌رفت، با بیداری ملت ایران، از چپاول و دست‌یازی آنان خارج شده و منافع امپریالیسم در دیگر نقاط جهان نیز به چالش افتاد. پس از دستیابی ایران به استقلال سیاسی و رهایی از سلطه بیگانگان، همچنان آمریکا، بزرگترین حامی مسلک بهائیت شناخته می‌شود، چنان‌که از رژیم اشغالگر قدس با حمایت تمام‌قد و همه‌جانبه برای حفظ آن، حاضر است خون همه مسلمانان را بریزد و با همه مردم دنیا ستیز کند. جنگ‌های عراق، افغانستان، آشوب‌ها، بهانه‌جویی‌ها، بحران سوریه و حمایت از سرکوب قیام‌های مردمی در کشورهای اسلامی، همه برای حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی است که در دل خود، فرقه‌ای به نام بهائیت را جای داده است. آمریکا، به‌عنوان‌های مختلف از جمله حقوق بشر، دفاع از حقوق اقلیت‌ها، آزادی عقیده و... به دفاع و حمایت از بهائیت پرداخته است.<sup>۱</sup>

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت آمریکا، منافع خود را در ایران که قدرتمندترین و استراتژی‌ترین نقطه خاورمیانه برای آنها بود، از دست‌رفته دید؛ سیاست‌های خود را در قبال اسلام و انقلاب اسلامی تغییر داد و به فکر براندازی و شکست دادن انقلاب اسلامی افتاد. رژیم آمریکا، با شعارهای فریب‌کارانه و بشردوستانه، به ادعاهای واهی علیه ایران پرداخت. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاسی آمریکا در سطح بین‌المللی، حمایت آشکار از فرقه بهائیت در ایران بود که با عنوان تضييع حقوق اقلیت‌های دینی و حمایت از حقوق بشر، از بهائیان که مزدوران وابسته به آمریکا بودند، حمایت جدی نمود.<sup>۲</sup> حمایت دولت و سیاستمداران کاخ سفید از این فرقه، تا جایی برای آمریکا مهم شد که در سخنرانی‌های بین‌المللی در سطح سازمان

۱. بهائیان، ص ۷۲۶-۷۲۵؛ آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)، ص ۵۴.

۲. انشعاب در بهائیت، ص ۲۹۹.

ملل و شورای امنیت، این پشتیبانی را مطرح کردند و هر جا دولت ایران به قصد استفاده از امکانات جهانی و... روابط دیپلماتیکی برقرار کرد، آمریکا با عنوان «تضییع حقوق بهائیان» در ایران، از پیشرفت کار جمهوری اسلامی ممانعت به عمل آورد و کارشکنی کرد. اگرچه در ایران، بسیاری از بهائیان به اسلام برگشته و از این مرام بریده شدند،<sup>۱</sup> اما آمریکا با حمایت‌های فریبنده و گستردهٔ مادی و سیاسی، روند رو به رشد برگشت بهائیان به دامن اسلام و پیوستن به انقلاب اسلامی را متوقف نمود و عده‌ای را به خارج از ایران فراخواند و از فروپاشی کامل این فریب‌خوردگان و نهاد بهائیت جلوگیری کرد. از دیگر طرح‌های آمریکا برای حمایت از بهائیت، طرح رسمیت دادن به فرقهٔ بهائیت در ایران، به‌عنوان یکی از مذاهب رسمی بود که با حمایت گسترده و مستمر مراکز صهیونیستی در اروپا پیگیری می‌شد، کشورهای عضو دائم سازمان امنیت نیز، از این طرح آمریکایی حمایت کردند.<sup>۲</sup> در همین راستا، کنگره آمریکا، بارها مصوباتی در حمایت از فرقهٔ بهائیت ایران، تصویب نموده است و این حمایت‌های امپریالیسمی، با پشتوانه مالی، در ماندگاری این فرقه، تأثیر فراوان دارد.<sup>۳</sup>

اگرچه از نظر فکری، این فرقه گرفتار معضلات و مشکلات عدیده‌ای است و برخی از افراد جداشده از این فرقه، به این مرام به‌عنوان یک مرام سیاسی عاری از هرگونه معنویت و عقاید استوار می‌نگرند و به این حقیقت رسیده‌اند که فرقهٔ بهائیت و سران آن، به‌عنوان سوداگران ثروت‌اندوزی هستند، همکاری بهائیت با آمریکا و مجامع صهیونیستی مسلم شده است؛ از این رو به این جریان به‌عنوان یک دین نمی‌نگرند؛ بلکه به این فرقه، به‌عنوان یک جریان ضدانسانی می‌نگرند که چهرهٔ واقعی آن، بر همگان

۱. بهائیت در ایران، ص ۲۷۳ به نقل نشریه «احرار»، شماره ۵۸، ص ۶.

۲. همان، ص ۲۷۶-۲۸۲. از جمله حمایت‌گران مهم، کشورهای نظیر کانادا، آلمان و...

۳. همان.

روشن گشته است و با همه فعالیتشان و ثروت‌ها و سرمایه‌های کلانی که دارند، پوچی مدعاهای سران بهائیت و انحرافات اخلاقی‌شان روشن گردیده است. بعید نیست که امپریالیسم نیز، به همین نتیجه رسیده باشد و به همین لحاظ از فرقه‌های به ظاهر اسلامی چون وهابیت که در مرکز و در ام‌القرای اسلام قرار دارند، حمایت می‌کند و جهت‌گیری و سرمایه‌گذاری خود را به تدریج به این سو کشیده و با این حربه، به مصاف اسلام و شیعه آمده است.<sup>۱</sup> آنان به خوبی واقفند که هر روش و ابزاری، در بهره‌وری و کارآمدی، در مقطعی از زمان، بازدهی دارد؛ چنان‌که باییت، پس از مدتی، تبدیل به بهائیت شد و هر فرقه‌ای که ساخته آنها بود، در منطقه خاص و زمان خاص نتیجه داد و پس از انقضای آن و پایان تاریخ مصرفش، دیگر کاربرد ندارد، یا لاقابل کاربرد وسیع و نتیجه گسترده ندارد که در سایه آن بتوان به هدف‌ها رسید؛ از این رو در دامن استعمارگران، همیشه فرقه‌سازی‌های نوین علیه اسلام و سایر ادیان وجود دارد.<sup>۲</sup> آری، استعمارگران این‌گونه به فرقه‌سازی‌ها دامن می‌زنند و با حمایت‌های تشکیلاتی در ترویج و توسعه آنها تلاش می‌کنند.

با این همه، آمریکا امروز با سیاست سلطه‌جویانه، خود را در مقام ریاست جهان تصور می‌کند و سیاست‌های امپریالیستی خود را با انواع برنامه‌ها و

۱. روزنامه قدس، ۱۳۸۶/۴/۳ به نقل از سایت رجانیوز می‌نویسد: یکی از مقامات سابق سیا (مایکل برانت) با افشاشگری، اعتراف کرده است که، سازمان سیا ۹۰۰ میلیون دلار برای سازمان‌دهی جریان‌های تخریب و نابودی تشیع اختصاص داده است... آنان به این نتیجه رسیده‌اند که مرجعیت شیعه، سرچشمه اصلی قدرت شیعه است... از جمله تخریب‌کنندگان شیعه، بهائیت و وهابیت در عربستان است.

۲. به گزارش برخی از مطبوعات، نهادهی با عنوان «شورای مسلمانان سابق بریتانیا»، روز پنج‌شنبه توسط تعدادی از کمونیست‌های ایرانی تبار، در لندن آغاز به کار کرد. به گزارش ایرنا، در نشست اعلام راه‌اندازی این تشکیلات که در ساختمان پورتیکولیس هاوس، متعلق به پارلمان انگلیس برگزار شد، چند نفر از مؤسسان این شورا، به همراه نمایندگان چند سازمان اومانیستی و سکولار انگلیسی شرکت داشتند. در این نشست، چند تن از فعالان کمونیستی و فمینیستی مقیم کشورهای اسکاندایناوی حضور داشتند... و فردی به نام مریم نمازی (حامی سلمان رشدی)، در این انجمن سخنرانی کرد... (روزنامه قدس، ۱۳۸۶/۴/۳)

حربه‌ها به اجرا می‌گذارد. روزی با شعار دفاع از حقوق بشر، گاهی با حربۀ مقابله با تروریسم و زمانی با ادعای مبارزه با گسترش تسلیحات کشتار جمعی، به نقاط مختلف جهان، لشگرکشی می‌کند. این کشور با هر یک از این شعارها، توانست قسمتی از خاک خاورمیانه را به آشوب بکشاند، با طرح مبارزه با تروریسم، به افغانستان حمله کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد، با طرح شعار مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، به عراق حمله کرد و این کشور را به ویرانه‌ای مبدل ساخت که روزانه صدها نفر از انسان‌های بی‌گناه، در خون خود می‌غلطند و قتل‌عام می‌شوند. آمریکا با حضور در این کشورها، به پایداری بحران از طریق اختلاف بین قومیت‌ها و فرقه‌ها دامن می‌زند و در این منطقه استراتژیک، به غارت و چپاول نفت و سایر منابع فرهنگی عراق که سرزمینی کهن و دیرین است، می‌پردازد. اکنون، سال‌ها است به بهانه مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای، شعار نوین دیگری علیه جمهوری اسلامی سر داده و در صدد همراه کردن کشورهای جهان با اهداف خود، جهت آشوب نظامی دیگری در خاورمیانه است.

براین اساس و با توجه به سوابق سوء و ناپسند سران فرقه بهائیت؛ کشوری چون آمریکا، در حمایت از این حزب سیاسی، چه اهدافی را دنبال می‌کند که با نقاب دفاع از حقوق بشر و حق اقلیت‌های دینی، از آن یاد می‌کند؟

فعالیت‌های اقتصادی و تملک مراکز اقتصادی و املاک کلان، در شهرهای مختلف از جمله تهران نیز از دیگر تلاش‌های بهائیان در ایران بوده است که در حیات این مسلک، تأثیر فراوان دارد. فعالیت‌ها روحی-روانی در بالا بردن انگیزه بهائیان ساکن در ایران و ثبات حزبی آنان، مؤثر است. این فعالیت‌ها، از جمله تلاش‌های خزنده بهائیت در ایران است که از سوی اربابان آنها به آنان القا می‌شود. در این راستا، آنان پس از انقلاب اسلامی، همواره سعی دارند از طریق رسانه‌های غربی، آمار خود را در ایران رو به افزایش نشان دهند. هدف حامیان بهائیت، جلوگیری از انقراض جمعیتی بهائیان، در ایران

پس از انقلاب اسلامی است.

از دیگر ابعاد فعالیت‌های بهائیان در ایران، با تداوم حمایت آمریکا و بودجه‌های مصوّب سنای آمریکا پس از انقلاب، شرکت در آشوب‌های ساختگی و تجمّعات سیاسی است که به هر بهانه‌ای، در ایران شکل می‌گیرد. آنان به همان‌سان که در جریان مشروطه، خود را پنهان کرده و در انحراف مشروطه و ترور برخی از شخصیت‌ها، مشارکت سُرّی داشتند، اکنون نیز، با پنهان شدن در پشت دیوار برخی از جریان‌ها و احزاب وابسته به نظام، در انحراف آرمان‌های انقلاب، بدنام کردن و درگیر کردن احزاب انقلابی و افزودن به تنش‌های فردی و حزبی در میان نیروهای انقلاب، نقش دارند. بهائیت در راستای تضعیف نظام و کاهش جایگاه مردمی آن، کوشش‌های فراوانی کرده و می‌کند؛ آنان در آشوب‌های سال ۱۳۸۸ و برهم زدن هیئت‌های عزاداری امام حسین علیه السلام، توهین به امام خمینی علیه السلام و دیگر شخصیت‌های نظام و ایجاد تنش‌های سیاسی بین مسئولان، نقش داشت‌اند.<sup>۱</sup> از جمله فعالیت‌های عناصر بهائی در ایران، همکاری گسترده با رسانه‌های غربی، از جمله بی.بی.سی، سی.ان.ان. و... علیه نظام اسلامی است که در تولید فیلم‌های مستند و سایر برنامه‌ها، این نقش‌آفرینی محسوس و غیرقابل‌انکار است.

دیگر تلاش تخریبی بهائیت پس از انقلاب، در ایران، همکاری با سایت‌های ضدشیعی و ضددینی است؛ آنها در این سایت‌ها، به شبهه‌پراکنی علیه اسلام، تشیع، پیشوایان دینی و شخصیت‌های معنوی تشیع می‌پردازند. همکاری با گروه‌های ملّی‌گرا، زرتشتیان، صهیونیسم و جریان‌های تبشیری نیز در این راستا است. در جنگ نرمی که از سوی استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی، راه‌اندازی شده است، بهائیت به‌عنوان بازوی مهم و نیروی بومی آنان

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نقش بهائیت در فتنه ۸۸، ص ۴۲ به بعد.



محسوب می‌شود که در حوادث تلخ و انفجارهای خون‌بار دست داشته است.<sup>۱</sup> بی‌گمان، بهائیت، در بحران‌های مقطعی اقتصادی و اجتماعی و ایجاد تورم‌های تصنعی و بالا بردن قیمت ارز و سکه، بی‌نقش نبوده است.<sup>۲</sup>

با توجه به آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی ناشی از تبلیغات رسانه‌های غربی و با توجه به سوابق گرایش شدید به ابتدال در این فرقه، باید در نظر داشت که روند رشد آسیب‌های اخلاقی، مانند رواج فحشا، بی‌حجابی و بی‌قیدی به ارزش‌های دینی، بی‌تأثیر از برنامه‌ها و همکاری‌های عناصر بهائی نیست؛ بدون‌شک، ابتدال فرهنگی، زمینه جذب و گرایش به فرقه‌های انحرافی را بالا می‌برد؛ به نظر می‌رسد، پس از انقلاب اسلامی، برخی جوانان سایر مذاهب نیز، با وجود زمینه‌های انحرافات اجتماعی و عدم کنترل، به این فرقه جذب شده‌اند و علیه شیعه و نظام اسلامی فعالیت دارند؛ بی‌گمان، برخی افراد که فاقد آگاهی‌های لازم از اهداف این مسلک هستند با ایجاد جاذبه‌های دروغین و شهوانی، مجذوب آنان می‌شوند؛ شایسته است مراکز امنیتی و فرهنگی کشور، درباره این مسائل که موجب نگرانی مسئولان فرهنگی است، جدیت داشته باشند؛ علاوه‌براین، نهادهای آموزشی و مراکز تبلیغی نیز، در این راستا مسئولیت سنگینی دارند. به اعتقاد جامعه‌شناسان دوران نوجوانی و جوانی، موقعیتی است که لغزش در آن فراوان و برخی از غرایز ذاتی انسان در غلبان است و احتمال کج‌روی و اغفال در این شرایط سنی، بیش از دیگر دوره‌های سنی است.<sup>۳</sup>

سعی بهائیان بر بالا بردن جمعیت بدان سبب است که در آینده جهان، جمعیت از عناصر مهم تعیین‌کننده است؛ چنان‌که غربی‌ها، از روند رشد جمعیت

۱. انفجار حسینیه شیراز در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۸۷ از جمله این اقدامات است.

۲. نقش بهائیت در فتنه ۸۸

۳. جعفر سخاوت، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی ص ۹۲-۸۵؛ گسن ریموند، جرم‌شناسی نظری، ص ۹۱؛ ژان میشل بست، جامعه‌شناسی جنایت، ص ۳۳.

مسلمانان در غرب و اروپا نگران هستند و برای پیشگیری از آن، در فکر برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی هستند.<sup>۱</sup> بی‌گمان، بحران‌های حاکم بر مناطق اسلامی، حضور ناتو در افغانستان، بحران‌سازی در سوریه، کشتار مسلمانان میانمار و... در شمار چاره‌اندیشی‌های مقابله‌جویانه غرب است که جهان اسلام را فرا گرفته است. این ادبیات و نوع نگاه به اسلام و مسلمانان، بخشی از شعار اسلام‌هراسی است که غریبان از دیرباز به آن پرداخته‌اند و اقدام به مبارزه همه‌جانبه با اسلام نموده‌اند؛ دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید به این مقوله توجه نموده و درباره‌ی مصون‌سازی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جوانان، تلاش‌های مستمر و پیگیر داشته و در این باره به رهنمودهای رهبری معظم و هشدارهای ایشان توجه بیشتری داشته و زمینه فعالیت فرقه‌های منحرف را برچینند.

### توصیه‌ها و راهکارها

امروز، جوانان جهان اسلام، در معرض دام امپریالیسم و جاذبه‌های مختلفی چون مسائل شهوت‌انگیز و غریزی قرار دارند. آمریکا، با تمام ابزارها، به نبرد نرم و سخت آمده است. او با این ابزارهای به ظاهر قانونی و بشردوستانه (از سازمان ملل گرفته تا بانک جهانی)، به فریب جوانان و افکار آنان می‌پردازد و علیه اسلام، به‌ویژه کشور ایران و انقلاب اسلامی، توطئه‌های پی‌درپی می‌چیند.

برای هر خردمندی این سؤال مطرح است که چرا آمریکا، این‌گونه از دولت اشغالگر صهیونیسم و بهائیت حمایت می‌کند و نسبت به حفظ آنها تعهد دارد؟ به طوری که تمام طرح‌ها، نیرنگ‌ها، ابزارهای توسعه‌طلبی،

۱. آنچه تحت عنوان نظریه برخورد تمدن‌ها توسط هانتینگتون در آمریکا مطرح گردید، ناظر به همین مسائل است. وی در این نظریه، از افزایش جمعیت مسلمانان در غرب، به شدت ابزاز نگرانی نموده و آن را خطری جدی قلمداد کرده است. امروز، آنچه درباره‌ی کشتار مسلمانان، توسط آمریکا و غرب در نقاط مختلف دیده می‌شود، به سبب رویارویی با رشد جمعیت مسلمانان است.

فزون‌خواهی آمریکا و دیگر شرکای او، در دل این دو حزب جاگرفته است، صهیونیسم نماینده امپریالیسم در غرب و بهائیسیم و وهابیسیم، نماینده امپریالیسم، در جهان اسلام هستند. وهابیسیم، با آزادی و حمایتی که از جانب آمریکا دارد و مدت‌ها است در کشورهای اسلامی، جولان می‌دهد. بهائیسیم، در سایهٔ اعضای تشکیلات بیت‌العدل (که در واقع بیت‌الفسق است)،<sup>۱</sup> در آمریکا و مقرّ مرکزی آن (اسرائیل)، اداره می‌شود. از این فرآیند می‌توان نتیجه گرفت که امروز دولت آمریکا با بهائیت، صهیونیسم و وهابیسیم، هم‌پیمان است تا با تمام توان، علیه ارزش‌های اسلامی بتازند و از گسترش اسلام، به‌ویژه مکتب اهل‌بیت، به هر نحو ممکن جلوگیری نموده و به محو اسلام پردازد؛ بنابراین باید راهکارهایی داشت:

۱. جوانان مسلمان جهان، به‌ویژه ایران و دیگر کشورهای اسلامی که روزی بخشی از یک قلمرو پهناور بودند که با توطئهٔ استعمارگران از هم جدا شدند؛ اکنون باید از این گذشته درس بگیرند و باهوشیاری، خود را در معرض این غارتگران هویت قرار ندهند.

۲. امپریالیسم اکنون به شیوه‌های نوین، از جمله دین‌سازی و مسلک‌های روحی‌نما و عرفان‌گرا، با ترویج عرفان‌های کاذب و سرگرم نمودن مسلمانان و دیگر مستضعفان جهان، به چپاول فرهنگ و غیرت جوانان و هویت بالقوهٔ آنان آمده است؛ بایسته است در این برهه جوانان با سلاح معرفت به رویارویی برخیزند.

۳. غارت و چپاول ملت‌ها توسط امپریالیسم، از هویت تاریخی و مادی آنان شروع شده و اکنون مرحله نوین آن، یعنی غارت هویت درونی و فرهنگی آغاز گردیده است. جوانان کشورهای اسلامی باید با هوشیاری، در مقابل این نغمه‌های شوم بیدار باشند و مسئولان در برابر این حرکت آنان

---

۱. استعمارگران برای محو شعار عدالت در مهدویت، نام مرکز اصلی بهائیان را که محل توطئه‌چینی علیه اسلام و مسلمانان است، «بیت‌العدل» نامیده‌اند. اما تناسب واقعی آن «بیت‌الفسق» یا «بیت‌الشطان» است.

برنامه‌ریزی و تدبیر دقیق داشته باشند.

۴. چپاولگران از طریق سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای گسترده، برای این منظور دام گسترانیده‌اند؛ بنابراین در مقابل دام‌هایشان باید غیرت دینی داشت و از حالت تدافعی و انفعالی خارج و در حالت تهاجمی، سنگر گرفت.

۵. آشنایی به زبان‌های مهم دنیا، مکالمه با این زبان‌ها و ترجمه آثار بزرگان به زبان‌های دیگر یکی از راهکارهای اساسی جلوگیری از ایجاد انحراف است.

۶. شناخت دقیق مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و آشنایی با شیوه تحلیل عقلی و معرفی روزآمد مکتب اهل بیت علیهم‌السلام که تنها راه نجات بشریت از این گرداب‌ها، این پناهگاه است.

۷. سلاح دیگر که در این کار مؤثرترین عنصر است، سلاح تهذیب نفس، تقوا، پاکدامنی و دوری جستن از گرایش به اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی است.

۸. دوری از روحیه رفاه‌طلبی و انس با مادیات که علاقه‌مندی و وابستگی به این مسائل با سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در منافات است؛ به‌ویژه زندگی حوزویان و اهل علم و معنویت، باید به سوی سیره امام مهدی علیه‌السلام هدایت و با آن همسان‌سازی شود؛ وگرنه با روحیه امپریالیستی و عشق به مادیات، نمی‌توان با امپریالیسم مبارزه کرد. امروزه مهم‌ترین عامل و عنصر انتظار و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و مهدوی بودن، حرکت به سوی زندگی بی‌آلایش و ساده است که زندگی مهدی علیه‌السلام چنان خواهد بود؛ از این رو وقتی خواسته‌های مادی تنزل یافت، زمینه‌های عدالت فراهم خواهد شد و امپریالیسم نیز با این گرایش عمیق، شکست خواهد خورد، البته، منظور از نفی ثروت‌گرایی و رفاه، نابودی سرمایه‌ها و مقابله با تولید و صنعت و تکنولوژی نیست که این خلاف آموزه‌های اسلام است؛ بلکه منظور، دوری از افراط در ثروت‌اندوزی است که دیگران را از حداقل زندگی نیز محروم

می‌کند؛ انباشت ثروت، به‌منزله جمع خون حیات جامعه در یک رگ و خشکاندن رگ‌های دیگر است که اسلام و سیره اهل بیت علیهم‌السلام با این اندیشه در تضاد است و این همان اندیشه امپریالیستی و سرمایه‌داری است؛ بنابراین شایسته است دولت‌های اسلامی با مدیریت و سازماندهی، بهره‌مندی از ثروت‌های ملی را برای همه افراد جوامع اسلامی فراهم نموده و از قرارگرفتن آن در طبقه، گروه و افراد خاص جلوگیری نماید.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آبادیان، حسین، امپریالیسم روس و انگلیس و مسأله ایران و عثمانی، تهران: نشریه کتاب ماه، [بی تا].
۴. آبراهم، ویلیامز جکسن، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، چاپ سوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹.
۵. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، چاپ پنجم، تهران: شرکت افست، ۱۳۵۵.
۶. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، تهران: نگارش، ۱۳۶۸.
۷. آقابخشی، علی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران: چاپار، ۱۳۸۶. ص ۱۷۶.
۸. آیتی، عبدالحسین، کشف‌الحیل، به کوشش علی امیر مستوفیان، تهران: راه نیکان، ۱۳۸۹.
۹. آیتی، عبدالحسین، الکواکب الدرّیه فی مآثرالبهائیه، قاهره: سعادت، ۱۳۴۲.

۱۰. ال. شوئل، فرانک، *آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)*، ترجمه ابراهیم صدقیانی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۱. ا.ج.ش.س، مسکو، *شورش بایبان در ایران*، تهران: نشریه فرهنگستان علوم، ۱۹۳۹م.
۱۲. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الامامة و السياسة*، بیروت: دارالضواء، ۱۴۱۰ق.
۱۳. ابن مسکویه، احمد بن علی، *تجارب الأمم*، تصحیح: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
۱۴. ابن واضح، احمد بن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، [بی تا]
۱۵. ابوالحسنی (منذر)، علی، *سلطنت علم و دولت فقر*، چاپ اول، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۶. ارباب، فروغ، *اختران تابناک*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع ۱۲۲.
۱۷. ارداقی، علی اکبر، *اسراری از کمیته مجازات (خاطرات علی اکبر ارداقی تبریزی)*، تهران: علمی، [بی تا].
۱۸. ارسلان، شکیب، *تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا*، ترجمه علی دوانی، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۹. استانفورد، جی شاو، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضانزاده، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۲۰. اسحاقی، سیدحسین، *اتحاد ملکی و انسجام اسلامی*، چاپ اول، مشعر، تهران: ۱۳۸۶.
۲۱. اشراق خاوری، عبدالحمید، *خلاصه تاریخ نبیل*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۵۲.



۲۲. اشراق خاوری، عبدالحمید، *مجموعه الواح بهاء الله*، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۲۳. اعتضادالسلطنه، *فتنه باب*، با توضیحات عبدالحسین نوائی، چاپ اول، تهران: علمی، ۱۳۷۷.
۲۴. اعتضادالسلطنه، محمدحسن خان، *المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
۲۵. اعتضادالسلطنه، محمدحسن خان، *چهل سال تاریخ ایران*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
۲۶. افراسیابی، بهرام، *تاریخ جامع بهائیت*، چاپ دهم، تهران: مهر فام، ۱۳۸۲.
۲۷. افشارفر، ناصر و دیگران، *بررسی دو کتاب القاب رجال دوره قاجاریه و سفرنامه اصفهان*، چاپ اول، تهران: نشریه رشد آموزش تاریخ، ۱۳۸۱.
۲۸. افندی، عباس، *مقاله شخصی سیاح*، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴۱.
۲۹. اقبال آشتیانی، عباس، *میرزا تقی خان امیرکبیر*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۳۰. امام خمینی، سیدروح الله، *صحیفه نور*، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و چاپ و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
۳۱. امام خمینی، سیدروح الله، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳ق.
۳۲. امینی، عبدالحسین، *آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)*، ترجمه محسن رجبی، چاپ اول، تهران: مشعر، ۱۳۸۷.
۳۳. انصاری، فرشته، *فتنه باب در زنجان*، زنجان: نیکان کتاب، ۱۳۸۲.

۳۴. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
۳۵. باب، سیدعلی محمد، *بیان عربی*، چاپ سنگی، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۳۶. باب، سیدعلی محمد، *بیان فارسی*، چاپ سنگی، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۳۷. بامداد، مهدی، *شرح حال رجال ایران*، چاپ ششم، تهران: زوار، ۱۳۸۷.
۳۸. بخاری راد، نقی، *ساواک*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۹. بدوی، عبدالرحمان، *فرهنگ کامل خاورشناسان*، ترجمه شکرالله خاکرند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۴۰. برنجانینوف، نیکلای، *تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب کبیر*، ترجمه خان بابا بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۴۱. بست، ژان میشل، *جامعه‌شناسی جنایت*، ترجمه فریدون وحیدآ، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴۲. بشارتی، علی محمد، *از انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان*، چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۳. بهار، محمدتقی ملک الشعراء، *تاریخ احزاب سیاسی ایران*، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۴۴. بهائیت آن‌گونه که هست، *ویژه‌نامه ایام*، ضمیمه جام‌جم، شهرپور، ۱۳۸۶.
۴۵. بهنود، مسعود، *از سید ضیاء تا بختیار*، چاپ سوم، تهران: جاویدان، ۱۳۶۹.
۴۶. بیات، عزیزالله، *تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.

۴۷. پیرنیا، حسن، *تاریخ ایران باستان*، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵.
۴۸. تقی‌زاده، سیدحسن، *خاطرات*، به کوشش ایرج افشار، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۴۹. تنکابنی، میرزاحمد، *قصص العلماء*، تهران: اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۰. تیموری، ابراهیم، *عصر بی‌خبری*، تهران: اقبال، ۱۳۲۲.
۵۱. جامعه المصطفی‌العالمیه، *فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای*، پائیز ۱۳۹۱.
۵۲. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران*، چاپ پنجم، تهران: مرکز اسناد و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۵۳. جعفریان، رسول، *رسائل حجاییه*، چاپ دوم، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
۵۴. جمعی از مستشرقین، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، چاپ اول، تهران: پوشیل، ۱۳۵۹.
۵۵. جنبش مقاومت اسلامی حماس، *فروش زمین واقعیت یا شایعه*، چاپ اول، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹.
۵۶. حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۵۷. حبیبی، حسن و محمدباقر وثوقی، *بررسی اسناد تاریخی بندرعباس*، تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۷.
۵۸. حسن‌بیگی، ابراهیم، *یک مهره کوچک*، تهران: مدرسه، ۱۳۸۶.
۵۹. حسنی، سلیم، *عالمان شیعه رویاروی استعمار*، ترجمه محمدهادی باسخواه، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۶۰. حسینی طباطبائی، سیدمصطفی، *ماجرای باب و بهاء*، چاپ سوم، تهران: روزنه، ۱۳۷۹.

۶۱. حصری، ساطع، *البلاد العربیة و الدولة العثمانیة*، بیروت: دارالعلم، ۱۹۶۰م.
۶۲. حقی، اسماعیل، اوزون چارش لی، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۹.
۶۳. حکیم الهی، نصرت‌الله، *در راه تمدن بزرگ*، چاپ اول، تهران: چاپخانه اقبال، ۱۳۵۰.
۶۴. حکیمی، محمدرضا، *داستان‌هایی از زندگی امیرکبیر*، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۶۵. خادمی، محمدعلی، *بهائیان دیگر چه می‌گویند*، تبریز: کتاب‌فروشی صابری، ۱۳۴۱.
۶۶. خالصی، شیخ‌محمد، *علماء الشیعه و الصرایع مع البدع و الخرافات*، چاپ اول، تهران: دفتر نشریات دینی، ۱۴۱۸ق.
۶۷. خلیلی‌خو، محمدرضا، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۶۸. دالگورکی، کنیاز، *خاطرات*، ترجمه حیدر بهرمن، چاپ سیزدهم، قم: مجتمع فرهنگی میثاق، ۱۴۲۲ق.
۶۹. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، *سایه روشن بهائیت*، تهران: کیهان، ۱۳۸۵.
۷۰. دکمچیان، هرایر، *اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم، تهران: کیهان، ۱۳۷۲.
۷۱. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

۷۲. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه ضیاءالدین علانی طباطبائی، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
۷۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۷۴. رادولف، پیترز، *اسلام و استعمار*، چاپ اول، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۵.
۷۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۷۶. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، چاپ اول، تهران: نگاه، ۱۳۷۴.
۷۷. رائین، اسماعیل، *انشعاب بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی*، تهران: مؤسسه تحقیقی رائین، چاپ مرو، [بی تا].
۷۸. رائین، اسماعیل، *فراموش خانه و فراماسونری در ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۷۹. رحمانی نوش آبادی، حسین، *بیان الحق*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع ۱۱۸.
۸۰. رحیمی کاشانی، احمد، *پنجه خونین استعمار در آستین باب*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، [بی تا].
۸۱. رنجبر، مقصود، *ایران و آمریکا*، چاپ اول، قم: انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
۸۲. رنسیمان، استیون، *جنگ های صلیبی*، ترجمه زهرا مهشاد طباطبائی، تهران: حسینیه ارشاد، [بی تا].
۸۳. روحانی، سید ضیاءالدین، *مزدوران استعمار در لباس مذهب*، چاپ سوم، [بی جا]، مجمع علمی نجات نسل جوان، ۱۳۴۵.

۸۴. روحانی، سیدحمید، *نهضت امام خمینی*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد، ۱۳۷۴.

۸۵. روحانی، فخر، *اهرم‌های سقوط شاه*، چاپ اول، تهران: بلیغ، ۱۳۷۰.

۸۶. روحانی، محمدرضا، *فرهنگ‌نامه زنجان*، چاپ اول، زنجان: ستاره، ۱۳۴۷.

۸۷. ریموند، گسن، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد، ۱۳۷۴.

۸۸. ریورو، اوسوالدود، *افسانه توسعه*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، چاپ اول، تهران: اختران، ۱۳۸۳.

۸۹. زاهدانی، سعید و محمدعلی سلامی، *بهائیت در ایران*، چاپ دهم، تهران: مرکز اسناد، ۱۳۸۱.

۹۰. زعیم‌الدوله، مهدی، *مفتاح باب و الابواب*، ترجمه حسن فرید گلپایگانی، تهران: فرخی، ۱۳۳۳.

۹۱. زنجانی، سیداحمد، *الکلام یجر الکلام*، چاپ دوم، قم: حق بین، ۱۳۵۱.

۹۲. زیباکلام، صادق، *ما چگونه ما شدیم؟*، چاپ چهارم، تهران: روزنه، ۱۳۷۷.

۹۳. ساروی، محمدتقی، *احسن التواریخ*، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۹۴. سالور، قهرمان‌میرزا (عین‌السلطنه)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

۹۵. سامعی، احمد، *انقلاب اسلامی و نهضت‌های ملی - مذهبی معاصر ایران*، تهران: امیربهادر، چکاد، ۱۳۸۰.

۹۶. سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، چاپ هفتم، تهران: افسون، ۱۳۸۰.

۹۷. سپهر، احمدعلی، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۶۶.
۹۸. سپهر، عبدالحسین خان، *مرآت الوقایع مظفری*، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
۹۹. سپهر، محمدتقی، *ناسخ التواریخ قاجاریه*، تصحیح: جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۷.
۱۰۰. سخاوت، جعفر، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: پیام نور، ۱۳۷۴.
۱۰۱. سروش، احمد، *مدعیان مهدویت*، چاپ دوم، تهران: افشاری، ۱۳۴۸.
۱۰۲. سلامی، غلامرضا، *اسناد مطبوعات ایران*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۵۰.
۱۰۳. سلطانزاده، رضا، *سیری در کتاب‌های بهائیان*، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۶.
۱۰۴. سلیمانی، عزیزالله، *مصایح هدایت*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، [بی تا].
۱۰۵. سیبوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ هشتم، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
۱۰۶. سیبوری، راجر، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ هشتم، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
۱۰۷. شبلنجی، شیخ مومن، *نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار*، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۴.
۱۰۸. شعبانی، رضا، *تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۷.

۱۰۹. شفا، امان‌الله، *نامه‌ای از سن پائولو*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.
۱۱۰. شکوری، ابوالفضل، *خط سوم در انقلاب مشروطه*، چاپ اول، زنجان: ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۱۱. شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ هفتم، تهران: مدبّر، ۱۳۷۵.
۱۱۲. شوقی ربانی، عباس، *قرن بدیع*، ترجمه نصرت‌الله مودت، چاپ دوم، [بیجا]، موسسه معارف بهائی، ۱۹۹۲ م.
۱۱۳. شهبازی، عبدالله، *زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.
۱۱۴. شهرستانی، عبدالکریم، *ملل و نحل*، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۱۱۵. شهبواری، ثریا، *اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱۶. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۱۷. شیخ طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام*، بیروت: دارالاضواء، [بی تا].
۱۱۸. شیخ طوسی، محمدبن حسن، *کتاب الغیبه*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
۱۱۹. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارشاد*، چاپ اول، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۳ ق.
۱۲۰. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *المزار*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.



۱۲۱. صبحی مهتدی، فضل‌الله، *خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری)*، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۵۷.
۱۲۲. صفار قمی، محمدبن‌حسن، *بصائرالدرجات*، قم: منشورات مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲۳. طبرسی، احمدبن‌علی، *الاحتجاج*، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۲۴. طبری، احسان و دیگران، *پنجاه سال تبه‌کاری و خیانت سلسله پهلوی*، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۲۵. طبری، احسان و دیگران، *جامعه ایران در دوران رضاشاه*، تهران: حزب توده، ۱۳۶۰.
۱۲۶. طبری، احسان، *ویژگی‌ها و دگرگونی‌های جامعه ایرانی در پویه تاریخ*، تهران: حزب توده، [بی‌تا].
۱۲۷. طبسی، نجم‌الدین، *فرقه‌ای برای تفرقه*، چاپ‌اول، تهران: مشعر، ۱۳۸۶.
۱۲۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، چاپ‌سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۲۹. طقوش، محمد سهیل، *دولت ایوبیان*، ترجمه عبدالله طاهری ناصری، قم: پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۱۳۰. طیرانی، بهروز، *روز شمار روابط ایران و آمریکا*، چاپ‌اول، تهران: وزارت خارجه، ۱۳۷۹.
۱۳۱. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الصحيح من السيرة النبي‌الاعظم*، چاپ‌چهارم، بیروت: دارالهادی، دارالسیره، ۱۴۱۵ق.

۱۳۲. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الغدیر و المعارضون*، بیروت: دارالسیره، ۱۴۳۰ق.
۱۳۳. عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری فی شرح صحیح بخاری*، بیروت: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۳۴. علوی، سید ابوالحسن، *رجال عصر مشروطه*، مصحح: حبیب یغمایی و ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
۱۳۵. علیقلی، میرزا، *اکسیرالتواریخ*، چاپ اول، تهران: سیمن، ۱۳۷۰.
۱۳۶. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۳۷. غروی محلاتی، محمد، *گفتار خوش یارقلی*، تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی، [بی‌تا].
۱۳۸. فاضل مازندرانی، میرزا اسدالله، *تاریخ ظهور الحق*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع ۱۳۲.
۱۳۹. فائقی، ابراهیم، *آشنایی با قائم‌مقام فراهانی، بزرگ‌مرد تاریخ ایران*، چاپ اول، تبریز: زر قلم، ۱۳۷۳.
۱۴۰. فراهانی، حسن، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
۱۴۱. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، چاپ سوم، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
۱۴۲. فضایی، یوسف، *شیخی‌گری، بابی‌گری*، چاپ دوم، تهران: آشیانه کتاب، ۱۳۸۴.
۱۴۳. فیلی، اسدالله، *روابط ایران و آمریکا*، بررسی دیدگاه نخبگان، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۱.

۱۴۴. قادیانی، شیخ احمد، *روحانی خزائن*، پاکستان: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۴۵. قاسمی پویا، اقبال، *مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان*، چاپ اول، تهران: دانشگاه، ۱۳۷۷.
۱۴۶. قادیانی، عباس، *فرهنگ جامع تاریخ ایران*، چاپ ششم، تهران: آرون، ۱۳۸۷.
۱۴۷. قرشی، باقرشریف، *نظام سیاسی در اسلام*، چاپ دوم، بیروت: دارالتعارف، ۱۳۹۸ق.
۱۴۸. قزوینی، یحیی بن عبدالطیف، *لب التواریخ*، چاپ اول، تهران: بنیاد و گویا، ۱۳۶۳.
۱۴۹. قمی، شیخ عباس، *کلیات مفاتیح الجنان*، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۲.
۱۵۰. کاشانی، میرزاجانی، *نقطه الکاف*، تحقیق: براون ادوارد، لیدن هلند: بریل ۱۹۱۰م.
۱۵۱. کاشف الغطاء، محمدحسین، *نامه‌ای از امام*، تهران: توحید، [بی‌تا].
۱۵۲. کاشف الغطاء، محمدحسین، *المثل العلیاء فی الاسلام*، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۶۰.
۱۵۳. کاشف الغطاء، محمدحسین، *این است آئین ما*، ترجمه ف. ج. تهران: توحید، [بی‌تا].
۱۵۴. کاظم‌زاده، فیروز، *روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴*، پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۴.
۱۵۵. کرزن، جرج، *ایران و قضیه ایرانی*، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۵۶. کریستین، دلانوا، *ساواک*، ترجمه نیک‌گوهر، چاپ اول، تهران: طرح‌نو، ۱۳۷۱.

۱۵۷. کسروی، سیداحمد، *بابی‌گری*، تهران: کتاب فروشی پایدار، [بی‌تا].
۱۵۸. کسروی، سیداحمد، *بهائی‌گری*، چاپ دوم، تهران: بنگاه مطبوعاتی فرخی، ۱۳۴۴.
۱۵۹. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ق.
۱۶۰. کوهستانی نژاد، مسعود، *روحانیت بهائیان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۶۱. الگار، حامد، *دین و دولت در ایران*، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۶۹.
۱۶۲. گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، *تاریخ ۴ (ایران در دوره معاصر)*، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۴.
۱۶۳. گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، *روحانیت و اسرار فاش نشده*، قم: دارالفکر، ۱۳۵۸.
۱۶۴. گنجی، محمدحسن، *اطلس کامل گیتاشناسی*، چاپ نهم، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۶۸.
۱۶۵. گوستاولوبون، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه مطبوعات علی اکبر علمی، ۱۳۳۴.
۱۶۶. لاکهارت، لارنس، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۶۷. لوی، حبیب، *تاریخ جامعه یهودیان ایران*، تهران: کتاب‌فروشی یهود ابروخیم، ۱۳۷۶.
۱۶۸. الّهیاری، احمد، *بهائیان در عصر پهلوی*، تهران: کیهان، ۱۳۸۷.
۱۶۹. م، ع، *جمال ابهی*، تهران: جهان، چاپ حکمت، ۱۳۴۸.
۱۷۰. مازندرانی، ابن شهر آشوب، *مناقب*، قم: علامه، ۱۳۷۹.

۱۷۱. متقی، ابراهیم، *مداخله‌گرایی و گسترش (تحولات سیاست خارجی آمریکا)*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد، ۱۳۷۶.
۱۷۲. مجلسی، محمدباقرین محمدتقی، *بحارالانوار*، چاپ سوم، بیروت: دارالوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۷۳. مجموعه نویسندگان، *تحولات روابط ایران و آمریکا*، «ویژه‌نامه یاد نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، سال سیزدهم، شماره‌های ۵۲-۵۱، پائیز و زمستان ۱۳۷۷.
۱۷۴. محمدی اشتهاردی، محمد، *ارمغان استعمار*، قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۵۴.
۱۷۵. محمدی اشتهاردی، محمد، *بابی‌گری و بهائی‌گری*، چاپ دوم، قم: گلستان ادب، ۱۳۸۳.
۱۷۶. محمدی، مینا، *جغرافیای کامل کشورهای جهان*، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۷۲.
۱۷۷. محیط طباطبائی، سید محمد، *ماهنامه گوهر*، سال چهارم شماره ۷، مسلسل ۴۳.
۱۷۸. مدرس تبریزی (خیابانی)، میرزا محمدعلی، *ریحانه الادب*، تهران: خیام، ۱۳۲۶.
۱۷۹. مدنی، سیدجلال‌الدین، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.
۱۸۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *نقش بهائیت در فتنه ۸۸*، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.

۱۸۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، *عالم جاودان، یاران امام به روایت اسناد ساواک (استاد شهید مرتضی مطهری، کتاب سی و یکم)*، چاپ اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲.
۱۸۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، *میلانی به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.
۱۸۳. مسیری، عبدالوهاب محمد، *گفتمان صهیونیستی (پژوهشی نظری مقایسه‌ای)*، ترجمه سیدمرتضی حسینی فاضل، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
۱۸۴. مشکور، محمدجواد، *تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه*، تهران: اشراقی، ۱۳۶۳.
۱۸۵. مشکور، محمدجواد، *فرهنگ فرق و مذاهب اسلامی*، چاپ ششم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۱۸۶. مصور رحمانی، غلامرضا، *کهنه سریاز*، تهران: رسا، ۱۳۶۶.
۱۸۷. مطهری، مرتضی، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۰.
۱۸۸. مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۸۹. مطهری، مرتضی، *نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر*، تهران: صدرا، ۱۳۹۸ ق.
۱۹۰. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، *دفتر ۳۶*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۱۹۱. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۹۲. مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله*، چاپ چهارم، تهران: علمی، ۱۳۷۴.

۱۹۳. ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ سوم، تهران: علمی، ۱۳۷۱.
۱۹۴. ملکی تبریزی، میرزا جواد، *ترجمه المراقبات*، چاپ سوم، قم: موسسه الاعتصام، ۱۴۱۶ق.
۱۹۵. منصورى، جواد، *۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران*، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۹۶. موثقی، سیداحمد، *استراتژی وحدت*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۹۷. موثقی، سیداحمد، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۹۸. موثقی، سیداحمد، *سید جمال‌الدین اسدآبادی، مصلحی متفکر و سیاست‌مدار*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
۱۹۹. موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، *تاریخ معاصر ایران، کتاب اول (مجموعه مقالات)*، اسناد منتشر نشده از مسئله هرات و افغانستان، چاپ دوم، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۰۰. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *اسناد لانه جاسوسی*، شماره ۳۷۷، تهران: دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۲۰۱. موسوی بجنوردی، سیدکاظم، *اسلام، پژوهش تاریخی و فرهنگی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۰۲. موسوی بجنوردی، سیدکاظم، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.

۲۰۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، چاپ هفتم، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۰۴. میلانی، عباس، *تجدّد و تجدّد ستیزی در ایران*، تهران: آینه، ۱۳۷۸.
۲۰۵. نجفی، سید محمد باقر، *بهائیان*، چاپ اول، تهران: کتابخانه ظهوری، ۱۳۹۹ق.
۲۰۶. نصیری، محمدرضا، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره افشاریه*، گیلان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۲۰۷. نفیسی، سعید، *ایران در دوره معاصر*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۰۸. نمازی، شیخ علی، *مستدرک سفینه البحار*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۰۹ق.
۲۰۹. نوائی، عبدالحسین، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: بابک، پهلوی ۲۵۳۵.
۲۱۰. نوائی، عبدالحسین، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
۲۱۱. نوری، میرزا حسینعلی، *کتاب مبین*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع ۱۲، ۱۳۰۸ق.
۲۱۲. نوری، میرزا حسینعلی، *مائده آسمانی*، تألیف: عبدالحمید اشراق‌خاوری، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع ۱۲۹.
۲۱۳. نوری، محمد تقی، *اشرف التواریخ*، تحقیق: سوسن اصیلی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
۲۱۴. والی‌زاده معجزی، محمدرضا، *تاریخ لرستان روزگار قاجار*، چاپ اول، تهران: حروفیه، ۱۳۸۰.



۲۱۵. وامقی، ایرج، مجله نشر دانش، *گنجینه غارت شده*، سال پنجم، شماره ۵ و ۲۹، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۲۱۶. الویری، محسن، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۲۱۷. هاردینگ، سیرآرتور، *خاطرات سیاسی*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
۲۱۸. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، *امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار*، چاپ دوازدهم، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳.
۲۱۹. هانتینگتون، ساموئل، *تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*، ترجمه مینو احمدسرتیب، تهران: کتابسرا، ۱۳۸۰.
۲۲۰. همایون کاتوزیان، محمدعلی، *مصلحت و نبرد قدرت در ایران*، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: رسا، ۱۳۷۲.

### نشریات و سایت

۲۲۷. آهنگ بدیع، شماره ۹، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱۷.
۲۲۸. خبرنامه فرهنگی اجتماعی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۹۴۹، سال ۱۳۸۶.
۲۲۹. روزنامه «ایران».
۲۳۰. روزنامه «جمهوری اسلامی».
۲۳۱. روزنامه «قدس».
۲۳۲. سایت جهان امروز [www.jahannews.com](http://www.jahannews.com).
۲۳۳. سایت رجا نیوز [www.rajanews.com](http://www.rajanews.com).
۲۳۴. سایت مهر نیوز [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com).
۲۳۵. فصلنامه اسناد مطبوعات ایران، شماره ۲۳-۲۴، پائیز ۱۳۸۱.

۲۳۶. فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، پائیز ۱۳۹۱.
۲۳۷. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۳۸۲.
۲۳۸. فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴.
۲۳۹. فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۹، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پاییز ۱۳۸۴.
۲۴۰. گنجینه اسناد، تهران: شماره ۲۳ و ۲۴، پائیز ۱۳۷۵.
۲۴۱. مجله اخبار امری، شماره ۱۰، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، دی‌ماه ۱۳۴۰.
۲۴۲. نشریه فرهنگستان علوم، فرهنگستان علوم و معارف اسلامی، تهران.